

## نگاهی به کتاب روابط جمهوری کردستان و آذربایجان

چند وقتی است که احزاب و ناسیونالیست‌های افراطی اکراد در پی جعل تاریخ و مهیا نمودن زمینه تشکیل کردستان کدایی در سرزمین تاریخی آذربایجان، به جعل تاریخ و ترجمه مغرضانه برخی از کتب پرداخته‌اند. از جمله می‌توان به کتاب تاریخ مهاباد که نویسنده آن دبیر ورزش کرد می‌باشد که به جعلیات آن از سوی نویسندگان و تاریخ‌نگران شهرستان نرده جواب علمی داده شده است، کردستان مکریان (که جوابیه قاطعی نیز بر این کتاب غیر علمی داده شده است) و اکنون نیز می‌توان به کتاب مزبور (روابط جمهوری کردستان و آذربایجان) اشاره کرد. این کتاب که در همان صفحه اول آن جعل صورت گرفته و با کمال غرض‌ورزی در روی جلد کتاب کلمه کردستان را بزرگتر و بالاتر از کلمه آذربایجان و کلمه آذربایجان را به شکلی نوشته‌اند که توهین و اهانت از تکنیک به کار رفته در آن مشهود است که این اهانت نیز لایق مترجمین و ناشرین آن می‌باشد. این کار همانند کارهای ناجوانمردانه‌ای است که زمانی ارامنه دانشناک بر علیه ترک‌ها و آذربایجانی‌ها انجام می‌دادند و اکنون برخی از اکراد مغرض همان اعمال را تکرار می‌کنند.

در قسمت بالایی پشت اولین صفحه کتاب عبارت «پژوهشی پیرامون روابط جمهوری مهاباد (کردستان) و جمهوری دمکرات آذربایجان، همکاری تیره و تاثیر آن بر جمهوری مهاباد (کردستان) 1946» آمده و در پایین آن نیز عبارت «گزارش سمیناری ارائه شده به دکتر جان رودی، جهت اخذ درجه مدرنیزاسیون در دنیای اسلام از دانشگاه جرج تاون» و در پایین آن هم مشخصات زیر داده شده است:

«نویسنده: ریچارد. آ. موبلی - واشنگتن، دی سی - مه 1979 - ترجمه از انگلیسی به کردی: حسن قاضی - با مقدمه‌ای از دکتر صلاح‌الدین خدیو

ترجمه به فارسی: اسماعیل بختیاری» 116 صفحه، عکس موضوع: تاریخ - سیاست - کردهای ایران - آذربایجان ایران 1946-1945

و در پایین تر از این کادر مشخصات ناشیانه زیر داده شده است:

«سری: نام کتاب: روابط جمهوری کردستان و جمهوری آذربایجان 1945-1946

نویسنده: ریچارد. آ. موبلی - ترجمه به کردی: حسن قاضی - ترجمه به فارسی: اسماعیل بختیاری - مونتاز: رینوار

چاپ: 2008 - چاپخانه شقان - سلیمانیه [البته بهتر بود می‌نوشتند مهاباد ولی شما بخوانید شقان]. تیراژ: 1200 جلد - شماره ثبت: 1426»  
با این اوصاف جعل و تحریف از سرو روی این به اصطلاح کتاب می‌بارد. البته ما قبل از این شاهد ترجمه به کردی این اثر در یکی از نشریه‌های کردی بودیم و امیدوار بودیم تا کسی اصل این کتاب را پیدا کرده و به بررسی آن بپردازد تا بتوانیم تحریفات انکار ناپذیر را که جزء لاینفک کار و فعالیت به ظاهر فرهنگی و سیاسی برخی از نویسندگان و مترجمین کرد زبان می‌باشد روشن سازیم. ولی تحریفات ناشیانه مترجمین در ابتدای کتاب چنان مشهود است که انسان را به یاد آن درس از کتاب عربی می‌اندازد که در آن مادری فرزند دانش آموز خود را هنگام دعا کردن بر سر نماز مشاهده می‌کند و مادر از نحوه دعا کردن فرزند متعجب می‌شود. گویا دانش آموز مزبور دعایی شبیه به این می‌خواند: ای خدا پاریس را پایتخت انگلستان و لندن را پایتخت روسیه قرار بده و مادر بعد از شنیدن این دعا از پرسش پرسید: پسرم این چه دعایی است؟ پرسش در پاسخ گفت: آخه مادر عزیزم، من به سوالات امتحانی بدین شکل پاسخ داده‌ام!

بله، مترجمین مزبور نیز در امتحان تحریف واقعیات و اظهار نوری خود به دشمنان این مرز و بوم و شاید در ذکر آرزوهای کودکانه خود بدین شکل به انشا و امتحان مربوط به موضوع آذربایجان و مهاباد پرداخته‌اند و صد البته آرزو برای کودک‌اندیشان حرام/اجرم نیست!

با نگاه به متن روی جلد و همچنین با نگاه کردن به مطلب پشت صفحه مشخص می‌شود که مترجم چنین آرزو می‌کند ای کاش به جای جمهوری «مهاباد» [البته سویوق بولاق/اسواج بلاق تاریخی] نویسنده مزبور اکراد توسعه طلب را درک می‌کرده و «کردستان» می‌نوشت، تا شاید مترجم مربوطه تا حدودی در تعبیر خواب کودکانه خود دچار مشکل نمی‌شد! البته در داخل کادر نیز مترجمین به جای نوشتن کلمه آذربایجان بهتر دیدند به جای آن نقطه چین (...) قرار دهند چون در صورت نوشتن کلمه آذربایجان با کمبود کاغذ مواجه می‌شدند و در راستای چاپ جعلیات تاریخی خود به مشکل بر می‌خوردند!

همانطوری که از متن نوشته شده در بالای صفحه دوم کتاب بر می‌آید، می‌بایست نام به اصطلاح کتاب یا بهتر بگوییم تحقیق چنین می‌بود: «پژوهشی پیرامون روابط جمهوری مهاباد و جمهوری دمکرات آذربایجان، همکاری تیره و تاثیر آن بر جمهوری مهاباد 1946». حال می‌توان به عمق اهداف این آقایان پی برد. که در همه جای کتاب فقدان وجود کلمه کردستان به مانند عقده‌ای ناگشوده‌ای آقایان را رنج می‌دهد و ایشان برای اینکه تاثیرات روحی منفی این فقدان گریبان‌گیر سایر اکراد توسعه طلب تروریست نگر در اقدام به جعل، این مشکل حل نشدنی را به خیال خود رفع نموده‌اند!!!

کرمانشاهان، به عبارت دیگر شهرها و مناطق داخل در "آذربایجان ائنتیک"؛ و دیگری شهرها و مناطق فعلا کردنشین استانهای مذکور و به عبارت دیگر مناطق خارج از آذربایجان ائنتیک اما داخل در "آذربایجان تاریخی" تشکیل می شود. اما بنظر می رسد استفاده و در واقع سوء استفاده کردن از داده های منابع تاریخی جهت ساختن پیشینه کردستانی برای مناطق آذربایجانی، روشی چندان مولد و زا یا نباشد. زیرا اگرچه در برخی از منابع تاریخی، شماری از مناطق مورد ادعائی نقشه کردستان بزرگ، "کردنشین" نشان داده می شوند و گاه حتی کردستان نیز نامیده می شوند، اما در منابع تاریخی مذکور همه آن مناطق کردنشین - حتی اگر "کردستان" نامیده شده باشند نیز - جزئی از جغرافیای آذربایجان قلمداد می گردند.

غور در منابع تاریخی دوره اسلامی نشان می دهد که در آن دوره نه تنها همه مناطق ترک نشین استانهای امروزی همدان، کردستان و کرمانشاهان امروزی (و یا آذربایجان ائنتیک) بخشی از جغرافیای تاریخی آذربایجان بوده است، بلکه مناطق فعلا کردنشین این چهار استان نیز (در مورد استان کرمانشاهان نیمه شمالی آن)، تاریخی بخشی از جغرافیای آذربایجان شمرده می شده است. علاوه بر آن، در متون تاریخی دوره اسلامی، بخش عظیمی از مناطق کردنشین عراق، سوریه و ترکیه نیز در جغرافیای تاریخی آذربایجان قلمداد شده اند.

منابع اسلامی به تعلق نواحی کردنشین و کردستانی امروز در محدوده تاریخی سرزمین آذربایجان به دو روش زیر اشاره می کنند:

الف - ذکر مستقیماً نام شهرها و مراکز جمعیتی در حال حاضر کردنشین به عنوان شهرها و مراکز جمعیتی داخل در آذربایجان: چنانچه در این منابع مراکز جمعیتی فعلا کردنشین واقع در استان آذربایجان غربی مانند اوشنو (اشنویه، در جنوب استان آذربایجان غربی، نزدیک مرز عراق)، ساوجبلاق (مهاباد، در جنوب استان آذربایجان غربی)؛ و مراکز جمعیتی فعلا کردنشین واقع در استانهای کردستان و کرمانشاهان مانند برزه (سقز، در شمال غرب استان کردستان)، جوذمه (در شهرستان سقز، شمال استان کردستان)، سیسر (سنه، سنندج؛ در جنوب استان کردستان)، ماینهرج (در شهرستان دینور، شرق استان کرمانشاهان) را نیز جزئی از آذربایجان دانسته اند. بویژه تاکید مکرر منابع اسلامی بر آذربایجانی بودن ماینهرج در استان کرمانشاه، سقز در غرب استان کردستان و اوشنو در مرز عراق در ترسیم مرزهای منتهی الیه جنوب غربی آذربایجان، بویژه دارای اهمیت است.

ب - ذکر نام شهرها و مناطق کردنشین به عنوان حدود جنوبی آذربایجان و به طور تلویحی آذربایجانی شمردن نواحی شمالی این حدود: منابع دوره اسلامی به هنگام ترسیم حدود جنوبی و جنوب غربی سرزمین آذربایجان، این حدود را با بکار بردن تعبیراتی مانند "نا حدود دینور"

موضوعی که تاکنون به صورت جدی بدان پرداخته نشده است موضوع مشروعیت تاریخی و سیاسی کاربرد واژه کردستان براساس اسناد تاریخی در کشورمان می باشد. آیا اکراد مهاجری که در قسمت جنوب غربی استان آذربایجان غربی اسکان یافته اند همانند ارامنه دانشناک موجود در سرزمین مقدس [به خاطر مساجد و امامزاده های موجود در آن] و تاریخی قره باغ آذربایجان و نیز همانند یهودی های صهیون موجود در سرزمین مقدس فلسطین و نیز به مانند سایر همزبانان تمامیت خواه کرد غاصب در کرکوک - که با اتکا به قدرت های غربی ترکمن ها و عرب ها را از سرزمین تاریخی خود رانده اند - می خواهند دسیسه جدیدی را پایه ریزی کنند و در این راه از هیچ حیل و نیرنگی حتی در زمینه دست یازی به جعل در ترجمه متون تحقیقی کشورهای غربی - که همیشه نگاه خصمانه ای به تمامیت کشور ما داشته اند - مضایقه نموده اند. ولی شایسته است جوان ترک آذربایجانی به جای جواب دادن به جعلیات تاریخی اکراد تجزیه طلب، خود حدود آذربایجان را آن طور که بوده و در اسناد تاریخی آمده است بنویسد تا جسارت کودکانه اکراد فزونی نیابد. برای این کار ما بهتر دیدیم موارد جالب و علمی را - البته با کمی تغییر و تکمیل - که آقای مهران بهاری در ویلاگ سؤزوموز در جواب اکراد تجزیه طلب ارائه نموده اند در زیر آوریم تا رهگشایی بر تالیف تاریخ حقیقی ترک های آذربایجان و اقلیت مهاجر کرد موجود در آن باشد و بعد از این حافظه صحیح تاریخی به سراغ نقد جای جای کتاب مزبور پرداخته شود. [البته در صورت بدست آمدن نسخه انگلیسی کتاب، الله اعلم، شاید هم وجود خارجی نداشته باد و یا اگر هم وجود داشته باشد ما که مثل برخی از کردهای وطن فروش رابطه امان با آمریکا خوب نیست تا آنها نسخه اصلی را در اختیار ما قرار دهند!!!!]

« تاکنون مطالب بسیاری در باره مرزهای شمالی آذربایجان در قفقاز و روسیه جنوبی نگاشته شده است. اما در باره مرزهای جنوب شرقی آذربایجان در جوار مناطق فارس نشین مرکز و شرق ایران، جنوب آن در جوار مناطق لرنشین و لک نشین، جنوب غربی آذربایجان در جوار مناطق کرد نشین ایران و عراق، و غرب آن در داخل ترکیه و در جوار دریای سیاه مطالب تحقیقی نگاشته نشده است. این نوشته به یکی از مرزهای مذکور یعنی مرزهای جنوب غربی آذربایجان و یا مساله "بخشهای کردنشین موجود در جغرافیای تاریخی آذربایجان دوره اسلامی" می پردازد.

اکنون مدتهاست که ناسیونالیستهای افراطی کرد در نقشه های [کذایی] "کردستان بزرگ"، با تحریفات مسلم تاریخی و جغرافیائی بخشهای بسیار وسیعی از آذربایجان را نیز داخل می کنند. این بخشهای آذربایجانی به نادرستی داخل گردیده در نقشه های کردستان بزرگ، از دو قسمت شهرها و مناطق ترک نشین استانهای همدان، کردستان و

کشیدند و مردم را در آن جای دادند و رستاق ماینهرج را از دینور؛ و رستاق جوذمه را از آذربایجان، از کوره برزّه؛ و رستاق (رستاق) خانینجر را به آن پیوستند و از جمع این رستاقها کوره‌ای پدید آمد و مالیات آن به سیسر تعلق گرفت. منبع: فتوح البلدان، بلاذری، ترجمه: محمد توکل، چاپ اول، نقره، (ص ۳۱۸)

ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق الهمدانی معروف به ابن فقیه، کتاب البلدان، (کتابت ۲۹۱ قمری، ۹۰۳ میلادی)

ابن فقیه همدانی جغرافی دان آذربایجان سده سوم قمری و صاحب کتاب البلدان و کتاب ذکر الشعراء المحدثین و البلغاء منهم و الْمُفَحَّمین است. وی ماینهرج [۳] در استان کرمانشاه و برزّه (سقز) [۴] در شمال غرب استان کردستان را جزء شهرهای آذربایجان شمرده است.

ابن فقیه شهرهای آذربایجان را چنین ذکر می کند: "جنزّه (گنجک، گنژک)، جابروان، ارومیه (شهر زردشت)، شیز (در آن آتشکده آذرگشنسب واقع شده که در نزد مجوس گرانقدر است) [به ترکی سوغورلوق]، سلق، سندبایا، بد، ماینهرج و ارم." و سپس اضافه می کند: "و از شهرهای آن [آذربایجان] است برکری، سلماس، موقان، خوی، ورتان، بیلقان، مراغه، تبریز، تبریز و حد دیگر آن از سوی مشرق، به شهرهای دیلمستان و طرم و گیلان پیوسته است. ... و از شهرهای ایشان است برزّه [به ترکی ساققیز]، شاپور خواست [قوشاچای = میاندو آب]، خونه، میانه، مرند، خوی، کولسره، برزند و ... از برزند تا ورتان که پایان قلمرو آذربایجان است، دوازده فرسنگ است." منبع: ابوبکر محمد بن الحاق همدانی، ابن فقیه، ترجمه مختصر البلدان (بخش مربوط به ایران)، ترجمه ح. مسعود، تهران، بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۹.

ابوالقاسم عیباله بن عبدالله (ابن خردادبه)، کتاب المسالک و الممالک، (۳۰۰-۲۱۱ قمری، ۸۲۶-۹۱۲ میلادی)

ابوالقاسم عیباله بن عبدالله، مشهور به ابن خردادبه و یا ابن خردادبه به دوران واثق خلیفه عباسی در ایالت جبال به مقام "صاحب برید و خیر" (خبرگزاری آن روزگار) رسیده بود. وی از شهرها و رستاقهای مملکت آذربایجان در دوره اسلامی فهرستی به دست داده است. در فهرست وی، نام شهرهایی از قفقاز در جمهوری آذربایجان فعلی (ورتان، باجروان، موقان، گنجه، ...) و برخی شهرهای استانهای کردستان و کرمانشاهان امروزی مانند سیسر = سنندج (در استان کردستان فعلی)، برزّه = سقز (در استان کردستان فعلی)، ماینهرج (در استان کرمانشاهان)، ... به عنوان شهرهای آذربایجان داده شده اند.

ابن خردادبه شهرهای آذربایجان را چنین بر می شمارد: "ورتان، باجروان، مراغه، میانج (میانه)، اردبیل، سیسر [سنندج]، برزّه [سقز]، ساپرخاست (شاپور خاست) [میاندو آب = قوشاچای]، تبریز، مرند، خوی، کولسره، موقان (مغان)، لشکله، برزند، جنزّه (گنجک، گنجه) که

(در شرق استان کرمانشاهان) "و حلوان" (در غرب استان کرمانشاهان نزدیک مرز عراق)، "شهرزور" (در شمال شرقی سلیمانیه در خاک عراق، نزدیک مرز ایران و عراق، مقابل شهرستان مریوان در جنوب غربی استان کردستان)، "قرب دجله" (در عراق و ترکیه، این رود شمال عراق را به دو نیمه تقریباً عمودی مساوی تقسیم می کند)، "اندکی از جزیره" (شمال بین النهرین، غرب دجله) و ... مشخص می کنند.

با توجه به دو دسته از اطلاعات داده شده توسط منابع اسلامی (شهرهای آذربایجان و حدود جنوبی آذربایجان) می توان به این نتیجه کلی رسید که منابع دوره اسلامی، نوعاً مناطق کردنشین استان آذربایجان غربی (اشنویه)، همه استان اردلان [کردستان فعلی] (سقز، جوذمه، سنندج)، شمال استان کرمانشاهان (شمال دینور - حلوان)، تقریباً کل ناحیه کردنشین عراق از شهرزور تا موصل یعنی همه نواحی شرق دجله در جزیره (بین النهرین شمالی) به همراه اندکی از نواحی غرب دجله در همان منطقه (کل دیار ربیع)، و بخش اعظم ناحیه کردنشین ترکیه (بخشهایی از دیار بکر) و سوریه (دیار مضر) را نیز در قلمرو سرزمین آذربایجان به حساب آورده اند. به عبارت دیگر در منابع دوره اسلامی تقریباً همه منطقه کردنشین خاورمیانه، چه در ایران و چه در عراق و ترکیه و سوریه - حتی اگر بخشهایی از آن در آن دوره نیز کردستان نامیده شده باشد - در داخل جغرافیای آذربایجان قلمداد گردیده است.

در زیر برخی از داده های منابع دوره اسلامی در این مورد نقل شده است. به هنگام نقل این داده ها، تنها بر شهرهای فعلاً کردنشین و یا کردستانی مانند سقز، سنندج، دینور، حلوان، ماینهرج، شهرزور، موصل، ... متمرکز شده ام و شهرهای متعدد ترک نشین و آذربایجانی ذکر شده در منابع اسلامی که کوچکترین شک و بحثی در باره ترک و آذربایجانی بودن آنها وجود ندارد (خوی، سلماس، ارومیه، ساپرخاست = میاندو آب = قوشاچای، صائین قلعه، شیز = تخت سلیمان = سوغورلوق، برکری، تبریز، سلق، جابروان و ...) مدنظر نبوده اند: فتوح البلدان، احمد بن یحیی بلاذری (متوفای ۲۷۹ هجری قمری، ۸۹۲ میلادی)

بلاذری در کتاب فتوح البلدان "جوذمه" [۱] در کوره برزّه (سقز) و به طریق اولی برزّه (سقز) را جزئی از آذربایجان دانسته است. همچنین به گفته وی ناحیه "سیسر" [۲] و یا سنندج حد آذربایجان و دینور بوده است.

عباس زریاب خویی در مقاله آذربایجان می گوید: به گفته بلاذری سیسر چراگاه چارپایان کردان و دیگران بود. در زمان مهدی عباسی این ناحیه که حد آذربایجان و دینور و همدان بود پناهگاه راهزنان شد. مهدی فرمان داد تا در آن موضع شهری بنا کنند که پناهگاه و حصن در برابر دزدان باشد. عاملان مهدی شهر سیسر را ساختند و به دور آن بارویی

جمهوری آذربایجان در قفقاز جنوبی را در میان شهرهای مهم ولایت آذربایجان شمرده است. او همچنین شهر فعلا کردنشین اشنو (اشنویه) را شهری آذربایجانی دانسته و در میان شهرهای آذربایجان ذکر کرده است. بنا به وی شهرهای آذربایجان عبارتند از: "اردبیل، مراغه، ارومیه، اشنه (اشنویه)، کورسره (کولسره)، میانج (میانه)، خونج (خونه)، داخرقان (دهخوارقان)، خوی، سلماس، مرند، تبریز، برزند، ورتان، موقان (مغان)، بیلقان، جابروان، اهر، سره (سراب)، ورزقان، برکری و غیره".

وی از او شنو با صفت "اشنو آذریه" (اشنوی آذربایجان) یاد کرده می گوید: «داخرقان و تبریز تا اشنه آذریه و دور و بر آن به بنی ردینی شناخته می شود که از متصرفات و املاک ایشان بوده است و در سایه قدرت سلطان از گزند اعتراضات (تعذیات) دور بود تا آنکه زمانه تباه گردید و سلطان هلاک شد و همسایگان تعدی کردند و به دست زورگویان افتاد. آل ردینی از عرب بودند که روزگار، ایشان را بر باد داد و آثارشان را از میان برد و از اخبار ایشان کمی بر جای گذاشت» (ص ۳۳۷).

صفت «آذریه» که ابن حوقل و همچنین اصطخری به «اشنه» داده اند به جهت واقع شدن این شهر در سرزمین آذربایجان بوده است. آنها با آوردن صفت آذریه قصد تاکید بر این واقعیت را داشته اند که شهر اشنه جزء آذربایجان است، نه نواحی همسایه اش یعنی آدیابن (شامل ارییل و موصل). منبع: محمد، ابن حوقل، سفرنامه ابن حوقل (ایران در صوره الارض)، ترجمه و توضیح جعفر شعار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶ مؤلف ناشناخته، کتاب حدودالعالم من المشرق الی المغرب، (تألیف ۳۷۲ قمری، ۹۸۲ میلادی):

مؤلف ناشناخته کتاب حدودالعالم من المشرق الی المغرب از کتابهای کلاسیک جغرافیایی به زبان فارسی، حدود ناحیت ویا مملکت آذربایجان را در شمال محدود و مجاور به روس، خزران و سریر (در قفقاز شمالی و روسیه جنوبی)، در غرب روم (در ترکیه مرکزی)، در جنوب غربی جزیره [۷] (بین النهرین شمالی، شامل بر مناطق کردی شمال عراق، شرق سوریه و جنوب ترکیه) و عراق عجم و عرب دانسته است.

وی می گوید: "مشرق این ناحیت [آذربایجان] حدود گیلان است. و جنوب وی حدود عراق است و جزیره. و مغرب وی حدود روم است و سریر. و شمال وی حدود روس است و خزران. و این جایهاست بسیار، با نعمت ترین ناحیهاست اندر اسلام و ناحیتت آبادان و با نعمت بسیار و آبهای روان و میوه های نیکو و جایگاه بازرگانان و غازیان... منبع: حدود العالم من المشرق الی المغرب، تهران، ۱۳۴۰، به کوشش منوچهر ستوده، با مقدمه بارتولد، چاپ دانشگاه تهران، ص ۱۵۷-۱۵۹ تاریخ قم، ترجمه حسن بن محمد بن حسن قمی (تألیف ۳۷۸ قمری، ۹۸۸ میلادی)

شهر ابرویز (پرویز) است، جابروان، نیز، ارومیه (شهر زردشت)، سلماس، شیز که در آن آتشکده آذرگشنس (آذرگشنسپ) قرار دارد و نزد زردشتیان دارای ارج والایی است و اگر پادشاهی به قدرت رسید پای پیاده از مدائن قصد زیارت آن آتشکده کند... رستاقها: روستای سَلَق (سَلَق) و روستای سِنْدَبَا (سندبابا) و بَدَ (بَد) و روستای اَرْم (ارم، اَرْم) و بلوانکر (بلوانکرج، بلوانکرج)، روستای سره (سراب) و دسکیاور و روستای ماینهرج از روستاهای ناحیه آذربایجان است. منبع: المسالک و الممالک، ابن خردادبه، ترجمه: حسین قره جانلو، چاپ اول، نشر نو، ۱۳۷۰ (۱۱۹-۱۲۰)

ابواسحق ابراهیم اصطخری، کتاب المسالک و الممالک، (۳۴۰ قمری، ۹۵۱ میلادی)

ابواسحق ابراهیم اصطخری از جهانگردان و جغرافی نگاران معروف قرن های سوم و چهارم هجری قمری، در کتاب المسالک و الممالک خود فصلی تحت عنوان «ذکر ارمنیه و اران و آذربایجان» دارد. وی در این فصل شهرهای نخجوان و ورتان از جمهوری آذربایجان واقع در قفقاز جنوبی و شهر در حال حاضر کردنشین اشنویه (در جنوب استان آذربایجان غربی در مرز عراق) را از شهرهای ولایت آذربایجان دانسته است. وی شهرهای آذربایجان را چنین برمی شمارد: اردویل (اردبیل)، مراغه، اَرْمیه (ارومیه)، میانه و خونه (خانه، خونج)، بروانان، اوجان (اوجن)، دیرخقان (داخرگان، دهخوارگان، دهخوارقان، آذر شهر فعلی)، سلماس، خوی، برکری، نشوی (نخجوان)، مرند، تبریز، برزند، ورتان، موقان، جابروان و اشنه (اشنو، اشنویه فعلی).

به نوشته وی حدود آذربایجان در جنوب تا ناحیه دینور [۵] (در شرق استان کرمانشاهان) و حلوان [۶] (در غرب استان کرمانشاهان نزدیک مرز عراق)، شهرزور [۷] (در استان سلیمانیه عراق)، تا دجله (در عراق و ترکیه) و ارمنیه بوده است: "حدود آذربایجان" از تارم (طارم) تا حدود زنگان تا دینور تا حلوان تا شهر زور تا دجله و به حدود ارمنیه باز گردد". منبع: ابواسحق ابراهیم، اصطخری، المسالک و الممالک، به اهتمام ایرج افشار، تهران علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸

با این وصف اصطخری همه استان کردستان [فعلی] و نیمه شمالی استان کرمانشاهان (شمال دینور - حلوان) به علاوه تقریباً همه کردستان عراق و بخش اعظم ناحیه کردنشین ترکیه را جزئی از آذربایجان شمرده است. ابن حوقل بغدادی، کتاب صوره الارض، (تألیف ۳۶۷ قمری، ۹۷۷ میلادی)

عرب ابن حوقل بغدادی جهانگرد و جغرافی دان که مدتی در ولایات آذربایجان و ارمنیه و اران به سیاحت پرداخته در کتاب «صوره الارض» خود، این ولایات را به لحاظ اداری یک اقلیم شمرده و آنها را در یک فصل مورد بررسی قرار داده است. وی شهرهای ورتان، موقان، بیلقان از

دجله قرار دارد به معنی آذربایجانی دانستن همه سرزمین شرق دجله تا مرز ایران یعنی تقریباً کل کردستان عراق می باشد. یاقوت حموی رومی، کتاب معجم البلدان، (متوفی ۶۲۳ قمری، ۱۲۲۶ میلادی)

یاقوت حموی رومی از نویسندگان و تاریخ نگاران جغرافی نویسن بنام قرن هفتم هجری در کتاب معجم البلدان و در کتاب دیگر خود «برگزیده مشترک» شهر فعلا کردنشین اوشنو (اشنویه) و جوذمه در شهرستان سقز استان فعلی کردستان را واقع در آذربایجان دانسته است. یاقوت در ذیل «اشنه» می گوید: من خود آن شهر را دیده ام که در طرف آذربایجان واقع است از سوی «اربل»، میان آن و ارومیه دوروزه راه و میان آن و اربل پنج روزه راه است. او اربل را از اعمال موصل - که طبق برخی منابع باستانی داخل در سرزمین آذربایجان قلمداد شده - شمرده است. (۲۸۴-۱). وی در باره جوذمه نیز می گوید که رستاقی از رستاقهای آذربایجان در جبل است: "جوذمه بالمیم، رستاق من رستاقی از آذربایجان فی الجبل". بنا بر این وی بخشی از جبل در ایران مرکزی را نیز جزئی از آذربایجان شمرده است (ایالت جبال در آن زمان معادل عراق عجم بود).

منبع: ابوعبدالله یاقوت بن عبدالله، یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، (بیروت، دارصادر، ۱۹۵۵ میلادی).

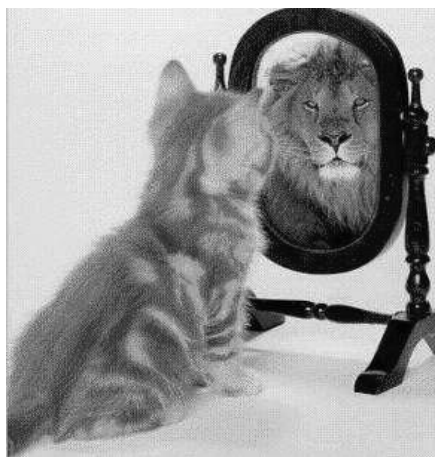
منبع: نام اصلی کتاب برگزیده مشترک به عربی المشترك وضعاً و المفترق ضفعاً است که توسط محمد پروین گنابادی تحت عنوان برگزیده مشترک یاقوت حموی ترجمه و چاپ شده است.

عماد الدین اسمعیل بن محمد بن عمر، المعروف به ابوالفداء، کتاب تقویم البلدان، (تالیف ۷۳۲ قمری - ۱۳۳۱ میلادی)

ابوالفداء مرزهای مملکت آذربایجان در شمال را [تحت نام حدود ولایت آران] دربند قفقاز و تفلیس [پایتخت گرجستان]؛ در جنوب را [تحت نام حدود ولایت آذربایجان] دینور (در شرق استان کرمانشاهان) و حلوان (در غرب استان کرمانشاهان در مرز عراق) و شهرزور (در استان سلیمانیه

عراق)؛ در غرب را اندکی از جزیره و جوار دجله (بین النهرین شمالی، شامل همه مناطق کردنشین شمال عراق و بخش عظیمی از ناحیه کردنشین جنوب شرقی ترکیه)؛ و در شمال غرب را ارمنیه دانسته است.

ابولفداء پیرامون حدود ولایت آذربایجان و ولایت آران چنین می نویسد: "حد شرقی آن [آذربایجان] بلاد دیلم است و حد جنوبی آن عراق عجم یعنی حلوان و اندکی از جزیره". و نیز "حد آران از باب (دربند



مؤلف تاریخ قم، شهر سقز (برزه) در استان کردستان را جزئی از آذربایجان دانسته است. وی از قول شخصی به نام همدانی در "کتاب خود" از آتشی به نام "ماجنسفس" سخن می گوید که "آتش کیخسرو بود به موضع برزه آذربایجان، و انوشروان آن را به شیز [تخت سلیمان، به ترکی سوغورلوق] که اولین موضعی است از مواضع آن ناحیت" نقل کرد.

منبع: مؤلف تاریخ قم، کتاب را به زبان عربی برای صاحب بن عبّاد تألیف کرده است، اما اکنون دسترسی به کتاب به جز از طریق ترجمه پنج باب اول از بیست باب کتاب که در سالهای ۸۰۵ و ۸۰۶ قمری توسط حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی به فارسی ترجمه شده ممکن نیست. (صفحات ۸۸ و ۸۹) محمد بن احمد ابوریحان بیرونی، الآثار الباقیه عن القرون الخالیه (۴۴۰-۳۶۲ قمری، ۹۷۲-۱۰۴۸ میلادی)

عده ای از مورخین اسلامی محل تولد زردشت را در آذربایجان دانسته اند (این ادعا امروزه تقریباً به طور قطعی رد شده است). در این منابع نام سه شهر آذربایجانی برای این امر به پیش رانده شده است. "موصل"، "ری" در شرق آذربایجان و "اورمیه" در غرب آن.

ابوریحان بیرونی از مورخینی است که در باره آذربایجانی بودن زرتشت در کتاب آثار الباقیه عن القرون الخالیه خود سخن گفته است. ابوریحان بیرونی دانشمند برجسته ازبکستانی، در شهر کاش از شهرهای ولایت خوارزم به دنیا آمد. پدرش، ابوجعفر احمد بن علی اندیجانی، اخترشناس دربار دولت تورکی خوارزم شاه در رصدخانه گرگانج بود. بیرونی در کتاب خود الآثار الباقیه عن القرون الخالیه به هنگام صحبت از زرتشت به امتداد حدود آذربایجان تا موصل (ناحیه معروف به آدیابن) توسط رومیان اشاره کرده و می گوید: "سپس زرادشت پسر سفید تومان آذربایجانی آمد..... رومیان مدعی بودند که وی از اهالی موصل است. و گویا بر این سخن افزوده اند که مرزهای آذربایجان تا حدود موصل است." (ثم اتی زرادشت بن سفید تومان الآذربایجانی.... و زعم الروم انه

كان من الموصل ولعلمهم اضافو فی هذا القول حدود آذربایجان الی حدود موصل.....")

آنچه از این گفته استناد می شود این است که رومیان زرتشت را از اهالی موصل دانسته و در این قول حدود آذربایجان را تا به حدود موصل می دانسته اند. این اشاره از جهت جغرافیای تاریخی آذربایجان دارای اهمیت است زیرا موصل شهری در شمال شرقی اقلیم موسوم به کردستان در شمال عراق است و آذربایجانی دانستن این شهر که در ساحل

بیگلربیگی تبریز: در برگیرنده استانهای کنونی آذربایجان، گیلان، زنجان، زور و قزوین.

بیگلربیگی قره باغ: دربرگیرنده گنجه، بردع، برگشاد، لوری و جوانشیر

بیگلربیگی چخورسعد: در برگیرنده ایروان، نخجوان، ماکو، و بایزید  
بیگلربیگی شیروان: در برگیرنده باکو، شماخی، شکلی، شیروان، قویا و سالیان

این بیگلربیگیها که در متون، کتابها و مدارک دولت صفوی به اسم آذربایجان مورد خطاب قرار می گرفتند، تابع والی آذربایجان که از سوی شاهان صفوی منصوب می شد و در تبریز بر تخت مینشست بوده و با مدیریت والیان متعدد که سپهسالار آذربایجان نیز نامیده می شدند اداره می گردیدند.

محمود میرزای قاجار، کتاب «سفینه المحمود»، تالیف ۱۲۴۰ قمری، ۱۸۲۴ میلادی:

محمود میرزای قاجار در کتاب خویش «سفینه المحمود» حدود مملکت آذربایجان را با دقت تمام ترسیم کرده است. وی حدود شمالی آذربایجان شمالی (آذربایجان قفقاز) را به دربند در داغستان روسیه و گرجستان در قفقاز؛ و حدود غربی آذربایجان غربی (آذربایجان ترکیه) را در غرب به ارزروم (ارضروم) در شمال شرق ترکیه می رساند. او شهرهای اوردوباد، ایروان، قره باغ، شکلی، شیروان، دربند، قبه، باکو، بیلقان در قفقاز و همچنین شهر تالش در ساحل دریای خزر، شهر همدان و شهر فعلا کردنشین ساوجبلاق (مهاباد) در شمال غرب ایران را از شهرهای معروف مملکت آذربایجان دانسته است.

وی می گوید: «مملکت آذربایجان و تشخیص ولایات آن: در ابتدایش از رودخانه قیزیل اوزن است و انتهایش به گرجستان متصل، از طرفی به ارزنه الروم و دربند. معروف به چند شهر است، اعظم [آنها] دارالسلطنه تبریز. قصبات و شهرهای معروفش به این تفصیل است: اردبیل، اهر، مشکین، سراب، خلخال، تبریز، مرند، اردوباد، ساوجبلاق، سلماس، خوی، نخجوان، ایروان، گنجه، قره باغ، شکلی، شیروان، دربند، قبه، بادکوبه، تالش، بیلقان، ارومی، صائین قلعه، همدان. اهل آن دیار به صداقت معروفند و اغلب ترک زبانند».

نشریه آجیق سؤز، ژانویه ۱۹۱۸

حدود جنوب غربی آذربایجان و شمول آن بر استانهای کردستان و کرمانشاهان بعدی تا ربع اول قرن بیستم و پیش از روی کار آورده شدن حکومت پهلوی در میان آذربایجانیان امری مبرهن و معلوم بوده هنوز از حافظه ها پاکسازی نشده بود. چنانچه نشریه آجیق سؤز چاپ باکو در سرمقاله مورخ ۱۷ ژانویه ۱۹۱۸ خود که در آن به موضوع آذربایجان ایران پرداخته، حدود جنوب آذربایجان را در استان کرمانشاهان ذکر کرده است. در این مقاله مرزهای تاریخی آذربایجان از کوههای قفقاز

قفقاز) است تا تفلیس، تا نزدیک رود ارس، تا مکانی معروف به حجیران و آذربایجان از حد حجیران است تا حد زنجان، تا حد دینور، تا حلوان و شهر زور و می پیچد تا منتهی به قرب دجله گردد و بر حدود ارمنیه پیوندد. منبع: ابوالفداء تقویم البدان، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹ ص ۳۸۶.

با این وصف وی بخش اعظم مناطق در حال حاضر کردنشین ایران، عراق، سوریه و بخش عظیمی از ناحیه کردنشین جنوب شرقی ترکیه را جزئی از مملکت آذربایجان شمرده است.

حمدالله مستوفی قزوینی، کتاب نزهت القلوب، (تالیف ۷۴۰ قمری، ۱۳۳۹ میلادی)

حمداله مستوفی قزوینی مورخ آذربایجانی مشهور قرن هشتم هجری قمری در کتاب خویش بنام نزه القلوب، حدود مملکت آذربایجان را در شمال پیوسته با گرجستان و ارمن و در جنوب با عراق عجم و کردستان دانسته و شهر فعلا کردنشین اوشنو را جزء آذربایجان، بخشی از تومان خوی و در خارج کردستان شمرده است.

وی می گوید: «بلاد آذربایجان ۹ تومان است، بیست و هفت شهر دارد، در بیشتر مناطق این مملکت هوا سرد و در بعضی مناطق ملایم است، حدودش با ایالت عراق عجم، موغان، گرجستان، ارمن و کردستان پیوسته. طولش از باکو تا خلخال ۹۵ فرسخ، عرضش از بجران تا سیپان ۵۵ فرسخ می باشد.» به گفته وی تومان خوی در آذربایجان شامل چهار شهر خوی، سلماس، ارومیه و اشنویه بوده است.

بنا به حمدالله مستوفی شهرهای آذربایجان عبارتند از: «تبریز، اوجان، طسوج، اردبیل، خلخال، دارمرزین، شاهرود، مشکین، انار، ارجاق، اهر، تکلفه، خیاو، درآورد، قلعه کهران، کلپیر، گیلان فصلون، مردان قم، نوذر، خوی، سلماس، ارومیه، اشنویه، سراو (سراب)، میانج (میانه)، گرمرو، مراغه، دهخوارقان، بسوی، نیلان [لیلان]، مرند، دزمار، زنگیان، زور، کرکر [گرگر]، نخجوان، اردوباد، اجنان، آزاد، ماکویه». منبع: حمدالله مستوفی، نزهت القلوب، به تصحیح گای لسترنج، تهران دنیای کتاب، ۱۳۶۳ صص ۸۵، ۱۰۲)

تقسیمات اداری و کشوری مملکت آذربایجان در عهد صفوی

در کتاب «ماهیت تحولات در آسیای مرکزی و قفقاز» از انتشارات وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، به هنگام اشاره به تقسیمات اداری و کشوری مملکت آذربایجان، شهر در حال حاضر کردنشین بایزید در ترکیه جزء آذربایجان شمرده شده و چنین نوشته شده است:

در دوران صفویه این امپراتوری بزرگ به بیست ایالت تقسیم شده بود. ایالت آذربایجان به مرکزیت تبریز - در عین حال پایتخت ایران - یکی از مهمترین این ایالتها بود و خود به چهار واحد اداری کشوری به نام بیگلربیگی تقسیم میشد.

سیسر در اکثر منابع دوره اسلامی به عنوان شهری از شهرهای آذربایجان ذکر شده است.

[۳]- مای نهرج: "ماینهرج" میان دینور و سیسر (سندج) و در شهرستان دینور در استان کرمانشاهان امروزی واقع است. عده ای این نام را به شکل «مادبهرگ» و به معنی یعنی دیدبان ماد به این اعتبار که اینجا آغاز ناحیه وسیع ماد بوده دانسته اند. ماینهرج در اکثر منابع دوره اسلامی به عنوان شهری از شهرهای آذربایجان ذکر شده است.

[۴]- برزه (سقز): "برزه" بر سر راه مراغه به سیسر (سندج) بوده است. مینورسکی محل برزه را در سقز کنونی حدس زده است. سقز (ساققیز) نام ترکی این شهر بوده به معانی سقز، صمغ، کشمش، مخمر و... است. برزه در اکثر منابع دوره اسلامی به عنوان شهری از شهرهای آذربایجان ذکر شده است.

اصل نوشته بلاذری در باره سیسر چنین است: "سیسر بکسر اوله وبعد الیاء سین آخری و آخره راء بلد متاخم لهمدان قالوا سمی سیسر لآنه فی انخفاض من الأرض بین رؤوس آکام ثلاثین فمعناه ثلاثون رأساً وهی بین همذان وأذربيجان حصنها ومدینتها استحدثت فی أيام الأئمن بن الرشید و فیها عیون کثیرة لا تحصی و کانت تدعی صدخانیة لکثرة عیونها و منابعها ولم تزل سیسر وما والاها مراعی لمواشی الأکراد و غیرهم حتی أنفذ المهدی إليها مولی له یعرف بسلمان بن قیراط وأبوه صاحب الصحراء التی تسمى صحراء قیراط ببغداد ومعه شریک له یعرف بسلام الطیفوری و کانت سیسر مأوس الذعارد فاجتمع فی أیدی سلمان والطیفوری ماشیة کثیرة فکتبا إلى المهدی یعرفانه ذلک فأمرهما ببناء حصن یاویان إلیه مع المواشی التی معهما فبنیا مدینة سیسر وحصنها و سکنها وضم إليها رستاق ماینهرج من الدینور ورستاق الجوزمه من أذربيجان من کورة برزه ورستاق خانینجر فکورت بها الرساتیق وولی علیها عاملاً برأسه إلی أن کان أيام الرشید کثر الذعار بنواحیها فلما کان أيام فتنة الأئمن والمأمون تغلب علیها مره بن أبی مره العجلی ومنع الخوارج فلما استقر أمر المأمون أخذت من ید مره وجعلت فی ضیاع الخلفه وهذا آخر ما وقع لی من خبرها"

[۵]- دینور (دینه ور، دیناور، ماه الکوفه): نام یکی از دهستانهای چهارگانه بخش صحنه شهرستان کرمانشاه در استان کرمانشاهان است. همچنین در دهستان حسن آباد بخش کلیدر شهرستان اهر آذربایجان دهی با همین نام موجود است. در دوره اسلامی از دینور به شکل شهری از توابع جبل که نزدیک قرمیسین (خرمیسین) قرار دارد یاد شده است. لسترنج می نویسد خرابه های شهر دینور در حدود بیست و پنج میلی مغرب کنگاور در حاشیه شمال شرقی دشتی حاصلخیز قرار گرفته و توسط رودخانه دینور که از کوههای باختری کندوله شمالی سر تخت و بخش سنقر و کوههای دهستان خداینده لو سرچشمه گرفته مشروب می شود. تاسیس شهر دینور را که نام آن در مآخذ سریانی به شکل

در شمال تا کرمانشاه در جنوب، تفلیس در غرب و دریای خزر در شرق توصیف می گردد. به عقیده آچیق سوز تقصیر دو پاره شدن مملکت آذربایجان و ملت ترک آذربایجانی به گردن توسعه طلبان روس و طبقه حاکمه ایران بود که با سیاستهای نادرستی که اتخاذ کردند این وضع را پیش آوردند. علاوه بر این به عقیده نویسنده آچیق سوز «این حق طبیعی مسلمانهای جنوب قفقاز بود که قلمرو خود را آذربایجان بنامند» و آرزو کرده بود که «یک روز برادرهایشان در جنوب بتوانند به آنها ملحق شوند» (آچیق سوز، ۱۷ ژانویه ۱۹۱۸)

دکتر حسین آلیاری

دکتر حسین آلیاری با استناد به نگاهشده های جهانگردان و جغرافی نگاران اسلامی نام شهرهای آذربایجان را به شرح ذیل آورده است: «تبریز، اردبیل، مراغه، خنج، ورشان، سیر [سنه]، میانج [میانه]، برزه [جنوب دریاچه ارومیه]، جابروان [جنوب دریاچه ارومیه]، خوی، مرند، گلسره [کولسره] در ۵۳ کیلومتری مراغه در شرق گل تپه، باجروان، برزند [در شمال اردبیل]، سلماس، شیز [گنججک = تحت سلیمان، به ترکی "سوغورلوق"]، سلق [رستاق السلق]، نریز [در مشرق ارومیه]، سندنبابا، سابرخاست [میاندوآب = قوشاچای]، سراو [سراب جغرافی نویسان اسلامی سراه ضبط کرده اند]، ماینهرج [میان دینور و سیر]، بد، میمد، نیر، زنجان». منبع: دکتر حسین آلیاری، نام شهرها و وضع راه های آذربایجان در قرون نخستین اسلامی. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ص ۸۳

در این لیست شهرهای سیر (سنه)، برزه (سقز)، ماینهرج امروزه در استانهای کردستان [فعلی] و کرمانشاهان واقع اند. بدین ترتیب به اعتقاد دکتر حسن آلیاری طبق نگاهشده های دوره اسلامی شهرهای سندج، سقز و ماینهرج و سرزمینهای واقع در شمال آنها در استانهای کردستان [فعلی] و کرمانشاهان همه جزئی از آذربایجان بوده اند.

توضیحاتی در باره نام چند شهر آذربایجانی و مناطق حدی آذربایجان در دوره اسلامی:

[۱]- جوذمه: واقع در شهرستان سقز در استان کردستان [فعلی]. بلاذری رستاق جوذمه را از کوره برزه (سقز) آذربایجان؛ و یاقوت حموی رومی آنرا رستاقی از رستاقهای آذربایجان در جبل معرفی کرده است. محل دقیق امروزی آن در شهرستان سقز معلوم نیست. «رستاق» به قول یاقوت هر موضعی است که در آن مزرعه ها و قریه ها باشد و به شهرهایی مانند بصره و بغداد گفته نمی شود و اخص از «کوره» و «استان» است.

[۲]- سیسر (سنه، سندج، سیسر صدخانیه): "سیسر" و "یا" سیسر صدخانیه "در جنوب غربی آذربایجان واقع بوده و از طرف مارکوارت و پاولی و... با سنه (سندج) واقع در استان کردستان امروز تطبیق می شود.

در ساحل رود فرات و در شمال سوریه قرار داشت. بخش اعظم جزیره و بویژه دیار ربیعہ در متون دوره اسلامی جزء آذربایجان شمرده شده است. ب- عراق: قسمت جنوبی بین النهرین توسط اعراب (عراق) نامیده میشد. کلمه (عراق) (ساحل دریا به طور درازا)، (بستر رودخانه از ابتدای جریان تا ریزش به دریا) و (پایین تا بالای رودخانه) معنی شده و به معنی صخره و ساحل هم آمده است. قسمت جنوبی به دلیل رسوبی بودن خاک آن بسیار حاصل خیز بوده و نخلستان های پر ثمر آن از نهرهایی که از دجله و فرات منشعب شده اند سیراب می گردد. «سؤزموز».

\*حال با این سابقه تاریخی به نقد مقدمه این کتاب می پردازیم: در پاراگراف دوم و خط 14 مقدمه کتاب که دکتر خدیو که در تبریز حضور دارند و همیشه بر علیه آذربایجان و ترک ها فعالیت نموده اند چنین نوشته اند: «خطری که تشکیل جمهوری کردستان در بخشی کوچک از کردستان شمالی برای دولت مردان وقت تهران آورد...». با وجود این همه اسناد تاریخی آقای دکتر خدیو چه طور به خود اجازه می دهند بخش های از آذربایجان تاریخی را مثل آب خوردن کردستان بنامند و دوباره بخشی از استان کنونی آذربایجان غربی را کردستان شمالی بنامند؟! در جای جای کتاب چنان با آب و تاب عبارات خود ساخته «جمهوری کردستان» را به کار می برند که انسان را به خنده وا می دارند. مگر ممکن است استانی در داخل استان و جمهوری به اصطلاح کردستانی؟! در جمهوری دمکراتیک آذربایجان به وجود آید؟! اگر نمایندگان جمهوری مهاباد در مجلس ملی آذربایجان حضور داشتند صحبت کردن از جمهوری مهاباد [چه رسد به جمهوری کردستان] یک نوع اشتباه تاریخی و علمی محسوب می شود که آقای خدیو و مترجم محترم خیلی مشتاق هستند تا پیه این اشتباه [آرزوهای کودکانه] را بر تن مالیده و مسئله را موافق با منافع و اهداف آتی بلند پروازانه خود توجیه کنند!

البته نقد کل متن کتاب را به زمان بعد یعنی به زمان دستیابی به نسخه انگلیسی کتاب موکول می کنیم ولی به این موضوع نیز باید اشاره کرد که اگراد موجود در اراضی آذربایجان یعنی در آذربایجان غربی در اصل کردهای موجود در زیر حاکمیت دولت عثمانی بودند که به تبع آن نیز ترک های آذربایجانی را «عجم» می نامند. یعنی اعراب بعد از ظهور اسلام این واژه را برای نامگذاری غیر عرب ها (نصرنی ها، کادانی ها، حبشی ها و فارس ها و آذربایجانی ها و غیره) به کار بردند و در منابع تاریخی اکثرا ایرانی ها، یعنی فارس ها را نیز به این نام خطاب می نمودند ولی با به روی کار آمدن حکومت ترک عثمانی که خود را جانشین دولت اسلامی عربی می دانستند این واژه از سوی آنان در قبال غیر عثمانی ها [تا حدودی هم غیر سنی ها] نیز به کار رفت و به تبع آن ترک های موجود در آذربایجان نیز از طرف اهالی حکومت عثمانی بدین نام خوانده شدند. به

دینپور آمده به دوره سلوکیان یا قبل از آنها نسبت می دهند. در اینجا نیز مانند کنگاور مهاجرنشین های یونانی ساکن بوده اند. دینور در زمان خلافت معاویه به ماه الکوفه معروف شد زیرا عایدات آنجا به مستمری های اهل کوفه اختصاص یافته بود، همانند نهاوند که معروف به ماه البصره بود. امیر تیمور خاقان ترک ساخویی از لشکریان خود را در آنجا مستقر کرد. دینور در منابع دوره اسلامی به شکل حد جنوبی آذربایجان ذکر شده است.

[6]- حلوان (خارا، خلمنو): حلوان یا به قول یونانیان خارا بر ساحل چپ رودخانه حلوان در طاق گرا در شهرستان سر پل ذهاب در استان کرمانشاهان قرار دارد. حلوان که در زمان آشوریه خلمنو نام داشته بنا به گفته ابن حوقل در قرن چهارم هجری به بزرگی دینور بوده است. مقدسی می گوید در خارج شهر یهودیان معبدی داشتند که مورد احترام آنها بود. حلوان در منابع دوره اسلامی به شکل حد جنوبی آذربایجان ذکر شده است.

[7]- شهرزور (زور، سورا): خره ای وسیع بین اربیل و همدان بود. امروزه در خاک عراق شهرکی بنام زور (سورا) در شمال شرقی سلیمانیه نزدیک مرز ایران و عراق، در طرف مقابل شهرستان مریوان استان کردستان وجود دارد. اتابک زنگی از اتابکان قرن ششم هجری (۱۴ میلادی) شهرزور را تصرف کرد و مظفرالدین گوکبری (گوک بوری) = گرگ آبی) اتابک اربیل در زمان یاقوت حموی در این شهر مستقر گردید. شهر زور در بسیاری از منابع دوره اسلامی به شکل حد جنوبی آذربایجان ذکر شده است.

[8]- جزیره: جلگه پهناور بین النهرین در عراق که دو رود بزرگ دجله و فرات در آن جریان دارد از دو بخش تشکیل یافته است. قسمت شمالی و یا "جزیره" و قسمت جنوبی و یا "عراق". اکثر جغرافی نویسان مسلمان مرز بین دو بخش بین النهرین یعنی عراق و جزیره را خطی قرار داده اند که تقریباً از شهر تکریت در شمال بغداد به سمت غرب امتداد می یافت. این خط مرزی رود فرات را از جنوب شهر (عانه) در محلی که این رود به طرف جنوب خمیدگی بزرگی پیدا می کند قطع می نماید.

الف- جزیره: اعراب قسمت شمالی بین النهرین را که دارای مراتعی سر سبز بوده به دلیل قرار گرفتن در میان آب دو رود دجله و فرات به هنگام طغیان (جزیره) می نامیدند. جزیره خود به سه بخش تقسیم می شد که هر بخش را (دیار) می گفتند و عبارت بودند از: دیار بکر، دیار ربیعہ و دیار مضر که از نام سه قبیله عربی که قبل از ظهور اسلام در آنجا ساکن بوده اند گرفته شده است. شهر (آمد) که در ساحل رود دجله و در جنوب ترکیه قرار داشت مرکز دیاربکر و محل سکونت بکریان؛ (موصل) که در ساحل رود دجله و در شمال عراق قرار داشت بزرگ ترین شهر دیار ربیعہ و محل سکونت قبیله ربیعہ؛ و (رقه) محل سکونت مضریان بود که



طلبی و در نهایت به تجزیه طلبی کردها اشاره می‌شود: «... تجارب تاریخی‌اشان در طول سده بیستم آنان را بسیار به سوی رفورم خواهی در چارچوب ایران، نسبت به روشنفکران کرد که در تلاش تشکیل دولت ملی کرد خارج از سلطه تهران بودند، سوق داده بود - ص. 43.

در قسمت مربوط به آمار آن چنان اراجیفی نوشته شده است که باور آن حتی برای خود اکراد نیز مشکل است: «علت مناقشه ارضی بین کردها و آذری‌ها این بود که کردها بخش وسیعی از شهر و روستاهای غرب دریاچه رضائیه را که ساکنین آذری داشتند از آن خود دانسته و خواستارش بودند (همچنان که در نقشه شماره 4 نشان داده شده) شمال کردستان [!؟] ایران در سالهای 1940 را 75٪ کرد تشکیل می‌داد [برای ما معلوم نیست شمال کردستان شامل کدام شهرها می‌باشد؟! و چند شهر اصلی از جمله خوی با جمعیتی (35000 نفر)، شاپور (12000 نفر) و میان‌وآب، که در هر کدام از آنها اقلیتی کرد می‌زیستند، مراغه و مرند (حد اقل به میزان محدودی چانه زنی در مورد آنها) و رضائیه مورد اختلاف بود، رضائیه بزرگترین شهر در شمال کردستان ایران، با جمعیتی [شهری] بالغ بر 55000 نفر، مکانی بود که کردها [توسعه طلب و متجاوز] بیش از هر منطقه‌ای دیگر خواستارش بودند.

موضوعی که می‌تواند باعث شود تا موضع برخی از ترک‌های هومانیست و کرد پرست آذربایجان در قبال مظلوم‌نمایی کذایی اکراد تجزیه طلب دچار تغییر گردد و از این به بعد با دیدگاه واقع‌بینانه‌تری به مسئله تروریسم کرد نگاه کنند تا در آینده با اهداف توسعه طلبانه اکراد مهاجر در قبال اراضی فعلا کردنشین موجود در آذربایجان تاریخی و در استان فعلی آذربایجان غربی برخوردی منطقی و بجا اتخاذ کنند.

اگر به منابع پاورقی داده شده در کتاب توجه شود اطلاعات کاملاً متناقضی ارائه شده است: «3 - 66 - به گفته ادموندز، ص. 178) ای. آریستوا، می‌گوید: اکثریت ساکنین رضائیه کرد نبودند، در صورتی که اگلتن می‌گوید: ص. 81. اکثریت ساکنان شهر کرد بودند. اگلتن توانسته فاکت بسیار جدیدی را بکار بندد چون او آمار ساکنین را بسیار بیشتر می‌داند [!؟]» در حالی که در آن زمان در شهر اورمیه کردی وجود نداشت و تنها مسجد اهل سنت موجود در اورمیه نیز توسط ترک‌های سنی مذهب کوره‌سنی‌ها) ساخته شده است ولی متأسفانه اکنون کردها آن را تصاحب نموده‌اند و از دست ترک‌های سنی (صاحبان اصلی) خارج کرده‌اند.».

مناطق کردنشین [نیمه کردنشین] شده شهر اورمیه کاملاً مشخص می‌باشد عمر این محله‌ها به بعد از انقلاب جمهوری اسلامی بر می‌گردد و باز در محله نیمه کردنشین شده، کردها به شکل عشیرتی یعنی در هر خانه چندین خانوار با تعداد بیشمار کودک که با منطق شهرنشینی هیچ سازگاری ندارد زندگی می‌کنند و هر مرد خانه اکثراً بیش از یک زن

طبع این اکراد مهاجر تبعه دولت عثمانی هنوز هم ترک‌های نغده و خانه (پیرانشهر فعلی) را «عجم» می‌نامند ولی کردهای کرمانشاه و اردلان (کردستان کنونی) از این واژه استفاده نمی‌کنند و در علم زبان‌شناسی به چنین نام گذاری اکنون گفته می‌شود و شاید بهتر بود آقای دکتر خدیو نیز مثل اکراد عوام اما صادق، ما ترک‌ها را به جای «آذری» عجم خطاب می‌کردند تا غیر ایرانی بودن خود و قوم خودشان و آذربایجانی و غیر عثمانی و بومی بودن ما ترک‌های آذری بیش از این معلوم می‌شد. [و در ادامه همین نام‌گذاری متقابل به مثل است که ترک‌های آذربایجان نیز کل سنی‌ها را به نام کرد می‌شناسند. حتی ترک‌های منطقه بالو و کهریز اورمیه که سنی مذهب می‌باشند اکثر ترک‌های آذربایجان به آنها کرد می‌گویند و بعضاً هم کوره سوننی می‌گویند که واقعیت غیر از این است. درست است که این ترک‌ها که فرهنگ شفاهی و آشفی آذربایجان را بهتر از ترک‌های شیعه حفظ نموده‌اند، سنی مذهب می‌باشند ولی از منطقه گیره‌سون ترکیه آمده‌اند و این تشابه اسمی از آنجا نیز ناشی شده است تا بدانها کوره‌سوننی گفته شود.] حتی کردها تا قبل از انقلاب چیزی به نام عید نوروز نمی‌دانستند ولی اکنون حزب تروریست پ. کا. کا برای اجرای مراسم نوروز سر می‌شکند و کاسه داغ‌تر از آتش شده است!؟ و چه کارهای عجیب و غریب و جعلیات نوظهور بعد از این انجام نخواهند داد!؟

تمامی این مطالب خبر از توطئه جدیدی می‌دهند که در آینده سرزمین آذربایجان و ترک‌های غیور با آن مواجه خواهند شد و در این برهه خطرناک تاریخی هوشیاری ترک‌های آذربایجان است که می‌تواند در دفع بلای تروریسم کرد نجات‌بخش باشد.

البته نگاه نویسنده آمریکایی کتاب بر این جریانات نیز دارای نقد می‌باشد چرا که نویسنده درباره نقش حیاتی آمریکا درباره فروپاشی هر دو جمهوری که مستقیماً ناشی از حمایتی بود که از دولت دیکتاتور ایران در راستای تضاد منافع استراتژیک آمریکا با شوروی به عمل می‌آمد سکوت معنی داری نموده و تمامی تفصیلات را مربوط به تمامیت خواهی اکراد و اعتماد واهی هر دو جمهوری به حکومت شوروی می‌دانست و این در حالی می‌باشد که تهدید اتمی آمریکا و معامله قوام با شوروی بزرگترین عامل در تغییر وضعیت این مناقشات بود که همان طوری که اشاره نمودیم، قضاوت در این باره را به زمان بدست آوردن نسخه اصلی کتاب موکول می‌کنیم.

ولی با همه اینها کتاب نکات مثبتی نیز دارد که باید به موقع بدان پرداخته شود. در جای جای کتاب اشاره صریحی به عدم اتخاذ تفکر تجزیه طلبی از سوی ترک‌های آذری شده و نشان داده شده است که دمکرات‌های آذربایجان نه تنها طالب اصلاح طلبی برای خود بودند، بلکه آن را برای تمامی ایران می‌خواستند ولی به همان اندازه نیز به بلند پروازی و توسعه

## زادگاه اکراد کجاست

در بررسی خواستگاه یک قوم و ملت باید به نکات زیادی توجه شود و مسأله مورد کنکاش کامل قرار گیرد. علاوه بر درون مایه یک ملت که ریشه در تاریخ آن ملت دارد، نشانه های ظاهری کنونی را نیز می توان در پی بردن به خواستگاه آن قوم تجزیه و تحلیل نمود. در آثار باستانی فراوانی که از این منطقه از تمدن های ایلام و سومر و همچنین کتیبه های فراوانی که از خطه آذربایجان یافته شده و بررسی محققین و باستان شناسان علاوه بر التصافی بودن زبان آنان، کلمات تورکی فراوانی در بین آنها وجود دارد که هنوز هم در بین تورکها رایج می باشند و با استناد به اسناد و مدارک باستان شناسان جملگی تورک بوده اند. اما در این میان استکبار جهانی برای تحریک اقوام بی هویت جهت آلت دست قرار دادن و برای به قدرت نشاندن آنان به جعل تاریخ پرداخته است. نمونه بارز مطلب با توجه به حرص و طمع قوم کرد آنان را به کشورگشایی در خاک مادری ملت بزرگ تورک تحریک نموده اند. حال آنچه که نمایان می کند اکراد متعلق به این آب و خاک نمی باشند علاوه بر تعاریف فوق که مباحثی تخصصی می باشند، مؤلفه های ظاهری اکراد می باشد. با توجه به لباس بومی اکراد و مقایسه آن با لباس سنتی بلوچستان و آن مناطق و تشابه وافر آنها به نکات قابل توجهی می رسیم

تن پوش امروزی اکراد رنگارنگ و تیره شده لباس سفید بلوچی می باشد. شلوار گشاد که نشانگر گرمای زیاد محیط زیست مردمان آن محل می باشد و در آب و هوای بسیار گرم بلوچستان و مناطق مجاور آن قابل استفاده است و با آب و هوای سرد کوهستانی تناسبی ندارد. بطوریکه لباس تورکها که شامل چکمه، کلاه، پالتو و... می باشد نشانگر اقلیم سرد مکان زندگی آنان است و لباس کردی در تناقض کامل با آب و هوای مکان زندگی کنونی آنان می باشد. همچنین بر این مقایسه ها می توان قیافه های مشابه مردمان این دو قوم را نیز اضافه نمود. از سوی دیگر لهجه بلوچی و گویش کردی مشابه هم بوده و کلمات یکسان فراوانی دارند. افزون خواهی ذاتی اکراد آنان را به فکر تصاحب سرزمین مادری ملت مهمان نواز تورک انداخته و امروزه گروهک های تروریستی کرد با جنایات مختلف، عموم اکراد را به ادامه اشغالگری در مناطق تورک نشین دعوت می نمایند. با این اوصاف بهتر است اکراد بجای عملیات تروریستی به خودشناسی برسند که حضرت علی (ع) می فرماید: «هر کس خود را نشناسد، خدای خویش را نشناخته است.»

کس خود را نشناسد، خدای خویش را نشناخته است.»  
منبع: <http://sulduzxabar.blogfa.com/post-431.aspx>

دارد و بهبود اوضاع بهداشتی باعث شده است تعداد نفوس کردها در مناطق کردنشین شده استان آذربایجان غربی افزایش چشمگیری داشته باشد. حال تفسیر این اتفاقات به عهده خواننده منصف گذاشته می شود تا در قبال نوشته های نویسنده کتاب و یا جعلیات مترجمین قضاوت کند!

توجه: تا همین اواخر بنا به موقعیت ویژه جغرافیای غرب آذربایجان که احزاب تروریست دمکرات کردستان و پژاک در آنجا قرار گرفته اند اکثر فعالان حزبی مسلح کشور نیز هنگام احساس خطر به این منطقه از سرزمین آذربایجان پناه می بردند و در نهایت مجبور بودند با منافع اکراد تجزیه طلب سازگاری داشته باشند و به نوعی به موزیستی با اکراد تن بدهند و در طول این مدت به طرفداران این اکراد تبدیل شوند که نمونه آن را در جریان جنگ نرده (سولدوز) که اکراد در راستای تشکیل کردستان کذایی در سرزمین آذربایجان حمله نظامی را با پوشش متینگ سیاسی می خواستند ترتیب دهند تا وضعیت اتیکی شهر نرده را که کاملاً ترک بودند به نفع اکراد تغییر دهند، شاهد بودیم که در این جریان اکثر فعالان کمونیست به طرفداری از حرکت تجزیه طلبانه اکراد تروریست - که به نوعی منافع ضد نظام جمهوری اسلامی اکراد با منافع حزبی کمونیست ها همخوانی داشت - پرداختند و حتی در این راه راضی بودند تا مردم ترک نرده را عمداً و یا سهواً قربانی منافع [منافع غیر مستقیم] کوتاه مدت خود کنند. موضوعی که هنوز هم باور آن برای کمونیست های آذربایجان مشکل است و همیشه در توجیه این مورد برآمده اند. موضوعی که با مراجعه به حافظه تاریخی ملت ترک و تهاجم های بی وقفه اکراد مهاجر غارتگر به سرزمین آذربایجان به سهولت قابل بررسی و تفسیر می باشد و هیچ نیازی به توجیه های غیر منطقی نمی باشد!!!

به امید روزی که کردها دوست و دشمن را از هم تشخیص دهند و دست از رؤیاهای کودکانه بردارند و بدانند که ترک آذربایجانی مثل سایر ملل از احقاق حقوق قومی و عشیره ای کردها دریغ نخواهد نمود و کردها را به سان قومیتی عزیز که بعداً به سرزمین آذربایجان آمده اند گرمی خواهند داشت!

او. ویلچووسکی، به صورتی که ادموندز ترجمه نموده، ص 183، لازم به یادآوری است که چون بیشتر ساکنین آذری شهرهای غرب دریاچه رضائیه شهرنشین بودند دمکرات ها مایل به در دست گرفتن این شهرها بودند.

2 - 66 - همچنین نگاه کنید به اگلتن، ص 81 و روزولت، ص 258.

3 - 66 - به گفته ادموندز، ص 178) ای. آریستوا، می گوید: اکثریت ساکنین رضائیه کرد نبودند، در صورتی که اگلتن می گوید: ص 81. اکثریت ساکنان شهر کرد بودند. اگلتن توانسته فاکت بسیار جدیدی را بکار بندد چون او آمار ساکنین را بسیار بیشتر می داند [۹]

## قوشاچای (میاندوآب)، ریشه شناسی

### و وجه تسمیه آن

#### مهران بهاری

شهر قوشاچای سر چهارراهی میان شهرهای تبریز، مراغه، اورمو (اورمیه) و سندج واقع شده و استانهای آذربایجان غربی و شرقی و کردستان را بهم وصل می‌کند. هلاکو خان امپراتور مغول روستای حسین آباد (نام اصلی؟) را که در چند کیلومتری جنوب قوشاچای قرار دارد به پایتخت تابستانی خود انتخاب کرده بود.

ریشه شناسی

قوشاچای نامی ترکی مرکب از صفت "قوشا" به معنی جفت و اسم "چای" به معنی رود است

قوشا Qoşa: "قوش + + به معنی جفت، دوتا، اسم از مصدر "قوشماق" Qoşmaq "به معنی پیوستن، یکی شدن. فرمهای گوناگون این مصدر در زبانهای ترکی چنین اند: قوش Qoş (ترکی قدیم، قاراخانی، میانی، ترکیه، آذربایجانی، قاقاووز، ترکمنی، سالار، قیرقیزی، بالقار، قوموق، تووا-توفالار)، قوس Qos (ساری اویغور، قزاقی، نوقای، قاراقالپاق، ازبک، اویغور، باشقیر، آلتائی)، قوش Quş (تاتاری، باشقیر)، قیویش Qıwış (باشقیر)، خوس Xos (خاقاسی، یاقوتی)، خوش Xuş (چاووشی)، خوهوی Xohuy (یاقوتی)، خوهون Xohun (یاقوتی)، کوهون Kohun (دولقان). از زبان ترکی به اشکال قوشی Qoşı به زبان مغولی، قوس Qos به مغولی غربی و خوش Xoş به قالموقی وارد شده است. برخی از ترکی شناسان ریشه "قوشماق" را مصدر "قوماق" Qomaq "به علاوه پسوند مشارکتی "ش" دانسته اند. (مانند "باشماق" Başmaq "که از مصدر "باماق" Bamaq "به معنی بستن، بند زدن به علاوه پسوند مشارکتی "ش" حاصل شده است. "باشماق" در زبان ترکی به معنی نوعی کفش بنددار است. نام عمومی کفش در زبان ترکی "آیاق قابی" Ayaqqabı "است). ریشه "قو" در زبان مغولی نیز وجود دارد: "قوجار" (دو)، "قورین" (نیست)، "قوس" (جفت)، "قوسمالچین" (دوگانه، دوقلو)، "قوسمان"، "قوقورؤ (میان دو چیز)، ...

قلب "بن مصدری" + "ا": کلمه "قوشا" با استفاده از پسوند "ا-، -ه" که به بن مصدر قوشماق افزوده شده حاصل گردیده است. پسوند "ا-، -ه" پسوند اسم ساز از فعل در ترکی است، این پسوند در ترکی باستان و قدیم بسیار رایج بوده و این قالب در نامهای جغرافیائی قدیمی ترکی به وفور بکار رفته است: مانند پسوند "آوا" در نامهای جغرافیائی (نک). آبا-آوه، و آواجیق، "قوشالسا" Qoşalسا (از مصدر قوشماق)، "ساوا" Sava

" (از مصدر ساوماق، نک. ساوا-ساوه)، "دره" Dərə " (از مصدر درمه ک)، "قالا" Qala " (از مصدر قالاماق). این قالب را در کلمات "یارا" Yara " (از مصدر یارماق)، "دوغا" Doğa " (به معنی طبیعت از مصدر دوغماق)، "دونه" Dönə " (به معنی دفعه و بار، از مصدر دؤنمه ک)، "سوره" Sürə " (به معنی برهه و مهلت، از مصدر سورمه ک)، "دورا" Dural " (به معنی نقطه از مصدر دورماق)، "هاچا" Haça " (دوشاخه، از مصدر آچماق)، "چکه" Çəkə " (به معنی ویرگول از مصدر چکمه ک)، "سیغا" Siğa " (به معنی ظرفیت، از مصدر سیغماق)، "ئوره" Evrə " (به معنی مرحله از مصدر ائورمه ک)، "چئوره" Çevrə " (به معنی محیط از مصدر چئورمه ک)، ... نیز می توان مشاهده کرد. در گذشته خود کلمه "قوش" بدون افزودن پسوند "ا" نیز به صورت اسم و به معانی جفت، یکی از جفت، دو پیاله پیاپی شراب، ... بکار رفته است: "قوش آت" Qoşat " (اسب شاه)، "قوش بیچه ک" Qoşbiçək (قیچی، قیچی و یا قایچی کلمه ای مغولی است).

چای Çay: کلمه ای ترکی به معانی اولیه رودخانه، رود کوچک، رود کم آب، ماسه، سیل، کم عمق، ... احتمالاً از ریشه "سای" Say "باستانی. معنی اولیه "سای" ناحیه ای از زمین پوشیده با سنگ بود، با بسط معنی به بستر خشک رودخانه و سپس رودخانه ای کم آب و کم عمق فصلی، رودخانه ای که در زمستان جاری و در تابستان خشک است گفته شد. از همینجا "سای" در طول زمان معنی کم عمق را پیدا کرده است. ("سای سو" به معنی آب کم عمق است). لغت "سایدام" Saydam " (سای+دام) به معنی شفاف نیز از همین ریشه است، یعنی چیزی که درون آن به راحتی دیده می شود.

فرمهای گوناگون کلمه چای در زبانهای مختلف ترکی: چای (ترکی میانه، آذربایجانی، ترکمنی، بالقار، یاقوت)، سای (باشقوردی)، شایق (شور)، چایرام (آلتایی). (علاوه بر چای، در زبان ترکی کلمات زیر نیز برای رودخانه بکار می روند: اؤگوز Ögüz: رودخانه، اؤگه Ögən: نهر، اؤزه Özən: رودخانه، موره Mürən: رودخانه (مغولی)، دره Dərə: رودخانه، ...). از همین ریشه است لغت "چایر" Çayır "به معنی آبگیر رودخانه و یا گیاهی که در کناره آب می روید.

وجه تسمیه:

نام "قوشاچای" از سوی مردم و در اعتراض به اسم دولتی و تحمیلی "میاندوآب" که نامی به زبان بیگانه فارسی بوده و صرفاً به منظور ترک زدائی از چهره و تاریخ آذربایجان و تحقیر ملت ترک از سوی دولت ایران جعل گردیده، بر این شهر آذربایجانی گذارده شده است.

انتخاب و تحمیل نام فارسی "میاندوآب" از سوی دولت ایران برای نامگذاری این شهر ترک و آذربایجانی، به منظور القای این اندیشه است که ملت ترک لیاقت و حق نامگذاری اماکن جغرافیائی در وطن خویش

منطقه تیکان تپه دارای ده ها اثر تاریخی قبل و بعد از اسلام است که از آن جمله می توان به سوغورلو (تخت سلیمان) که در ۴۵ کیلومتری شمال شرقی آن واقع شده اشاره کرد

وجه تسمیه و ریشه شناسی

تیکان تپه به معنی تپه پر از خار است. این نامگذاری احتمالاً به سبب وجود خارهای اطراف شهر می باشد.

تیکان Tikan:

کلمه ای ترکی به معنی خار، فرم قدیم آن "تیکگه ن Tikgən" از مصدر "تیکمه ک Tikmək" به معنی سوراخ کردن با چیزی مثل سوزن است (این مصدر امروز به معنی دوختن است). در ترکی ترکیه "دیکه ن" (حال آنکه دیکمه ک در زبان ترکی به معنی برافراشتن است)، در ترکمنی "تیکه ن". "تیکه نه ک-تیکه نه ک" فرم تصغیری این کلمه در ترکی قپچاقی است.

تپه Təpə:

توپو، توپو، توپه، دپه: کلمه ای ترکی به معنی تپه، قله، قله کوه، فراز، نوک پدیده ای طبیعی مانند کوه، یا انسان، فرق سر، سر، راس. معنی اولیه آن فرق سر بوده است (تیک، ترکی چوواشی). تاغ توپوسی Tağ töpüsü: قله کوه، توپوره Töpörə: بر فرق سر). در ترکی های گوناگون تپو Töbö (شمال شرقی، قیرقیزی، آلتائی، یاقوتی، دولقان)، تپه Töpə (جنوب شرقی، اویغوری)، تپه Töbə (شمال غربی، قازاقی، نو قای، بالقار، قوموق، قاراقالباق)، تپا Təpa (زبکی)، توپو Töpü (ترکی قدیم، قاراخانی، ترکی میانه)، تپه Təpə (قاراخانی، ترکی میانه، ترکی ترکیه، آذربایجانی، قاقاووز، ترکمنی)، دپه Dəpə (ترکی ترکیه، ترکمنی)، توبی Tübe (تاتاری، باشقیر، چوواشی)، ته Təy (تووا-توفالار). هم ریشه با توپ، توپوز، توپوق، توپال، توپاق، .... در ترکی معاصر. به صورت دؤبه به زبان مغولی و در شکل تپه وارد زبان فارسی شده است. "تپه" از کلماتی است که به وفور در نامهای جغرافیایی آذربایجان، دیگر سرزمینهای ترک و یا قلمرو دولتهای ترکی با آن برخورد می شود.

در برخی از لغتنامه های فارسی به ترکی الاصل بودن این کلمه اشاراتی شده است:

تپه: کوه پست و پشته بلند (برهان، انجمن آرا، آندراج، ناظم الاطباء). آن را به فارسی دری تپره، تبرک و گر بکاف فارسی نیز گویند. (انجمن آرا، آندراج). هر جای از زمین که برآمده و گرد باشد (ناظم الاطباء). در ترکی تپه بفتح اول و دوم بمعنی قله و بالای سر است (حاشیه برهان چ معین). و کلاه زنان را نیز گفته اند و آن چیزی باشد محرابی که زنان از گلابتون و مروارید دوزند و از طلا و جواهر نیز سازند و بر پیشانی نصب کنند. (برهان، از ناظم الاطباء). و کله و کلاه را که از ماهوت یا شال

و زبان ترکی نیز قابلیت و توانایی بکار برده شدن برای این منظور را ندارد. و از اینرو نامگذاری شهرها و اماکن جغرافیایی آذربایجان می بایست توسط فارسان و به زبان فارسی انجام پذیرد.

نامهای جغرافیایی مشابه:

"قوشا"، به عنوان صفت در نامهای جغرافیایی آذربایجان و مناطق تاریخی حضور ترکان در ایران بکار رفته است. مانند نام روستای "قوشابولاغ Qoşabulaq" (قوشابلاغ)، کوه "قوشاداغ Qoşadağ" (قوشه داغ) در شمال شهر هریس و غرب رشته کوه ساوآلانگ (نک). ساوآلانگ-سبلان) و جنوب غربی پیشگین (نک، پیشگین-مشکین شهر)، تالاب قوشاگولو Qoşagölü (قوشاگلی) در ۳۱ کیلومتری جنوب غربی هشده-ری (نک. هشده-ری-هشترود)، "قوشاتپه Qoşatəpə" در استان اردبیل.

کاربرد این نام به تنهایی در نامهای جغرافیایی نیز دیده می شود، مانند نام روستای "قوشه" (قوشا-کشا) در جنوب شرق "توبه دروار" (نک). تویسرکان-توی سرگه ن) در ۳۵ کیلومتری جاده ی دامغان - سمنان (محل "صد دروازه ی" قدیم).

چای نیز رایجترین کلمه برای نامیدن "رود" در ترکی آذربایجانی معاصر است و به وفور برای نامیدن رودخانه ها و نهرها و آبادیها و روستاهای مجاور آنها در سراسر ایران بکار رفته است. همچنین "قوشو چایدام" نام دریاچه ای در وادی اورخون در جنوب دریای بایکال در آسیای میانه نیز میباشد.

نتیجه

"قوشاچای" ترکیبی کاملاً ترکی به معنی دورود، و مرکب از صفت "قوشا" به معنی دو، دوگانه، و اسم "چای" به معنی رودخانه است و اشاره به قرار داشتن این شهر در میان دو رودخانه "تاتانو" (سیمینه رود) و "جیغاتی" (زرینه رود) دارد.

## ریشه شناسی و وجه تسمیه خوی و تکاب

### مهران بهاری

تیکان تپه مرکز شهرستان تیکان تپه در استان آذربایجان غربی است. نام تیکان تپه در راستای سیاست ترکی زدائی از آذربایجان در سال ۱۳۱۶ به نام تکاب تغییر داده شده است. شهرستان تیکان تپه از شمال غربی به هشترود، از شمال شرقی به زنجان، از طرف غرب به ساین قالا (صائین دژ) و از طرف جنوب شرقی به شهرستان آذربایجانی بیجار در استان کردستان و از جنوب و جنوب غربی به سنندج و سقر محدود است.

قدیمترین و یکی از اولین شهرهای ترکی شده آذربایجان است و بدین سبب در متون تاریخی سلجوقی بنام ترکستان ایران نامیده شده است. "حمدالله مستوفی" در نزهت القلوب در باره خوی میگوید: "مردمش سفید چهره و ختای نژاد و خوب صورتند و بدین سبب خوی را ترکستان ایران خوانند". این شهر از زمان قدیم مورد توجه بوده است. پیش از اسلام شعبه‌ای از بزرگراه معروف ابریشم که شهرهای آباد و پر نعمت ترکستان و چین در شرق را به غرب و به اروپا متصل می‌نمود، از این شهر آذربایجانی می‌گذشته است. در صدر اسلام نیز راهی که بلاد جزیره العرب را به مرکز آذربایجان و ماورای خزر وصل می‌کرد، از خوی می‌گذشت.

خوی علاوه بر آذربایجان در تاریخ ترکیه، جهان تورک و مذهب ترکی علوی قزلباشی نیز از اهمیت استثنائی برخوردار است. بسیاری از جریانات فکری و فرهنگی تاریخی که مهر خود را در شکل گیری هویت ملی خلق ترک در ترکیه زده اند بلاواسطه با نام شهر خوی آذربایجان پیوسته اند. این شهر پایگاه ارتشهای ترکی برای تهاجم به بیزانس و فتح آسیای صغیر توسط ترکان بوده است. "آلب ارسلان" در سال ۱۰۷۱ خوی را مرکز تجمع سپاهیان ترک برای حمله به بیزانس - روم (ترکیه امروزی) قرار داده بود. "آبدال موسا" مؤسس طریقت بکتاشی و "اخى انوره-ن" بانی جریان اخوت در آسیای صغیر هر دو از شهر آذربایجان خوی برخاسته اند. "پیر سولطان آبدال" شاعر و قهرمان خلقی - ملی ترکیه اصلا، و "جهانشاه قارا قویونلو" شاه زندیق - شاعر علوی قرن ۱۵ نیز به روایتی اهل خوی است. مزار "شمس تبریز" بنا به روایتی در خوی آذربایجان (و بنا بر روایات دیگری در شهر قونیه ترکیه) قرار دارد. زمره "جاوالاقلار" از قزلباشان بلاواسطه با خوی در ارتباط است. جاوالاقلیک از نخستین تشکیلات قلندریه بوده و در قرن ۱۳ در خوی آذربایجان ایجاد شده است. در تاریخ لکسیوگرافی ترکی آذربایجانی، اولین لغت منظوم بدین زبان بنام تحفه حسام توسط "حسام خویی" نگاشته شده است.

ریشه شناسی:

کسانی که دنبال ریشه شناسی نام خوی با استفاده از زبانهای هند و ایرانی بوده اند ادعا می‌کنند که معنی واژه "خوی" و ریشه این نام روشن نیست. این بسیار طبیعی است، زیرا ریشه شناسی این نام و وجه تسمیه آن می‌باید بر اساس زبانها اورال-آلتائیک و در راس آنها ترکی و در ارتباط با زبانهای التصاقی باستانی مطرح در منطقه و در راس آنها زبان پروتورک سومری انجام پذیرد. بر این اساس، نام شهر خوی، کلمه‌ای ترکی است. در زیر به برخی از نظریه‌های گوناگونی که در ریشه شناسی این نام ترکی مطرح شده اند اشاره می‌گردد:

پشمینه باشد نیز تپه کلاه گویند بجهت برآمدگی. (انجمن آرا، آندراج). جای مدور که از خاک کود و نرم کنند برای کاشتن گلها (یادداشت بخصط مرحوم دهخدا). مجازاً چیزی برآمده را گویند ... مزید موخر امکنه: آل تپه، ایلغار تپه، ترنگ تپه، تقر تپه، تیکان تپه، دوشان تپه، سالیان تپه، قراتپه، فراوای تپه، قلی تپه، گل تپه، گمش تپه، گندل تپه، یارم تپه.

ریشه شناسی های نادرست و وجه تسمیه های دولتی:

۱- در برخی منابع نام تیکان تپه برای دادن آب و هوایی فارسی به آن، به شکل پیکان تپه ثبت شده است که نادرست است.

۲- در منابع دولتی و فارس‌گرایانه آمده است که "تکاب به معنی آب باریکه و زمین کم آب، زمینی که آب کم و باریکی در آن جاری شده می‌باشد و به صورت اسم مرکب یعنی دره و زمینی که در بعضی از جاها آب فرو رود و از جای دیگر برآید، می‌باشد". حال آنکه ریشه شناسی نام تکاب عملی بی معنی است زیرا این نام، نامی جدید و جعلی و بدون سابقه و پیشینه تاریخی است. نام تیکان تپه در سال ۱۳۱۶ در راستای سیاستهای ترکی زدائی از جغرافیای آذربایجان از طرف دولت پهلوی به تکاب تغییر داده شده است.

۳- کلمه "تک Tak" بکار رفته در نام جدید و دولتی تکاب نیز، خود کلمه‌ای ترکی به معنی تک، تنها، صرفاً، یکه و یگانه است. این کلمه در اغلب زبانهای ترکی به صورت تک و در معدودی از آنها به شکل تیک (تاتاری، باشقیر)، تگاران (بالقار)، تگین (فاراقلایق) و ... بکار می‌رود. در ترکی خاقاسی تیک به معنی صفر است. "اری باردی، قالدی قوروق یشری تک Öri bardı, qaldı quruq yeri tək". (مرد مرد و زمین خشک تنها باقی ماند). این کلمه به زبان فارسی نیز وارد شده است.

نتیجه

تیکان تپه نام شهر و شهرستانی در آذربایجان و به معنی تپه پر از خار است. این نام از سوی دولت ایران و در راستای ترکی زدائی از جغرافیای آذربایجان با کلمه ترکی - فارسی تکاب عوض شده است.

خوی Xoy:

شهر خوی یکی از شهرهای استان آذربایجان غربی و مرکز شهرستانی به همین نام است. شهر خوی را به علت استقرار در محلی پست "خوی چوخورو" نیز می‌نامند. شهرستان خوی در دشتی وسیع واقع شده و از شمال به شهرستان ماکو و از جنوب بشهرستان سلماس و از خاور به شهرستان مرند و از باختر با کشور ترکیه همسایه و هم مرز می‌باشد. خوی که امروزه مهمترین شهر استان آذربایجان غربی بعد از اورمیه می‌باشد از اهمیت نظامی و تجاری ویژه‌ای برخوردار بوده و دارای آثار تاریخی متعددی است. خوی در قرن سیزدهم به علت زیبایی شهر و وجود باغات سبز و روح‌افزا و کثرت مناظر دلبریا و چمنها به لقب دارالصفاء و بعد از آن به دارالمؤمنین مشهور بوده است. شهر خوی از

شده، واقع شده در پائین وجود دارد. ظاهراً این کلمات از ریشه مصدر "قویماق Qoymaq" به معنی گذاشتن، پائین گذاشتن، پائین آوردن می باشند. کلمه "قویو Qoyu" را در ترکیب "اوزو قویولو Üzü Qoyulu" "به معنی شخص دراز کشیده رو به پائین (بر روی شکم) نیز می توان مشاهده کرد. زبان‌شناسان این کلمات را هم‌ریشه با "قویون Qoyun" به معنی آغوش، "قودغورماق Qodğurmaq" به معنی به پائین چیزی رفتن و "قویروق Quyruc" به معنی دم، بن (مرتبط با قودورغا Kudurğa مغولی، کفل اسب) دانسته اند.

۴- در زبان ترکی کلمه مشابه دیگری به شکل "قویو Quyu" و به معنی چاه، گودی عمیق کنده در خاک وجود دارد. این کلمه اصلاً از مصدر "قودماق-قویماق" به معنی آبی که بیرون می ریزد است. فرمهای گوناگون آن در زبانهای تورکی: قویی، قودوق، قودوغ، قویوق، قویوغ، قودوق، قوداغ،... هم‌ریشه با "Kut" مجاری به معنی چاه، قوددوغ Qudduğ، قوددوق Qudug، خوددوق Xuduc، خوداق Xudaq در زبانهای مختلف مغولی به معنی چاه و گودال آب، و قوتوغور Qotuğur به معنی گودی و گودال (احتمالاً نام منطقه سرحدی "قوتور" در شهرستان خوی مرتبط با این کلمه است).

۵- در کتاب "سیمای خوی" (صدراپی خوبی) کلمه خوی مأخوذ از کلمه "قویون - قوی" ترکی به معنی میش و گوسفند دانسته شده است. ۶- محمدمامین ریاحی نویسنده کتاب تاریخ خوی بر این باور است که شاید واژه‌ی خوی با جزء آخر نام شهر "اولخو" که دو هزار و ۱۰۰ سال پیش در همین جا قرار داشته است بی‌ارتباط نباشد. نامهای مکانهای چون "اولخو" و "حویه‌وه" در سال‌نوشته‌های آشوری، نیز "حویله" در کتاب مقدس که محل آنها ظاهراً مطابقت تقریبی با شهر و منطقه خوی دارد، محتاج ریشه یابی‌های دقیق از سوی لغت‌شناسان و زبان‌دانان بی‌طرف می باشند. گرچه واژه "حویه وه" (حوی+ه وه) فوق می‌تواند مرتبط با "خوی اووا" (وادی پست)، واژه "حویله" مرتبط با "قویلو" (دشت پائین) و واژه "اولخو" نیز مرتبط با "اؤل خوی" (وادی مرطوب) شمرده شوند.

۷- ادعا شده است که "در زبان سومری که از سوی برخی از صاحب‌نظران زبانی پروتوتورک محسوب می‌شود واژه ای مشابه "خوی" وجود دارد که به معنی سرزمین و دشت کم ارتفاع و پست است. اقوام سومری از آسیای میانه (ترکستان) با گذر از سرزمین آذربایجان به منطقه بین‌النهرین رفته‌اند و در طول این مهاجرت، سالها در آذربایجان رحل اقامت افکنده‌اند و گروه‌هایی از آنها نیز برای همیشه در آذربایجان ماندگار شده‌اند. با توجه به این واقعیت که منطقه تمدن خیز "آراتنا" ذکر شده در کتیبه‌های سومری عموماً با منطقه خوی و کلا غرب آذربایجان و شرق آناتولی منطبق می‌شود، احتمال اینکه نام "خوی"

۱- کلمه "خوی" فرم باستانی کلمه "قوی Qoy, Quy" در ترکی قدیم است که مفهوم "چوخور" (سرزمین پست) را می‌رساند. در دیوان لغات ترک، "قوی" به معنی دره، بستر و بخش مسطح دره، وادی بزرگ و گود بین دو کوه و ته آمده است. هم‌ریشه با کلمات "قویتو Quytu" و "قویاق Qoyaq".

-قویاق Qoyak: به معنی وادی بزرگ و گود بین دو کوه، گودی طبیعی ایجاد شده بین کوهها و صخره‌ها، گودی طولی که در دشتهای توسط برکه‌های آب ایجاد می‌شود است.

-قویتو Quytu: رد کلمه باستانی ترکی "خوی-قوی" را در واژه "قویتو Qoytu - Quytu" که مرکب از کلمه "قوی" به علاوه پسوند "تو" می‌باشد نیز می‌توان مشاهده نمود. در لغتنامه اتیمولوژیک ترکی در مقابل کلمه قویتو Kuytu گفته می‌شود: "چوخور یئر çukur yer، گونه‌ش آلمایان یئر، کؤلگه (ترجمه: جای پست، محلی که آفتاب نمی‌گیرد، سایه). کلمه قویتو Kuytu در ترکی عثمانی و ترکی مدرن ترکیه به معنی جای خلوت، محلی دور از چشم، محافظه‌شده از باد، است. ظاهراً این کلمه با واژه "قویتو" مغولی به معنی پشت، عقب، شمال و واژه "کوز Küz" ترکی به معنی محلی که آفتاب نمی‌گیرد در ارتباط است. پسوند -تی، -تو، پسوند اسم ساز از اسم بوده و در ترکی آناتولیایی قدیم به شکل -دو موجود است (ائلتی Elti، قویتو Koytu، تور تو Tortu، اکتی Ekti، پیرتی Pırtı، پینتی Pinti). این پسوند تصغیر و تخفیف در ترکیب با واژگان تقلیدی که به -یر، -ور، -یل، -ول و ... ختم می‌شوند بسیار فعال است: فیسیلتی، زونقوتلو، فیشتیرتی، اینیلتی (ترکی آناتولیایی قدیم).

۲- نام شهر خوی از کلمه "خوی Xuy"، "قوی Quy" که در ترکی باستان بسیار رایج بوده و به معنی نقطه و مکان تجرید شده می‌باشد گرفته شده است. کلاوسن در لغتنامه ریشه‌شناسی ترکی پیش از قرن ۱۳ میلادی، این کلمه ترکی را مشتق از واژه چینی Kuei که در آغاز به معنی اقامتگاه زنان، بخش خصوصی یک مسکن بوده دانسته است. وی کلمه "کویتو Kuytu" به معنی جای خلوت و محافظه‌شده از باد در ترکی عثمانی و ترکی مدرن ترکیه را نیز مشتق از این کلمه می‌شمارد. کلمه "خوی-قوی" امروز نیز در بسیاری از زبانهای ترکی شمال شرقی به شکل "کوی Kuy" و به معنی غار و در ترکی خاقاسی به شکل "خوی Xuy" بکار می‌رود. در ترکی خاقانی، "کوی" به معنی انتهای یک دره است (کاشغری): "تاغیغ آتیپ اوغراسا، اؤزو کویی ییرتیلور Tağığ Atıp Uğrasa Özü Kuyı Yırtılur" (هنگامی که به کوهی تیر بیاندازد، مرکز و دره‌هایش پاره می‌شوند).

۳- در ترکی باستان دو کلمه به شکل "قوی Qoy" به معنی محل پائین آوردن و گذاشتن (هر چیز) و "قویو Qoyu" به معنی پائین گزارده

فراگرفته اند همخوانی کامل دارد. کوههای مهم شهرستان خوی که بخط مستقیم در امتداد قله باشکوه و پربرف آخری داغ (آرارات) قرار دارند عبارت است از قله آدرین، کوههای مرزی قطور بنام سلطان سورا، قوچ داغ، کهر، هران و کوه چله خانه. وجود کوههای حصار مانند فوق مانع نفوذ بادهای سرد زمستانی است و بالتیجه هوای شهر خوی نسبت به بعضی از شهرستانهای آذربایجان چون تبریز و اورمیه در تابستان گرمتر و در زمستان معتدل تر است. یکی از علل بارانی بودن شهرستان خوی، وجود کوههای بلند مذکور است که در مقابل بادهای رطوبی قرار گرفته و با سرد کردن هوای مجاور و تمرکز بخار آب، شرایط اشباع شدن را فراهم می سازند.

ریشه شناسی و وجه تسمیه های نادرست و دولتی:

نهادهای رسمی دولتی ایران ریشه کلمه خوی را در زبانهای پهلوی، فارسی، کردی و یا ارمنی جستجو کرده اند:

۱- گویا در زبانهای فارسی و پهلوی کلمه ای به شکل "خی" و به معنی عرق و عرق تن موجود بوده است (در پهلوی Xvāi و در شاهنامه فردوسی خَی Xāy). عده ای از ناسیونالیستهای فارس و فارسگرایان نام شهر خوی را مشتق از این کلمه دانسته اند. حال آنکه صرف وجود کلمه ای مشابه "خوی" در زبان پهلوی و یا فارسی دلیل بر ریشه گرفتن نام شهر خوی از آن کلمه نمی باشد. بلکه این واقعیت می باید با دیگر واقعیتهای و خصوصیات تاریخی، فرهنگی و زبانی منطقه نیز همخوانی داشته باشد. درست است که زبان فارسی از قرون پنجم و ششم در آذربایجان و در کنار زبان عربی به عنوان زبانی ادبی به کار گرفته شده است، ولی مردم آذربایجان هرگز به زبان فارسی و یا یکی از منشعبات آن سخن نگفته اند و قوم فارس نیز در هیچ برهه ای از تاریخ، نه در خوی و نه در هیچ منطقه دیگری از آذربایجان سکونت نداشته است. علاوه بر آن در تاریخ سنتی مانند کاربرد زبانهای خارجی از طرف خلق ترک برای نامیدن اماکن جغرافیایی خود وجود نداشته است. از اینرو، ریشه شناسی نامهای جغرافیایی آذربایجان بر اساس زبان فارسی و یا دیگر زبانهای ایرانی معاصر و یا باستانی، از اساس بی پایه، غیرمنطقی و نامعقول است.

۲- مراکز رسمی و دولتی جمهوری اسلامی و عده ای از ناسیونالیستهای افراطی کرد مطرح می کنند که "واژه خوی در زبان کردی به معنای نمک و نمکزار است و شهر خوی به واسطه وجود معادن نمک غنی متعددی در این منطقه، به خوی معروف شده است، ... از آنجا که کردان بازمانده ای مادها بوده اند و یا این که به گفته خودشان مادها از آنها هستند و تاکنون زبان باستانی خود را که گونه ای از زبان پارسی باستان است، حفظ کرده اند، می توان گفت که ساکنان کنونی خوی از مادها

یک کلمه سومری به معنی سرزمین و دشت کم ارتفاع و پست باشد زیاد است". با اینهمه در لغتنامه های سومری بررسی شده از سوی اینجانب، به همچو کلمه ای برخورد نشد.

نامهای مشابه:

۱- نامهای روستاهائی مانند "قویجوق"، "قویجوق خان"، "قویجاق" و ... و نامهایی چون "قویلار دره سی" مرتبط با ریشه "قوی" به معنی بستر دره می باشند (-جوق و -جاق پسوندهای تصغیراند).

۲- در آذربایجان و ترکستان با دو نام دیگر ظاهرا مرتبط به اسم خوی برخورد می شود: "خیوو"، نام قدمی شهر "پیشگین" (مشکین شهر) و دیگری "خیوه"، شهری در ترکستان - ازبکستان.

۳- در آذربایجان شمالی شهری بنام قوبا Quba وجود دارد. اگر نام این شهر مرتبط با "خوی" نبوده باشد (در شکل قوی+اوبا) احتمالاً مشتق از کلمه ترکی قوبا به معنی خاکستری رنگ پریده، زرد رنگ پریده است. فرمهای گوناگون این کلمه در زبانهای ترکی چنین است: قوبا (قاراخانی)، قو Ko (ساری اویغور)، قووا Quwa (تاتار)، قیو Qiw (تاتار)، قی Qi (قیرقیز، آلتائی)، قوو Quw (قزاق، نوقای، قوموق، قاراقالپاق، ازبک)، خی Xi (خاقاسی)، خوو Xuwa (تووا-توفالار)، قو Qu (آلتائی). این کلمه به زبان مغولی نیز وارد شده است. قووا Quwa (مانجو)، هوپو Hu-p'o (چینی).

وجه تسمیه:

در وجه تسمیه خوی که از قرن ششم میلادی و به همین شکل فعلی در سفرنامه ها بمیان آمده، می بایست به دو مساله کلیدی یعنی نامگذاری مردمی "خوی چوخورو" و شرایط طبیعی آن بویژه محصور شدن آن توسط کوههای پیرامونی توجه نمود:

۱- خوی کلمه ای ترکی به معنی وادی پست است. این با صفتی که مردم برای نامیدن این منطقه به کار می برند همخوانی کامل دارد. خویی ها شهر خود را "خوی چوخورو Xoy çuxuru" می نامند و معنی آن دشتی است که از مناطق همجوار پایین تر است. شهر خوی در سرزمین نسبتاً پستی قرار گرفته است، ارتفاع متوسط جلگه ای که خوی در آن واقع شده در حدود ۱۱۰۰ متر می باشد که از همه جلگه های مجاور حتی از دریاچه اورمیه نیز پستتر است. پستی جلگه مزبور و دور بودن آن از دریاهای بزرگ سبب تغییرات ناگهانی در هوای آن می گردد. مقدار باران شهرستان خوی نسبت بسایر نقاط آذربایجان بعد از اورمیه در درجه دوم قرار گرفته و هوای شهرستان خوی اغلب مه آلود می باشد. (هوای قسمتهای کوهستانی و مرزی شهرستان خوی سردسیری و قسمتهای داخلی و جلگه ای آن معتدل و مالاریایی است).

۲- خوی کلمه ای ترکی به معنی مکان جدا و محل حفاظت شده از باد است و این با طبیعت آن یعنی کوههایی که حصاروار این شهرستان را

در بیانیه گروه تروریستی پژاک به چشم می خورد تغییر تاکتیک این گروه برای هدف قرار دادن ارتش ترکیه است. به نظر می رسد این تغییر تاکتیک گروه تروریستی پژاک حامل پیام و نشانه تحول و آشفتنگی درون سازمانی در میان کادر رهبری PKK به عنوان تشکیلات مادر می باشد. در این گفتار با نیم نگاهی به ساختار سازمان تروریستی PKK به بررسی علل صدور بیانیه پژاک و تاثیرات احتمالی آن بر منطقه غرب آذربایجان خواهیم پرداخت.

گروه تروریستی PKK سال های طولانی با بهره جستن از اختلافات عقیدتی و سیاسی، دولت لائیک و نزدیک به غرب حاکم بر ترکیه با نظام اسلامگرای ایران که خود را نزدیک به کشورهای مخالف غرب می داند توانست از امکانات سیاسی، نظامی، مالی و بین المللی ایران برخوردار شده و به مرحمت یاری های دولت مرکزی ایران پایگاه های آموزشی و تدارکاتی و بهداری این گروه تروریستی در مناطق مرزی و بعضا شهر اورمیه، سلماس و خوی مستقر بودند. گروه تروریستی PKK که در این سال ها در اوج قدرت به سر می برد، ارتباط تنگاتنگی نیز با کشورهای روسیه، ارمنستان، سوریه و یونان ایجاد کرده و ارتباط آن با کشور ارمنستان چنان گسترده شد که گروه های مسلح نژاد پرست ارمنی در اردوگاه های PKK واقع لبنان که تحت کنترل نیروهای سوری قرار داشت، مستقر شدند. به زبان ساده تر گروه تروریستی PKK در این دوره از عمر خود از قالب یک سازمان مدافع حقوق کرد ها خارج و به مافیای مزد بیگر و اهرم فشار سیاسی - نظامی کشور بر علیه ترکیه تبدیل گردید. دولت ترکیه در عین حالی که در داخل مرز های خویش به صورت مداوم با تروریسم مبارزه می کرد با دیپلماسی قوی بین المللی نیز در مقابل سازمان تروریستی PKK ظاهر گردید. دولت ترکیه چندین بار از سوریه خواست که اردوگاه های نظامی پ ک ک را تعطیل و مسئولان سیاسی آن را از دمشق اخراج کند ولی مقامات سوری در مقابل این خواسته مقاومت می کردند، لذا دولت ترکیه با اعزام و تجمع نیروهای نظامی در مرز سوریه و تغییر مسیر رود های آبی این کشور که از کوه های ترکیه سرچشمه می گیرند ابتدا سوریه را مجبور به اخراج عبدالله اوجلان کرد. اخراج عبدالله اوجلان از کشور سوریه استارت در به دری این رهبر تروریست را زد. دیپلماسی قوی دولت ترکیه مانع از آن شد که عبدالله اوجلان در کشور های دوست مخفی شود و بالاخره نیروهای امنیتی ترکیه با سلسله عملیات های ضد تروریستی عبدالله اوجلان را دستگیر و به چنگال عدالت سپردند. کارشناسان بر این باورند که دستگیری عبدالله اوجلان دوران طلایی گروه تروریستی PKK را به پایان رسید و جای خود را به اختلافات، تصفیه ها و انشعابات داد. تحلیل گران امور منطقه ای، خلا رهبری در PKK و ساختار سنتی، خشک و خشن آن را که بر حول رهبریت فردی استوار بود و همچنین

بوده اند و آنها مسکن خود را به دلیل وجود معادن نمک در این ناحیه ساخته اند".

این ادعا که کردان بازمانده مادها هستند و یا مادها از کردان، ادعائی تماما بی پایه و غیرعلمی است و با حقایق تاریخی همخوانی ندارد. انتساب مادها به اقوام ایرانی زبان و یا آریایی نژاد و ارتباط بر قرار کردن بین زبان کردی و پارسی باستان آنهم با زبان مادان که از آن حتی یک نوشته و یک سطر در دست نمی باشد نیز، پایه و بنیان درستی ندارد. وانگه مادها و پارسی باستان و کردی و ... چه ربطی به نامهای جغرافیای سرزمین آذربایجان که در چند هزاره اخیر مسکن اقوام ترک و آلتائی و پیش از آن هیتی ها، هورری ها، قوتتی ها، لولوبی ها، اورارتوها و مانهاها و سومرها و ... بوده است دارد؟

۳- ارامنه که بر بخشهایی از سرزمین آذربایجان ادعاهای ارضی داشته و دارند، برای خوی نیز مانند بسیاری از اسامی جغرافیایی آذربایجان، ریشه شناسی ای ارمنی ایجاد کرده و آنرا کلمه ای ارمنی به معنی قوچ دانسته اند. حال آنکه ارامنه، در طول تاریخ هرگز این شهر آذربایجانی را خوی نخوانده و به جای آن همواره نام "هیر" را بکار برده اند.

نتیجه

خوی نام شهر و شهرستانی در آذربایجان است. این نام بسیار قدیمی از ریشه قوی Qoy, Quy به معنی وادی پست و یا قوی Quy به معنی منطقه تجرید شده و به احتمال کمتری از ریشه قوی Qoy به معنی در پائین واقع شده می باشد.

## پژاک متوقف می شود

### اؤزگور نبی

عملیات های پژاک متوقف می شود. این خبری بود که چندی قبل (بیست یک آبان) برخی منابع خبری (روزنامه قدس - سایت های خبرگزاری ترند نیوز - میلی حرکت - دیره نیش تشکیلاتی - اویرنجی به نقل از پایگاه خبری روژهالات، نزدیک به گروه تروریستی پژاک) آن را منتشر کردند. صاحب نظران مسئله حضور و فعالیت گروه های تروریستی کرد در منطقه غرب آذربایجان و یا جنوب ترکیه و شمال عراق تحلیل های متفاوتی در مورد این خبر ارائه دادند اما با توجه به سابقه تعطیل عملیات تروریستی گروه های یاغی کرد در فصل زمستان و آغاز دگر بار آن در فصل بهار باید منتظر ماند تا گذر زمان صحت این موضوع را به اثبات برساند.

چنانچه اشاره شد، توقف عملیات های تروریستی پژاک در منطقه غرب آذربایجان از زوایای مختلفی قابل تحلیل است اما نکته بسیار جالبی که



تروریستی PKK شمار چشمگیری از این تروریست از طرق خاک ایران به منطقه قاراباغ اشغالی منتقل شدند. (خبر این نقل و انتقال در سایت های آذربایجانی انعکاس یافت)

5- طیف عراقی که از حمایت وسیع مسعود بارزانی خصوصا فرزند وی نچروان بارزانی برخوردار بوده و در پایگاه های نظامی قندیل و زاب حضور دارند عمدتاً در کمپ هابور و شهرهای مرزی سکنی گزیده اند.

تصمیم گیرندگان سازمان منشعب شده PKK در گنکره عمومی که به صحنه رقابت طیف ها تبدیل شده بود تحت تاثیر قدرت های برون سازمانی و برای بهره گیری بیشتر از حمایت های اروپایی و منطقه ای با چرخشی سیاسی از ایران فاصله گرفته و رای به تشکیل شاخه ایرانی به نام پژاک (حزب حیات آزاد کردستان) دادند. تئوریسین های تشکیل پژاک با اهداف بلند پروازانه، ظاهر گامی دیگر به ایجاد کردستان بزرگ و دفاع از حقوق کردهای ساکن ایران برداشته و عملیات های خود را در منطقه غرب آذربایجان متمرکز نمودند. د گنکره پر تنش پ ک ک اصلی ترین مخالفین تشکیل شاخه ایرانی PKK طیف نزدیک به کشور ارمنستان بود که رابطه بسیار عمیق اطلاعاتی - امنیتی با ایران دارد. مقامات ارمنستان می دانستند که تشکیل این چنین گروه تروریستی سبب نزدیکی ایران و ترکیه خواهد گردید. البته باید اشاره کرد که تا حدودی پیش بینی مقامات ارمنی درست بوده و این مسئله موجب نزدیکی مقطعی ایران و ترکیه را گردید.

اعلام موجودیت گروه تروریستی PJAK موجب نارضایتی گروه های سنتی کرد ایران بخصوص "حزب دمکرات کردستان" و "کومله" را فراهم آورده و این نارضایتی تا حدی پیش رفت که این احزاب کرد، ماهیت PJAK را به دلیل نفوذ نیروهای اطلاعاتی ایران در مرکزیت سازمان PKK مشکوک ارزیابی کردند. گروه تروریستی PJAK که از حمایت های آموزشی - مالی و لجستیکی قدرت های منطقه ای و اروپایی برخوردار بود چالشی جدی را برای دولت مرکزی ایران فراهم آورد و عملیات تروریستی خود را در مرز های ترکیه و عراق و منطقه غرب آذربایجان بر علیه نیروهای دولتی گسترش داد که با کمال تاسف به دلیل سیاست های شوونیستی حاکمان تهران منطقه غرب آذربایجان که سال ها طمع تلخ حضور گروه های یاغی کرد در منطقه را چشیده بود بار دیگر قربانی امیال تروریستی PJAK گردید. PJAK بعد از مدت ها عملیات تروریستی با انفجار بمبی در تهران و حملات ایذایی در منطقه کرمانشاه سیاست نزدیکی و تامل با جبهه متحد عرب و جنبش مقاومت ملی ایران (جندالله بلوچستان) برگزیده و در بیانیه ای اعلام کرد که PJAK به جبهه مبارزه با حکومت مرکزی تبدیل گردیده و سایر ملت های تحت ستم را برای گشودن جبهه مبارزه سراسری به همکاری فرا خواند که گمان می رود این تصمیم نه با رای رهبری PJAK بلکه

دیسپلین خونین سازمانی و عدم اجازه هر گونه نقد از رهبریت را عامل زمینه فروپاشی و اختلاف در سیستم رهبری بعد از دستگیری عبدالله اوجالان پ ک ک می دانند. وقایع دهشتناک اردوگاه های PKK که منابع بی طرف خبری آن را منتشر کردند، جزئیات اختلاف کادر های رده بالای PKK که موجب تصفیه های خونین شده است وجدان آگاه هر انسانی را رنج می دهد.

بعد از این وقایع، سازمان عریض و طویل پ ک ک که به یاری سیرویس های اطلاعاتی - نظامی کشور های منطقه به یکی از قدرتمند ترین سازمان های نظامی تبدیل شده بود با اسامی متفاوت به طیف های مختلف تقسیم و هر کدام تحت تاثیر قدرت های منطقه ای به اقدامات تروریستی خود ادامه داد. از طیف های تقسیم شده می توان به :

1- طیف ترکیه که تحت تاثیر شدید ایران فرا داشته و بعد از دستگیری عبدالله اوجالان به وسیله عثمان اوجالان (سلطان مواد مخدر غرب آذربایجان) رهبری می شد که بعد از اختلاف با "کارا ایلان" از سازمان خارج و بعد از ادواج مجدد با دختری از اقلیت های مهاجر کرد غرب آذربایجان نقش وی بسیار تضعیف و اعضا هوادار این فرد فعلاً در خانه های تحت کنترل ارگان های امنیتی دولت ایران در اورمی و سلماش به زندگی ادامه می دهند تا اگر لازم باشد، دوباره مورد استفاده سیاسی - نظامی قرار بگیرند. با اینکه PKK به گروه های بسیار کوچک منشعب شده ولی رهبری HPG (نیروی مدافع خلق) به عنوان طیف قدرتمند ترکیه ای با فردی مرموز به نام "مراد کارا ایلان" می باشد و شاخه سیاسی آن DTP به رهبری "احمد تورک" در داخل ترکیه فعالیت می کند.

2- طیف ایرانی که عمدتاً مخالفین دولت ایران تشکیل یافته و مدعی دفاع از حقوق کرد های ایران و مبارزه با دولت مرکزی ایران بوده و تخیلات ارضی این طیف برای غرب آذربایجان بسی شدیدتر از سایر طیف هاست که تحت نفوذ قدرت های منطقه ای مخالف دولت ایران می باشند. این طیف که در مورد آن بیشتر خواهیم خواند، نقش عمده ای در تاسیس و تشکیل گروه تروریستی پژاک دارد.

3- طیف سوری که نتوانستند در رهبریت جایگاهی برای خود پیدا کنند و صرفاً در قسمت اجرایی و بدنه سایر طیف ها فعال می باشند که این مسئله موجب نارضایتی آنها را فراهم آورده است.

4- گروه های مسلح و تروریست ارمنی عضو PKK متشکل از فاشیست های ارمنی ترکیه و کشور های دیگر می باشد که از سوی ارمنستان و تاریخاً از روسیه و لابی فرانسوی خود یاری گرفته و به دلیل پتانسیل های بالقوه بین المللی که در اختیار سازمان تروریستی پ ک ک قرار داده، نقش محوری در پس تصمیم گیری های پشت پرده PKK داشته اند. با تهاجمات ارتش ترکیه به شمال عراق برای مقابله با گروه

ای و فرا منطقه ای مافیای مزد بگیر تروریسم کرد جهت فشار به کشور ترکیه می باشد. به هر حال پ ک ک و پژاک عروسک وار بازی می کنند و در این بازی جان انسان ها را می گیرند. دختران و پسران کرد در کوه ها و غار ها قربانی شهوت ها و جاه طلبی ها می شوند که باید به عنوان انسان افسوس خورد و این مسئولیت روشنفکران و سیاسیون کرد است که سر این مار خطرناک را که به فرزندان خود نیز رحم نمی کند قطع کنند و اما فعالین آذربایجان نیز باید آگاهانه مراقب تحولات را تحت کنترل داشته باشند چون به هر نحو مار خطرناک تروریسم جنوب ترکیه و غرب آذربایجان سر می جنباند.

منابع خبر:

<http://news.trendaz.com/index.shtml?show=news&newsid=1342316&lang=FA>  
<http://www.qudsdaily.com/archive/1387/html/8/1387-08-21/page16.html#10>  
[http://diranish.org/farsi/index.php?option=com\\_content&task=view&id=266&Itemid=1](http://diranish.org/farsi/index.php?option=com_content&task=view&id=266&Itemid=1)

## تیکان تپه و مساله اکراد

### بهرام افشاری

"فته ها آنگاه که روی آورند با حق شباهت دارند و چون پشت کنند حقیقت چنانکه هست نشان داده می شود؛ فته ها چون می آیند شناخته نمی شوند و چون می گذرند شناخته می شوند." (نهج البلاغه خطبه 93)  
 مردم فهیم، مبارز و غیور تیکان تپه اینک این شهر غریب، عقب نگه داشته شده و مظلوم اما زیبا، مستعد، با فرهنگ، و غنی و تاریخی در آستانه اشغال قرار دارد، اشغالی آرام و مرگی تدریجی. سرزمین مادریمان به یاری تک تک ما نیازمند است و اگر عجله نکرده و اقدامی نکنیم فردا باید هویت مذهبی و قومی خود را انکار کرده و خانه و کاشانه خود را ترک گفته و راهی دیار غربت شویم. اگر دیر بجنبیم شرمسار تاریخ خواهیم شد

چریان از این قرار است که حرکتی فعال و موزبانه در حال تغییر و برهم زدن ترکیب جمعیتی شهرهای ترک نشین و دوگانه نشین (ترک و کرد) آذربایجان غربی جهت توسعه و ایجاد استانی کردنشین در غرب خاک مقدس آذربایجان می باشد که هدف نهایی این حرکت پلید در سطحی بالاتر تجزیه غرب آذربایجان، کردستان، شمال عراق، جنوب شرقی ترکیه و شمال سوریه جهت ایجاد کشوری به نام "کردستان بزرگ" می باشد.

متاثر از عوامل بیرونی بوده که PJAK را در ایران ساپورت مالی و لجستیکی می نمایند. البته عملیات های تروریستی PJAK در منطقه و ادعای ایجاد جبهه متحد با سایر ملت های تحت ستم ملی ایران آنقدر هم به ضرر دولت مرکزی ایران و گروه های سیاسی تمام نشد زیرا دولت مرکزی ایران شماری از روزنامه نگاران و فعالین کارگری و جنبش زنان و جنبش دانشجویی ملت های تحت ستم ملی در ایران خصوصا کرد ها را که در اعتراضات مختلف بازداشت می شوند با بهانه همکاری با PJAK تا مرز اعدام پیش برد که این مسئله به ادعا های گروه های ناراضی کرد ایران قوت می بخشید.

حزب حیات آزاد کردستان "پژاک" بعد از چند سال عملیات تروریستی بی نتیجه در منطقه غرب آذربایجان که تنها باعث تحریک احساسات مقابله مردم ترک غرب آذربایجان با کل گروه های اقلیت مهاجر کرد گردید، ثقل عملیات های خود را استان کردستان منتقل و بعد از مانورهای سیاسی مختلف به یکباره بیانیه توقف عملیات صادر کرد. چرا؟ چه تحولاتی پشت پرده ای موجب شد که پژاک تصمیم به این کار بگیرد؟ آیا واقعا پژاک در تصمیم خود جدی است؟ آیا تاریخ مصرف پژاک برای تاسیس کنندگان آن به پایان رسید؟ اگر چنین است پژاک برای به انجام رساندن چه پروژه ای ایجاد شد؟ آیا واقعا پژاک به خاطر سرکوب نیروهای دولتی فعالیت خود را متوقف ساخت؟ آیا پژاک به خاطر فصل سرما عملیات تروریستی خود را متوقف کرده است؟ آیا عدم استقبال سایر ملت های تحت ستم ملی در ایران باعث به هم ریخته شدن پروژه گردید؟ آیا عدم استقبال گروه های سیاسی کرد ایران و یا ملت کرد در استان کردستان زمینه صدور این بیانیه را فراهم آورد؟ آیا واقعا ماموریت رهبران پژاک ایجاد زمینه برای خفه کردن جنبش ملی کرد ها در ایران بود؟ آیا آغاز فعالیت های منظم تبلیغی بر علیه گروه های تروریستی کرد در غرب آذربایجان و موضع گیری صریح حرکت ملی آذربایجان در کاهش عملیات های پژاک در غرب آذربایجان و انتقال آن به استان کردستان موثر بود؟

ظاهرا این ها سوالاتی می باشند که اگر روشنفکران و سیاسیون کرد بدان جواب دهند اذهان بسیاری روشن خواهد شد، ولی آنچه که برای ما مهم است نفس وجود گروه تروریستی پ ک ک و پژاک می باشد که به ابزار نامنی در جنوب ترکیه، غرب آذربایجان و منطقه کرکوک تبدیل شده اند. کشورهای منطقه ای و فرا منطقه ای که منافع انکار ناپذیری را دنبال می کنند از گروه های تروریستی پ ک ک و پژاک به نحو احسن استفاده ابزاری می کنند و در این بین دولت مرکزی ایران هم با چماق پ ک ک بر سر جنبش ملی آذربایجان و با چوب پژاک بر سر جنبش ملی کرد ها می کوبد. پژاک این بار می گوید حملات تروریستی خود را متوجه ترکیه می کند و این یعنی اراده رهبران منطقه

می‌کند: "کرده‌های این محل در واقع با اجازه و حمایت خوانین افشار و با تلاش مقامات دولتی برای یکجانشین کردن عشایر کرد ایران به آنجا نقل مکان کرده بودند." بدین ترتیب خانهای افشار برای یکجانشین کردن عشایر کرد قسمتی از اراضی خود را در مرز تیکان‌تپه - ساققز به اکراد واگذار نموده و این کار شروع فاجعه‌ای می‌شود برای منطقه افشار. اکراد پس از آنکه تجمعات بزرگی را در مرز تیکان‌تپه - ساققز پدید می‌آورند دسته دسته به سمت سایر مناطق افشار هجوم آورده و تورکهای افشار به تدریج نیز زمین‌های خود را ترک کرده به سمت شهر رهسپار می‌شوند. اکراد رفته رفته کلونی‌های بزرگی را در روستاهای ترک نشین گوی‌آغاج، چوپلو و ... تشکیل داده و سپس مسیر تخت سلیمان را در پیش گرفته و در روستاهای ترک نشین قره‌قیه، نبی‌کندی، حسن‌آباد، احمدآباد و ... ساکن شده و با ایجاد رعب و وحشت ترکها را مجبور به مهاجرت می‌نمایند. آنگاه پس از مستحکم کردن پایگاههای خود در روستاهای اطراف راهی شهر تیکان‌تپه می‌شوند.

شکل‌گیری شریف‌آباد: تا 40 سال پیش در داخل شهر تیکان‌تپه منطقه‌ای به اسم شریف‌آباد وجود نداشت و درستی این امر را می‌توان از افراد مسن شهر جویا شد. در شهر تکاب نیز تعداد انگش شماری از خانواده‌های اکراد ساکن بودند که این عده هم در مکالمات خانوادگی خویش نیز به لهجه کردی تکلم نکرده و حتی بعضی از آنها لباس کردی نیز نمی‌پوشیدند که تنها راه شناخت آنها از دیگران بود، اغلب این افراد در مراسمهای مذهبی شیعیان (ترکها) نیز مشارکت می‌کردند. تا اینکه در حدود 40 سال قبل فردی به نام شریف دایی و همسرش که از ترکهای منطقه بودند به دلیل اینکه قادر به خرید زمین در داخل شهر نبودند خارج از محدوده شهر در آن زمان و در طرف پل خروجی شهر کلبه‌ای ساخته و در آنجا ساکن می‌شوند که این پل بعدها به پل شریف دایی (شریف‌آباد کورپوسی) معروف می‌گردد. با گذشت زمان چندین خانواده از اکراد نیز در این محل ساکن شده و به تدریج این منطقه نیز به محل تجمع اکراد تبدیل شده و نام شریف‌آباد به خود می‌گیرد. با اینکه بسیاری از زمینهای کشاورزی و روستاهای مردم منطقه افشار را اکراد تصاحب می‌کنند (با خرید یا ...) اما بازم ترکها هجوم آنها را به شهر جدی نمی‌گیرند و با جملاتی چون " آنها نیز انسان هستند." و یا " کردها نمی‌توانند هیچ کاری از پیش ببرند." با استقبال این میهمانهای ناخوانده می‌روند. در میان غفلت ترکها سالها بدین منوال سپری می‌شوند و تجمع وحشتناک اکراد رفته رفته به انبار باروتی بدل می‌شود که این انبار باروت با وقوع انقلاب اسلامی منفجر شده و اکراد ظاهراً مظلوم و ساکت و بیچاره چهره واقعی خود را نشان می‌دهند. به دلیل انحلال نیروهای نظامی و عدم انسجام دولت جدید احزاب کومله و دموکرات به سرعت اکراد را مسلح کرده و با آرزوی کشوری به نام "

ذهی خیال باطل. فعالین این تفکر شوم تحرکات فوق‌العاده‌ای در داخل و خارج کشور آغاز نموده‌اند. حمایت‌های آمریکا و اروپا از اکراد و سیاستهای حمایتی دولت مرکزی ایران از اکراد جهت کاهش نفوس و نفوذ ترکهای آذربایجان در کنار بی‌لیاقتی و سکوت مسئولان بومی منطقه به همراه ناآگاهی و ساده‌لوحی و بی‌اعتنایی ترکهای آذربایجان غربی، غرب آذربایجان (از ماکو تا تیکان‌تپه) را به سرانجام اندوهباری رهنمون می‌سازد که اگر هرچه زودتر نسبت به آن چاره‌جویی نشود در آینده‌ای نه‌چندان دور منطقه را دچار چالش‌های جدی خواهد نمود. با توجه به حساسیت موضوع در این مقاله ابتدا به تاریخچه و نحوه مهاجرت اکراد به منطقه تیکان‌تپه پرداخته و سپس با تشریح وضعیت فعلی اکراد در این شهر به ارائه چند راهکار ساده اما مهم در این باره خواهیم پرداخت.

منطقه افشار در جنوبی‌ترین قسمت استان آذربایجان غربی قرار گرفته و تکاب (تیکان‌تپه) مرکز آن یکی از استراتژیک‌ترین شهرهای آذربایجان محسوب می‌شود که در نقطه تلاقی چهار استان آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، زنجان و کردستان قرار گرفته است. به دلیل اینکه بافت اولیه شهر در میان کوههای خاردار بؤیوک‌تپه، قره‌ناو و مینجیق‌تپه محصور بوده است شهر به تیکان‌تپه یا تیکانلی‌تپه مشهور شده است که هنوز هم افراد بومی و قدیمی منطقه تکاب را با نام حقیقی آن یعنی تیکان‌تپه می‌خوانند. در سال 1315 (ه.ش) در پی برنامه‌های نژاد پرستانه رضاخان مبنی بر تغییر اسامی تورکی به فارسی و زدودن هویت تورکی آذربایجان اسم تیکان‌تپه نیز به همراه هزاران اسم تورکی دیگر کشور فارسی تبدیل شده و تکاب نامیده می‌شود. کلمه آوشار یا افشار نیز از دو جزء آو به معنی شکار و شار به معنی مایل و علاقمند تشکیل شده و در واقع آوشار به معنای شکارچی می‌باشد. افشارها یکی از 12 طایفه بزرگ تورکان اوغوز می‌باشند که بخش عمده‌ای از این منطقه در جنوب دریاچه اورمیه، سولدوز (نقده)، قوشاچای (میاندواب)، سایین‌قالا (شاهین‌دژ) و تیکان‌تپه (تکاب) پراکنده شده‌اند. تورکان افشار به درازای تاریخ در منطقه ساکن بوده و حماسه‌های عظیمی را خلق نموده‌اند. پروفیسور کریستین سن دانمارکی در کتاب " نادر آخرین جهانگشای آسیا" اشاره می‌کند که نادرشاه افشار متولد روستای قیرخلی تیکان‌تپه می‌باشد که به همراه طایفه خود به شمال خراسان کوچانده می‌شوند. زبان مردم منطقه افشار تورکی آذربایجانی بوده و شیعه مذهب می‌باشند. منطقه افشار مانند سایر مناطق غرب آذربایجان همواره مورد هجوم اکراد کوچ نشین بوده و از این راه همواره متحمل خسارات جانی و مالی بسیاری نیز شده‌اند. با این وجود اکراد هرگز نتوانسته‌اند به زور اسلحه این منطقه را تصاحب کنند. همانگونه که رودلف ناومان آلمانی در صفحه 42 کتابش " تخت سلیمان" که حدوداً 40 سال پیش نگاشته اشاره

آنچه گذشت تنها گوشه‌ای از برنامه اشغال تدریجی تکاب توسط اکراد می‌باشد که می‌توان نکات زیر را نیز در کنار آنها یادآوری کرد:

- اغلب مهاجرین تیکان تپه به سایر شهرها را ترکها تشکیل می‌دهند در حالیکه اغلب مهاجرین به تیکان تپه را اکراد سایر مناطق و شهرها شامل می‌شود.

- اغلب تولدهای انجام شده در شهر مربوط به اکراد است. که دلیل این موضوع مربوط به سیاستهای بازدارنده نظام می‌باشد که متأسفانه تنها روی ترکها (شیعه‌ها) کارگر افتاده نه روی اکراد (سنی‌ها).

- به دلیل نبود شرایط مناسب شغلی و ... و مهاجرت ترکها اغلب زمین‌ها توسط اکراد خریداری می‌شود.

- بسیاری از کارمندان جدید ادارات مخصوصاً بانکها را اکراد تشکیل می‌دهد که دلیل این امر به تنگ نظری واحدهای گزینش ادارات شهری از یک طرف و نفوذ اکراد با نفوذ در امور سرپرستی و استخدام کارکنان استان از طرف دیگر می‌باشد.

- اقتصاد یکی از نکات بسیار مهم در اعتلای یک ملت است، اکراد به ندرت کالاهای مورد نیازشان را از ترکها خریداری می‌کنند در حالیکه ترکها زیاد به این مسئله توجه نداشته و اغلب بی‌اعتنا می‌باشند.

- تقریباً تمام توزیع کنندگان مشروبات الکلی، مواد مخدر، سیگار و سایر مواد قاچاق را اکراد تشکیل می‌دهند که از این راه سود کلانی را به جیب می‌زنند در حالیکه متأسفانه بعضی از مصرف کنندگان نیز ترکها می‌باشند.

- تقریباً تمام دوره گردان و دست‌فرشان شهر را اکراد شامل می‌شوند که اغلب نیز از اسیر شهرها آمده و بدون رعایت قوانین تجاری (عوارض و ...) ضربه جبران ناپذیری را به اقتصاد و اشتغال همشهریان وارد می‌کنند.

- اغلب مغازه‌های اکراد با اسامی کردی نامگذاری شده و حتی تبلیغات جاده‌ای بین تکاب - شاهیندژ و بیجار مربوط به اکراد و کردستان بوده تا حدی که حتی ظاهری مختلف با آنچه هست به راههای شهری ما داده است.

- ...

اما اینک تحت این شرایط و با اینهمه هجوم فرهنگی، اقتصادی و مذهبی و ... چه باید کرد؟

1- توجیه دوستان، آشنایان و مسئولان بومی دلسوز به ابعاد فاجعه و تبدیل آن به یک گفتمان روزمره جهت بالا بردن سطح آگاهی اقشار مختلف مردم.

2- نفروختن هیچ نوع ملک اعم از زمین و ساختمان مسکونی و واحد تجاری و کشاورزی به اکراد و همچنین اجاره ندادن آنها حتی به قیمت گزاف.

کردستان " همزمان با غرب آذربایجان، تیکان تپه را نیز آماج حملات خود قرار می‌دهند. هزاران شهید، صدها جانباز و دهها مفقود و میلیاردها تومان خسارت مالی تنها بخشی از هزینه‌ای بود که مردم منطق به دلیل سهل‌انگاری چندین ساله شان پرداخت کردند. تا اینکه با تشکیل سپاه و با کمک آنها، مردم منطقه به سختی توانستند فتنه اکراد را دفع نموده و آنها را تار و مار نمایند. امروز کوچه و خیابانهای شهرمان مزین با اسم این شهیدانی است که در درگیری با اکراد مسلح به شهادت رسیدند. با فروکش کردن جنگ نفرت مردم منطقه نیز نسبت به اکراد فروکش کرده و تمام فجایع به بار نشسته به دست آنها را فراموش کردند. اکراد نیز اسلحه‌هایشان را به زمین گذاشته و این بار با قاچاق سیگار، مواد آرایشی و بهداشتی، مشروبات الکلی، پارچه و مواد مخدر شهر را دوباره مورد هجوم خود قرار می‌دهند، هجومی پنهان ولی خطرناک‌تر از هجوم آشکار. با سودی که اکراد از این راه کسب می‌کنند اقدام به خرید زمینهای کشاورزی و منازل مسکونی و مغازه‌ها می‌کنند. در حالیکه ترکهای منطقه زمینهای خود را به اکراد فروخته و برای پیدا کردن راهی برای سیر کردن شکم خود و فرزندانشان راهی قزوین، کرج، تهرانف ساوه، هشتگرد و ... می‌شوند. از سوی دیگر با افزایش زاد و ولد اکراد روز به روز جمعیت آنها افزایش می‌یابد. حدود 10 سال قبل رهبران مذهبی و فکری اکراد به آنها توصیه می‌کنند که تنها در شریف اباد تجمع نکرده و در قسمت‌های مختلف شهر پراکند شوند. در این میان بنگاه‌های املاک اکراد نیز فعال شده و با حمایت‌های مالی گروههای ذی‌نفع اکرادی که توانایی مالی برای خرید مسکن و مغازه را ندارند حمایت مالی شده و در قسمت‌های مختلف شهر ساکن می‌شوند. سهل‌انگاری ترکها از یک طرف و سکوت و کج فهمی مسئولان از طرف دیگر آنقدر ادامه می‌یابد تا اینکه در انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال 78 نزدیک بود اکراد فردی را راهی مجلس کنند. در شرایطی که ترکها با خوشبینی تمام به این قضایا می‌نگریستند در سال 81 اکراد توانستند یکی از نمایندگان خود را راهی شورای شهر کرده و در سال 85 نیز با هماهنگی و یکدستی در میان تفرقه و پراکندگی ترکها تعداد افراد خود در شورای شهر را افزایش دهند، که این موضوع فاجعه‌ای دیگر را برای شهر رقم می‌زند. امتیازهای تاکسیرانی از طرف عضو کرد شورای شهر و رئیس نادان اداره پست در اختیار اکراد قرار می‌گیرد به طوریکه امروزه اغلب تاکسی‌های شهری را اکراد تصاحب کرده‌اند. کارگران و رانندگان ترک شهرداری اخراج شده و جای خود را به اکراد اغلب غیر بومی می‌دهند. اکراد شورای شهر اسم یک میدان در شریف آباد را به نام مولوی کرد و یک خیابان را به نام صلاح‌الدین ایوبی که هیچ ارتباطی به اکراد ایران ندارند، نامگذاری می‌کنند. تا به این طریق تفاوت قومی و مذهبی خود را از سایرین در نگاه اول به دیگران گوشزد کنند!!!

مدیر مسئول این نشریه لطف الله میثمی از اعضای سابق مجاهدین خلق و عضو توبه کرده این تشکیلات میباشد.)

این برای دومین بار می‌باشد که دکتر صادق زیبا کلام با قربانی نمودن منافع ملی و قومی ترک‌های کشور در راستای منافع حزبی و بانندی خود می‌خواهد به تمامیت خواهی و توسعه طلبی اکراد مهاجر در استان‌های کنونی کردستان (قسمتی از آذربایجان تاریخی و بعدها اردلان) و آذربایجان غربی و جبهه تاریخی و قانونی ببخشد. و در این راستا به مسائل از دریچه یک پان فارسیست ضد ترک و دوست رند کرده‌ها نگاه کرده و چنان وانمود می‌کند که ترک‌ها به اکراد (اکراد مهاجم) ظلم نموده‌اند. البته نباید مسائل واقعی را که ایشان در ارتباط با سوء استفاده‌های حزب منحل کردستان از جریانات نقده را بیان داشته‌اند فراموش کرد و در جای خود لازم است از این آقا تشکر کرد تا یک جنبه به محضر قاضی نرفته باشیم!

ایشان در جای جای مقاله مندرج در شماره «ویژنامه کردستان همیشه قابل کشف 3» دو ماهنامه سیاسی راهبردی چشم انداز ایران موارد غیر واقعی را تنها از دیدگاه خود و با جهت‌گیری ترک‌ستیزانه بر افکار عمومی خواسته بقبولاند. به ویژه در ایام نزدیک انتخابات ایشان یک شبه مورخ و سیاستمدار انترناسونالیست و تحلیل‌گر مسائل می‌شوند؟!.

ایشان در ابتدای مصاحبه خود چنین می‌نویسند: «من نه تخصصی در مسائل نظامی داشتم، نه مسائل اطلاعاتی و امنیتی سرم می‌شد و نه آشنایی خاصی با منطقه کردستان و تاریخ کردستان ایران داشتم. به همین خاطر است که می‌گویم خیلی تصادفی به مسائل کردستان کشیده شدم» (ص، 66).

خیلی جالب است. شما که هیچی نمی‌دانید این همه بریدید و دوختید وای به حال ما اگر شما چیزی می‌دانستید و با این نگرش چه‌ها که نمی‌کردید!

و در جای دیگر مصاحبه چنین می‌گوید: «... جدای از این تجربه من در سال‌هایی که در زندان بودم (خرداد 1353 تا شهریور 1355) با برخی از مبارزان کرد هم‌بند بودم. البته مبارزان و زندانیان کرد بیشتر چپ‌گرا و مارکسیست بودند، خیلی میان من و آنها مراوده‌ای نبود. بیشتر در حد سلام و علیک و مراوده‌های معمولی بود» (ص، 67).

در جای دیگری در ارتباط با شهید چمران و یزدی به شکل مقایسه‌ای می‌نویسد که «... دکتر یزدی اساساً نسبت به گروه‌های مارکسیست بدبین نبود. آنها را لزوماً دشمن نمی‌دانست، بلکه بیشتر در هیئت رقیب سیاسی می‌دید. ایشان مشکلات و مسائلی که مارکسیست‌ها در کردستان، گنبد، سیستان و بلوچستان یا خوزستان ایجاد کرده بودند را امری نمی‌خواهم بگویم طبیعی ولی خیلی خارق‌العاده نمی‌پنداشت، اما دکتر چمران این گونه نبود. او اساساً مارکسیست‌ها را دشمن می‌پنداشت. به علاوه او

3- عدم مهاجرت به سایر شهرها و توجیه کسانی که قصد مهاجرت به سایر شهرها را به امید سراب دارند.

4- درخواست‌های مکرر و پیگیری‌های جدی از مسئولان برای سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال در شهر برای جلوگیری از مهاجرت به سایر شهرها.

5- در صورت امکان پرهیز از هرگونه برقراری رابطه دوستانه یا فامیلی و عاطفی با اکراد.

6- عدم ایجاد ارتباط اقتصادی با اکراد بخصوص با دوره‌گردان و دست‌فروشان که فرصت‌های شغلی را از جوانان خودمان سلب می‌کنند.

7- ارزش نهادن به زبان و فرهنگ ماردی‌مان "ترکی آذربایجانی".

8- شرکت فعالانه در انتخابات شوراها و مجلس برای جلوگیری از هرگونه سوء استفاده اکراد از این فرصت‌ها و ممانعت از زیاده‌خواهی اقلیت در برابر اکثریت.

و ....

"تورپاقدان پای اولماز."

کسانی که تاریخ خود را مطالعه نمایند محکوم به تکرار

## مواضع غیر اصولی و نا آگاهانه دکتر زیبا کلام در ارتباط با کردستان [!؟]

جوابیه ایی برای دو ماهنامه چشم انداز ایران و مصاحبه صادق زیبا کلام (ویژه نامه کردستان همیشه قابل کشف 3- زمستان 1387)

**توضیح توپراق:** (آنچه در ذیل می‌آید جوابیه ایی است که توسط یکی از نویسندگان و محققان ملی آذربایجان برای دو ماهنامه چشم انداز ایران و مصاحبه جهت دار و تحریف آمیز این نشریه با دکتر صادق زیبا کلام استاد علوم سیاسی دانشگاه‌های تهران در خصوص حوادث اوایل انقلاب در غرب آذربایجان و شهرهای کردنشین میباشد. با توجه به اظهارات غیر اصولی و ناآگاهانه و یا جهت دار این جوابیه تهیه و به آدرس دو ماهنامه چشم انداز ایران و به آدرس صادق زیباکلام ارسال شده است. این سومین باری است که نشریه چشم انداز ایران در طول سالهای اخیر به انتشار موضوعاتی اینچنینی می‌پردازد. صاحب امتیاز و

یک راه حل نظامی در خصوص مسئله کردستان داشت، در حالی که اصلا این گونه نیست...» (ص، 72).

در ادامه در جواب سوال «اصلا با منطقه کردستان و مهاباد آشنایی داشتید؟ جواب می دهند: خیر، آشنایی ام با مهاباد، کردستان و اساسا پدیده‌ای به نام کردستان و خلق کرد یا مردم کرد در حد صفر بود...» ایشان در ادامه مصاحبه چنان جهت گیری از خود نشان می دهد که اکراد آواره و مظلوم کرد در شرایط بسیار بدی به سر می برند و حتما با این مقدمه چینی باعث و بانی این فلاکت را ترک های نقده و همفکران شهید چمران قلمداد می کنند: «... به گفته شما، اساسا چه شد که من در کردستان ماندگار شدم. همه چیز در حقیقت از همان آوارگان کرد نقده و اطراف آن که به تعبیری به مهاباد پناه آورده بودند شروع شد» (ص، 77).

حال به نقطه حساس مصاحبه می رسیم. ایشان با اعتراف به اینکه اطلاعاتش در قبال منطقه صفر می باشد ولی با کمال ناباوری چنان موضع زندانه‌ای در قبال تهاجم نیروهای نظامی حزب دمکرات کردهای ایران به شمال غرب کشور و شهرستان نقده (تکیه گاه آذربایجان) به خود می گیرد که گویی ترک های شیعه نقده و آقای حسنی باعث درگیری و آوارگی کردهای مهاجر و مهاجم این استان شده اند. ایشان در ارتباط با صحبتشان با آخوند 25 و یا 30 ساله چنین اظهار می دارند: «... او [فتح الله امید نجف آبادی] پرسیدم راست است که نیروهای وابسته به آقای حسنی درگیری زیادی با کردها داشتند؟ گفت راست است، ولی چه کسی درگیری ایجاد نکرد؟ واقعیت این است که هر دو طرف کارهای نادرستی کردند، هم آذری ها، هم کردها. واقعا برادر کشی و انتقام گیری بود. نمی شود گفت چه کسی بیشتر این کارها را کرد و چه کسی کمتر، ولی کردها هم دست به کشتار آذری ها زدند. گفت من نظامی نیستم ولی همه اذعان دارند که اگر آقای حسنی نبود، نقده رفته بود؟ گفتم آقای امید، من این جمله را بارها و بارها شنیده ام، ولی معنای آن را نمی فهمم. گفت یعنی چه؟ گفتم این که شما می گوید «نقده رفته بود و همه هم می گویند که اگر آقای حسنی نبود نقده رفته بود»، یعنی چه؟ یعنی اگر آقای حسنی نبود چه می شد، نقده کجا می رفت؟ حزب دمکرات و نیروهای حزب دمکرات در نقده مستقر می شد، همچنان که خیلی جاهای دیگر هم هستند، بعضی جاها کمتر، بعضی جاها بیشتر، خوب چه شده؟ مگر جنگ است که اگر نقده دست حزب دموکرات می افتاد، می شد ملک یک کشور دیگر؟ گفت مسائلی است که شما نمی دانید تازه به منطقه آمده اید و برای قضاوت عجله نکنید... اگر چه او از پرسش من در خصوص این که اگر نقده می افتاد دست دموکرات ها چه می شد خیلی استقبال نکرد» (ص، 78).

فعالیت ها و تحرکات آنان را در میان اقلیت ها یک مسئله صرفا سیاسی نمی دانست، بلکه آن را توطئه ای مشخص از سوی دشمنان انقلاب می دید. دکتر چمران هیچ اعتقاد و خوشبینی به چپ ها یا درست تر گفته باشیم به مارکسیست ها نداشت. «... (ص، 70). و در ادامه نیز به این مطلب اشاره می کند: «... می خواهم بگویم دکتر یزدی اساسا خیلی به دشمنی رژیم بعثی عراق با ایران بها نمی داد و آن را مسئله ای قابل حل می دانست. دکتر چمران بر عکس معتقد بود که رژیم عراق به چیزی کمتر از سقوط حکومت اسلامی ایران رضایت نمی داد. ... و دکتر یزدی به امام، مهندس بازرگان و آیت الله طالقانی احترام می گذارد، اما حاضر به پذیرش مطلق نظراتشان نبود. از نقد یا حتی مخالفت با نظرات رهبران دینی ابایی نداشت، اما چمران این گونه نبود. احساس او به امام یا به آیت الله طالقانی یا حتی به مهندس بازرگان، احساس مرید و مرادی بود تا یک رابطه سیاسی... دکتر یزدی نظریه پرداز و تحلیلی داشت، در حالی که دکتر چمران خیلی عمگرا بود... دکتر یزدی پیرامون راه حل های سیاسی با جمع ما ساعت ها گفت و گو می کرد، اما چمران بیشتر اهل عمل و حرکت بود تا بحث آکادمیک و نظریه پردازی سیاسی. چمران معتقد بود که ما می بایست ابتکار عمل را از دشمن بگیریم. به جای آن که بگذاریم آنها به سراغ ما بیایند ما بایستی با سراغ آنها برویم...» (ص، 71). و در آخر تقصیر عدم ادامه آن جمع را با این قضاوت به گردن شهید چمران می اندازد و او را شخصی معرفی می کند که دارای جنبه سیاسی و تحلیلی وضعیفی بوده و شخصی عملگرا و عملیاتی و اجرایی که از خود استقلال فکری نداشت معرفی می کند؟!.

در ادامه دوباره اشاره می کند که «ما تا پیش از اردیبهشت سال 1358 عملا درگیر مسئله کردستان نشده بودیم.» (ص، 71).

خوشبختانه با تمام تلاش خود در راستای غیر موجه نشان دادن وجهه شهید چمران بالاخره در ادامه اشاره ای به درستی تصمیمات شهید چمران می کنند [چه عجب!]: «در حقیقت درگیری نظامی یا جنگ نقده تا حدودی نشان می داد که تشویش ها و نگرانی های برخی دوستان جمع ما از جمله خود دکتر چمران خیلی هم بیراه نبوده.» (ص، 71-72). کاش اشاره ای هم به دفاع مشروع و طبیعی ترک های نقده در قبال هجوم مسلحانه اکراد به نقده می کردید تا ما نیز مثل دکتر چمران از نوازش بعد از کتک کاری برخوردار می شدیم!

ایشان در ادامه مقاله با وقوف به این مسئله که اشخاص زیادی در قبال مواضع اخیر غیر منطقی آقای زیبا کلام در مورد شهید چمران اعتراض خواهند نمود با روش «زدن به نعل و میخ» خواستند تا حدودی زمینه را برای فرار از این اتهام محیا کنند: «... تصویری که از دکتر چمران در رابطه با کردستان وجود دارد، داستان محاصره معروف ایشان در تیر ماه سال 1358 در پاره و ... از ایشان تصویری ساخته که چمران اعتقاد به

که گفتند: «... خود دولت جنگ نقده را به راه نیاندخت، بلکه عوامش آن را به راه انداختند، بنابراین این مسئولیت پیامدهای آن نیز طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی بر عهده دولت است. گفتم یعنی حزب دمکرات کردستان، جزء عوامل دولت جمهوری اسلامی هستند؟ گفتند نه. آقای مهندس چرا خودتان را به تهاول می‌زنید، عوامل دولت یعنی حسنی و تفنگچی‌هایش، حسنی را که دیگر قبول دارید، منتخب رهبر جمهوری اسلامی است؟ گفتم اتفاقاً این را هم قبول ندارم. حزب دمکرات خواست ضرب شستی نشان دهد و حسنی هم خواست به دمکرات‌ها ضرب شستی نشان دهد... حسنی همان قدر حق دارد که طرفدار جمهوری اسلامی باشد و برایش بجنگد که حزب دموکرات حق دارد از جمهوری اسلامی متنفر باشد و علیه آن بجنگد. آقای هیوا! این یعنی دمکراسی و حق انتخاب. گفت تا الان هم حزب دموکرات به آوارگان کمک می‌کرده نه جمهوری اسلامی. گفتم تا آخر دنیا هم حزب دموکرات باستی کمک کند، چون حزب آنها را به این روز انداخت.» (ص، 81).

آیا بهتر نبود آقای زیبا کلام می‌گفتند ترک‌های نقده با توجه به سابقه تاریخی برای جلوگیری از قتل و عام دسته جمعی توسط اکراد سرتاپا دندان مسلح تنها با چند اسلحه خواستند از نسل کشی زنان و فرزندان خود توسط مدعیان تشکیل کردستان بزرگ کذایی جلوگیری کنند! آیا همین جریان در قره‌باغ روی نداده است؟ آیا همین کردها با اتکا به آمریکا و اسرائیل در کرکوک به تسویه قومی نپرداخته‌اند؟ خوشبینی زیبا کلام در این برهه از تاریخ یا نشانگر بیخبری او است و یا مخفی کاری اهداف شوم خود و باند و جناح خودش و یا از زاویه تنگ یک دوم خردادی به این مسئله که در راس دیگر آن اشخاصی که امروزه به نوعی در ردیف اصولگرایان قرار دارند نگاه می‌کنند!

یکی از بحث برانگیزترین بخش مصاحبه آقای زیبا کلام قسمت مربوط به معرفی آذربایجان و واژه کذایی کردستان می‌باشد. این آقا خواه ناخواه نظرات اکراد تجزیه طلب مهاجر فعلا ساکن شده در ولایت تاریخی آذربایجان را به زبان می‌آورد: «استان آذربایجان غربی یا در حقیقت نامیدن مناطقی که امروزه جزء این استان هستند با نام «آذربایجان» مسئله‌ای بوده که در زمان تقسیم‌بندی استانی کشور در زمان رضا شاه اتفاق می‌افتاد. استان آذربایجان شرقی که مرکز آن تبریز می‌باشد تقریباً بیش از 90 درصد جمعیت آن آذری هستند، اما آذربایجان غربی این گونه نیست. دو، سه شهر هستند که آذری هستند یعنی بیشتر جمعیت آن را آذری‌ها تشکیل می‌دهند، ولی مابقی استان کرد هستند؟! از خود ارومیه هم که مرکز استان است جمعیت در خور توجهی (؟) از ساکنان آن کرد هستند. بسیاری از شهرهای آن تماماً کردنشین است. اشنویه، پیرانشهر، بوکان، سردشت و مهمتر از همه خود مهاباد، تقریباً

آقای زیبا کلام، آیا شما که اینقدر از آوارگان مهاجم کرد سخن به میان می‌آورید چرا از خانواده‌های داغدار شهدای ترک مدافع نقده هیچ حرفی به میان نمی‌آورید؟! شما چرا کمی به تاریخ گذشته این منطقه رجوع نمی‌کنید؟ اصلاً شما کی هستید که این گونه در قبال شیعیان نقده قضاوت می‌کنید. آیا همین ترک‌های شیعه نقده مگر تنها پشتیبان دولت جمهوری اسلامی نبودند؟ بیاید به مزار شهدای نقده نگاهی بیندازید آن وقت برای شما دکتر از همه چیز بیخبر معلوم می‌شود خادم و خائن کیست! اگر شما به روز قیامت اعتقاد دارید می‌بایست به فکر این باشید که شهدای نقده از قضاوت نا عادلانه شما نخواهند گذشت!

در ادامه دوباره همان طوری که خود قبلاً اظهار داشته هیچ اطلاعی از منطقه ندارد واقعا هم صحیح می‌فرمایند چرا که ایشان در صفحه 80 در قبال جمهوری مهاباد لفظ جعلی و من‌درآوردی کردهای تجزیه طلب را یعنی «جمهوری کردستان» را به کار می‌برد. «... اما بعدها فهمیدم که مردم مهاباد با آن میدان قاضی‌ها می‌گویند؛ جایی که در سال 1335 [1325] سیف قاضی و برادرش قاضی محمد که رهبران حکومت جمهوری کردستان که سال قبلش در کردستان تشکیل شده بود در آن میدان پس از ورود ارتش و سقوط جمهوری اعدام می‌شوند» (ص، 80). آیا ایشان در قبال جمهوری دمکرات آذربایجان نیز چنین خوشبینانه نظر می‌دهد؟!

بالاخره سر کیسه باز می‌شود و در بطن مصاحبه، آقای زیبا کلام به مواردی از سیاسی کاری و فریبکاری حزب متجاوز دمکرات اشاره می‌کنند: «... یکی از دبیرها که لباس کردی هم به تن کرده بود، گفت شما مثل این که مسئولیت مدنی دولت و حکومت را در برابر مردمش قبول ندارید؛ البته نظام جمهوری اسلامی بیشتر از این هم نمی‌شد انتظار داشت. این آواره‌ها [در واقع هم‌زمان مهاجمین به نقده] که شما به آنها توهین کردید، همه زندگی‌شان توسط مزدوران ضد خلق [؟] نابود شد و از هستی ساقط شدند، آن وقت شما حتی قبول ندارید که در برابر آنها مسئولیت دارید. کلمه ضد خلق برای من [زیبا کلام] یک کلید واژه بود، کلید واژه‌ای که چریک‌های فدایی خلق و دیگر گروه‌های مارکسیستی یا مجاهدین به کار می‌بردند. گفتم اتفاقاً شما کاملاً درست می‌گویید و دولت جمهوری اسلامی هیچ مسئولیتی را در برابر آواره‌ها نمی‌پذیرد. مسئولیت آواره‌ها با کسانی است که جنگ را به وجود آوردند. مگر دولت جمهوری اسلامی ایران در تهران جنگ را به وجود آورد؟ روح دولت هم در تهران یا شورای انقلاب خبر نداشت که در نقده قرار است جنگ شود یا جنگ شده. مگر دولت جنگ نقده را به راه انداخت؟» (ص، 81).

در ادامه ایشان آقای حجت الاسلام حسنی را تا حدودی مقصر جلوه داده بود که در ادامه تبرعه می‌کند و در جواب ادعای آقای هیوا و آن دبیر

چنین نا مشخص و مشکوک ارائه می‌دهد: «بدلیل مبارزه با روحیه ناسیونالیستی کردها و جلوگیری از دامن زدن به کرد بودن و عنصر قومیت کردی، منطقه‌ای را که اکثر جمعیت آن کرد هستند را آذربایجان نامگذاری می‌کنند. در برخی از شهرهای این استان جمعیت تقریباً یکدست کرد هستند. اما دو، سه شهر هستند که ترکیب جمعیتی در آنها مخلوطی از کرد و ترک‌هاست. نقده یکی از این شهرهاست. جدای از آن که در شهر یک اقلیت کرد زندگی می‌کند، روستاهای اطراف نقده هم مخلوط است. ساکنین برخی از روستاها کرد هستند و برخی ترک. از نقده به شوی شمال یعنی به سمت ارومیه که می‌رویم بیشتر روستاها ترک هستند، بر عکس به طرف جنوب یعنی به طرف مهاباد که می‌رویم روستاها منظم‌ا کرد می‌شوند، همچنین وقتی به سوی غرب نقده که شهرهای اشنویه و پیرانشهر قرار دارند می‌رویم روستاها کردنشین می‌شوند و این به داور کلی وضعیت نقده است» (ص، 91).

در ادامه مصاحبه کننده سوال را به سمت نقده بر می‌گرداند: «بر گردیم به جریان نقده.

حزب در همه شهرهای کردستان بویژه در آذربایجان غربی - که علیرغم اسم آن که آذربایجان است در حقیقت خواستگاه اصلی ناسیونالیزم کرد [اکراد مهاجر] در ایران می‌باشد و مرکز جمهوری خودمختار کردستان [مهاباد فعلی و سویوق بولاغ سابق] که در سال‌های 1324-25 تشکیل شد شهر مهاباد می‌باشد- نفوذ و حاکمیت داشت. به گمان من حزب می‌خواست که در شهر نقده هم که بخش قابل توجهی از کی اقلیت مهاجر به عنوان بخش قابل توجه شده است؟! از مردم آن کرد هستند و به علاوه بسیاری از روستاهای آن نیز کردنشین هستند، اعمال قدرت داشته باشد و به اصطلاح خودی نشانند دهد. شاید هم می‌خواست در آن شهر نیز همانند سایر شهرهای مناطق کردنشین یک تشکیلات و به اصطلاح ساختمان رسمی علم کند. بنابراین تصمیم می‌گیرد که میتینگ بزرگی را در استادیوم ورزشی شهر نقده برپا کند. ظاهراً برخی از رهبران محلی حزب مخالفت می‌کند» (ص، 92).

آقای زیبا کلام شما اگر به جای ترک‌های نقده زخم خورده از کرد بودید و یا مثل سایر ترک‌هایی که پدرانشان در گورستان ترک‌ها که در کنار سد مهاباد قرار دارد مدفون بودند شما هم بدین شکل فکر می‌کردید: «اگر کردهای تا دندان مسلح بعد از میتینگ سیاسی می‌توانستند شب را در نقده بیتوته کنند، در همان موقع نیز به



تمامی جمعیت را کردها تشکیل می‌دهند. بسیاری از روستاهای آن نیز کرد هستند. به علاوه بسیاری از ایلات و عشایر ساکن این استان نیز کرد هستند. علی‌رغم آن که شاید سه چهارم [؟!؟!] جمعیت این استان را اکراد تشکیل می‌دهند، بنابراین دلایل امنیتی و سیاسی، رضا شاه تصمیم می‌گیرد که این منطقه را آذربایجان غربی بنامد. [؟!؟!] (ص، 91).

آقای زیبا کلام، شما باید بدانید که:

«در سال 1341 هجری قمری ایران به 8 ایالت بزرگ تقسیم شد که اسامی آنها عبارتند بودند از: آذربایجان، گیلان، مازندران، استرآباد، خراسان (ولایت شرقی قانات و قهستان و سیستان جزو آن محسوب می‌شدند). ایالت کرمان مشتمل بود بر بلوچستان و مکران و بنادر دریای عمان، فارس که لارستان و کهگیلویه و بنادر خلیج فارس از مضافات آن بود. و خوزستان حدود ایالات، ولایات و بلوکات به موجب اصل سوم متمم قانونی اساسی (14 ذیقعه 1285 ه. ش) ثابت و تغییر در آنها بحکم قانون بوده است.

پس از نهضت مشروطیت در اولین دوره قانون‌گذاری به سال 1285 هجری شمسی قانونی تحت عنوان قانون تشکیلات ایالات و ولایات به تصویب رسید.

ماده 2 قانون مزبور واژه‌های ایالت و ولایت را تعریف و اسامی 4 ایالت را که عبارت بودند از آذربایجان [شامل کردستان فعلی و کرمان و همدان و آذربایجان‌های شرقی و غربی و اردبیل و زنجان]، کرمان و بلوچستان، فارس و بنادر و نیز خراسان و سیستان مشخص نمود.»

حال خدا می‌داند این ادعاهای شما از کدامین منبع نشأت می‌گیرد؟ خدا کند بعد از این دچار چنین تناقض گوی نشوید تا ما مجبور نباشیم کار و زندگی خود را ول کرده و وقت گرانبهای خود را صرف جواب دادن به مطالب نادرست شما بکنیم.

آقای زیبا کلام شما مگر اداره آمار هستید؟ و یا شما مگر اینشتین هستید که چیزی را کشف کردید؟ شما چرا برای گفته‌های خود به هیچ سند

دولتی اشاره نمی‌کنید؟ شاید شما هم در فکر یاری به اکراد فرصت طلب بیگانه پرست هستید تا در آینده ترکیب جمعیتی این استان را به درصد پیشنهادی شما برسانند؟! ولی باید اشاره کنم که شما کور خواندید، آذربایجانی دیگر آن آذربایجانی نیست که فریب چهره به ظاهر دموکرات گونه شما را بخورد!

و در جواب سوال «چرا؟» [رضا شاه تصمیم می‌گیرد که این منطقه را آذربایجان غربی بنامد] ایشان پاسخی



همانند سایر شهرهای ایران شهری است که ادیان و ملت های مختلفی در آن زندگی می کنند. در شهر مسلمان، یهودی و مسیحی زندگی می کند. در دفاتر ثبت 1728 چنین آمده است: در محله حاجی عبدالحسین 153 خانوار، قاطرخانوار 108، در قره باغ لار 92 خانوار، باواکه 120 خانوار، در یارا میر تیغباغ 78 خانوار، در کوران 54 خانوار، در وزیر تپه 114 خانوار، در حاجی امام وردی (آغا علی بیگ کرکوک) 20 خانوار، در رفعی ولد بوداق 104 خانوار، در علی جان بیگ 20 خانوار، در کابس آباد 43 خانوار، آغا علی ولد حمید زمان 121 خانوار ترک ساکن بوده و در ارمنیان 15 خانوار ارمنی و در یهودیان نیز 53 خانوار یهودی زندگی می کردند.

جدول پراکنده گی قومی - دینی کرمانشاه (1728)

نفوس قومی	خانوار	نفوس تقریبی
ترک	1027	5135
ارمنی	15	75
یهودی	53	265

منبع: (BOA, TTD 912)

بر اساس آمار دفاتر 1728، نفوس تقریبی شهر مابین 5 الی 6 هزار نفر می باشد. 93.7% درصد این نفوس را ترک، 1.3% درصد را ارمنی و 4.8% درصد را یهودی تشکیل می دهد.

سینه (سندج)

اهمیت نفوس شهر به این سبب می باشد که مرکز ایالت اردلان می باشد. همانند سایر شهرها نیز در این شهر اهالی ترک، کلدانی، ارمنی و یهودی زندگی می کنند. اکثریت اهالی مسلمان شهر سنی می باشند. در دفاتر دولتی اطلاعات کامل مربوط به قومیت نصاری و گبران آمده است و در سال 1820 در شهر کاتولیک های آرامی یعنی کلدانی ها زندگی می کردند. از اینکه در همان سال به اهالی ارمنی بر خود نمی کنیم، می توان به این نتیجه رسید که در قرن 18 در این شهر اهالی ارمنی وجود نداشته است.

اولیا چلبی می نویسد که در داخل قلعه 300 خانوار و در سور 600 وجود داشته که این نیز نشان می دهد در اواسط قرن 17 شهر تقریباً دارای 5000 نفوس بوده است. در سال 1727 از محله های شهر در محله کهنه شهر 239 خانوار ترک، در قاطرچیان 74 خانوار ترک، در مسجد حاجی حسین 68 خانوار ترک، در خواجه باب و حاجی داوود 294 خانوار ترک، در خواجه سیدی و موللا الیاس 93 خانوار ترک، در محله حاجی عبدالرحیم و مسجد ملا خضر 68 خانوار ترک، در مسجد خواجه محمد، مسجد حاجی زمان و مسجد حاجی جان الله 152 خانوار ترک، در مسجد یوسف آغا 20 خانوار ترک، در مسجد میدان، و درویش محمد بیگ 84 خانوار ترک، در میدان بریندی 41 خانوار

قتل و عام ترک های شیعه نفته می برداختند، چرا که نفته یکی از موانع بزرگ بر سر راه کردستان کدائی بزرگ می باشد! و تصفیه قومی این شهرستان استراتژیک آرزوی دیرینه اکراد مهاجر متجاوز و متفق فعلی شونیزم فارس می باشد.

یکی از پاسخ های جالب آقای زیبا کلام که موضوع مباحثه برانگیز می باشد جواب به سوال مزبور می باشد: «چرا ترک ها مخالف آن میتینگ بودند؟»

برای اینکه آذربایجانی ها طرفدار اسلام، انقلاب و رهبری مرحوم امام خمینی بودند، در حالی که همان طور که گفتم کردها از همان فردای انقلاب علم مخالفت برداشتند. جدای از برخی از مسئولان محلی حزب دموکرات، ترک ها نیز همگی مخالف آن میتینگ بودند» (ص، 92).

برای جواب دادن به یکایک سوالات آقای زیبا کلام نزدیک صد صفحه لازم می باشد ولی برای اینکه جوابی بر بی اطلاعی و جعل و وارونه نشان دادن واقعیت های تاریخی - قومی استان آذربایجان غربی داده باشیم ما آماری از جمعیت شهرهای کرمانشاه، همدان، سنندج و مهاباد را که تمامی این شهرها جزء آذربایجان تاریخی بودند را نشان بدهیم تا هم جوابی بر یکه تازی و دروغ پردازی یک عده پان کرد و پان ایرانیست ضد ترک داده و از طرفی هم برای ادعاهای خودمان سند و مدرک ارائه کرده باشیم و نه مثل امثال زیبا کلام ها که با تحریک یک عده کرد و یا برای خوشایند یک عده تجزیه طلب در راستای انتخابات و منافع بانندی و حزبی خود به جعل و تحریف واقعیت های تاریخی و قومی ولایت تاریخی آذربایجان پردازیم.

آمار این نوشته از روی کتابی که براساس آرشیوهای دولت عثمانی سنی مذهب طرفدار کرد نوشته شده است اخذ گردیده و در نوشته مزبور، دیگر جای هیچ گونه خیال پردازی برای امثال زیبا کلام ها وجود ندارد. و از آمارها معلوم خواهد شد که کردها مردمی مهاجر در این شهرها و ولایت تاریخی آذربایجان می باشند ولی در اثر نبردهای متمادی عثمانی سنی با صفویه شیعه به زور سرنیزه عثمانی و روحیه عشایری و غارتگری کردها اکنون در این سرزمین سکنی گزیده اند و حال از این کار سیر نشده و یک عده از این اکراد با توسل به کمک و تسلیحات برخی از کشورهای غربی و با اتکا به حمایت های مادی و معنوی آنها می خواهند بخشی از کشور کدایی کردستان بزرگ را در خاک مقدس آذربایجان تشکیل دهند و با توجه به شرایط نامساعدی که ترکها در حاکمیت فعلی ایران و عراق دارند به یکه تازی می پردازند. امثال زیبا کلام ها که خود ترک بوده ولی فارس زده شده اند برایشان منافع جناحی از تمامی واقعات تاریخی ارجح تر می باشد.

کرمانشاهان

ترک، در مسجد حاجی محمد رزاق 41 خانوار ترک، در مسجد محمد باقر بیگ 35 خانوار ترک و در رهنه کران 52 خانوار مسیحی (گبر) و 236 خانوار یهودی زندگی می کرد.

جدول دینی- قومی اهلی شهر سینه (سنندج)

تعداد قومیت	خانوار	نفوس تقریبی
ترک	1209	6045
گبران (مسیحی)	52	260
یهودی	236	1180
جمع کل	1497	7485

منبع: (BOA TTD 1066)

بر اساس آمار تاریخ 1727 تعداد نفوس تقریبی شهر مابین 7-8 هزار نفر می باشد. تعداد 80.7٪ ترک، تعداد 15.7٪ یهودی، 3.4٪ مسیحی می باشد. غیر مسلمانان به همراه ترک ها در محله رهنه کران زندگی می کردند.

تعداد نفوس شهر سینه (سنندج) در سال 1820 4-5 هزار خانوار بود. 2000 خانوار از این تعداد یهودی و 50 خانوار مسیحی بود. بر اساس آمار 1878 در شهر 5484 خانوار وجود داشت و در این خانوارها 24744 نفر زندگی می کرد. در سال 1918 تعداد جمعیت شهر معادل 30 نفر شده که از این تعداد 2500 (500 خانوار) نفر یهودی، 300 (60 خانوار) کلدانی و ارمنی بود.

اگر چه استریک در دایره المعارف اسلام در زیر ماده اردلان اکثریت اهالی اردلان را کرد داده است ولی این نمی تواند درست باشد. چون که در یادداشت های دفاتر تحریر تمامی اهالی منطقه را ترک های افشار و عشایر جاف ترکمن تشکیل داده اند. حتی به سبب اکثریت مطلق ناحیه ای از منطقه تحت نام واحد اداری افشار نام گذاری شده بود. این عشایر ترکمن به شکل کوچ نشینی زندگی می کردند و در جلگه های مابین سینه، جانرود، شهر زور، پنه وینه دیگاله (دیاله) برای قشلاق و در کوه ها به بیلاق می پرداختند. تنها در قرن هفده 10 هزار خانوار (نزدیک 50 هزار نفر) ترکمن جاف زندگی می کرد. تعداد 2000 نفر از اینها مسکون بوده و 8 هزار خانوار به شکل کوچ نشین بودند.

سویوق بلاق (مهاباد کنونی)

قصبه ای که در اوایل قرن 18 میلادی، در تاریخ 1727 با احتساب 39 خانوار در قلعه، 115 خانوار در محله بالای، 310 خانوار در محله پایین 464 خانوار ترک، در محله پایینی 13 خانوار یهودی در این قصبه وجود داشت. بر اساس این ارقام تقریباً 2500 نفر ترک و 65 نفر یهودی ساکن قصبه بودند. در شهر سویوق بلاق که بعد از صد سال از ساخته شدن آن 1200 خانوار وجود داشت. 100 خانوار از اینها یهودی، 30 خانوار سریانی، 1070 عدد مربوط به ترک ها بود.

همدان

از محله های شهر در بُن بازار 31 خانوار، در بوی تابان 61، در صیانت 58، کزازان چشم 14، صوفیان 16، پیر حسین خانی و پیر کرک 39 خانوار، چشم خلیجن 21، در قلعه 30، کسلاخ 35، گوار 16، سیدان 60، کاه یار و شورشورا 91، شالیگان 38، جلالخان (جلالان) 39، با محل و چوپانان 16، ناظر بیگ و گوزر 38، در حاجی 50، پهلوان عنایت 17، اهلی 33، در سام زاده 18، در قشقا 12، سیزه وار 27، سنگرشان 11، گلپا 30، گولنج 38، درودآباد 62، در گنبد 59، سید جلاتان 5، در حاجی حافظ 42، مزاران و قاشق تراشان 42، در کبابیان 30 خانوار ترک در سلیمانیه 62، صفیان 10، کلیسا 131 خانوار و یک کدخدای ارمنی و در حسین خانی 47، یک خاخام و یک کدخدای و در پیر کوری 82 خانوار یهودی زندگی می کرد.

جدول پراکندگی قومی - دینی اهالی همدان

نفوس قومی	خانوار	نفوس تقریبی
ترک	1079	5395
ارمنی	204	1020
یهودی	132	660
مجموع	1415	7075

بر اساس آمار 1727 نفوس تقریبی شهر مابین 7 الی 8 هزار نفر می باشد. 76.3٪ درصد از این نفوس را ترک ها، 14.4٪ درصد ارمنه و 9.3٪ درصد آن را یهودی ها تشکیل می دهند. در قرن 19 میلادی تعداد نفوس شهر که مابین 20 الی 40 هزار نفر متغیر می باشد در اواسط قرن 20 (1950) به 120 هزار نفر و در سال 1986 به 270 هزار نفر رسیده بود. امروز نیز اکثریت شهر را ترک های آذری تشکیل می دهند. حال با این پیش زمینه برای خوانندگان گرامی این موارد معلوم می شود که ایشان با اینکه اظهار می دارد بنده هیچ اطلاعی درباره کردستان ندارم ولی در جای جای گفته هایش چنان تحریف واقعیت می کنند که هیچ ضد ترکی این کار را نمی کند. آقای زیبا کلام، شما که نمی دانید واقعیات تاریخی چه هستند چرا اظهار نظر می کنید؟ آیا شما اگر درست صحبت کردن را نمی دانید، آیا صحبت نکردن را هم نمی دانید! بله درست هست چون برای شما منافع ملی ملت آذربایجان و ترک های ایران اهمیت ندارد چرا که در ذهن شما آذربایجانی واقعی و وطن پرست، بیگانه و غیر ایرانی می باشد ولی افراد ایرانی خالص و هم نژاد با فارس ها یعنی ارباب های شما می باشند. اگر اشخاص مخلص و با ایمانی چون شهید چمران مثل شما و برخی افراد مهاجر متجاوز نبودند باید به گونه ای رندانه شخصیت مستقل و واقع بین ایشان با زرنگی خاصی توسط امثال شما به زیر سوال برده شود؟!

سرزمین‌های اسلامی می‌دانستند به طبع از سنت اعراب مسلمان، غیر عرب‌ها را و در ادامه غیر سنی‌ها را عجم می‌نامیدند و در این راستا ترک‌های شیعه صفوی را با این واژه خطاب می‌کردند و اکراد عثمانی مهاجر و مهاجم ساکن در خاک مقدس آذربایجان نیز دقیقاً همین واژه را در قبال ترک‌های نقده و اورمی به کار می‌برند. حالا امثال شما هی تو بوق و سرنا بزنی که مهاباد عین کردستان است و کرد ایرانی اصیل است؟! تا چند سال قبل همین کردهای مهاباد وقتی ما مراسم عید نوروز را برگزار می‌کردیم به ما می‌گفتند این عید مال عجم‌هاست (ترک‌های آذری است) ولی حالا حزب تروریست پ.کاکا کاسه داغ‌تر از آش شده و عید نوروز را ویژه کردها می‌داند؟!

برای شما و پان کردهای متعصب متاسفم که نمی‌توانند تک تک ذهن افراد کرد را شستشو کنند. چون که کردهای تبعه دولت عثمانی مهاجر ساکن در ولایت تاریخی آذربایجان هنوز نتوانسته‌اند ذهنیت تاریخی خود را تغییر دهند و این خود سند گویایی بر جعل تاریخ و پیشینه اکراد می‌باشد که همه روزه از سوی پان آریایست‌ها و پان کردها مطرح می‌شود.

ضمناً باید اشاره کنم در دوران حکومت ملی آذربایجان فقط جمهوری مهاباد آن هم با جعل و تحریف اسم سوپوق بلاق به مهاباد که توسط رضا خان صورت گرفته بود تشکیل شد نه جمهوری من در آوردی شما (کردستان)! اکراد خیلی سعی می‌کنند تا نقده را تابع جمهوری مهاباد نشان دهند ولی باید بدانند بودجه نقده و دبیران ادبیات ترکی را جمهوری دمکرات آذربایجان می‌داد!

منبعد باید مواظب شما بود تا مثل برخی درویش از آستینتان مارهای خطرناک بیرون نیاورید چرا که با ترک‌های غیوری که مار کش هستند نه مار پرور، روبه رو خواهید شد! و بهتر است بدانید که درویش‌های دروغ پرداز رو به انقراض را باید در کتاب‌های تاریخ و مردم‌نگاری جست نه در بطن جامعه متمدن امروزی!

متأسفانه برخی از ترک‌ها از شخصیت دوگانه شما آگاهی ندارند. بنده زمانی که در ویژه‌نامه نوروزی ارمغان آذربایجان مقاله «از تحقیر رضاخان تا تشویق زیبا کلام» به قلم سعید سید صدری را خواندم، واقعا مات و مبهوت مانده بودم که مطالب بالایی (ترک‌ستیزی) را و یا مطالب این مقاله (به اصطلاح تشویق ترک‌ها) را باور کنم. این سیاست یک بام و دو هوا دیگر کهنه شده است! شما باید یا زنگی باشید یا رومی، چرا که در این دوران بوقلمون صفتی را قشر جوان نمی‌تواند بپذیرد!

امیدوارم برای جبران مافات هم که شده از مردم غیور آذربایجان معذرت خواهی کنی و الی همه روزه هم خودتان و هم جناحی که بدان وابسته‌اید مورد تنفر ترک‌های کشور قرار خواهید گرفت همان طوری که کسروی خائن و پان ایرانیست‌ها مورد لعن و نفرین قرار می‌گیرند!

مردم ترک و شیعه نقده با توجه به سابقه تاریخی خود که دائماً توسط اکراد تبعه دولت عثمانی در مواقعی که تفنگداران نقده برای دفاع از مرزهای کشورمان به جبهه‌های نبرد می‌رفتند هر از چند گاهی یا با تحریک دولت عثمانی و یا در اثر روحیه غارتگری و توسعه طلبی عشایر کرد مورد هجوم واقع شده‌اند. و این حادثه تاریخی را هیچ شخصی حتی امثال شما هم نمی‌تواند از ذهن اهالی ترک نقده حذف کند. آقای زیبا کلام، دوست داشتم در مورد تصفیه قومی شهرهای کرمانشاه، سنندج، مهاباد و اخیراً سونقور و بیجار و در هنگام تجاوز نظامی اکراد به نقده و پیرانشهر (شهری را که تقریباً 90 درصد ساکنین آن ترک بودند) یعنی خانه (پیرانشهر) توضیح و یا حتی مثل روش فعلی خودتان توجیه کنید؟

اگر شما می‌گویید که اگر دموکرات نقده را می‌گرفت چه می‌شد؟ بله شما نمی‌توانید نامه نانوخته را بخوانید ولی اگر کمی انصاف در وجودتان وجود داشت به مراجع تاریخی رجوع می‌کردید و جنایات تاریخی را که اسماعیل سمکو (سمیتقو) و شیخ عبدالله و بارزانی‌ها در نقده و سایر نقاط آذربایجان انجام داده‌اند را می‌خواندید این چنین بر مردم مظلوم ترک نقده و حجت‌السلام حسنی نمی‌تاختید! شما کی هستید که در قبال ترک‌های نقده و آذربایجان چنین نظر می‌دهید. شما در یکی از مصاحبه‌هایتان با نشریه کردستان مهاباد گفته بودید که «مهاباد عین کردستان است؟!». بله اگر جلو اراجیف شما گرفته نشود برای حفظ منافع جناحی و باندهی خودتان، خدا می‌داند شاید روزی رسد و بگویید: سیستان عین پاکستان است و یا مشهد عین افغانستان است و یا قم عین عربستان است و یا اصفهان عین ارمنستان است و یا اورمی عین اسرائیل است؟!

از جناب‌بازان چنین کارهایی بعید نیست! از کسانی که هویت خود را از دست داده و تبدیل به فارس بازار مشترک یعنی جنس بدلی شده چیزی به جز این انتظار نمی‌رود. در ترکی مثلی است: «دیلین دانان، دینین دانار» (کسی که زبان خود را انکار کند دین خود را هم انکار می‌کند). بله، آقای زیبا کلام، شما برای حفظ منافع شخصی و جناحی خود شاید خدای ناکرده فردا تغییر دین دادید، چون از امثال شما همه کار بر می‌آید و به این خاطر است مردم ترک نقده نه به شما و نه به اکرادی که در طول تاریخ بیشتر اوقات با چپاول و غارت در حافظه تاریخی ملت آذربایجان ذهنیت منفی ایجاد کرده‌اند اعتماد نخواهد کرد. خیلی جالب است همین اکراد مهاجر ساکن در مهاباد، پیرانشهر و اشنویه ما ترک‌های شیعه نقده را نه تنها ترک و یا آذری خطاب نمی‌کنند بلکه ما را هجم (عجم) می‌خوانند. و دلیل این کار را بنده برای شما توضیح می‌دهم تا در آینده در مورد این واژه فلسفه بافی نکنید. بله، چون اکراد در سرزمین عثمانی و تبعه آنها بودند به تبعیت از عثمانی‌ها که خود را جانشین خلفای عرب و خلیفه مسلمین، البته خلیفه مسلمانان سنی در

گورولمکده دیر. پژاک - ین وارلیغی آ.ب.ش - ایران گرگینلیگینده، ایران تورپاق بوتونلوگو قورخوسونو تئیکله مکده و بو قورخو بیر طرفدن ایران میلیتچیلیگینی قیزیشدیرماقدا، دیگر طرفدن ایسه ایران رژیمنه اؤز داواملی لیغینی ایران تورپاق بوتونلوگونون ضمانتی کیمی گؤستره فرصتی تقدیم اتمکده دیر. ایرانین پژاک ایله وار اولان قارشی دورمانی آ.ب.ش - ایران قارشی دورماسینا ایشاره اولاراق گؤستره رک، ایچریده تهلوکه سیزلیک موحیطی باراداراق، اؤلکه ایچینده کی موخالیف لر اوزرینده بیر تضییق مئیدانا گتیرمه شانسی الده ائتدیگی ایدعا ائدیلمکده دیر. ایران دؤولتی ده جمعیت ایچینده تهلوکه سیزلیک موحیطی مئیدانا گتیرمک، اؤز کوردلرینی داها چوخ تضییق آلتینا آلا بیلیمک، عیراق کوردلری اوزرینده تضییق واسیطه سی مئیدانا گتیرمک و تورکییه جمعیتی ایچینده جمعیت دیپلوماتیاسی ایمکانی تاپماق مقصدیله پژاکی شیشیردیلمیش گؤستر میشدیر.

بو قرارین دیگر اؤلچوسو ایسه، پژاکی گنرچک گوجونون آ.ب.ش طرفیندن یاخشی آیدین اولار اولماسیدیر. پژاکی گوجونون شیشیردیلمیش اولماسی و ایران رژیمنه آلتیرناتو شکلینده تقدیم ائدیلمه سی، باشلی باشینا بیر یانلیش ایدی. پژاکی ایران جمعیتی ایچینده کی گوجو ضعیف ایدی و حتی ایران کوردلری ایچینده ده لازیم اولان نوفوذ و دؤشمه یه صاحب دئییلدی. پژاک نوفوذ و فعالیت ساحه سینی گنیشلتمک ایسته دیسه ده موفوقیت لی اولایلمه میشدیر.

پژاکی تشرور لیسته سینه آلینماسی، آ.ب.ش - ین ایران سیاستی باخیمیندا دا بعضی ایپ اوجلاری وئره بیلر. اوبامانین ایرانا دؤنوک مسأزلاری نین یاخشی نیت احتیوا اتمکده اولدوغونو سؤیله یه بیلریک. ایرانی صلاحیت لیلر، اوبامانین پراکتیکادا بیر شئی اتمه سینی ایسته بیردیلر. بونو دا اوبامانین ایلک بللی آددیمی اولاراق شرح ائده بیلریک.

بو قرارین ایران - آ.ب.ش علاقه سی چرچیوه سینده کی دیگر معنالاری اؤنوموزده کی بیر ایکی ایل ایچینده ایرانا عسگری موداخیله اولما یاخاچی و آ.ب.ش - ین ایران سیاستینده ائتیک قروپلارین اهمیتی نین آزالدیغی، بو سببدن بو مودتده واشینقتونون فارس میلیتچی لره ینشیدن دؤنوشو اولاراق شرح اولونا بیلر. آیریجا آ.ب.ش - ین ایران پلاتلاری ایچینده، پ.ک.ک و پژاکی بئری اولمادیغی و پکک - ین ایرانین علینه اینده ایستیفاده ائدیلمه سی اوچون یاشاماسی لازیم اولان بیر تشکیلات اولمادیغی دا گؤرونمکده

## آمریکا نییه پژاکی تشرور لیسته سینه آلدی؟

### عاریف کسکین

پژاک - ین آ.ب.ش (آمریکا بیرلشیک شتادلاری) طرفیندن تشرور لیسته سینه آلینماسی بیر چوخ اؤلچو ایچرن ان اؤنملی حادثه لردن بیریدیر. اولجه بو قرار، آ.ب.ش - ین پژاک مؤوضوعوندا کؤکلو بیر یاناشما دییشیکلیگی نین گؤستریمی سیدیر. 2004ده پژاک - ین قورولماسیندا سونرا پژاک و آ.ب.ش آراسینداکی علاقه لر مؤوضوعوندا موختلیف فرضیه لر ائدیلمکده ایدی. بیر چوخ آدام پژاک - ین آ.ب.ش طرفیندن قورولدوغو و عسگری و مالی اولاراق مالییه یه ائدیلمیگینی ایدعا اتمکده ایدی. آ.ب.ش ایسه بو ایدعالاری قبول اتمه مکده ایدی. آنجاق آ.ب.ش، پ.ک.ک و پژاک آراسیندا آیری - سئچکیلیک اتمکده و ایکی فرقلی تشکیلات اولدوغونو ایدعا اتمکده ایدی. آنجاق گلینن نؤقطه ده آ.ب.ش، پ.ک.ک و پژاکی ایکی فرقلی تشکیلات اولمادیغی، پژاک - ین پکک - ین اورقانیکی داوامی اولدوغونو سبب گؤستره رک، پژاکی تشرور لیسته سینه آلمیشدیر. بو دا پژاک مؤوضوعوندا اهمیتی بیر یاناشما دییشیکلیگی نین گؤستریمی سی اولموشدور.

بو قرارین ایلک نتیجه سی، واشینقتونون، ضرری فایداسیندا چوخ اولان بیر گورونوشدن خیلاص اولماغا ایشیدیر. پژاک - ین قورولوشوندا اعتبارن آ.ب.ش - ین نامعلوم و موباحیسه لی تومو سببی ایله ایران و پ.ک.ک قازانجلی چیخارکن، آ.ب.ش ضرره اوغرامیشدیر.

باشقا بیر ایفادیه، پژاک آ.ب.ش اوچون بیر تله یه چئوریلیمیشدیر. چونکی پژاک - ین آ.ب.ش طرفیندن دستکله نیلدیگی گورونوشو، آ.ب.ش - ین ایران سیاستینی چتینلشدیرمیش، آیریجا تورکییه - ایران و سوریا علاقه لرینه اهمیتی قاتقی تأمین اتمیش و ایرانا و رژیمنه جیدی اویون ساحه سی تقدیم اتمیشدیر.

ایران رژیمنی نین پژاک - ین قورولماسی، آ.ب.ش و رژیمن قارشیسیندا جیدی بیر اوستونلوك قازاندیغی و اولارین اویون ساحه سینی جیدی بیر شکیلده دارالتدیغی



## ایران - تورکیه علاقه لری نین یایشقانی: پ.ک.ک

### عاریف کسکین

کورد آیرلیقچیلیغی نین ایران و تورکیه علاقه لری نین ان اهمیتلی عوصورو اولدوغونو سؤیله سک سهو اولماز. بو عوصور، ایکی اؤلکه آراسیندا تاریخی اولراق هم سورتوشمه هم ده امکداشلیق ساحه سی اولموشدور. عوٹمانلی دؤورونده سرحد کئچیر گنلیگی، طایفالارین سرحدلری آشیندیران توتوملاری و طرف دؤولت لرین زیف و نامعلوم توتوملاری پروبلئم مئیدانا گتیرمکده ایدی. رئسپوبلیکا دؤورونده ده تورکیه، ایران ایله علاقه دار ناراحتالیغینی داوام ائتدیرمیشدی. بو ناراحتالیق، ایرانین هم تورکیه ایچینده کی کوردلره ماراغی اولدوغونو دوشونولمه سیندن هم ده عراق کوردلری ایله اولان علاقه سیندن قاناقلاماقدا ایدی. تورکیه نین ناراحتالیغی 1979 ایران ایسلام اینقیلابیندا سونرا داها دا آرتدی

ایران و پ.ک.ک.ک آراسینداکی علاقه رئسپوبلیکا دؤورونده گورولمه میس بیر وارلیق ایدی. تهران، رئسپوبلیکا دؤورونده تورکیه علیه داری بیر تشکیلاتا بو جور آچیق و چوخ اؤلچولو دستک و ئرمه میشدی. ایرانین پ.ک.ک.ک.ک مؤوضوعسونداکی رفتارلاری محمد خاتمی نین پرئزیدنتلیک دؤورونده (1997-2001 / 2001-2005) دیشمه یه باشلامیشدیر. ایران و پ.ک.ک.ک آراسیندا یاشانان ایستی قارشیدورما گوندمه دامغاسینی وورموش؛ بو چرچیوه ده اینکیشافلار، ایران و تورکیه آراسیندا پ.ک.ک.ک مضمونوندا امکداشلیغی گوندمه گتیرمیشدیر.

پ.ک.ک.ک.ک تئروور تشکیلاتی، اوزون مودت ایران ایله تورکیه آراسیندا پروبلئم اولموش و ایکی اؤلکه علاقه لرینی منفی تاثیر ائتمیشدیر. آتجاق 2003دن سونرا ایران تهلوکه سیزلیک گوجلری و پ.ک.ک.ک.ک تئروور تشکیلاتی ایشچیلری آراسینداکی سرحد قارشیدورمالاری، ایرانین پ.ک.ک.ک.ک مؤوضوعسوندا توتوم دیشیشیکلیگینه گیردیگینی گؤسترمیشدیر. نئجه کی تهران، اییول 2004ده پ.ک.ک.ک.ک ی تئروور تشکیلاتی اولراق قبول ائتمیشدیر. بونا قارشیلیق دا تورکیه، ایران علیه داری اولراق سیلاحلی موباریزه ائدن خالقین موجهیدلری تشکیلاتینی تئروور لیسته سینه آلمیشدیر.

ایرانین پ.ک.ک.ک.ک یا باخیشی نین و توتومون دیشمه سی نین فرقلی سببلری واردیر. آتجاق، عراقا یئرلشمیش و شیمالی عراقدا کورد قورولوشلارسی نین گوجلو و اعتبارلی بیر تملده گنتمه سی اوچون زمین حاضرلامیشدیر. ایسرائیل طرفیندن ده دستکله نیلمه یه باشلایان بو

دیر.

پژاکین تئروور لیسته سینه آلینماسی اوبامانین جمعیت دیپلوماتیاسی ایجرا ائتمه سی نین بیر گؤستریجی سی اولراق دا اوخونا بیلر. اوباما دؤولت باشچیلیغی قولتوغونا اوتوردوقدان سونرا ائتدیکلریله یالینز دؤولتلرین دئیل، جمعیتلرین ده اعتبارینی قازانماق ایسته بیر. بو آددیملار هم تورک، هم ده ایران جمعیتینه گون مئساز و ئرمه آختاریشی ایچینده دیر.

پژاک - ی تئروور لیسته سینه آلینماسی، اؤزلیکلکه گر کچه سینده تورک جمعیتی نین دینچلیگی و تهلوکه سیزلیگیندن دانیشیلماسی، قاردا ایراندان چوخ تورکیه نین قایغیلاری نین وورغولانماسی دیقت چکچی دیر. بو قرار، آ.ب.ش باخیمیندان تورکیه نین اهمیتینی گؤستر مکده دیر. اؤزلیکلکه بو قرارین داووس حادیه سیندن سونرا گر کچکشمه سی، آ.ب.ش - ی تورکیه یه نه قدر اهمیت وئردیگی نین بیر گؤستریجی سیدیر. بو داورانیشی، مونفرید بیر حادیه دئیل ده، بیر سیستئم ایچینده گر کچکله شمیش شکلینده بوروملاسا، آ.ب.ش - ی تورک جمعیتینده کی آمئریکان علئیه دارلیغینی آرادان قالدیرماغا دؤنوک بیر زنجیرله مه ایشین حالقاسی اولراق دا شرح ائنده بیلریک. بونون معناسی، اؤنوموزده کی مودته سؤزده اثرمنی سویقیریمی قرار قانونو کیمی تورکیه - آ.ب.ش علاقه لرینی زهرلیه جک بعضی گلیشمه لرین اولمایاجاغی ایستیقامتینده بیر ایشاره اولراق دا گؤره بیلریک.

پژاک - ی قورولماسی نین آردیندان آ.ب.ش - می ایرانمی قازاندی، سولینا گلیر ایسک، ایرانین قازاندیغینی سؤیله یه بیلریک. بو مودته ایران، هم اؤلکه ایچینده بونو باخشی ایستیفاده ائندی، هم ده تورکیه نی اؤز یانینا چکدی. تورکیه ده بو مودته قازانجلی چیخدی. تورکیه، پ.ک.ک.ک.ک ایله موباریزه ده، ایران و سوریین دستگینی قازانماغی باجاردی. بو مودته ان چوخ اودوزان ایسه پ.ک.ک.ک.ک اولدو. پ.ک.ک.ک.ک بؤلگه ده، ایران و سوریا کیمی اؤلکه لری اؤزونه دوشمن ائندی. آ.ب.ش - ی پژاک - ی دستکلر گورونمه سی، هم ایران ایچینده هم ده تورکیه ده آ.ب.ش - ی بیر شئی قازاندیرمادی. موفقیق لی اولمایاجاغی اولدن موعین اولان تشکیلاتین، اولجه سیلاحلی فعالیتلرینه آرا وئره جگینی شرحی و آردیندان آ.ب.ش طرفیندن تئروور لیسته سینه گیرمه سی، ایرانین "گوجلو اولما" ایمجینه فایدا تآمین ائتمیشدیر. گنجیکمیش بیر قرار اولماسینا باخمایاراق، "ضررین هاراندان دؤنسن قازانجدر" منطیقی ایله قرارین اؤزلیکلکه تورکیه - آ.ب.ش علاقه لرینه موئبت قاتقی سی اولاجاغی دوشونولمکده دیر.

ایضاح: بو یازی اؤیرنجی ساتی امکداشلاری طرفیندن آذربایجان تورکجه سینه چئوریلیب.

میلی و شیمالی عراقداکی کورد بؤلگه سینده آباش و اسرائیلین ایشلری، ایرانین پ.ک.ک. و پزاکک مؤوضوعسونو دونیا گوروشونو دیشدیرمیشدیر.

ایرانین پ.ک.ک.ک. تترور تشکیلاتی مؤوضوعسوندا، تورکیه نین ایسته دیگی خطه گلکه سی نین بیر باشقا سببی، ایراندکی اتنیک حرکتلرین گوجلنمه سی اولموشدور. ایراندکی اتنیک میلیتیجی حرکتلر اوچون اهمیتی بیر سیاسی و ایجتیماعی زمین مؤوجوددور. ایراندکی اتنیک حرکتلرین یوکلے لیشی، ایرانین پ.ک.ک.ک. مؤوضوعسونو باخیشی نین دیشمه سینه گتیریب چیخارمیشدیر. چونکی ایراندکی اتنیک حساسلیق آباش و اسرائیلین ده دقتینی چکمیشدیر. اتنیک میلیتیجیلیگین یوکلے لیشی، ایراندکی تورکلری ده سیاسی اولراق حرکت کنچیرمیشدیر. اینکیشافلار، ایرانی بؤلگه ده کی و تورکیه ده کی اتنیک آیریلیقچی حرکتلر قارشى داها حساس داورانماغا ایتهلے میشدیر.

ایرانی، پ.ک.ک.ک. یی تترور تشکیلاتی اولراق تانمایا ایتهلے یی سببلر آراسیندا، یاخین زاماندا ایران ایله آباش آراسیندا یاشانان گرگینلیک ده ایشتراک اتمکده دیر. بو گرگینلیک سببیله ایران - آباش علاقه لری نین گلکه جگی نامعلوموغونو قوروماقدادیر. ایران، آباش قارشیسیندا مووایمت گؤستره بیلمک اوچون قونشولاری ایله یاخشی و اعتیبارلی بیر علاقه یارناماسی لازیم اولدوغونو دوشونمکده دیر. ایرانین قونشولاری ایچینده تورکیه بؤیوکلوک و بؤلگه ده کی فعالیت سببیله بیرینجی درجه دن اهمیت ایفاده اتمکده دیر. ایران، تورکیه ایله پ.ک.ک.ک. یا قارشى امکداسلیق انده رک، تورکیه نی، آباش و اسرائیلین اؤزونه قارشى فعالیتلریندن اوزاق توتماق ایستکده دیر.

ایرانین پ.ک.ک.ک. مؤوضوعسونداکی بو دیشمسی، ایکی اؤلکه علاقه لری نی مؤثبت تاثیر اتمیشدیر. ایران - تورکیه علاقه لری نین سون دؤورده، ایچ ایشلرینه قاریشماماق، یاخشی قونشولوق و تهلوکه سیزلیک امکداسلیق اساسیندا اینکیشاف ائتدیگی بیلینسه ده، ایکی اؤلکه علاقه لری نین تمه لینی تهلوکه سیزلیک امکداسلیغین مئیدانا گتیردیگینی سؤیله یه بیلیریک. ایکی اؤلکه آراسینداکی تهلوکه سیزلیک امکداسلیغین اؤزونو ده پ.ک.ک.ک. تترور تشکیلاتی و خالقین موهایدلری تشکیلاتی مئیدانا گتیرمکده دیر. بو تهلوکه سیزلیک امکداسلیق موختلیف مئخانیزملر طرفیندن ایجرا اندیلیمکده دیر. بو مئخانیزملرین تمه لی 1990لاردا آتیلسا دا، 2000لرده داها آکتیو و جیدی اولراق ایشله دیلمیشدیر. بو تهلوکه سیزلیک امکداسلیغیندا، تورکیه طرفی نین گؤره لی بیر ممنونیتی اولدوغونو سؤیله یه بیلیریک. چونکی، زامان زامان ایرانین بو امکداسلیق مودتینده، مثلا سرحد ایداره لری اساسیندا، بیر سیرا لاقیدلیکلری نین اولدوغو ایدیعا اندیلیمکده دیر.

قورولوشلانمین آباش و اسرائیله یاخینلیق گؤسترمه سی، کوردلرین لازیم اولدوغو زامان ایران علیه داری اولراق حرکت کنجه بیلمه سی احتمالی نی دا اؤزویله گتیرمیشدیر. ایران، بو ایستقامتده شیمالی عراق کوردلری نین و پ.ک.ک.ک. - یی اؤز علیه اینده ایستیفاده اندیلیمه سی حدسی ایله قارشى - قارشیا قالمیشدیر.

آباش - تورکیه علاقه لرینده پ.ک.ک.ک. تترور تشکیلاتی مؤوضوعسو سورون اولماغا باشلامیشدیر. آباش، پ.ک.ک.ک. مؤوضوعسوندا دقیق بیر سیاست چیخارمامیش و پروبلیمی حلل اتمه ایستقامتینده تورکک صلاحیتلرله سؤز و نریمیشسه ده، بو پروبلیمین نجه حلل اندیلیمه جگی مؤوضوعسوندا شفاف اولمامیشدیر. سؤز مؤوضوعسو وضعیت، ایرانی دا جیدی شکیلده ناراحتلیغا سوخوموشدور. چونکی آباشین، پ.ک.ک.ک. ی ایرانا قارشى ایستیفاده اتمه مئیلینده اولایله جگی دوشونولموشدور. بو وضعیت ایرانی حرکت کنچیرمیشدیر.

ایرانین تترور مؤوضوعسوندا تورکیه ایله امکداسلیغینا گیرمه سی نین بیر باشقا اهمیتی سببی ده، خالقین موهایدلری تشکیلاتی اولموشدور. خالقین موهایدلری تشکیلاتی، ایران علیه داری ان بؤیوک تشکیلاتدیر. بو تشکیلاتین بئش مین سیلاحلی ایشچیسى عراقدا واردیر. 1980دن سونرا ایران رژیمی نه قارشى سیلاحلی حرکت کنجه تشکیلات، 1984دن سونرا عراق یئرلشمیش و صدامین دستگی ایله اؤزونه مئکانیزه اوردو قورمایا بوجارمیشدیر. ایران، صدام آشدیقان سونرا بو تشکیلاتین عراقدان چیخاریلماسی و ایرانا تسلیم اندیلیمه سی مؤوضوعسوندا سیخ سی گؤستریش، آنجاق سعی لری نتیجه و نریمه میشدیر. باشقا سؤزله بو وضعیت ایرانی ناراحتلیقلاندیرمیش و ایران، خالقین موهایدلری تشکیلاتی نین اؤزونه قارشى ایستیفاده اندیلیمه سیندن قورخو دویارق تورکیه نین امکداسلیغینا جیدی شکیلده احتیاج دویمایا باشلامیشدیر.

ایرانی پ.ک.ک.ک. یا قارشى موبارزه اتمه یه ایتهلے یی دیگر بیر سبب، بو تشکیلاتین ایران ایچینده پزاکک آدلی بیر تشکیلات قورماسی اولموشدور. ایران، پ.ک.ک.ک. تترور تشکیلاتینا اوزون مودت اؤلکه ایچینده سیاسی فعالیت ساحه سی تقدیم اتمیش، پ.ک.ک.ک. دا بو تهلوکه سیزلیک دستگی آلتیندا گوج قازانماغی بوجارمیشدیر. ایران ایسه بو گؤندر، اؤز کورد موخالیف تشکیلاتینا قارشى پ.ک.ک.ک. - دان کشفیات دستگی آلمیشدیر. پ.ک.ک.ک. تترور تشکیلاتی ایرانین تهلوکه سیزلیک دستگی چرچوه سینده اؤلکه ایچینده بؤیومه یه چالیشمیش و فعالیتلرینی تشکیلاتلی حالا گتیرمک ایسته میشدیر. بو ایستقامتده، مارت 2004ده پزاکک آدلی تشکیلاتی قورموش و ایران ایچینده ایشلرینه باشلامیشدیر. پزاکک، ایران علیه داری اولراق گئنیش دیامتیرلی فعالیتله کئچمیشدیر. پ.ک.ک.ک. تترور تشکیلاتی نین آباش ایله یاخینلاشما

گوج لو میلی فعالین اطرافیندا، میلی حرکاتیمیزی تبلیغ انده رک، سیستم لی فعالیت آپارماغین داها و نریم لی اولماسی منطقی دئیلمی؟ نامزدلیگی رد اولونان دان سونرا، بو بهانه ایله آنتی شووینیزم تبلیغاتا باش لیباراق، سئجگی لری تحریم اتمیین داها باشاری لی اولاجاغینا درین دن اینانیردیم.

بو تون بون لاری گؤز اؤنونه آلاق، یاشادیمیز او اؤلکه ده سیاسی پروسس لردن اوزاقدا قالماغیمیزلا، قوشولماغیمیزین خئیر و زیانی موقایسه اندیلمه لی دیر. بل لی حال لاردا و دوزگون سیاست آپارماقلا قوشولماق دان بؤیوک فایدالار آپارا ییلدیگیمیز کیمی اؤلچوسوز سیاست لرله و یا بعضی قوه لرین وعده وعیدلری ایله قوشولماغین زیان درجه سی جوخ یو کسک اولابی لر.

1998-ده باکی و تبریزدکی کیو-ده یاییلان بیر مقاله ده یازمیشدیم "آذربایجان میلی حرکاتی" اؤلکه ده اوچونجو بیر قوه کیمی تظاهر اتمه لی دیر. "بو گون" تورک اصلاحات چی لار حرکاتی " ترمینی نین اورتایا چیخماسی، بیرده اونا گوره سئویندیجی دیر کی، دئمک میلی حرکاتیمیز اوچونجو بیر قوه کیمی اورتایا چیخماغا گوج قازانمیش دیر. آنجاق، میلی حرکاتیمیز، ایراندا فارس چی لیق سیاستی گودن قوه لرین اینده آلت اولماماسی اوچون "آذربایجان مرکزی دوشونجه سیستمی" نین خارجه چیخمامالی دیر. بو دنکلی (معادیلنی) دوزگون چؤزمک اوچون بیر نجه مسئله یه بیر داها توخونمالیم.

آ- احمدی نژاد طایفه سینین آنتی تورک و آنتی آذربایجان سیاستینی گنچن دؤرد ایله گوردوک. بو منفی سیاست لر هامیا آیدین اولدوغونا گوره اونو آچیقلاماق اوچون واخت ایتیرمه یه دیمز.

ب- خاتمی نین پرژیدنت لیک دؤورونده نیسی آزادلیق لارین، گوون سوپایی کیمی ایشه سالیندیغی و میلی حرکاتیمیزین ایمکان داخلینده اوندان ایستیفاده اتمه سی اینکار اندیلمز دیر. آنجاق همین دؤوره ده مطبوعاتیمیز، اؤز لیک لیکه "نویدی آذربایجان" "شمسی تبریز" و "اومیدی زنجان" قازنت لرینه اولان باسقی لار اونو تولمامالی دیر. اولارین مسئول مودیرلری، یازار و زحمت چکن لری نین محکمه لره و نریدیک لری گون لری عبرت درسی اولمالی دیر. ان اؤنم لی سی، نجه ایل اؤنجه خاتمی نین تبریزه گله رک اؤزونه خال قازانماق فیکرینده اولدوغو گون لر تبریزی باغشمال (شازدا باغی) ایدمان ساراییندا آذربایجان لی لاری اینجی دن سؤزلری و بیزلری آلداتیجی فیکری لری قولاق لاریمیزدان آسيلمالی دیر.

بونودا اونوماق لازیم دئییل کی، آرتیق اصلاحات چی آدی ایله تانینان بو قروپون دورومو او اؤلکه نین داخلینده اؤز تاثیرینی ایتیرمیش دیر. بون لار ایستر "میلی بیرلیک حکومتی" تکلیف لری ایله ایستره ده قارشى طرفین هوجوم لارین دان چکیندیک لرینه گوره گنچمیش فیکرلرین دن

ایران-تورکیه آراسینداکی تهلوکه سیزلیک امکداشلیق، کشفیات پایلاشیمی چرچیوه سینده محدود قالمیش و هر هانسی بیر عسگری امکداشلیغینا چئوریلمه میشدیر. آنکارا، بو امکداشلیغی اهمیت و نرسه ده ایران و کوردلر آراسینداکی تاریخی حادثه لری یادداشیندا توماقدا، بوتون یومورتالارینی ایرانین سبدینه قویماقدا دیر.

## پرژدنت سئجگی لرینده کروبى ایله بارزانی جوت لوگو!

### بویوک رسول اوغلو

اؤلکه ده، اوزدن ایراق جمهور باشقان لیغی سئجگی لرینده چئشیت لی فیکر و مباحثه لرین یانیندا، ییزی ایلگیلن دیرن "آذربایجان میلی حرکاتین" تومودور. شوبه یوخ دور کی، او اؤلکه ده اولوب بیتن بوتون حادثه لر بیز آذربایجان لی لارینا ائتکی لر و گلجیمیزده تاثیر بوراخار. بو حقیقتی داها درین دن و عینی اولاراق ایدراک اندن گوئی دکی میلی فعال لارین بیر آرایا توپ لاناراق دوزگون بیر خطین تعینی اوچون چالیشمالاری تقدیره لایق دیر. هله یاییلان خبره گوره بوگون ساین دؤکتور اکبر اعلمی اؤز آدای لیغینی اعلام اندجینه گوره بو پروسس داها دا قیزیشماقدا دیر. نجه آی اؤنجه جناب دؤکتور اعلمی نین آدی سئجگی لره قاریشان زامان باکی-دا بئرلشن بیر شمالی آذربایجان پارتیاسی، آراشدیرمادان اونون نامزدلیگینی دستکلدیگینده بشینمه بیر نجه سورو یارانمیشدی

آ- گوئی آذربایجان کؤک لو تانیمیان، ایران سیاستینی درین دن بیلمین اینسان لارین، بو مورککب ایشه قوشولماسی نه قدر دوزگون دور. باخمی یاراق کی، بوگون سینته لرده یاییلان یالان و یا دوغرو خبرلری اوخویان و یا بونون-اونون آغزین دان ائشیتدیک لری تحلیل لره دایانان هر کس بو بویوک سیاستین اوزمانی کیمی دوشونمکده دیر.

ب- اکبر اعلمی نامزدلیگینی قویارسا، خارجه اوتوروب، داخله دن بیچن بیزلرین اونو دستکلمه سی، اونون آدای لیغینین قبول اندیلمه سی اوچون بیر بهانه اولمازمی؟

ج- جناب دؤکتور اکبر اعلمی یئرینه میلی حرکتیمیزه داها درین دن اینانمیش و بؤیومه سی نین گله جکده حرکاتیمیزدا پروبلم یارادمیاجاق بیر میلی فعالین آدای لیغینین ایره لی سورولمه سی داها فایدالی اولمازمی؟ جناب دؤکتور اعلمی یه آذربایجان مسئله سینده آتدیغی آددی لارا گوره بویوک حؤرمت بسله سمده، آدای لیغی قبول اندیلیمیه جک باشقا بیر

دؤنوشه جک دیر. آنجاق بو گونکو شرطلر آلتیندا هر هانسی بیر تورک آدی "میلی حرکتیمیزین" بللی ایستک لرینه یازی لی اولاراق قول چکرسه، اونون اطرافینا ییغیشیب میلی حرکتیمیزی تبلیغ ائده رک، خالقین ایچینه یایلماق فایدالی اولاییلر. دقت ائدیلمه لی دیر کی، هامی بیر فیکیره گله رک، بو شخصیت لردن، سونرادان میلیتیمیزه ضرر وئرمیه جک و یا ان آز ضرر وئره جک دورومدا اولانا اوستونلوک وئریلسین

## فارس شووینیزی نین او یونو

### تبریزی بای بک

تورکلرین بیرلیک قورولتا یینا اعتیراض، کوردلرین بیرلیک قورولتا یینا دستک، سون زامانلاردا سؤزده دونیا کوردلری-نین قورولتا یی باره ده سؤزلر و گوروشلر آرتماقدادیر. بو قورولتا یین گلن آیی، و یا می آییندا عراق-دا کئچیربله جگی پلانلاشماقدادیر نئجه ایمل اؤنجه دونیا آذربایجانلیلاری نین بیرلیک قورولتا یی، دا.ک قورولتا یی باکی-دا کئچیربلنده، ایران آدلانا ن اؤلکه ده فارس حاکیمیتی ال-آیاغا دوشوب و قوزنی آذربایجان حاکیمیتینه شانناز، تهدید و روشوت وئرمگه باشلادید. اک (دونیا آذربایجانلیلاری کونفرنسی) ایللردیر کی دئموکراتیک یول ایله توم آذربایجانلیلارین هاقلارینی قوروماغا چالیشان، غئیری نظامی قورومدور

قارشی طرفده، ترور ایله مشغول اولان، ایللردیر جینایت ایشله یین و هر یترده، چشیتلی اؤلکه لرده، محض تورکلره سالدیران کورد قوروملاری، عراق-دا بیرلیک قورولتا یی کئچیرمگی پلانلا ییرلار.

سؤزده ایران آدلانا ن اؤلکه نین فارس شووینیست حاکیمیتی، ایللردیر کورد تروریسمی ایله اوزده ساواش آپاریب، آنجاق آرخادا اونلارا یاردیمچی اولوب و کوردلری تورکیه و آذربایجانا قارشی شیشیرتمکله مشغول اولموشدور. بو ایشلرده یالینز بیر فاکت واردیر، اودا بودور کی تورکلره قارشی بیر جبهه یارتماقدیر.

آنجاق ایران آدلانا ن اؤلکه نین باشچیلاری، کوردلرین، کی تاریخین هئج بیر دؤنمینده میلست و دئولت اولاراق آدلاری اولمامیشدیر، آرخاسیندا دوروب، تورک تورباغلاریندا اونلارا هاق آخدارماغا چالیشیرلار، اما تاریخ یاشیندا اولان آذربایجان تورکلرینه، و توم تورک دونیاسینا اؤز دوغما تورباغلاریندا هاق تانیمیرلار!

نجه اولور کی تروچو قوروملارین بیرلیگی دئموکراتیک قارشیلانیر، اما دئموکرات قوروملارین بیرلیگی سرت و داغیتیچی قارشیلانیر؟

واز گئچمیش لر. ساده جه، اؤلکه نین داغیلماسینی اؤنلمک ایفاده لرینی ایشله ده رک، مؤوجود دورومو ساخلاماق نیتینده اولدوق لارینی سؤیلمکده دیرلر. باشقا سؤزله "میلی حرکتیمیز" -ین بونلاردان اوماجاغی بیر شئی قالمامیش دیر.

ج- کروی ایله، گنجن پرتزیدنت سئجگی لری زامانی تئهراندا گوروشن 4 نفر تانیمیش و گونولیر سویداشیمیزین لهینه و علئیهنه اولان لاری اونوتمامیشیق. او زامان، هله داخیلده اولان دیرلی گنج میلی فعال سایین علیرضا بی قولونجونون رادیکال دوشونجه لری تقدیره لاییق اولسا دا، بعضی لری او جمله دن ایجلاسدا ایشتیراک ائدن حؤرمتلی بیر دوستوموز طرفین دن قینانیدی.

کروی-نین دونکی اورمو سفری و اوراداکی او یونلاری گؤستریدی کی، اونون پارتیاسینین آدی "میلی گونولیک" -دن چبخاریلیب، "یرقی گون" اولمالی دیر. اونون اورمو شهرینده دیرنکت اولاراق، کورد "موللا بیضاوی" نین ائونه گنده رک، اورادا کورد تئروریست قروپ لارینا توپلانیب کوردچولوک تبلیغاتینا ایمکان یارادما سی، ماهیتی هامیمیزا آیدین اولان مسعود بارزانی ایله برابر شکیللنمه سی داخیلین دکی قارانلیق لاری گؤستریدی. قریبه بوراسیندا دیر کی، همین پارتیایین اوراداکی تورک مسئول لاری، اونانمادان میللت دن سس ایستمکده دیرلر. فیکریمجه "تربت" سینماسینین قاپ لارین بونلارین اوزونه باغلانما سی دا بو او یونون بیر ترکیب حیسه سی اولاییلر.

منجه کورد تئروریزمینه وئردیگی بو دسته یی و قازاندردیغی تبلیغات قایناغینا گؤره، تکجه اورمودا دئییل، بوتون آذربایجانلی لار، فیکرلرین دن و کیمه سس وئریب وئرمیه جک لرین دن آسی لی اولمویاراق صانديق باشینا گئتسه لر، کروی-دن باشقاسینی ترجیح ائتیرمه لی دیرلر.

شوبه یوخ دور کی، ساده دیل اینسان لاری آلداتماق اوچون کروی-نین بو او یونونو بیر سئجگی سیاستی آدلان دیراراق، بو چیر کینلیگین اوستونو اؤرتمه یه چالیشماق لار. آنجاق 10 یاشیندا بیر اوشا قدا بیلیر کی، او بؤلگه ده یاشیانلارین 85% -نی تشکیل ائدن تورکلرین سسینی ترور دسترسینه ساتانین هدفی سیاست دئییل، ایرقچی لیک اولاییلر. کیم بیلیر، بلکه ده اونون دوغولوب بؤیودو گو " الگودرز " لکیستانا یاخین اولدوغونا گؤره اؤزونو " یاری کورد " حساب ائدیر.

بوتون بو فیکرلری بیر-بیری نین یانینا قویارساق، بوگون "آذربایجان میلی حرکتیمیز" اوچونجو بیر قوه کیمی تظاهر ائتمه سین دن باشقا یولو یوخ دور.

بودا آیدین دیر کی، او اؤلکه ده تورک میلی دیرلرینه ان درین دن اینانمیش بیر نامزد پرتزیدنت اولسا بئله بیزیم درد لریمیزی درمان ائتمیه جک دیر. فارس مرکزی تئهران حاکیمیتی الینده آلتنه



درگی ده گئندن یازیلار آراسیندا بیزلری دوشوندوروب راحتسز اندن بعضی مقاملارا توخونماق ایسته بیرم.

اومودوم وار ایچریده و انشیکده یاشایان آذربایجانلی لار بو درگی نین بوتون ساییلارینی اله اتسینلر، چونکو بو کیتاباً- بنزه درگی لرده گئندن مقاله لر اوزه رینده چوخلو دانشماق اولار، اینانین هر مقاله به 10 جواب یازیلسادا، بنه ده محکوم قیلاجیمیز چوخلو نکته لر یرده قالاجاق دیر. آنجاق منی تعجبلندیرن مسله بودور کی ندهن بو گونه قدر ایچریده اولان آذربایجانلی لار بو درگی ده اونه سورولن قابا ایدیدعالار باره سینده و اونندان داها اؤنملی اولان مسله یعنی درگی لرین هارالاردا داغیدیلدیغی حاقدا هنج بیر شی یازما ییلار؟! اولا بیلسین کی کوردلرین اصل صوفت لرینی تانییب و بنله بیر قناعته گلیب لر کی نجه کی ایلتین آغی ایله قاراسی آراسیندا انله بیر فرق بوخدور؛ کوردونده آیدینی ایله باش کسنی آراسیندا بیراوقده رده فرق بوخدور I و اونلارلا دیپلوماتیک دیل له دانشماغا ذیمه ز. آنجاق نه اولورسا اولسون اونلار بیزیم تورپاقلاریمیزا گؤز تیکیلر و بو ایستکلرینه وارماق اوجون واراولان مدنی- غیر مدنی شیوه لری اونه توتوب بوتون گوجلرینی ایشه سالیلار. I. ان آزیندان اؤز داورانیشلاری و اؤیوندو کلری تاریخ و تاریخی شخصیت لر بو دندیکلریمیزه دلالت اندیر.)

ایلک باشدا دئمه لیه م کی 465 صحیفه لی (اؤزوده اؤیرنجی سل بیر چالیشما) بیر کیتابین دیرینین 3 مین تومن اولماسی دوشوندوروجو دور. ایراندا یوکسک کئیفیتلی کاغیذدان حاضرلانیلمیش (وریسوگراف اولمایان) بنله بیر کیتابین ان دوشوک دیری، ان آزی بونون ایکی قاتی دیر. او اوزدن بنله نتیجه آلیریق کی هنج شوبهه سیزکی بو کیتابین (درگی) باسیلیب داغیدیلما سیندا، کورد تئورویست تشکیلاتلارینین مادی یاردیم لاری کئچیر .

یایملا ما ایذنی اولما دیغیندان دولای، تبریز کیمی بؤیوک شهرلرده تاپیلما یان بو و بو کیمی درگی و کیتابلارین، ساین قالالا (شاهین دژ آذربایجان غربی) کیمی کچیچک و سون درجه حساس منطقه لرده داغیدیلما سی دا انله اؤز اؤزلو گونده بیر موباحیته مؤوضوعو دور. اوزون ایلر دیر کی غربی آذربایجان تورپاقلارینی صاحبیلنمه یه جان آتان کوردلر، بو یولدا اؤزلرینی داغا داشا وورولار و سنجدیکلری یوللارین چوخوسو غیر اینسانی و غیر دئموکراتیک اولسادا آنجاق سون زامانلاردا اوزده، فرهنگی و مدنی چالیشمالارینی یوغونلاشدیرمیشدیلار. اؤرنه گین اورمو، سالماس، ساین قالالا (شاهین دژ)، قوشاچای (میانندو آب)، سولدوز (نقده) و تیکان تپه (تکاب) ده سو سودان تریشدیگی زامان اؤز رادیو و تلوویونلاریندا بو خبری (اؤزلری دئمشکن) کوردوستانین خبرلری سیراسینا یرلشدیریرلر. اوسته لیک فارس دیلینده یاییلان خبرلرینده ده بو آدینی چکدیگیم بؤلگه لرین خبرلرینه یر وئریرلر؛ کی نه

بو ایکی ستاندارتلی داورانیشلارین عامیلی اولان فارس شووونستلری، رسمن تورک دوشمانچیلیقلارینا دایر فاکتلا سونورلار. مع السف تورکیه و قوزنی آذربایجان حاکیمیتلری بو اویونلار اؤنم و ئرمه دن، فارس شووونستلری ایله ایش بیرلیگی آپارماقدالار.

تورکیه نین سؤزده سیاسی پارتیاسی کوردلرین بیرلیک قورولتاینا گئتمه گه حاضرلا شیر، ایران آدلانان اؤلکه ده چالیشان و یاشایان کورد فعاللار عراقدا یاپیلاجاق اولان قورولتایا گئتمه گه حاضرلا شیرلار، ایران آدلانان اؤلکه نین حاکیمیتی نوماننده لری بو قورولتایا قاتیلماغا حاضرلا شیرلار، قوزنی آذربایجانا کؤچن ترورچو کوردلرین باشچیلاریندان سؤزو گئندن قورولتایا قاتیلماغا حاضرلا شیرلار! ندن؟

ناتو ایران آدلانان اؤلکه ایله دانشیققلارینا باشلا ییب! آمتریکا باشخانی ایران آدلانان اؤلکه به مکتوب یازیر! اروپا ایران آدلانان اؤلکه ایله موعامیله لرینی آرتیر! وس

کوردلره قورولتای حاضرلا یانلار، کئچمیشده گورجولره، انرمنلره، یهودیلره و س کیمی قوروملاردا قورولتای یامیشلار! مع السف، او قورولتایلارین ایکسی نین سونوندا، تورک تورپاغیندا یاد دئولتچیلیک یارادیلیدیر! بوخسا گئنه ده دؤزوب و کوردلرینده دئولتچیلیگی نین، بیزیم تورپاغیمیزدا قورولماسینا شاهد اولاجاییق؟

تورکلر هاردارا؟

تورک قالماغ اوجون، اؤنجه تورک اولماغ لازیمدیر.

## "روژه ف" فصلنامه سی، کورد آیدینلتما سی دیر؟ یوخسا کورد کوشکور تما سی!؟

### چاغداش تبریزی

کئچن ایلدن بری غربی آذربایجانین بعضی شهرلری ایله یاناشی ساین قالادادا (شاهین دژ) "روژه ف" آدلی اؤیرنجیسل (دانشجوی) بیر فصلنامه قزته چی لر طرفیندن ساتیشا قویلوب. "روژه ف" کوردلر دئمشکن "بحث روز" (گونون دانشیغی) دئمک دیر. ایلک صحیفه ده وئرلن معلوماتا گؤره بو کیتابا بنزه درگی نی حاضرلا یانلار تهران اونیورسیتته سینین کورد اؤیرنجی لری دیر. نشر ایذنی اولمایان بو درگی نین صاحب ایمتیازی "قاسم احمدی" دیر. الیمیزده اولان سون روژه ف 8 و 10 جی ساییلارینی بیر قاییقدا بیرلشدیریر و "تاریخ سیاسی معاصر کردستان" (کوردوستانین چاغداش سیاسی تاریخی) موضوعوندا 31 مقاله، ترجمه، و باش باشا دانشقدان عیبارت دیر. حاضرلاندیغی بیلیم یوردونان (دانشگاه) چوخ اوزاقلاردا داغیدیلان بو

قدیم قونشولاری ارمنی لر دیر... (ص 81). هابنله "سادسیم" (ص 48) آلت باشلیقلی بیر مقاله ده؛ پهلوی دؤولتی (ریضاخان)، صفویلی (شاه سلطان حسین)، تورکیه دؤولتینی و اونون اساس قوروجولاریندان اولان اوزامانکی گنج تورکلری، سیستم لرو شخصلر اولراق بیر نوع سادیسمه مویتلا اولدوقلارینی ایددعا اندیر!

درگی نین 90 جی صحیفه سینده بئله بیر باشلیق وار "ولایت و ایل مکرکی" (ص... شمال ولایت اردلان [استان کردستان]، جنوب و غرب دریاچه ارومیه... ولایت مکرکی در این ناحیه از ایران واقع شده است و از شمال به دریاچه ارومیه و جلگه های ناحیه سلدوز، از شرق به جلگه های میاندوآب و تکاب و از جنوب به سرحد عراق و خاک پشدر و از غرب به مرزهای ایران و عراق محدود می شود... کوردلرین (سؤزده) آیدینلاری طرفیندن محدودده سی بلیرکنن قوندارما "موکریان" منطقه سی و یا ایالتی، ایرانین غربی آذربایجان ایالتینین هارداسا یاریسینا شامیل اولور. بو قوندارما ایالتده، آذربایجانین ان آرنندان 9 شهری اوغورلانلییر. هر هانکی بیر تاریخی سندده نه آدینا نده ایزینه راست گلمه دیگیمیز "موکریان" ایالتینین بارادیلما سی پروژه سی، اوزون ایللر دیرکی کورد تئوروستلری و فارس فاشیستلری طرفیندن گنرچکلشمه سی اوغوروندا هر تور چابا گؤسترلییر. ایران پارلامنتی سویه سینده بئله گوندمه چیخاریلان موکریان ایالتی، غربی آذربایجان ایالتی یه بؤلرک کیچیلدیب، ایران گنلینده (عموموندا) داها بیر کورد ایالتینین یارانماسینا پیلاتلاشان شوم بیر پروژه دیر. بو خیالی و قونداراما ایالتین باشکندی، قدیم آدی سویوق بولاق اولان، مهاباد شهری اؤن گؤرولوب دور (پیشینی اولونوب دور). آرا سیرا ایران مئدیالاری طرفیندن یاخین گله جکده بوکان (قدیم بیگ کندی) مرکزی بوکان اوستان-ینین دا یارادیلما سی سیگنال لاری وئرلییر. بو ایکی قورخونج پروژه نین گنرچکلشمه سی تقدیرده آذربایجانا عاید ان آز 9 شهر کوردلره وئرلیه جک دیر، کی بو 9 شهرین 4 شهری (سولدوز، قوشاچای، ساین قالا، تیکان تپه) آزالا تمامن تورک شهری و دیگر 5 شهری تورک- کورد قاریشقلی (اوشنویه - خانانپیرانشهر- ساری داش سردشت - سویوق بولاق مهاباد- بیگ کندی: بوکان) شهرلر دیر.

دوشونورم "روژه ف" ده گئندن بوتون غیر علمی چالیشلارلاری اینجه لیب بیر بیر پاسینی چیخارماق بیر مقاله نین دئییل، اونلارلا بلکه ده یوزلرله کیتابین ایشی دیر. آنجاق اؤنملی اولان بودورکی بئله یازیلار، آنجاق کوردلرین ایچینده وار اولان تورک دوشمنلیگی دیوگوسونو کؤرؤکله بیر. باشا دوشمک لازیم دیر کی 30 ایل بوندان اؤنجه " کورد و عجم فرقی نییه" (کورد له تورکون فرقی بوخودور) دئیین کوردلر سولدوز 1 فاجیعه سینی باشیمیز آچدییلار گؤرون تورکلره: سادیسمی اولان تورکلر دئییب و سانکی تورکلر، کوردلرین تورپاقلارینی آلمیش

اولوب او تورپاقلاری ایراندا یاشایان باشقا بیطرف میللتلره کوردوستان کیمی تانیتدیرسینلار .

دؤنلیم روژه فده گئندن بیرسیرا تحریفلره، یالانلارآ: روژه ف-ی اوخویان هر کس یئنی بیر شئی اؤیره نیر: سن دئمه تاریخی آرشویولر اوزه چیخدیقجا، داها اؤنجه دن باغیر دیقلاری 4 پارچیا بؤلونموش سؤزده کوردوستان (ایران کوردوستانی- عیراق کوردوستانی - تورکیه کوردوستانی - و سوریه کوردوستانی) داها دا گنیشله نیب حتی قوزئی آذربایجانین دا کوردوستانی اورتایا چیخیر. ائله کی گویا 1324- 1325 جی ایللرین حادیه لرنینده، شوروی دؤولتی قوزئی آذربایجانین قاراباغیندا و لاجین شهرینده " فیزیلی کوردوستان" ("کردستان سرخ" :کردستان شوروی به مرکزیت لاجین) یاراتماق ایسته ییرمیش!!! (روژه ف 8، 9، 10، 131 جی صحیفه) شوروی نین بئله بیر دؤولت یاراتماق ایسته ییب ایسته مه مه سینی دوغورلا ییب و یا یالانلا باجاق فیکریمیز یوخدور. اونسوزدا روسلاردان بئله ایشلر هئچ ده بعید دئییل! آنجاق قودورغون کورد آیدینلاری طرفیندن اورتایا آتیلان ایددیعالار، بیربیراندان گونئی آذربایجانین "غربی آذربایجان" ایالتینین تمامینی- بیجار، قوروه، سونفور شهرلری - زنجان و همدان ایالتینین غرب حیصه لرینی هده له ییر دیگر یاندان دا انرمنی داشناکلاری طرفیندن ایشغال اولونان قوزئی آذربایجانین قاراباغینی گویا کوردوستان نین بیر پارچاسی ایمیش کیمی گؤستریر. داها اؤنجه دنده خیالی کوردوستان خریطه سینین داخیلینده، قوزئی آذربایجانین ناخجیوان شهرینی، گؤرموشدوم. آما قاراباغین، کوردوستان اولماسینی بو درگی نی اوخودوقدان سونرا اؤیرندیم! آما هله لیک آذربایجانیمیزین باغیمیز بؤلوموندن، قوپاریلیمیش قاراباغی، کوردوستان آدلاندیرماق بونا بنزه ییر کی: اوغرو، باشقا اوغرونون جیبینی سویور!

سویداشلاریم دیققت ائتمه لیدیرلر کی کوردون آیدینی و ضیالی سی بئله دوشونورسه، وای تپه دن دیرناغا سیلاحلاریمیش داغدان یئنه نیه! درگی ده گئندن باشقا تحریفلر، شیشیرتمه لر و کیچیکلتمه لر دن بیر ده 1324 - 1325 اولایلاری اوزه رینده گئدیر. ائله کی اوزامانکی حادیه لر دن سؤز گنئدیگی زامان، چوخ اوستالیقلا "آذربایجان میلی حؤکومتی" نی کیچیلده رک "حوکومت تبریز" سؤزوندن ایستیفاده اندیب اویری یاندان آذربایجان دؤولتینین ایچینده فرهنگی- مدنی خودمختارلیق آلمیش "مهاباد حؤکومتی" نی، گویا "جمهوری کردستان" ایمیش کیمی تبلیغ اندیرلر!

کیتابدا و یا دوزگون دئسک درگی ده گئندن یازیلاردا چوخ اوستالیقلا، انرمنی لر حاققیندا بئله بیر فیکیر ایره لی سورورلر کی اونلار قونشولاری (!!!) کوردلر کیمی بؤلگه نین ان مظلوم میللتی ساییلیرلار. بیریرده مینورسکی نین دیلیجه یازیلیر کی: " کوردلرین ان یاخین و ان

سیندن فایدالاناراق آوروپالی دؤولت لرین یاردیمی ایله گونئی آذربایجانین باتی بؤلگه سینده بؤیوک بیر جینایتیه ال آتدیلار اینسانلیق دیوغلارینا دوشمان اولان بو جیلوولار اورمو و سالماس دا مین لرجه سیلاح سیز سویداشیمیزی وحشی جه سینه سوی قیریم ائتمک له "خیرستان" آدلی بیر مالیاخولایی دؤولتین گرچک لشدیرمه سینه جان آتیردیلار. آما آذربایجان تورک لری نین دیره نیشی و تورک - عثمانلی اوردوسونون یاردیمی ایله بئله بیر توطئه نین گرچک لشمه سی یانلیز تاریخه تاپشیریلدی. آلتداکی یازیدا جیلوولوق فاجیعه سینده اؤنملی حادیه لردن ساییلان آندرانیک آدلی بیر اثرمنی باشچی سی نین خوبا یوروشو و او یوروشده خویلوولارین جسارته دیره نیشین آلماتماغا چالیشاجیق.

1918 - جی ایسل زاقاقاز ییسا دا اوز وئره ن حادیه لرله دولایی "اثرمنستان رتسپوبلیکاسی" آدلی بیر دؤولت یاراناراق بو دؤولته منسوب آندرانیک آدلی بیر افسر یاخین 8000 مجهز نظامی نیرو ایله خوبا ساری یولا دوشدو. بو خبر عثمانلی قرارگاهی ساریندان خویلولارا اعلان ائدیلم زامان اوج گون ایدی عثمانلی اوردوسونون سالماس دا ظفرلری اوزره خوی دا شنلیک کنچیریلیدی. 31 - خورداد شنبه گنججه سی عثمانلی اوردوسونون یوسوف ضیاء آدلی بیر قوماندانی خویلولارا بئله سسلندی. "بو گونلر تهلو که لی گونلریمیزدیر، اثرمنی و اینگیلیس اوردولاری زنجانا دک ایره لی له ییب لر، 8000 اثرمنی جولفا یولو ایله خوبا گلیمک ده دیر، شهرین بوتون اهالیسی سیلاح لانیب عثمانلی اوردوسو خوبا چاتانا دک دیره نمه لی ییکک." یوسوف ضیاءنین بو نطقونندن سونرا خویلولار شهری ساوورماق اوچون حاضیرلانماغا باشلادیلار. شهر قورخویا بله نه رک ائولر ایله کوچه لر قورخولو اوزرله دولمشدو. جیلوولارین اورمو ایله سالماس داکی جینایت لری نین خبری چوخدان خوبا چاتمیش ایدی، شهرده تالان ایله اؤلوم قورخوسو حؤکم سوروردو.

گنججه چاغی شهرین آغ ساققال لاری بیر چؤزوم یولو تاپماق اوچون قاری مسجدینه توپلاندی لار بو توپلانتی دا حرارتلی دانیشیق لار اوز وئردی. بیر سیرا دئییردی لر: "بوساواش بیزیم ساواش دییل، دونیالیق بیر ساواش دیر. اینگیلیس ایله عثمانلی آراسیندا بیر ساواش دیر. ایران دؤولتی ده طرف سیزلیک اعلان ائدیپ دیر. بو اوزده ن جیلوولارین بیزلر ایله نه ایشی؟ هله اونلار گوجلودورلر، بیز اونلارین قارشیسینا چیخیب دبره نسک سه تالان اولوب یئرسیزجه سینه قادین ایله اوشاقلاریمیزی اؤلومه وئره جه ییکک! ایندی مصلحت بودور ایسیقبالارینا گنتمک له اونلارلا خوش اوزله داواراتاق."

بیر سیرا دا دئییردی لر کی: "بیزیم دونیالیق ساواش ایله نه ایشیمیز؟ بیر سیلاحلی گوج بیزیم ائومیمزه سوخولماق ایسته ییر. اورمودا گورمه

کیمی دوشونن کوردلر، گلجکده نه اوینلار چیخارا بیله رلر. (1. باشقا شهرلرده ده او جوملدن ساینن قالدادا زامان زامان توره دیلن جینایتلر سولدوزداکی حادیه لردن هئچده گئری ده قالماز دئییه دوشونورم.)

بئله درگی لری اوخودوقدان سونرا دوشونمک اولور کی بو یازیلارلا، کوردلری نجه فیکرن مضموملاشدیریب علیه ییمزه کوشکوردورلار!.

دیقت ائتمک لازیم دیر کی بعضی آذربایجانلی لار، کوردلرین تورپاق ایددیعالاری قارشیسیندا "ایت هورر، گروان کنچر" دئییب بو ایشلری ایله غئیرمستقیم اولاراق میلی دردلیمیزین ان اساسلی لاریندان بیرسی اولان کوردلرین تورپاق ایددیعالارینی هئچ ساییلار. فیکریمجه بو ایشلرله، ککلیک باشینی قارا تپن کیمی آنجاق اؤزوموزو آلتدادیریق. بیرده دئمک لازیم دیر کی بیزلرده بیر آتا سؤزو وار "سو دورار، دوشمن دورماز" بو آتا سؤزونون میصدیقیندا، دئمک ایسته ردیم کی آییق اولماق لازیم دیر بو ایددیعالار آنجاق تئوریک آلتندا و سؤزده یورودولمور. دیقتینیزی چکمک ایسته ردیم کورد سیلاحلی لارینین فعالیتلرینه، کئچن ایگرمی ایللیگه دک داها چوخ کوردوستان و کیرمانشاه ایالتینده هابئله غربی آذربایجانین جنوب غربینده ساواشان کورد سیلاحلی لاری، یاشادیمیز سون ایگرمی ایلدن گونوموزه قدر تقریب بوتون فعالیتلرینی بیزیم تورپاقلاریمیز اولان ماکی، اورمو، سالماس، ساینن قالا، قوشاچای، سولدوز و تیکان تپه ده گنرچکلشدیریرلر. دیقت ائدین کورد تئلوزیون کانالاری آدینی چکدیگیم یئرله، غربی آذربایجان دییل، روژه لات کردستان (دوغو کوردوستان) آدی وئریلر. آذربایجانین محافظه کار آیدینی نا وار اولان سونوز ساقیمی بیلدیره رک سورماق ایسته ییرم: دوغورداندا بو مو دور کوردلرله بیزیم قارداشلیغیمیز؟! اینانیرام بو تیپ اینسانلارین چوخو مسه له نین نه قدر درین اولدوغونو بیلیملر و میللتیمزین بو تیپ دوشونورلری یوزده یوز، باتی آذربایجانا بیر دفعه اولسون بئله یوللاری دوشمه ییب. آنجاق اونلار دئمک ایسته ردیم، بیر شئی یی یاخشوی بیلیریک و قئید ائتمه گینی یارارلی گؤرورم اودا بودور کی: دوزگون قونشولوق نه بیلیم دوستلوق - قارداشلیق بیر طرفلی اولماز.

قاینق: <http://sayinqalasesi.blogfa.com>

## جیلوولوق فاجیعه سی و آندرانیکین خوبا یوروشو

یاخین 90 ایل اؤنجه گونئی آذربایجانین باتی بؤلگه سی جیلوو آدلی بیر قانلی فاجیعه نین تانیغی اولدو. بو فاجیعه ده نئچه اثرمنی و آسوری طایفاسیندان اولوشان جیلوولار ایران مرکزی حاکیمیتی ضعیف لئمه

میش ایدیلر. شهرین قوروقچولاری دا بو یارالی عسگرلری دووارلاردان یوخاری آپاراق برج لارین نچجه سینده اوزاندیریب سیلاح اللرینه وئرمک له ساواش دا ایشتراک اتمک ایمکان لارین یارتمیش ایدیلر.

آخشام چاغینا دک ساواش آردی کسيلمه دن سوردو آنجاق گون باتانا یاخین قوروقچلارین بیرری گونئی طرفی ایزلی یه رک داغلارین آرخاسیندا آل توستو گورمک له عوئمانلی اوردوسونون یئشمه خبرین وئردی. بو خبر یئنی بیر قان کیمی شهرین دامارلاریندا آخدی. آرتیق تورک - عوئمانلی اوردوسونون توپلاری نین سسی دوپولوردو. عوئمانلی اوردوسو ایله ائرمنی لر آراسیندا جیددی بیر چاتیشما اوز وئره رک عوئمانلی لارین رشادتی غاصیب ائرمنی لری قاچماغا مجبور ائندی. شهر سئوینجه تورک - عوئمانلی لارین ظفیری و ائرمنی لارین دارماداغین اولماغین سئیر ائدیردی.

گنجه چاغی شهر خیلاص اولوب اؤز تورک سويداش لارین باغرینا باسمش ایدی.

باتی آذربایجان میلی مودافعه کمیته سی نین خوی قولو

## مصاحبه لر بؤلومو

هئیت تحریریه نشریه توپراق در راستای سیاستهای کلان کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان و نیز تصمیمات شورای مرکزی کمیته، در راستای ایجاد فضایی دموکراتیک با نگاهی پلورالیتیه، مصاحبه هایی با برخی فعالان و تشکیلات ها، گروهها، سایتهای اینترنتی و ... در خصوص مساله اقلیت مهاجر کرد و مساله تروریسم کرد در غرب آذربایجان انجام داده است، این مصاحبه ها که بدون توجه به گرایش های طیفی - گروهی مصاحبه شوندگان صورت گرفته است، اکنون نیز در حال اجراء است که با آماده شدن مصاحبه ها در اختیار خوانندگان گرامی نشریه قرار خواهد گرفت در شماره های قبل نشریه توپراق برخی از این مصاحبه ها را تقدیم خوانندگان گرامی نمودیم. امید است بتوانیم با ایجاد وحدت و همسویی در بین فعالان و گروههای حرکت ملی آذربایجان در مقابله و مبارزه با مدعیان ارضی آذربایجان سربلند و پیروز از میدان بیرون آییم.

دینیزی صلح سئور سیلاح سیز ایشان لارین باشینا نه اویون لار گندی لر؟ ییز محبت ایله ایستقباللارینا گندرسک سه ده قادین و اوشاقلاریمیزا رحم ائتمه ییب هامیسنی قتل عام ائده جک لر."

شهرین او زامانکی دوروموندا باریش ایله صلوحون یئری یوخ ایدی. اورمو و سالماس دا اوز وئره ن اولای لار آرتیق ائرمنی لارین گرچک اوزون اوزه چیخار تاراق اوره ک لری نفرت ایله مایالاندیرمیش ایدی. سون زامان لاردا ائرمنی لارین ارزینجان ایله تراپزونداکی جنایت لری ده شهرده دیل به دیل گزیردی.

دوشنبه تیر آبی نین اوچونده ائرمنی لارین اوردوسو شهرین اطرافیندا گورونه رک ناهارا ده ک اؤزلرین خویو احاطه ائده ن دووارلارین یاخینلیغینا یئتیریب شهرین یاریسین محاصره ائندی لر. شهرین اهالیسی هر صینیفدن قادین ، کیشی اولماقلارینا باخما یاراق ، وارلی فهله نین یانیندا سیلاح اله آلیب شهری ساوروماق اوچون حاضرلانمیش ایدیلر. بیرینجی قورشون آچیلیب بیرینجی شهیدلرین یئره دوشمه سی ایله قورخو آرادان قالخیب ساواش باشلاناراق توپراق سئورلیک آنلام تاپدی.

او گون شهرده ساواشان ایگیدلردن بو آدلار خاطیره لرده دیر: شیخ فضل الله حجت الاسلام ، آقا ایراهیم ، حسنعلی خان میرنجه ، حاج محمدرضا پارسا ، حاج حسین ماکویی (فتحی) ، میرزا محمود خان و جهانگیر میرزا.

ساواش ائناسیندا فتحعلی شاه زامانیندان یادگار قالب ایشدن دوشموش و یانلیز رمضانلیق دا ایفتار زامانی نین اعلام ائتمه گینه یاراران گولله سیز بیر توپ برج لارین بیرسی نین اوستونه چکیلیب ایچینه گولله یئرینه زنجیر دولدورماقلا ائرمنی لارین ته زه کندیندن آتش آچان توپلاری نین بیرری سی ایشدن سالیندی. آما یئنه ده ائرمنی لارین توپلاری شهری ویرانلیغا دوغرو آپاریرد یلاروشهید اولانلارین سایبی 15 نفره قالخمش ایدی. چوخلاری نین باشین ائله همن توپلار آپارمیش ایدی.

خویولولارین دیره نیشی اوچون ائرمنی لر شهره گیره بیلمه بیردیله بو اوزده ن چالیشدیله بو ایشی مکارلیقلا یئرینه یئتیرسینلر. بئله کی ایکی ائرمنی، عوئمانلی عسگرلرین پالتارلارین گنینه رک شووه نه دروازاسینا یاخینلاشیب اؤزلرین تورک - عوئمانلی تانیتدیرماقلا دروازانین آچیلماسین ایسته دیله. اؤنجه دروازانین قوروقچولاری سئویندیله آنجاق دروازالاری آچماقدا احتیاط ائتدیله و مشهدی خلیل آدلی بیر کس دروازالاری آچمادان اؤنجه بیر ایله دوواردان ائنیب اونلارلا گوروشنده حيله لرین آنلایاراق ائرمنی لارین ایکیسینی ده اولدوردو.

بو ساواش دا شهرده اولان عوئمانلی اوردوسونون تورک عسگرلری ده یارالی اولدوقلارینا باخما یاراق ایشتراک ائتمیش ایدی لر بو عسگرلر شهرین قوروقچولار سوروملوسونا پیام گونده ره رک ساواشماق ایسته

## مصاحبه با سایت اؤیرنجی

www.oyrenci.com

سایت اؤیرنجی آن گونه که از نامش نیز پیداست انعکاس فعالیت های جنبش دانشجویی آذربایجان را بر عهده دارد ولی با این همه سایت اؤیرنجی به مانند خود جنبش دانشجویی آذربایجان که نقش برجسته ای در مبارزات ملی گرایانه آذربایجان دارد در عرصه خبری حرکت ملی آذربایجان به یکی از عمده منابع خبری تبدیل شده است. نشریه توپراق با آرزوی موفقیت به دست اندرکاران این سایت و تمامی فعالین جنبش دانشجویی آذربایجان به امید انتقال دیدگاه های سایت اؤیرنجی به خوانندگان نشریه پای صحبت سایت اؤیرنجی می نشیند.

نشریه توپراق - ارگان رسمی کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان

توپراق: برخی ها جنبش دانشجویی آذربایجان را پاشنه آشیل حرکت ملی آذربایجان که در همه عرصه های مبارزه ملی حرفی برای گفتن دارد "سایت اؤیرنجی" به عنوان تریبون بخشی از جنبش دانشجویی این گفته را چگونه تحلیل می کنید؟

اؤیرنجی: جنبش دانشجویی آذربایجان حرکتی خارج از حرکت ملی آذربایجان نیست بلکه جزئی از آن است. باتامور از صاحب نظران حوزه تغییرات اجتماعی دانشجویان را حائز ویژگی هایی می داند که بقیه اجتماع از آن محرومند. با تعدیل این ویژگیها و تصحیح آن در مورد دانشجویان آذربایجانی می توان آنها را چنین برشمرد:

1- به خاطر شرایط سنی و جوانی پرشور پر تحرک هستند. آنها می توانند صبح زود سر کلاس حاضر شوند، قبل از ناهار به همراه جمع دانشجویی دانشکده خود جلسه ای بسیار سنگین را برگزار نمایند و در ضمن اینکه برای صرف نهار می روند جلوی سلف تحصنی سیاسی به راه اندازند و شعارهای بسیار رادیکال سردهند. بعد از ظهر می تواند به یک برنامه فرهنگی اختصاص یابد و قبل و بعد شام به یک جلسه سری در مورد مبارزه انقلابی یا اصلاحی. حتی ممکن است تا صبح شب نامه ای نیز پخش گردد. این تنها ویژگی جوانان با سن و سال دانشجویان است.

2- از لحاظ اقتصادی دانشجویان وارد فعالیت های وقت و انرژی گیر کاری و شغلی نشده اند.

3- اکثرا ازدواج نکرده اند بنابراین غم همسر و فرزند ندارند.

4- گاهی در خوابگاههای دانشجویی زندگی می کنند بنابراین از جو محافظه کار خانواده و اتمسفر سنتی اجتماع که فرد را به کنترل در می آورد، کنده شده اند.

5- بخاطر ارتباط با محیط فرهنگی و انسان های فرهیخته و اساتید صاحب نظر افکار مدرن و به روزی دارند.

6- احساس «آغاز دارند» و هرگز همانند میانسالان «در اظطراب» فوت زمان باقی مانده عمر نیستند و بمانند پیران «احساس تمام شدگی» ندارند. بنابراین همیشه در خود توان آغاز بسیاری از ایدال ها را احساس می کنند.

7- آنها از آن دوران جدیدند و همیشه بروز هستند. چارچوب فکری شکل یافته و صلب ندارند بنابراین online up to date و بسیار سیال هستند.

8- از اقشار و طبقات مختلفی آمده اند. در دانشگاه فرزندان طبقات مختلف با هم برخورد دارند. همچنین آنها بعد از چند سال از دانشگاه خارج می شوند و به طبقات و صنف های مختلف شغلی تعلق خواهند یافت. تنوع و چندگانگی فکری و فرهنگی ناشی از این خاستگاههای خانوادگی و اجتماعی نیز بسیار برجسته است.

دانشجویان آذربایجانی با غم غربت و تحقیر از نزدیک آشنا هستند. احتمالاً آنها از جامعه خود مهاجرت کرده اند، و از نزدیک تبعیض و ناعدالتی در جامعه ایران را لمس می کنند.

هر چند بسیاری از این ویژگی ها در مورد تمام جنبش های دانشجویی صادق است اما شدت و ضعف آنها متغیر است. دانشجوی آذربایجانی در دانشگاه بسیاری از مشکلات را درک می کند، و وقتی ایدئولوژی هویت بخش حرکت ملی آذربایجان در درونش وزیدن می گیرد به تلاطم درونی می رسد. چنین تلاطمی با نارضایتی و جستجوگری همراه می شود. بازگشت و آرام گرفتن در اصالت آرام بخش ترین هدیه برای اوست. او تنها به دنبال آرامش نیست، معنی خواه نیز است بنابراین خود را در آنچه متعلق به او و اصالت اوست معنی می کند و دوست دارد بهترین و مدرنترین «خود» در میان «دیگر» ها باشد.

یک جنبش دانشجویی همانقدر که فعال است نفوذپذیر است و ممکن است بسیار دگم و متحجرانه رفتار نماید. بسیار زود احساسی می گردد و خواست های خارج از امکان مطرح می کند و به ضد ایده الهای خود تبدیل می شود. از اینرو گروهها، جریان ها و احزاب فعال حرکت ملی آذربایجان می بایست در برخورد با آن مسئولانه و امانتدارانه رفتار کنند. همیشه باید به دانشگاه یاری رساند نه اینکه از دانشگاه برای اهداف خود بهره جست. بنابراین به عنوان یک سایت دانشجویی آسیب پذیری جنبش دانشجویی و کم طاقتی دانشجویان را امری طبیعی و اقتضای شرایط خاص آن می دانیم و بیشترین مسئولیت را در این میان متوجه خارج دانشگاه می دانیم.

می برد. اما مشکل اساسی در نبود انسجام و هماهنگی لازم در بین این دانشجویان است. دانشجویان آذربایجانی خارج از کشور نیز به عنوان شاخه ای از جنبش دانشجویی آذربایجان و حرکت ملی، باید برنامه ها و ایده هایی داشته باشند تا به موقع مقتضی از آن بهره مند شوند. وجود تشکلی منسجم و قوی در راستای سیاست های حرکت ملی آذربایجان و علی الخصوص جنبش دانشجویی به اشکال مختلف چه به صورت برگزاری مراسم و همایش ها و چه در زمینه هایی مثل حقوق بشر می تواند، جنبش دانشجویی را در خارج از کشور به جایگاه واقعی و درخور خود سوق دهد. علاوه بر این به نظر ما حداقل همکاری مقطعی و تاکتیکی با برخی از جریان ها ثمربخش خواهد بود. می بایست هزینه های جانبی را کاهش داد و مبارزه را بر روی محورهای اصلی متمرکز نمود. برخی از این ملت ها می توانند متحدین بلند مدتی برای ما باشند و برخی دیگر به خاطر فلسفه وجودیشان ماهیتا با جنبش دانشجویی آذربایجان در تضاد هستند؛ برای مثال گروه های پان فارسیست ملی گرا سابقا در دانشگاه های کشور فعال بودند. این گروه ها را باید همیشه رصد کرد اما هرگز نباید انرژی خود را صرف درگیری با آنها نمود.

در هر صورت باید دیگر جنبش ها را شناخت و با نگاهی آسیب شناسانه به آنها نگریست. برای مثال باید حرکت دانشجویی کردها را به درستی بشناسیم و دیدی جامع و منطبق بر واقعیت در مورد آنها داشته باشیم. چراکه بسیاری از مشکلات آنها ممکن است دامنگیر ما نیز شود و بسیاری از موفقیت های آنها می تواند به عنوان یکی از مدل های پیشنهادی مورد تدقیق قرار گیرد.

توپراق: ارتباط جنبش دانشجویی آذربایجان با دانشجویان فعال کرد چگونه است؟

اؤیرنجی: همان طور که قبلا اشاره کردیم جنبش دانشجویی آذربایجان با اعتقاد و التزام به مفاهیمی چون پلورالیسم و دموکراسی، به کلیه کسانی که در راستای حقوق انسانی و شهروندی خود تلاش می کنند به دیده احترام نگاه می کند و این در مورد فعالان کرد نیز صادق است. اما کاملا مشخص است که این فعالیت زمانی که سمت و سوی غیر دموکراتیک بخود بگیرد و از اصول و پرنسب های آن تخطی کند، نمی تواند مورد احترام قرار گیرد و در صورتی که منافع چنین جنبش غیر دموکراتیکی در تقابل با منافع جنبش مورد نظر باشد، تقریبا راههای رسیدن به تفاهم به حداقل می رسد. حالتی که متأسفانه امروزه در میان دانشجویان فعال کرد زیاد دیده می شود و این باعث شده تاکنون هیچ همکاری قابل توجهی بین این دو جنبش نبوده است. ادعای اراضی برخی از گروه های افراطی و تبعیت کورکورانه از گروه های قبیله ای، دانشجویان کرد را به درگیری با آذربایجانیان سوق می دهد. در یکی از مقالات کمیته مردمی

توپراق: ارتباط جنبش دانشجویی آذربایجان با سایر جنبش های دانشجویی سطح دانشگاه ها چگونه است؟

اؤیرنجی: به نظر ما جنبش دانشجویی نباید از تعامل و برخورد بهر اسد. وقتی از جریان های دیگر سخن می گوئیم در بسیاری از آنها جوانان دانشجویی آذربایجانی فعال هستند، برای مثال انجمن های اسلامی، و جریان های چپ. دانشجویان آذربایجانی می توانند با آنها ارتباط برقرار سازند و دغدغه های ملی آذربایجان را به آنها منتقل کنند. برخی از جنبش ها نیز هرچند از لحاظ اهداف و استراتژی متفاوتند اما می توان به اتحاد تاکتیکی با آنها دست زد و برای مثال ایجاد فضای باز در دانشگاه و رعایت حقوق انسان ها هدف همه جریان های غیر حکومتی دانشجویی است، و حول این اهداف می توان همکاری و تعامل تاکتیکی داشت.

خطر بسیار مهمی که حرکت ملی را تهدید می کند فاصله گرفتن از جریان های جامعه و تبدیل شدن به گروه های بسته است. در این صورت حرکت ملی رفته رفته از واقعیات دور خواهد شد و به یک حرکت شبه مذهبی که ترک دنیا نموده و در خیالات خود زندگی می کند تبدیل خواهد شد. همیشه باید جسارت ارتباط و برخورد با جامعه و دیگران را داشت. در صورت بودن در متن جامعه و برخورد با مشکلات اجتماع ثروتی بسیار ارزشمند به نام «واقع بینی» خواهیم داشت که ما را از هدر دهی انرژی ملی خود در جهت اهداف خیالبافانه باز خواهد داشت. جنبش دانشجویی می تواند نقش حسگرها و مذاکره کنندگان را در حرکت ملی بازی کند. برای مثال دانشگاه بهترین محل برای آشنایی با خواست های زنان آذربایجان و تعامل، همفکری و همکاری با آنها است. در این صورت جنبش زنان آذربایجان نیز به مانند جنبش دانشجویی خود را در قالب حرکت ملی تعریف خواهد نمود. ما معتقد به دموکراسی و پلورالیسم هستیم و طبعاً با تمام گروه هایی که بنیان های فکری مشابهی دارند تمایل به ارتباط و تبادل تجربه داریم. این را نیز فراموش نکنیم که جنبش دانشجویی آذربایجان مثل بسیاری از جنبش های دیگر ویژگی های خاص خود را دارد و علی الخصوص در وضعیت کنونی حرکت ملی آذربایجان که این جنبش بار زیادی را بر دوش خود تحمل می کند.

توپراق: جنبش دانشجویی آذربایجان فعالین برجسته و پتانسل قابل توجهی در دانشگاه های خارج از آذربایجان دارد که در این دانشگاه ها دانشجویان سایر ملت ها واقوام نیز تحصیل می کنند در مسئله نقض حقوق قومی در ایران جنبش دانشجویی آذربایجان با این دانشجویان چگونه برخورد می کند؟

اؤیرنجی: شاید بتوان گفت جنبش دانشجویی آذربایجان در بعد شخصی چه در داخل و چه در خارج از کشور تا حدی از نیروی فعالان خود بهره

توپراق: ما با معضل حضور شاخه های دانشجویی گروه های تروریستی کرد در دانشگاه های غرب آذربایجان روبرو هستیم که عملاً به کانال های جذب نیرو به گروه های تروریستی بدل شده اند، جنبش دانشجویی آذربایجان در مقابل تحریک گروه های تروریستی کرد در داخل دانشگاه های غرب آذربایجان چه تحلیلی از خود ارائه می دهد؟

اؤیرنجی: بر هیچ کس پوشیده نیست که حضور عاملان گروهک تروریستی با حمایت همه جانبه از آنها برنامه ای از پیش تعیین شده و هدفمند است. با تفکری ساده در سطح تحرکات و نوع حمایت ها از این قبیل دانشجویان در دانشگاه هایی مثل سندج، ایلام و... به طور کلی در دانشگاه های مناطق کردنشین با دانشگاه های موجود در غرب آذربایجان می توان به این مسئله پی برد. حتی ما می بینیم که اهداف و روشهای کاری آنها در دو منطقه نامبرده شده متفاوت است و این بیانگر نگرش تروریست ها در غالب فعالیت های دانشجویی به مسئله "توپراق" در این منطقه است. شناخت عمیق از چگونگی جذب دانشجویان و نحوه و نوع فعالیت آنها می تواند کمک شایانی به ارائه راهکارهای مقابله با آن کند.

توپراق: به عنوان یک سایت دانشجویی که طبیعتاً در فعالیت های دانشجویی نیز شرکت دارید، مرز بندی دانشجویی کرد را با دانشجویی کرد هوادار گروه های تروریستی که مدعی مناطقی از غرب آذربایجان هستند چگونه مشخص می کنید؟

اؤیرنجی: جواب این سوال تا حدی در سوال شماره 4 پاسخ داده است. جنبش های حق طلبانه و به طور کلی جنبش های مدنی و اجتماعی بازتابی از خواست ها و نیاز های آن جامعه است و این مختص کس یا کسان خاصی نیست. هر کس بسته به ایدئولوژی و خواست هایش در راستای اهداف خود تلاش و مبارزه می کند و مادامی که این حرکت ها مغایر با قوانین بین المللی و واقعیت های عینی نیست نه تنها مشکلی ندارند، بلکه ار قدر مشترک های خود نیز می توانند استفاده کنند. به نظر ما دانشجویان کورد و حرکات کوردها از چندین معضل تاریخی رنج می برند.

1- آغاز حرکت ها با شورش ها و غارتگری ها آغاز گردیده است. حرکات اسماعیل سیمیتقو و درگیری های عشیره ای خونبار داخلی کوردها پدیده ای بسیار شناخته شده است.  
2- جریان های چپ با پایگاههای کمونیستی در قالب احزاب مختلف زندگی و رفاه کردها را برای اهداف خود هزینه کرده اند.

دفاع از غرب آذربایجان اشاره شده بود که این اسلحه است که کردها را انتخاب می کند و اکثراً کردها اسلحه را انتخاب نکرده اند. نگاهی به تاریخ معاصر نیز نشان می دهد که بسیاری از جوانان و حتی نوجوانان کرد بدون اینکه بدانند اسلحه در دست خود می بینند و خود را در کوهستان ها می یابند. همیشه نیروهای چپ و کمونیست، یاغیان، مجاهدین خلق و بسیاری از گروههای به بن بست رسیده مسلح، کردستان را برای ادامه حیات انتخاب کرده اند و این سرنوشتی است که تاکنون خود را محکوم آن دیده اند. با این اوصاف امکان مذاکره و همکاری بسیار محدود می باشد. ضمن اینکه حفظ خاک از اصلی ترین اصول جنبش دانشجویی است. حتی اگر این خاک در شمال سرزمینمان در قاراباغ باشد اولین حرکت های دانشجویی در حمایت از آن در اوایل دهه هفتاد شکل می گیرد. با این وجود باید بسیار هوشیار بود. در اکثر جریان های نظامی و تروریستی نفوذ سازمان های اطلاعاتی ایران و کشورهای انگلیس، آمریکا، اسرائیل و... آشکار شده است. بنابراین هرگز نباید در دام اختلافات و دور باطل تنش که بوسیله دست های مشکوک ایجاد می شود اسیر شد.

توپراق: تا به حال نقش جنبش دانشجویی آذربایجان در جبهه ملی مبارزه با تروریسم در غرب آذربایجان بسیار پر رنگ بوده، نظر "سایت اؤیرنجی" را در مورد مسئله غرب آذربایجان می خواستیم بدانیم؟

اؤیرنجی: ما هم با نظر شما موافقیم. جنبش دانشجویی زحمات زیادی را در زمینه آگاه سازی مردم در آذربایجان غربی به خصوص در سطح دانشگاه های آن کشیده است. اما بحث در مورد مسائل غرب آذربایجان و نحوه نگرش به این موضوع مسئله ای است که نیاز به کار کارشناسی جامعه در زمینه های مختلف سیاسی، جامعه شناسی، فرهنگی و... دارد. شناخت مردم ساکن در این مناطق و آشنایی کامل با روحيات و تفکرات حاکم بر جامعه، با در نظر گرفتن تحولات سیاسی در ابعاد ملی و منطقه ای می تواند ابزارهای لازم برای حل این معضل باشد. تروریست های کرد با حمایت مالی و رسانه ای خود و با همدستی عواملی که بیشتر از همین جوانانی هستند که تا دیروز بدون توجه به چنین مسائلی در کنار ترک ها زندگی می کردند، سعی در تغییر ماهیت این بحث دارد. حل این مشکل نیز استراتژی ها و تاکتیک های خاص خود را می طلبد ولی نکته ای که نباید از آن غافل بود این است تاکتیک های حل این معضل باعث نشود که دو ملت را رودروی هم قرار دهد. مسئله ای که برخی از بازیگران منطقه ای و بعضاً در خود ایران سعی در ایجاد چنین تقابلی هستند.

ز نیم ناخوآسته با مسائل منطقه ای و بین المللی سروکار خواهیم داشت. باید بازیگران و قدرت های ذینفوذ و ذینفع را شناخت، و در مورد آنها سیاست مشخصی داشت. به نظر ما کمیته مسئول همه این پیشنهادات و نیازها نیست اما می تواند به عنوان شاخه تخصصی حرکت ملی پیشنهادهایی را به کل اشخاص و سازمان ها ارائه کند و همه از جنبش دانشجویی گرفته تا تشکل ها و فعالین حرکت ملی در قبال آن مسئول اند. هرگز نباید تصور کرد که کمیته مسئول مسئله غرب آذربایجان است و بقیه هیچ مسئولیتی ندارند.

توپراق: "سایت اؤیرنجی" چه انتظار و پیشنهاد هایی برای بهتر شدن فعالیت های کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان دارد؟

اؤیرنجی: یکی از مهمترین مولفه هایی که در سازماندهی و هدف دار بودن جنبش های مدنی و اجتماعی لازم و ضروری به نظر میرسد، وجود نیروهای تخصصی و کارآمد در زمینه های گوناگون و متناسب با خواست ها و نیازهای آن جنبش است. نیروهایی که صرف نظر از دغدغه های فکری خود تمام نیروی خود را صرف هدف و کار خود کنند. عنصری که خلا آن امروزه در حرکت ملی ما قابل لمس است. این در حالی ممکن است که حرکت ملی آذربایجان و به طبع آن کمیته مردمی دفاع از مردم غرب آذربایجان پروسه تخصصی شدن را به درستی بیاماید و با ایجاد زمینه های گوناگون برای رشد فکری و جذب و استفاده از این نیروها، با صرف انرژی کمتر در راستای اهداف خود حرکت کند.

به نظر ما کمیته می تواند غرب آذربایجان و گروههای تروریستی و حتی سرزمین های مادری آنها را به عنوان هدف مورد تدقیق و پژوهش قرار دهد. یعنی ویژگی ها، تاریخچه، جغرافیا، اقلیت ها، بازیگران، متحدین، مخالفین و نقاط ضعف و قدرت آنها به صورت دقیق و واقع بینانه فارغ از تعصب و مبالغه و کم بینی بررسی شود. سپس این نتایج برای تحلیل و بررسی و اتخاذ سیاست به فعالین و تشکیلات های مختلف ارائه گردد. حرکت ملی باید استراتژی معقولانه ای در مورد مسئله غرب آذربایجان در بستر واقعیات منطقه ای و جهانی داشته باشد. برای مثال در اهداف لابی ارمنی امریکا به وضوح به اولویت همکاری با گروههای تروریستی کورد و کمک به آنها جهت لابیگری اشاره شده است. یا وقتی دولت دانمارک تصمیم می گیرد شبکه تلویزیونی وابسته به پ.ک.ک را در آن کشور توقیف کند فردی همانند نوام چامسکی در صدر امضاء کنندگان این اقدام قرار دارد. بنابراین نباید این مسئله را سرسری گرفت. اگر بخواهیم موفق باشیم باید سازماندهی گسترده، قدرت رسانه ای و

3- کشورهای منطقه و قدرت ها همیشه از آنها به عنوان اهرم فشار بر علیه همدیگر سوء استفاده کرده اند. این خود باعث اتفاقات تاسف باری شده است.

4- اختلافات مذهبی کوردها با مردم آذربایجان ناخوآسته باعث تخاصم می شود. این مسئله حتی در دانشگاهها نیز به چشم می خورد.

5- اختلافات زبانی و مذهبی کوردها نیز بر خشونت داخل اجتماع کورد می افزاید.

در مجموع این عوامل چهره پرخاشگر به حرکات کوردستان می بخشد و امکان بررسی گزینه های دیگر را بسیار محدود می سازد.

اخیرا با تضعیف پایگاههای چپ در کوردستان حرکات جنبش های متعادل تر دانشجویی در دانشگاهها شکل گرفته بود که با فشارهای حکومت آنها نیز به لایه های مخفی تر رانده شدند. هر چند این جریان های دانشجویی مواضع انعطاف پذیرتری اتخاذ می کردند اما همچنان رگه های نفوذ گروههای تروریستی در آن به چشم می خورد. در هر صورت اینان قابل تعامل ترین جریان کورد بودند.

در این میان نباید از مهمترین استثنای تاریخ معاصر آذربایجان یعنی اعطای اختیارات از سوی پیشه وری به قاضی محمد چشم پوشید. تعامل پیشه وری با اقلیت کورد می بایست بررسی و آسیب شناسی گردد.

توپراق: "سایت اؤیرنجی" از بدو تاسیس کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان از این کمیته حمایت خبری کرده است می خواستیم نظر کلی اؤیرنجی را در مورد کمیته بیشتر بدانیم؟

اؤیرنجی: در برهه ای از زمان حرکات عناصر کرد در منطقه به حد نگران کننده ای رسیده بود و نیاز به تشکیلات یا سازمانی که بتواند در مقابل سیاست های شوم آنها اقدامات لازم در زمینه های مختلف آموزشی و اطلاع رسانی را انجام دهد، بسیار محسوس بود. خوشبختانه تشکیل کمیته مردمی دفاع از آذربایجان پاسخ مناسبی بود به عاملان این حرکات که آنها را نیز با چالش های جدی مواجه کرده است. هر چند که معتقدیم چنین کمیته ای باید سالها پیش تشکیل می شد ولی به هر حال فعالیت های صادقانه این کمیته از زمان شروع فعالیت های آن قابل تقدیر است. ما کمیته را از فعالترین تشکل های ملی آذربایجان می دانیم. ویژگی خاص آن، شفافیت اهداف و تمرکز و جهت دهی فعالیت هایش در آن جهت است. از اینرو و به خاطر فلسفه خاص ایجاد آن، برای مردم و فعالین بسیار ملموس می باشد. به نظر ما آذربایجان باید از تاریخ درس بگیرد. باید به تاریخ منطقه و همچنین سیر رویدادهای قاراباغ و زنگه زور آذربایجان شمالی توجه بیشتری شود. وقتی به عنوان فعال حرکت ملی چنین هدفی داریم و به این سبب دست به تاسیس چنین کمیته ای می



ها و تحلیل های کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان مسئولیت تاریخی خود را در جبهه ملی مبارزه با تروریسم در غرب آذربایجان ادا کند. پیرو سیاست نشریه توپراق در تنویر افکار عمومی و تلاش برای ایجاد نزدیکی بین نیروهای سیاسی و ملی آذربایجان در جبهه ملی مبارزه با تروریسم کرد و برای آشنایی بیشتر با دیدگاه های سایت بای بک در زمینه مسئله غرب آذربایجان سوالاتی را به مدیریت سایت بای بک ارسال کردیم که پاسخ آن ها تقدیم خوانندگان عزیز می گردد.

توپراق-ارگان رسمی کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان

توپراق: سایت بای بک در حوزه خبری به عنوان فعال ترین سایت های حرکت ملی آذربایجان شناخته می شود، به نظر سایت بای بک در عصری که بعضا عصر خبر نیز خوانده شده سرعت خبر رسانی در حرکت ملی آذربایجان چقدر اهمیت دارد؟

بای بک: با تشکر از شما و همکارانتان، سایت بای بک را میتوان ارگان خبری-تحلیلی تشکل بای بک معرفی نمود. این سایت در سال ۲۰۰۵ ایجاد شده و توانسته است با فعالیت شبانه روزی خود وظیفه خود در انتشار اخبار مربوط به حرکت ملی را در حدودی به انجام رسانده باشد. در حال حاضر با توجه به اینکه سایتهای خبری چندی در زمینه فعالیتهای دانشجویی و یا حقوق بشری فعال شده اند، اما سایت بای بک تنهاترین منبع خبری است که در کنار استفاده از اخبار منابع معتبر، به تولید خبر نیز میپردازد. امری که متأسفانه کمتر مورد توجه سایتهای مشابه قرار میگیرد و آنها فقط به تجدید انتشار اخبار از منابع دیگر اکتفا مینمایند.

عصر کنونی به عنوان عصر ارتباطات باید مورد توجه خاص فعالین حرکت ملی قرار داشته باشد. متأسفانه شاهد هستیم که اکثر فعالان ملی بدون در نظر گرفتن قدرت آگاهی رسانی و آماده کردن اذهان عمومی، به نوعی در حال چرخش به دور یک دایره کوچک و قدیمی هستند.

سرعت عمل در مخابره و انتشار اخبار، ایجاد کانالهای ارتباطی با مراکز خبرگزاریهای بین المللی و نیز پرورش خبرنگارهای وطندوست بایستی که در اولویت کارهای فرهنگی ما قرار گرفته باشند. هر قدر سرعت رسانه ای ما بیشتر باشد، به همان اندازه میتوان سطح آگاهی ملی را افزایش داد و در نتیجه خواستههای ملی را از حرف به واقعیت رساند. البته در کنار ایجاد مراکز خبری، باید طرز استفاده از آنها را نیز به عموم آموزش داد.

توپراق: با توجه به استاندارد های جهانی خبر رسانی فکر می کنید حرکت ملی آذربایجان چقدر پیشرفت داشته و خود سایت بای بک چقدر به این مسئله دقت می رساند؟

بخصوص تلویزیون تخصصی، شناخت درست از مسئله و احزاب و لابی قدرتمند داشته باشیم.

توپراق: سوال پایانی و نشریه توپراق در اختیار شماست، سخن آخر را از "سایت اؤیرنجی" می شنویم؟

اؤیرنجی: حال که این سوال را به عهده ما گذاشتید دوست داریم چند کلمه ای با مردم غیور غرب آذربایجان سخن بگوییم. همان طور که خود نیز مشاهده می کنید، فشارهای موجود در داخل کشور علی الخصوص در مناطق ما باعث شده اکثر زمینه های ارتباطی بین فعالان و مردم کمتر شود. چیزی که ما در این هشتاد سال آن را به طرق مختلف دیده ایم. ولی آیا وجود این فشارها باعث توجه برخی کم توجهی های ما می شود؟ دنیا با سرعت به پیش میرود و ما نیز باید همپای آنها پیش برویم. ما هر کدام به عنوان یک آذربایجانی در حراست و پاسداری از وطنمان مسئولیم و پاسداری آن از ارزشهای ملی ماست. این همان چیزی است که مردم دلاور غرب آذربایجان آن را بارها نشان داده اند و تاریخ ما گواهی بر این مدعاست و در این راه هزینه ای بسیاری نیز متحمل شده ایم. امید است ملت عزیزمان با احساس مسئولیت همیشگی خود علاوه بر ختنی کردن توطئه های دشمنان خود در راستای احقاق حقوق خود در میدان باشند ونسبت به سرنوشت خود، ملت و وطنشان حساس.

تورپاقدان پای اولماز

## مصاحبه با سایت بای بک

www.baybak.com

سایت اینترنتی بای بک سایتی است که برای بسیاری از فعالین حرکت ملی آذربایجان شناخته شده می باشد. اما شاید تا به امروز اندک افرادی از هویت گردانندگان آن اطلاع یافته اند. هر چه باشد سایت بای بک را می توان از جمله معدود سایت های خبری آذربایجان دانست که سرعت عمل چشمگیر و دمکراتیک آن در انعکاس اخبار حوادث آذربایجان و مقالات فعالین آذربایجان نقش محوری تری را برای این سایت رقم زده است. علیرغم بعضی موضع گیری های سیاسی و طیفی بر علیه این سایت، بای بک تلاش کرده دیدگاه های گروه ها و تشکیلات های مختلف آذربایجان را منعکس نماید. سایت بای بک در مقالات تحلیلی خود که با امضا بای بک منتشر می شود مسئله حضور و توطئه ارضی گروه های تروریستی کرد در غرب آذربایجان را از جمله مسائل حاد ملت آذربایجان ارزیابی کرده و همواره تلاش نموده که با انعکاس خبر

توپراق: بسیاری سایت بای بک را سایتی خبری و برخی نیز آن را معرف جریانی می دانند که نمی خواهد به صورت عملی فعالیت کند، بعضا نیز مطالبی با امضا بای بک منتشر می شود که ذهنیت دوم را قوت می کند. مثلا چند روز قبل سایت بای بک در حیطه ای کاملاً مدنی و حقوقی همانند چند گروه و تشکیلات حرکت ملی از مسئله سمبل ملی حرکت ملی آذربایجان دفاع کرد، اما این بار با کلمه "بای بک توپومو" (جمعیت بای بک) اعلام حمایت شده بود که این برای ما هم تازگی داشت. آیا واقعا می توان گفت که بای بک تربیون یک جریان فکری است؟

بای بک: تشکل بای بک در سال ۱۳۸۲ و پس از سالها فعالیت جسته و گریخته اعضای آن موجودیت یافت. امروز میتوان بای بک را به عنوان یک تشکل منسجم معرفی کرد. با توجه به شرایط خاص و بی همتای حرکت ملی آذربایجان، و نیز با در نظر داشتن قدرت اطلاعاتی رژیم فارس، تشکل بای بک تا کنون با هیچگونه چالش حادی روبرو نشده است و در امنیت کامل به فعالیت خود ادامه میدهد. البته، نباید حملات جسته و گریخته اینترنتی به سایت را فراموش کرد. دستگیری تنی چند از همکارانمان در کشورهای اروپائی نیز که در گذشته اتفاق افتاده بود نیز نه به خاطر فعالیتهای اطلاعاتی رژیم فارس، که در نتیجه اقدامات پلیس مهاجرتی بوده است که آنهم بدون داشتن تاثیر غیر قابل جبران پشت سر گذاشته شده است.

اقدامات تشکل بای بک عمدتاً در زمینه فعالیتهای فرهنگی-اجتماعی متمرکز شده است، هر چند سیاستهای بخصوصی را نیز دنبال میکند. اهداف کلی بای بک را میتوان در سه مرحله توضیح داد: آ- آگاه سازی عمومی، ب- هماهنگی عمومی، ج- رهبری خیزش عمومی برای مقابله با هرگونه اشغالگری. با این توضیح، میتوان بای بک را به عنوان یک تشکل فکری گسترده دانست که در حال حاضر به ارائه اندیشه ها و راهکارهای طولانی مدت برای آذربایجان میپردازد.

توپراق: میحث تروریسم و فعالیت گروههای تروریستی کرد در غرب آذربایجان در نقطه دقت تحلیل ها و مقالات بای بک بوده و هست، می خواستیم نگرش بای بک را این بار از فضای اینترنت بر روی صفحات نشریه توپراق و به داخل مردم منتقل کنیم بای بک چه تحلیلی در این مورد ارائه می دهد؟

بای بک: بای بک به عنوان یک سیستم فکری معتقد است که دشمنان ظاهری و پنهانی آذربایجان را بایستی شناخت و نسبت به هر کدام واکنش لازمه را نشان داد.

بای بک: متأسفانه حرکت ملی آذربایجان دارای سیستم خبری قابل توجهی نمیشد. این نقص مضرات فراوانی را نصیب آذربایجان کرده است که بایستی مورد توجه خاص فعالان قرار گرفته باشد. هر چند در بخش شمالی کشورمان آژانسهای خبری معتبری نظیر آبا و آتس فعالیت میکنند، اما به خاطر دور بودن خط مشی آنها از حرکت ملی آذربایجان جنوبی، انعکاس لازمه اخبار را در آنها نمیتوان یافت و به همین دلیل استفاده از آنها در بخش جنوبی کشورمان در حد بسیار کم میباشد. نباید فراموش کرد که در ماههای اخیر اخبار حرکت ملی آذربایجان جنوبی به صورت کم رنگ در بسیاری از سایتهای بخش شمالی کشورمان منعکس میشوند که این امر را نیز باید به فال نیک گرفت.

سایت بای بک تاکنون تلاش کرده است علاوه بر انتشار اخبار مربوط به آذربایجان جنوبی، با آماده سازی اخبار نوشته شده در سایتهای بخش شمالی و انتشار آنها در سایت، پل ارتباطی بین دو بخش ایجاد نماید. به این معنی که خوانندگان بای بک بتوانند از حوادث مهم بخش شمالی مطلع شوند و نیز هموطنانمان در شمال از اوضاع بخش جنوبی مطلع شوند. بدین صورت میتوان احساسات از هم جدا افتاده دو بخش را به هم نزدیکتر کرد.

البته نباید فراموش کنیم که فعالیتهای سایت بای بک در محدوده ای نه چندان گسترده در حرکت ملی قابل لمس هستند و این محدود بودن باعث کندی روند آگاهی رسانی میشود. صرف نظر از سیاستهای فیلترینگ شدید رژیم فارس، میتوان استفاده از نوشتار تورکی در سایت بای بک را که در سالهای اخیر گسترش یافته است را نیز دلیل مشکل شدن ایجاد ارتباط با مخاطبان نامبرد.

سایت بای بک آماده انتقال تجارب خود به همکاران بوده و در هر فرصتی به این مورد اشاره کرده است که حرکت ملی آذربایجان میبایستی صدها سایت نظیر بای بک ایجاد کند و در هر کدام به انتشار اخبار و اندیشه ها با محوریت استقلال آذربایجان پرداخته شود. طرز فکر غلطی که برخی فعالان ملی در مورد بای بک شایع کرده اند نیز دلیل دیگری در محدود شدن تاثیر بای بک در حرکت ملی است.

خاطر نشان میسازد که سایت بای بک با توجه به اینکه در لیست فیلترینگ رژیم فارس مقام خطرناک را کسب کرده است و دسترسی به آن امکانپذیر نیست، اما میتوان ادعا نمود که یکی از معدود سایتهای پر بیننده آذربایجانی میباشد. قبل از فیلترینگ اساسی سایت، شمار بیننده های بای بک از بیننده های خبر گزاریهای رسمی شمال کشور نیز بیشتر بوده است و این سایت با استفاده از سرویسهای مدرن توانسته است اندکی از خلا اطلاعاتی در آذربایجان را پر نماید.

از نظر استاندارد علمی، باید گفت حرکت ملی آذربایجان در حد بسیار پائینی قرار گرفته است.

البته نباید از نظر دور داشت که این کمیته فقط در زمینه آگاهی رسانی فعالیت میکند و از نظر بای بک دارای یک نقص عمده میباشد. نقصی که بای بک در هر فرصتی به آن اشاره کرده که آن نیز ایجاد شاخه های منظم دفاعی میباشد. برای حرکت ملی آذربایجان ایجاد کمیته های نظامی برای دفاع در مقابل حملات دشمن در شهرهای مختلف بایستی اولویت خاصی داشته باشد. دشمن دست خالی نبوده و با روزنامه و مجله برای اشغال و کشتار وارد آذربایجان نخواهد شد. دشمن آذربایجان دارای پیشرفته ترین سلاحهای خودکار است و نیز از اطلاعات جاسوسی بیگانگان بهره مند میباشد.

یادآوری جنگ سولدوز و اقدامات وحشیانه کردهای مسلح در مقابل مردم بی سلاح آذربایجان هر چند غم انگیز میباشد، ولی نشاندهنده اهمیت سلاح برای پیروزی میباشد. متأسفانه هنوز هم در بین فعالان ملی اجماع قابل اتکائی در زمینه مسلح شدن حرکت ملی وجود ندارد و حتی اکثر فعالان شناخته شده به نوعی از مسلح شدن برای دفاع واهمه دارند. هر چند نباید آنها را ملامت کرد، چرا که تبلیغات یکطرفه و گول زنده دول بیگانه و شعار دموکراسی کذائی آنها باعث ایجاد این واهمه شده است. در حالی که میبینیم همان کشورها سازنده و استفاده کننده مخبرترین سلاحها میباشند.

بای بک معتقد است که بدون داشتن بازوی قدرتمند نظامی، نمیتوان پشت میز مذاکرات با تحکم حاضر شد. نبود تحکم در زمان مذاکره نیز باعث عقب نشینیهای اجباری و گسترده خواهد شد.

توپراق: استفاده از کلمه شهید برای قربانیان حملات تروریستی در غرب آذربایجان از نقاطی است که برخی ها بر روی آن انگشت گذاشته اند. کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان دیدگاه و سیاست رسمی خود را بارها در این مورد اعلام کرده است. حداقل در یک مورد سایت بای بک بر خلاف معمول از مطلب "یادی از شهید قهرمان" کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان استفاده نکرد. گویا کلمه شهید در سایت بای بک هم جای مناقشه دارد و این در حالی بود که کمیته این سه نفر را رسماً شهید جبهه ملی مبارزه با تروریسم در غرب آذربایجان عنوان کرد.

می خواستیم دیدگاه سایت بای بک را در این مورد بدانیم؟

بای بک: سایت بای بک مایل به وارد شدن به مسائل مذهبی نمیشد و تا کنون نیز سعی نموده است تا این مرزبندی را حفظ نماید. کلمه شهید و استفاده از آن برای سربازانی که تحت امر رژیم فارس و اکثراً بدون داشتن انگیزه های ملی کشته شده اند، از سوی بای بک به نوعی حساسیت زا تشخیص داده شده است. خاطر نشان میسازد که خبرهای مربوط به کشته شدن سربازان بخش شمالی کشورمان به دست تروریستهای ارمنی نیز اکثراً با حذف کلمه شهید منتشر میشوند. این اقدام

کردها به تنهایی خطری برای آذربایجان نیستند و در واقع قدرت آنرا ندارند که به عنوان یک مشکل قابل اهمیت در مقابل حرکت ملی آذربایجان بایستند. اما، واقعیت این است که کردها منابع نظامی - اطلاعاتی گسترده ای در گشت سر خود دارند که آنها را قادر به انجام خرابکاریهای غیر قابل جبران در آذربایجان مینماید.

اگر مسئله کرد را به صورت گسترده تر بررسی کنیم، میبینیم که از ایران و روسیه گرفته، تا آمریکا و اسرائیل، از آلمان و نروژ گرفته تا یونان و ارمنستان و حتی تورکیه، همگی به دنبال بهره مندی از مسئله کرد هستند. قدرتهای بیگانه که کردها را در قرنهای اخیر علم کرده و در خاک تورک مورد حمایت قرار داده اند، نقشه های بسیار خطرناکتری برای منطقه و مخصوصاً آذربایجان در سر دارند. برای همین است که مسئله کرد را باید در خاک بیگانگان و یا در زمین بازی بیگانگان حل نمود. ما معتقدیم که مسئله کرد را باید به هر نحوی که شده به زمین بازی دیگران منتقل نماییم.

بای بک برای حل مسئله کرد راهکارهایی را به صورت مباحثات و مقالات ارائه کرده است و معتقد است که با کردها باید در بیرون از محدوده سیاسی آذربایجان مذاکره نمود. اشاره به عدم همکاری تورکیه در حل مسئله کردها و محدود کردن آنها به برخی مناطق کرد شده، کارشکنیهای رژیم فارس و قدرتهای بیگانه در خصوص مبارزه ظاهری و حمایت قاطع و همه جانبه از کردها و نیز برخی منابع خودی که به عنوان اهرم اقتصادی گروهکهای تروریستی کرد وارد عمل شده اند میتواند مفید واقع شود تا حداقل فعالان ملی را به واکنش در برابر آنها وادار نماید.

محدوده سیاسی آذربایجان نیز با مرزهای جغرافیائی آذربایجان متفاوت است. محدوده سیاسی آذربایجان بسیار گسترده تر از جغرافیای کنونی آن است و باید به هر نحوی که شده اهرمهای فشار در محدوده سیاسی خود ایجاد نماییم.

توپراق: سایت بای بک همیشه خبر های کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان را منعکس کرده است می خواستیم نگرش و راهکار های بای بک را در مورد مواضع و فعالیت های کمیته بدانیم؟

بای بک: تشکیل کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان یکی از مهمترین اتفاقات عملی در حرکت ملی بود که در سالهای اخیر به وقوع پیوسته است. این کمیته با فعالیتهای کاملاً مدنی و اطلاع رسانی توانسته است واقعیت تروریسم کرد را به صورت واقعی آن بین فعالان ملی زنده نگهدارد. ایجاد شاخه های متعدد این کمیته و فعالیتهای گسترده تر آن میتواند سهم مهمی در پیشبرد سیاستهای استقلال طلبانه حرکت ملی آذربایجان داشته باشد.

توپراق: با تشکر از وقتی که در اختیار نشریه توپراق گذاردید طبق عرفی که در مصاحبه های قبلی داشتیم می خواستیم بخش پایانی مصاحبه را شما جمع بندی بفرمائید.

بای بک: تاثیرات فعالیت کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان را به جرات میتوان بیشتر از فعالیتهای گنگ، نامشخص و غیر قابل لمس یک حزب به اصطلاح سیاسی در حرکت ملی آذربایجان ارزیابی نمود. برای همین، بای بک تنها به تشکر از اعضای کمیته اکتفا کرده و موفقیت برای اعضا و هواداران آن را آرزو میکند. ناگفته نماند که ما مایل هستیم همه روزه از فعالیتهای شما آگاه شویم و بتوانیم اطلاعات را به خوانندگان سایت بای بک ارائه نمائیم تا شاید انگیزه های ایجاد کمیته های مشابه در دیگر مناطق کشورمان را برانگیزیم. 2008/12/08

## کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان منتشر کرد

سومین سی دی کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان با هدف افشا ماهیت توطئه های تروریسم کورد در منطقه غرب آذربایجان منتشر و به صورت گسترده در شهرهای غربی آذربایجان پخش گردید. در این سی دی ضمن آنکه حوادث و روند اشغال بخش دیگری از اراضی آذربایجان در منطقه قاراباغ توسط تروریست های ارمنی و شباهت های آن با توطئه تروریسم کورد در منطقه غرب آذربایجان مورد بررسی قرار گرفته، بخش هایی از برنامه جالب تلویزیون "گوناز تی وی" در مورد فعالیت های تروریسم کورد در غرب آذربایجان و عملکرد کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان را در خود جای داده است. همچنین در این سی دی تلاش گردیده با ادبیاتی زیبا و ساده منشور کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان و ضرورت های تشکیل و عملکرد آن تشریح شود و بیننده را از لزوم آمادگی لازم مردمی جهت مقابله با توطئه های تروریسم کورد در منطقه غرب آذربایجان آگاه سازد. در قسمت دیگر سی دی اعترافات یکی از عناصر مجروح گروه تروریستی پژاک در مورد کمک های مالی و لجستیکی سران تروریست کورد شمال عراق به گروه های تروریستی پ ک ک و پژاک جهت انجام عملیات تروریستی در جنوب کشور تورکیه و غرب آذربایجان و همچنین تصاویر عبرت آمیز نعلش یکی از فرماندهان گروه تروریستی پژاک که عامل قتل و کشتار دهها انسان بی گناه در روستا های منطقه سرو (اورمیه) می باشد دیده می شود. این تصاویر گویای این واقعیت است که جزا و عاقبت کسانی که انسانیت را هدف اعمال تروریستی قرار داده و چشم طمع به اراضی دیگر

از سوی سایت بای بک نه به خاطر مخالفت با مذهب، که به خاطر مخالفت با بیماری شهید سازی ریشه گرفته از شونیسیم فارس میباشد. کلمه شهید پس از روی کار آمدن حکومت اسلامی -شونیسیتی فارس ارزش معنوی خود را از دست داده است.

کشته شدگان در راه میهن که با آگاهی از جنگی که در آن وارد شده اند را میتوان اوج افتخار یک آذربایجانی نامید. شهید نامیدن وی در محافل مذهبی و خصوصی نیز اهمیت ویژه خود را دارا میباشد. ولی بنا به عرف عمومی در عصر حاضر، بای بک با استفاده از کلمه شهید چندان موافق نمیشد.

توپراق: با توجه به تجربه حرفه خبرسانی، سایت بای بک چه پیشنهادی را جهت پیشرفت پایگاه اطلاع رسانی کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان ارائه می دهد؟

بای بک: از نظر بای بک، فعالیتهای کمیته نه تنها باید در گستره اینترنتی بیشتر شده و حرفه ای تر شود، بلکه امیدوار است این کمیته اهم فعالیتهای خود را به انتشار اطلاعات چاپ شده متمرکز نماید. با بررسی تلویدی شرایط خبررسانی و آموزش مناطق آذربایجان و نیز کمبودهای ایجاد شده از سوی رژیم فارس در دور نگهداشتن مردمان از تحصیل و تکنولوژی، ارائه نسخه های چاپی و سمعی -بصری میتواند بسیار تاثیر گذارتر از فعالیت اینترنتی باشد.

ما معتقدیم که مبارزه اینترنتی نه به خاطر اطمینان از آگاه ساختن مردمان، که باید برای مبارزه با فعالیتهای اینترنتی دشمنانمان مورد توجه قرار بگیرد. برای آگاه سازی عموم، باید به زبان عموم و با استفاده از ابزار در دسترس عموم پیشروی نمود. به عنوان نمونه، اقدام کمیته در خصوص انتشار نشریه توپراق امری پسندیده است و شما مطمئنا در آمارگیری از خوانندگان این به نتیجه رسیده اید که مطالعه نوشته های چاپ شده بر روی کاغذ، با توجه به امکان رد و بدل کردن آن و نیز در دسترس بودن همیشگی آن، امری بسیار تاثیر گذار در ذهن مخاطبان میباشد. و نیز، بخش زنان در فعالیتهای کمیته مشهود نمیشد. ایجاد بخش زنان نه برای تفکیک جنسیتی، که برای فعال کردن دختران و زنان آذربایجانی برای به دست گرفتن حاکمیت ملی خود امری غیر قابل اجتناب میباشد. کمیته میتواند موازی با فعالیتهای خود، از دختران و زنان با اعتقادات ملی بهره جسته و گستره بیشتری را تحت پوشش قرار دهد. وجود زنان و دختران با روحیات ملی، میتواند محیط خانواده و جامعه را ملیتز نماید.

ملت ها را دارند مرگ و نابودی خواهد بود. این سی دی با تصاویری از خروش ملی و ضد تروریستی جوانان تورک غرب آذربایجان در ورزشگاه تختی اورمیة در حاشیه حضور تیم فوتبال اربیل عراق پایان می یابد.

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان از همه هوا داران کمیته و فعالین حرکت ملی آذربایجان و جنبش دانشجویی آذربایجان در شهرهای مختلف آذربایجان که نهایت تلاش را برای توزیع سی دی کرده اند، قدرانی نموده و بار دیگر از همه عزیزان می خواهد به دلیل حساسیت موضوع و ضرورت آگاهی ملی در مورد خطر توطئه تروریسم کورد در منطقه غرب آذربایجان همچنان در این امر کوشا باشند.

مهرماه 1387

## بیانیه لر و سند لر

### یادی از سه شهید قهرمان

همزمان با اولین سالگرد شهادت مجید طالبی کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان منتشر می کند

سوم آبان، اولین سالگرد شهادت مجید طالبی فعال حرکت ملی آذربایجان به دست گروه تروریستی پژاک می باشد. این فرزند دلیر وطن، با فعالیت ها و روحیه ملی گرایانه خدمت سربازی خود را آغاز و در این مرحله از زندگی نیز همچنان به تبلیغ اندیشه های حرکت ملی آذربایجان پرداخته و رسالت ملی اش را با قرار گرفتن در کنار کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان جهت دفاع از اراضی ملی آذربایجان به عرصه ظهور کشانید. متأسفانه در حالی که تنها بیست روز به پایان دوران خدمت سربازی شهید مجید طالبی باقی مانده بود، اختاپوس ترور و وحشت فرزند حرکت ملی آذربایجان را هدف گلوله های خود قرار داد و فرزند دیگری از آذربایجان را قربانی شهوت قدرت و ادعای ارضی پوسیده خود نمود. کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان در آن تاریخ با ارسال نامه ای به خانواده محترم وی و با حضور تعدادی از فعالین حرکت ملی آذربایجان - اورمیة - مراسمات مربوطه یاد شهید مجید طالبی را گرامی داشت. در اولین سالگرد شهادت مجید طالبی، کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان در نظر دارد برای اولین بار تصاویر و

### شهید مجید طالبی

مجید طالبی از فعالین حرکت ملی آذربایجان و صاحب کتابفروشی استاد شهریار در منطقه بلوار 17 شهریور اورمیة از جمله جوانانی بود که در محله بلوار اورمیة به فعالیت های ملی گرایانه مشغول و در بین جوانان آن منطقه به عنوان فعال حرکت ملی آذربایجان شناخته می شد. مجید طالبی در اعتراضات دوم خرداد اورمیة در آماده نمودن جوانان منطقه خود نقش بسزایی داشت. مجید طالبی قبل از آغاز دوران خدمت سربازی به کار آموزش زبان تورکی برای جوانان و پخش جزوه های ادبی، تاریخی و تئوریک و تشکیل محافل ملی در محله خود مشغول بود. وی علیرغم اینکه دوران خدمت سربازی خود را سپری می کرد همچنان به فعالیت هویت طلبانه ادامه داده و با پخش اعلامیه و سی دی های افشاگرانه کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان در جبهه ملی مبارزه با تروریسم در غرب آذربایجان مبارزه ملی خود را به پیش می برد. متأسفانه این فعال حرکت ملی آذربایجان در حالی که تنها 20 روز از دوران خدمت سربازی اش باقی مانده بود، در منطقه زیوه اورمیة در یکی از حملات تروریست های پژاک قربانی غده سرطانی تروریسم گردید و به شهادت رسید. خبر شهادت مجید طالبی در سایه سیاست هدفدار بایکوت خبری حملات تروریست ها در غرب آذربایجان بسان دیگر قربانیان تروریسم بایکوت شد ولی فعالین حرکت ملی آذربایجان و کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان بنا به مسئولیت تاریخی و ملی ضمن انتشار خبر شهادت این فعال حرکت ملی با حضور در مراسم تشیع و تدفین پیکر وی یاد او را گرامی داشتند. کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان به پاس فعالیت های ملی مجید طالبی با ارسال نامه ای به خانواده این شهید بزرگوار وی را اولین شهید ملت آذربایجان در جبهه مبارزه ملی با تروریسم عنوان کرد.

یادش گرامی باد

نام: مجید طالبی

متولد: 1366

محل شهادت: منطقه "زیوه" شهر "اورمیة"

در منصب دولتی شاغل بود ولی در خانواده ای حضور داشت که فریاد اعتراض در خرداد ماه 85 بر کشید و زمانی که پیکر این شهید به دست تروریست های جنایت کار تکه تکه شد هنوز خانواده وی طمع سلول های انفرادی را می چشید و خبر تلخ شهادت این شهید بزرگوار سببی گردید بر رهایی فرزند دیگر خانواده. تصویر و اعلامیه این شهید بزرگوار سخن های بسیاری برای گفتن دارد. فعالین حرکت ملی آذربایجان - سولدوز - با حضور در مراسم تدفین و تشیع این شهید بزرگوار نفرت خود را از تروریسم اعلام کردند. کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان با ارسال پیامی به خانواده بزرگوار این حمید تقی پور آن را شهید ملت آذربایجان در جبهه ملی مبارزه با تروریسم عنوان کرد.

یادش گرامی باد

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان

آذرماه 1387

## بیانیه تحلیلی کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان

بیانیه تحلیلی کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان در خصوص حوادث اخیر در طول هفته های گذشته حوادث و تحولاتی به وقوع پیوسته است که بنظر میرسد مساله ادعاهای ارضی اقلیت مهاجر کرد منطقه در غرب آذربایجان را وارد فاز جدیدی از جریانات و معادلات سیاسی خواهد کرد. حوادث خونین روستای ((قیزیل خانه)) (خانقاه سرخ)، ادعاهای گروهک تروریستی پژاک مبنی بر قطع فعالیت های تروریستی از جمله مسائل مهمی هستند که حکایت از تلاش برای تغییر استراتژی تروریسم کرد و گروه های زیاده خواه و افراطی کردی دارند. در شرایطی که گروهک های تروریستی پ.ک.ک و پژاک در ماه های اخیر در نبرد برای بقا، در جستجوی روزنه های امید برای فرار از باتلاق قندیل هستند، اخباری موثق و رسمی از شروع مجدد فعالیت های نظامی حزب دموکرات کردها در مناطقی از غرب آذربایجان بگوش میرسد.

آنچه مبرهن است اینکه گروهها و جریانات سیاسی کردها هرچند دارای اختلاف سلیق و اختلاف نظرهای جزئی باشند اما در انجام فعالیت های تروریستی و سیاست های زیاده خواهانه و جنگ افروزانه و ترویج و تقویت اعمال خشونت بار جهت اشغال نرم و تغییر ترکیب جمعیتی نواحی غربی

تاریخ شهادت: 1386/8/3

شغل پدر: تعویض روغنی

پسر دوم خانواده

طبقه مالی: متوسط

مزار: قطعه عمومی باغ رضوان اورمیه

مجدد طلبی بعد اخذ دیپلم در رشته جوشکاری از هنرستان خوارزمی اورمیه به خدمت سربازی اعزام شد و حدودا یک سال از خدمتش می گذشت در منطقه زیوه در تله انفجاری گروه تروریستی پژاک گیر کرده و به شدت زخمی شد و در این حین اعضای گروه تروریستی پژاک سر رسیده و تقریباً یک خشاب گلوله در بدن وی خالی کرده و او را به شهادت رساندند.

وی از فعالین حرکت ملی آذربایجان بود که در قیام مردم آذربایجان در خرداد 1385 اورمیه نقش موثری شرکت داشته و همواره در اجتماعات حرکت ملی اورمیه شرکت می کرد. وی که از فعالین شناخته شده در منطقه ولیعصر (فلکه جیران) به شمار می رفت در این خیابان اداره کتابفروشی استاد شهریار را برعهده داشت که بعد از شهادت وی برادرش در آن محل مشغول کار بوده و جدیداً شعبه دوم این کتابفروشی با همان نام در خیابان حسین آباد و شعبه سوم هم در خیابان کاشانی تاسیس شده است.

### شهید فرهاد قوروقچو

شهید فرهاد قوروقچو فرزند غیور شهر همیشه قهرمان سولدوز، یکی از علاقمندان حرکت ملی آذربایجان بود که در خانواده ای مملو از شعور ملی گرایانه زندگی سپری کرده و خانواده این شهید در راه مبارزه با شوونیسم فارس در خرداد 85 طمع تلخ بازداشت ها چشیده و در نهایت فرزند دلیر مرد خود را در راه مبارزه با تروریسم فعال در غرب آذربایجان و در دفاع از کیان تاریخی آذربایجان تقدیم نمود. فعالین حرکت ملی آذربایجان - سولدوز - با حضور در مراسم تدفین و تشیع این شهید بزرگوار و با نصب پلاکارد ها به زبان تورکی همدردی خود را با خانواده داغ دیده وی اعلام کردند. کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان با ارسال پیامی به خانواده این فرهاد قوروقچو آن را شهید ملت آذربایجان در جبهه ملی مبارزه با تروریسم عنوان نمود.

یادش گرامی باد

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان

### شهید حمید تقی پور

فرزند دیگری از دیار سرافراز و قلعه مستحکم هویت طلبی آذربایجان، شهر سولدوز می باشد. شهید حمید تقی پور به رغم آن که

آذربایجان متفق القول بوده و شدیداً چنین پروژه ایی خیالی را دنبال میکنند و در این وادی گروههایی از کردها از طریق انجام دادن اعمال تروریستی، برخی دیگر از گروه هایشان از طریق فعالیت‌های سیاسی و بین المللی و عده ایی دیگر از آنان نیز از راه لابی گری، و برخی نیز با نفوذ در بین لایه های حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و عده ایی نیز با مساعدت گروهکهای تروریستی از طریق کسب ثروتهای نامشروع نظیر قاچاق انواع موادمخدر، قاچاق اسلحه، قاچاق انسان و انواع دیگر قاچاق، بعنوان شریان اقتصادی پروژه اشغال نرم و تغییر ترکیب جمعیتی منطقه غرب آذربایجان را به انجام میرسانند.

در طول هفته های گذشته شایعاتی طنزوار مبنی بر توقف و یا اتمام فعالیت‌های تروریستی گروهک پژاک در بین محافل سیاسی مختلف بوجود آمده است. گروهک تروریستی پژاک که در واقع همان شاخه ایرانی گروه تروریستی پ.ک.ک می باشد، پس از تروریست شناخته شدن اعضا و گروه پ.ک.ک و برای کسب حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و سیاسی برخی دول بزرگ رسماً کار خود را با نامی جدید شروع کرد. از نکات قابل توجه در مورد این گروهکها اینکه عمده اعضای عملیاتی گروهک تروریستی پژاک را که میگوید بر علیه ایران فعالیت دارد را کردهای اهل ترکیه، سوریه و عراق تشکیل می دهند و نیز عمده کردهای ایرانی در شاخه های گروه تروریستی پ.ک.ک که تمامیت سرزمینی ترکیه را مورد هدف قرار داده است مشغول انجام اعمال تروریستی هستند و دلیل این موضوع نیز سواستفاده از حقوق بین المللی و معاهدات امنیتی، حقوقی و سیاسی بین دولتهای منطقه نظیر ترکیه، ایران، سوریه و عراق در خصوص مبارزه با تروریسم کرد است، چراکه در صورت دستگیری این تروریستها با احکام قضایی سبک تری که برایشان صادر می شود مجدداً فرصت برگشت به گروههای تروریستی را پیدا میکنند. بهر حال اگر اینان دو اسم مختلف را بر خود برگزیده باشند اما در اصل هردو از یک آبشخور فکری، تسلیحاتی، سیاسی و مالی نشخور میکنند و سیاستها و اعمال کاملاً موازی در راستای نیت‌های شوم خود را انجام می دهند. اهداف و موقعیت سیاسی این تروریستها را می توان در 3 بعد تفکیک کرد:

1- تلاش جهت ایجاد دولت کردی در منطقه در سرزمینهایی که هیچگاه متعلق به ایشان نبوده است: این تروریستها با تامین فکری و ایدئولوژیکی گروههای سیاسی کردی با اعمالی خشونت بار و تروریستی درصدد ایجاد ناامنی در منطقه غرب آذربایجان و نواحی جنوب شرقی ترکیه و متعاقباً از طریق مافیای اقتصادی تروریسم کرد از طرق مختلف و بواسطه ثروتهای نامشروع کسب شده، مساله اشغال نرم و تغییر ترکیب جمعیتی را دنبال میکنند.

2- آلت دست دول بزرگ جهانی و منطقه ایی: گروههای مختلف کردی که همواره در طول تاریخ با روش های تروریستی و خشونت آمیز خواسته های خود را مطرح کرده اند که در بسیاری از آنها نقش تحریک ایشان توسط برخی دولتهای بزرگ جهانی و منطقه ایی بچشم میخورد که میتوان به تحریک شیخ عبیدالله شمرینانی توسط امپراتوری سنی مذهب عثمانی بر علیه امپراتوری شیعه مذهب قاجاریه بدلیل تضاد مذهبی و یا پناه دادن دولت شوینست پهلوی به احسان نوری پاشا که بر علیه آتا تورک در ترکیه شورش کرده بود و نیز از پیمان سور تا موقعیت کنونی گروهکهای تروریستی پ.ک.ک و پژاک، مسعود بارزانی و جلال طالبانی که تا قبل از ورود آمریکا به منطقه و حمله نظامی به عراق در کوهستانهای شمالشرق عراق روزی را در آغوش ایران و روزی دیگر را در آغوش ترکیه سپری میکردند اکنون سربازان ارزان قیمت آمریکائیان در منطقه شده اند، همگی وابستگی کامل تروریسم کرد به دول بزرگ را نشان میدهند.

3- ایجاد مافیای اقتصادی بین المللی توسط رهبران گروهکهای تروریستی کردی و ترانزیت انواع موادمخدر به نقاط مختلف جهان: موقعیت استقرار تروریستهای کرد که در حدفاصل مرزهای سه کشور ایران، ترکیه و عراق قرار گرفته اند و نزدیکی این محل به افغانستان فرصتی را برای تروریسم کرد فراهم نموده است که بعنوان شبکه ایی بین المللی خود را وارد مافیای قاچاق جهانی خصوصاً قاچاق انواع موادمخدر نماید. نتیجه اینکه ثروتهای نامشروع و بادآورده ناشی از اعمال ضدانسانی در جامعه ایران که در حال حاضر بسوی سرمایه داری اسلامی پیش میرود بواسطه ثروتهای کلان تروریسم کرد و نیز آلت دست شدن برخی مسئولان و نیروهای محلی و منطقه ایی و نیز حمایت‌های غیر مستقیم برخی از مسئولان کشوری از قاچاقچیان تروریست کرد بعنوان شرکای خود، زمینه های تشکیل مافیای اقتصادی کرد در منطقه غرب آذربایجان و نیز تسهیل شدن زمینه های ایجاد لابی تروریسم کرد در بین حاکمیت را فراهم آورده است که این مساله خود باعث ناامنی و زمینه ساز بحرانهای آتی خواهد بود که حوادث خونبار و تلخی همچون روستای قیزیل خانیه (خانقاه سرخ) نتیجه رشد و فعالیت و وجود مافیای اقتصادی تروریسم کرد در منطقه غرب آذربایجان می باشد. البته که از این وادی رهبران گروهکهای تروریستی کردی نظیر پ.ک.ک و پژاک ثروتهای کلان را کسب کرده اند و یکی از دلایل درگیریها و تصفیه های خونین داخلی در بین رهبران این گروهها بجهت به خطر افتادن منافع مالی شخصی و طیفی بوده است.

همگی عوامل فوق در راستای تغییر ترکیب جمعیتی نواحی غربی آذربایجان تاثیرگذاری خود را نشان میدهند اگرچه مردم دلیر و آگاه غرب آذربایجان در سالهای اخیر با شناخت نیت پلید افراطی

آذربایجان را باید در سیاستها و برنامه های رهبران ددمنش شمالشرق عراق جستجو کرد. البته نباید غافل از این شد که برخی مسئولان نیز با درک مناسبی از تحولات سیاسی و روحیه ایی مردمی در دفاع از حقوق مردم غرب آذربایجان کوتاهی نمی کنند.

3- درک نادرست جریانها و گروههای سیاسی، تریبونها و نخبگان سیاسی منطقه: متأسفانه تمامی موارد فوق الذکر در خصوص اکثر گروههای سیاسی، نشریات و هفته نامه ها، سایتهای خبری و اینترنتی و نخبگان سیاسی هم حاکمیتی و هم اپوزیسیون (ملی و غیر ملی) قابل تعمیم می باشد. گروههای سیاسی در مواجه با مردم آذربایجان این مردم مظلوم را به اینترنت ناسیونالیست بودن دعوت میکنند و در مقابل حتی از سیاستهای تروریستی و فاشیستی کردها دفاع و حمایت نیز میکنند و بر مسائل انسانی تکیه می ورزند و مسائل تجاوزگری کردها را نادیده میگیرند و با ادبیاتی پوپولیستی سطحی نگراری را رشد و گسترش میدهند. این گروهها بیشترین لطمات را بر غرب آذربایجان وارد میکنند و تیشه بر ریشه ملت خود میزنند. همچنین اکثریت نشریات سراسری و هفته نامه های محلی نیز که باید تنویر دهنده افکار عمومی و روشنگر جامعه باشند در مقابل سیاستهای تغییر ترکیب جمعیتی و اشغال نرم نواحی غربی آذربایجان توسط اکراد سکوت پیشه کرده اند و یا به سکوت متهم شده اند که بهر حال سکوتشان توجیه پذیر نیست.

4- تحولات منطقه ایی و سیاستهای بین المللی: یکی از مهمترین عوامل دیگر در تقویت سیاستهای تغییر ترکیب جمعیتی در غرب آذربایجان مربوط به حضور نظامی آمریکا در منطقه و حمله به عراق و متعاقباً قدرت یابی رهبران کردی در آن کشور می باشد که سالیان است در آرزوی تشکیل دولت کردی لحظه شماری میکنند. حمایتهای آمریکا از تروریسم کرد که از آنها بعنوان سربازان ارزان قیمت خود برای استفاده از آنها بر علیه منافع ملی کشورهای ایران، ترکیه، سوریه و عراق بعنوان اهرم فشار موجب تقویت تروریسم کرد در سالیان اخیر شده است. همچنین نباید از سیاست برخی دولتها و قدرتهای جهانی تورک ستیز که بدنال ایجاد دیوار حائل در منطقه که بین دنیای تورک فاصله بیاندازد غافل شد، بدینگونه که در دهه نود پس از انجام جنایتها و نسل کشی مسلمانان تورک آذربایجان در شمال ارس دولت اشغالگر ارمنستان سرزمین قره باغ را از مام میهن جدا کرد و طی آن ارتباط جغرافیایی زمینی ترکیه با دولت جمهوری آذربایجان و دیگر دولتهای تورک منطقه قطع شد و اکنون نیز همین دولت ارمنستان و لابی پرنفوذ ارمنی به همراه چند قدرت جهانی در صددند تا با ایجاد دولت کردی در منطقه علاوه بر تجزیه کشور ترکیه سیاست ایجاد دیوار حائل را از نخجوان تا کرکوک تحقق بخشند که در این بین نواحی غربی آذربایجان و خصوصاً استان آذربایجان غربی بعنوان حلقه مفقوده آنهاست و بدین سبب است که

هوشیارهای لازمه را از خود بروز میدهند اما متأسفانه بدلائل مختلفی سیاست تغییر ترکیب جمعیتی خصوصاً در استان آذربایجان غربی همچنان در حال اجراست. ریشه های وجود چنین سیاستی را می توان در ابعاد ذیل بررسی نمود:

1- شوونیسم فارس: بی شک شوونیسم فارس بزرگترین و اصلی ترین دشمن داخلی ملت آذربایجان است. منظور از شوونیسم فارس گروه یا حزب خاصی نمی باشد بلکه شوونیسم فارس بسان عقیده ایی باطل که مخالف پلورالیسم سیاسی و فرهنگی و مخالف تکثرگرایی قومی و مخالف ملت‌های غیر فارس ایران در بهره مندی این ملتها از حقوق ملی و بدیهی خود است، قابل تعریف می باشد. متأسفانه شوونیسم فارس در بین لایه های مختلف حاکمیت جمهوری اسلامی ایران دارای لابی پرنفوذی می باشد که در خصوص مساله غرب آذربایجان سیاست ((مهار قومی)) را مطرح میکنند که در طی آن ملت بزرگ آذربایجان را بوسیله ادعاهای افراطی و زیاده خواهانه اکراد مهاجر و انجام عملیتهای تروریستی در راستای اشغال نرم و تغییر ترکیب جمعیتی استان آذربایجان غربی به نفع کردها کنترل میکنند. فاز اجرایی شوونیسم فارس برای تغییر ترکیب جمعیتی استان آذربایجان غربی از حدود سال 1376 و در دوران حاکمیت به اصطلاح اصلاح طلبان تشدید شد که در سال 1377 و در جریان دستگیری رهبر تروریستهای کرد یعنی ((ؤجالان)) استاندار وقت آذربایجانغربی به همراه تعدادی از نیروهای منفعت طلب و کم شعور سیاسی بعنوان آلت دست تروریسم کرد زمینه های برگزاری تظاهرات خیابانی در شهر اورمیه را فراهم نمودند و در طی آن خسارات زیادی به اماکن عمومی شهر از جمله به کنسولگری ترکیه در اورمیه وارد شد و در نهایت با دخالت نیروهای ملی و اعتقادی و انقلابی صورت مساله برای چندی پاک شد.

2- درک نادرست مسئولان بومی و منطقه ایی از موضوع: بسیاری از مسئولان استان آذربایجان غربی درک درستی از موضوع ندارند، مثلاً موضوع هم ریشه بودن تروریسم کرد که در قالب دو نام ((پ.ک.ک)) و ((پژاک)) و عملاً بعنوان یک تشکیلات واحد فعالیت فعالیت میکنند برای برخی مسئولان قابل درک نیست و قدرت تمیز مسائل را ندارند. برخی مسئولان نیز با اهمال کاریهای صورت گرفته توسط نهادهای ناظر حکومتی، خود، وارد چرخه قاچاق و همکاری با تروریسم کرد شده اند و منافع شخصی را ترجیح بر منافع ملی و انجام وظایف مسئولیتی خود کرده اند. این مسئولان گاه آنقدر گرفتار در جنگ روانی شوونیسم فارس شده اند که مثلاً همکاری با رهبران افراطی شمالشرق عراق که دستشان به خون هزاران مردم عادی، سربازان و افسران آذربایجانی و ایرانی آغشته است را بر گسترش مناسبات با کشورهای بزرگی نظیر ترکیه و جمهوری آذربایجان ترجیح میدهند حال آنکه ریشه فتنه غرب



در قبال نیات پلید و زیاده خواهی ها و تجاوزگری ها و تحرکات اقلیت مهاجر کرد غرب آذربایجان، ریشه های بحرانی در منطقه در حال اوج گیری است که در صورت شعله ور شدن آن، تر و خشک هردو باهم خواهند سوخت و ما باردیگر محکوم به تکرار تاریخ خواهیم بود. برای جلوگیری از بوجود آمدن چنین بحرانی لازم است تمامی افراد و گروههای سیاسی و مردم همیشه پایدار غرب آذربایجان چشمهای بسته را باز کنند، ماسکهای بی هویتی را بردارند، پنبه از گوشهای خود بیرون بیاورند و کمر همت برای دفع فتنه ببندند تا بار دیگر حوادث خونین و قتل عامهای افراد شرور و جنایتکاری همچون سیمیتقوها، مارشیمون ها، شیخ عبیدالله ها، بارزانی ها، قاسملوها را شاهد نباشیم. اکنون وقت بیداری مسئولان غرب آذربایجان از خواب غفلتی است که توسط آرام بخشهای شوونیسم فارس و ثروتهای نامشروع تروریسم کرد برخی از مسئولان را به خوابی عمیق فرو برده است، خوابی که شاید خواب آخرت آنها باشد. هرچند که نیروهای ملی و اعتقادی-مذهبی دلیرانه و آگاهانه در مقابل سیاستهای فزون خواهانه و پلید تروریسم کرد ایستاده اند و مبارزه ایی مدنی و سیاسی را به پیش میرند و در اثر همین فعالیتها چهره واقعی تروریسم کرد و هواداران آنها برملا شده و روز به روز موقعیت سیاسی و توده ایی آنها تضعیف تر شده است که اینبار دشمنان ارضی آذربایجان پاسخی محکم برای همیشه را بر تروریسم کرد تحمیل خواهند کرد و زیاده خواهان زمانه اسیر خشم نهفته مردم غرب آذربایجان خواهند گشت.

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان

یکشنبه 6 بهمن ماه 1387 شمسی

مطابق با 25 ژانویه 2009 میلادی

## ارسال بیانیه انتخاباتی کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان به کاندیدا های انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری ایران

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان - واحد خبر: هیجدهم خرداد هشتاد و هشت : با انتشار نظر نهایی کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان در رابطه با انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری ایران، بیانیه منتشره جهت اطلاع کاندیداها به پایگاه های اینترنتی هر چهار نامزد ارسال گردید. هم چنین متون بیانیه کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان در شهرهای مختلف منطقه غرب آذربایجان تکثیر و در بین مردم و فعالین ملی آذربایجان پخش شد.

اینان تمامی انرژی خود را برای اشغال نرم غرب آذربایجان متمرکز نموده اند.

5-حافظه تاریخی ضعیف مردم: هرچند که در موضوع مورد بحث، مردم غرب آذربایجان قربانی سیاستها و برنامه های فوق الذکر هستند و تاکنون در مقابل تجاوزگران و اشغالگران هوشیاری های لازمه را نشان داده اند اما نباید غافل از این موضوع شد که برخی از مردم از با سواد یا بی سواد، فقیر یا ثروتمند در خصوص مساله اقلیت مهاجر کرد در منطقه متاسفانه حافظه تاریخی ضعیفی دارند و مثلا جنایتها و سیاستهای تجاوزگرانه و قتل عام مردم تورک غرب آذربایجان توسط شیخ عبیدالله شمزینانی، جیلوها، اسماعیل سیمیتقو، بارزانی ها، حزب دموکرات کردها به رهبری جنایتکار بزرگ عبدالرحمان قاسملو، کومله، خیاط و ... را فراموش کرده اند. متاسفانه در اثر همان ((سیاستهای پوپولیستی مردم فریب)) برخی از مردم نگرش درستی بر موضوع ندارند اما خوشبختانه در سالیان اخیر بر اثر رشد احساسات ملی و مذهبی در بین طبقات مختلف جامعه شاهد شکل گیری هسته های مقاومت مردمی در مقابل تروریسم کرد و دشمنان ارضی آذربایجان هستیم.

با تمامی این اوصاف، نباید بوجود آمدن حوادث خونین و تلخی همچون روستای سنی نشین تورک ((قیزیل خانیه)) (خانقاه سرخ) برای ما تعجب آور باشد. هرچند که 2هزار نفر از اهالی این روستای تورک نشین بجهت مذهب سنی در سالیان گذشته مورد کم لطفی های فروانی قرار گرفته اند اما در این حادثه که نمایندگان مردم اورمیه در مجلس شورای اسلامی و امام جمعه اورمیه برای بررسی حادثه و درددل با اهالی مظلوم و شجاع این روستا به منطقه رفتند و گویا تصمیماتی نیز مبنی بر تنبیه مسئولان قضایی و انتظامی مقصر در حادثه گرفته شده است، اما باید پذیرفت که این تصمیمات ریشه مشکل را حل نمیکند و ریشه مشکل زمانی حل میگردد که با شناخت نیات واقعی اقلیت مهاجر کرد منطقه، عملا به مبارزه با سیاستهای جنگ افروزانه آنها برخیزیم و در این راه کوتاهی نکنیم. همچنین حادثه روستای ((قیزیل خانیه)) (خانقاه سرخ) باید زنگ بیدارباش و چراغ راهنمایی برای تورکهای سنی منطقه غرب آذربایجان باشد که بدانند از نظر اقلیت مهاجر کرد، ((ملیت و زبان)) بر ((مذهب)) برتری دارد و برای اجرای سیاستهای تروریسم کرد در منطقه شاید افراد متوسل به امداد از تورکهای سنی باشند اما قلبا تورکهای سنی را بسان تورکهای شیعه دشمن خود در راستای رویای تاریخی تشکیل دولت کردی در منطقه میدانند و اکنون زمان وحدت و همدلی تورکهای شیعه و سنی برای مبارزه ایی واحد در قبال دشمنان ارضی آذربایجان است.

در هر صورت همگان در جایگاه خود مسئول هستند و باید پذیرفت که در اثر اهمال کاری ها و باورهای خودفریبانه و خوش بینی های بی مورد

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان امیدوار است با توجه به حساسیت موضوع فعالین ملی و هواداران کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان در تکثیر و پخش این بیانیه کوشش لازم را به عمل آورند.

متن بیانیه ارسالی:

## بیانیه انتخاباتی کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان

ملت شریف آذربایجان

مردم آگاه منطقه غرب آذربایجان

فعالین حرکت ملی آذربایجان

در بیست و دوم خرداد هشتاد و هشت شاهد برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران با حضور چهار نامزد تأیید صلاحیت شده از سوی شورای نگهبان قانون اساسی در سراسر ایران خواهیم بود. فضای سیاسی آذربایجان نیز همانند سایر انتخابات انجام گرفته در ایران تحت تأثیر فضای انتخاباتی قرار گرفته و جریان های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آذربایجان به نوعی در عرصه انتخابات به ایفای نقش و ابراز عقیده پرداخته اند. در این وادی تشکل ها و طیف های حرکت ملی آذربایجان نیز به عنوان نیروی سیاسی - ملی آذربایجان با نگرش و تحلیل های متفاوتی به ابراز عقیده در زمینه انتخابات پرداخته اند.

رد صلاحیت دکتر اکبر اعلمی نماینده سابق مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی و نامزد این دوره از انتخابات ریاست جمهوری از سوی شورای نگهبان که موجودیت قانونی اش جای بحث دارد موجب ناخشنودی طیفی از فعالین حرکت ملی آذربایجان گردیده و جبهه حامیان تحریم انتخابات در درون حرکت ملی آذربایجان را تقویت نمود. بخش دیگری از فعالین حرکت ملی آذربایجان و طیفی از بدنه جنبش دانشجویی آذربایجان با نگاهی متفاوت در قرار گاه های انتخاباتی هر دو نامزد اصلاح طلب به فعالیت پرداختند.

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان نیز با توجه به مسئولیت تشکیلاتی و معنوی اش و به دلیل نقش تعیین کننده سیاست های کلان حکومتی در مسئله تغییر ترکیب جمعیتی و سیاست مهار قومی شوونیسم فارس و حضور و ادعا های ارضی گروه های تروریستی در غرب آذربایجان از بدو آغاز فعالیت های انتخاباتی سیر دقیق مطالعاتی در زمینه برنامه هر چهار نامزد انتخاباتی را در برنامه های کاری خود قرار داده و تلاش نمود با عملکردی راهبردی نقش سازنده ای در این مسئله ایفا نماید. لذا با توجه به نگرش های غیر عقلانی مسئولین ستاد های انتخاباتی هر چهار نامزد به مسئله تغییر ترکیب جمعیتی و حضور گروه های تروریستی در غرب آذربایجان و قرار گرفتن عناصر معلوم الحال هوادار گروه های

تروریستی در زیر چتر حمایتی ستاد های انتخاباتی هر چهار نامزد، کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان اینچنین ارزیابی می کند که مسئولین رده اول ستاد های انتخاباتی در غرب آذربایجان و سیاست کلان خود نامزد ها حول محور کسب رای و سود جویی سیاسی بوده و تنها چیزی که برای مسئولین ستاد های استانی که با کمال تأسف بسیاری آنها از ترک های خودباخته حکومتی می باشند کسب کرسی های سیاسی در استان می باشد. این افراد در عملکرد چندین ساله سیاسی شان نشان داده اند هیچ بهایی به هویت ملی و دفاع از سرزمین مادری قائل نبوده و منافع ملی آذربایجان را قربانی قدرت سیاسی خود می کنند. در این دوره از فعالیت های انتخاباتی علیرغم انتخاب شیوه های ضد آذربایجانی نامزد ها برای کسب رای از اقلیت مهاجر در منطقه غرب آذربایجان که تأییدی رسمی بر ادعا های ارضی عناصر تروریست در سطح کلان سیاسی می باشد عملکرد ضعیف برخی طیف های حرکت ملی و جنبش دانشجویی آذربایجان که در ستاد نامزد های انتخابات در شهر های تهران و تبریز و چند شهر دیگر فعالیت دارند جوی از تعجب و ناوری را در فعالین غرب آذربایجان و کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان ایجاد کرده است که امیدواریم این دوستان در کمال سعه صدر و منطق بدان پاسخگو باشند.

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان در بیانیه های پیشین تبلیغات هدفدار نامزد های انتخاباتی در غرب آذربایجان را مورد تحلیل قرار داده بود، ولی متأسفانه شاهد آن هستیم که علیرغم اعتراض و خروج دسته جمعی دانشجویان هویت طلب آذربایجان از ستاد مهدی کروی در اعتراض به انتشار و پخش عکس "مسعود بارزانی" که حرکتی سنجیده و قابل تقدیر است، بخشی از فعالین جنبش دانشجویی آذربایجان که خود بارها بر مسئله خطرناک حضور تروریسم در غرب آذربایجان تأکید داشتند در ستاد تهران و تبریز همین نامزد انتخاباتی حضور داشته و به فعالیت می پردازند. ما بار ها شاهد آن بودیم و هستیم که مسئولان ستاد های انتخاباتی هر چهار نامزد در غرب آذربایجان در بیانیه ها و برنامه های تبلیغاتی شان بدون توجه به اهمیت مسئله حضور گروه های تروریستی در منطقه غرب آذربایجان بستر مناسب برای تبلیغ افکار مالیاخیلیایی کردستان بزرگ را برای عناصر تروریست کرد در غرب آذربایجان را فراهم آورده اند، که می توان به سخنان و اقدامات، اسفندیار رحیم مشایی مشاور ارشد احمدی نژاد و توریسین دولت نهم که در سخنرانی های رسمی همواره غرب آذربایجان را "کردستان" نامیده اند و فعالیت های استاندار آذربایجان غربی که در طول چهار سال اورمیه را همواره میزبان مسئولان شمال شرق عراق و خانواده "بارزانی" ها " که دستشان به خون مردم غرب آذربایجان آغشته است تبدیل کرده اند. همچنین نمی توان از شعار معنی دار "زنده باد کردستان" میر حسین

آذربایجان میلی حرکت چالشقانلاری هابنله آذربایجان میللتینه باش ساغلیغی و ثریب اولو تانری دان بؤیوک شاعیریمیزه رحمت دیله بیریک، باتی آذربایجان میلی مودافعه کمیته سی

## نامه اعتراضی کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان در خصوص مسائل تیکان تپه

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان از ابتدای مطرح شدن موضوع نصب مجسمه یک شاعر کرد زبان عراقی در شهر تیکان تپه (تکاب) موضوع را با ریزی و حساسیت خاصی دنبال کرده و بنا بر وظیفه ای که بر عهده دارد اقداماتی را نیز در این راستا به انجام رسانیده است که عمده آنها از طریق رایزنی با گروهها، فعالان و نهادهای سیاسی ملی و دولتی بوده است. از آنجایی که معتقدیم اکنون زمان تبلیغات طیفی و گروهی در آذربایجان نیست تا صرفاً در دنیای اینترنت به حرکات ایذایی و تبلیغاتی بپردازیم و از اصل موضوع غافل باشیم، طبق آخرین تصمیمات شورای مرکزی اقدام به نگارش نامه ای اعتراضی در خصوص موضوع بحث نموده ایم که متن نامه به گیرندگان از طریق پست و ایمیل ارسال شده است و نیز برای تئور افکار عمومی، خصوصاً فعالان حرکت ملی آذربایجان در ذیل متن آن منتشر میگردد. امید است با همدلی تمامی نیروهای سیاسی آذربایجانی بتوانیم در راه دفاع و حراست از تمامیت ارضی آذربایجان موفق و سربلند باشیم.

متن نامه اعتراضی کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان در خصوص مسائل اخیر تیکان تپه (تکاب):

وطن و سرزمین یکی از مهمترین و اساسی ترین ارکان هویتی هر ملتی محسوب می گردد که البته در برهه فعلی، سرزمین، برای منطقه غرب آذربایجان به منزله اساسی ترین رکن هویتی می باشد. همانگونه که آسیمیلاسیون فرهنگی و "زبان کشی" به بی هویتی ملی منجر می گردد، از دست دادن سرزمین و اراضی ملی و تاریخی به بحرانی بزرگتر که عواقب بس سنگین تری را بدنبال خواهد داشت می انجامد. فلسطین و قره باغ دو نمونه بارز و گویای مساله هستند که حتی کرکوک تورک نشین را نیز چنین خطراتی تهدید میکند که در همه موارد ساکنان بومی و اصلی این مناطق با نگرشهایی توأم با مهر و محبت بیش از حد و باورهای ساده انگارانه در قبال کسانی که شرف ملی آنها را هدف قرار داده اند و موزیانه و با هزارچهرگی سیاستهای پلید خود را دنبال میکنند، در نهایت

موسوی در دانشگاه اورمی که در واقع انحراف فکری این نامزد را در خصوص جغرافیا و تاریخ آذربایجان نشان می دهد. همچنین نمی توان به واگذاری امورات ستاد و تصمیم گیری ها در ستاد استانی آذربایجان غربی مربوط به محسن رضایی که کلا تبدیل به پایگاه دولتی عناصر تروریست کرد شده است را نادیده گرفت.

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان با مجموع عوامل فوق الذکر و مطالعه و بررسی کارنامه هر چهار کاندیدا در این بیانیه انتخاباتی صراحتاً اعلام می دارد که در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری ایران از هیچ کاندیدایی حمایت نکرده و شدیداً به سیاست های ضد آذربایجانی نامزد ها معترض بوده و مسئولان ستاد های منطقه غرب آذربایجان را افرادی جاه طلب و عاشق کرسی سیاسی ارزیابی می نماید. کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان انتقاد شدید خود را نیز به محدود فعالین آذربایجانی که در ستاد های انتخاباتی نامزد ها فعالیت می کنند اعلام داشته و می افزاید فعالیت منفعلانه، تبعیت بی چون و چرای، عدم توانایی تاثیر گذاری در فعالیت های تبلیغاتی و بر نامه کاندیدا های ریاست جمهوری، سکوت و عدم اعتراض آنها به تحرکات عناصر هوادار گروه های تروریستی کرد که در ستاد های انتخاباتی شهرهای غرب آذربایجان جا خوش کرده اند از دیدگاه کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان توجیه ناپذیر است.

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان

1388/3/17

گیرندگان:

پایگاه اطلاع رسانی ستاد هماهنگی حمایت های مردمی و وبلاگ شخصی دکتر محمود احمدی نژاد:

<http://www.dolategyar.ir>  
<http://www.ahmadinejad.ir>

وب سایت رسمی ستاد انتخاباتی مهندس میر حسین موسوی:  
<http://www.ghalamnews.ir>

وب سایت حزب اعتماد ملی و حامیان حجت الاسلام مهدی کربوبی:  
<http://www.etemademelli.ir>

<http://www.campaign88.com>  
<http://setadetemademell.blogspot.com>

وب سایت شخصی دکتر محسن رضایی:  
<http://www.rezaee.ir>

## باش ساغلیغی

باتی آذربایجانین قولونجو قصبه سینده یاشایایب شعرلری دیلر ازبری اولان اولان آدلیم شاعیریمیز ده ده کاتبین وفات خبری بوتون آذربایجان سنونلری کدرله ندیردی. باتی آذربایجان میلی مودافعه کمیته سی اولاراق بو آجی اولایی "ده ده کاتب" عائله سی،

تندیس و مجسمه متعلق به مفاخر آذربایجان نصب شده است که اکنون این بلاها را بر سر مردم مظلوم تیکان تپه می آورند و خوش خدمتی میکنند؟

امروز بنام وحدت اقداماتی در جریان است که در اصل از طریق اشغال نرم اراضی ملی آذربایجان و تغییر ترکیب جمعیتی بواسطه تغییر نمادهای فرهنگی منطقه، نه تنها منجر به وحدت نمیکرد بلکه به واگرایی هرچه بیشتر اکثریت منطقه از مرکز خواهد انجامید. چه فراموشکارند برخی مسئولان منطقه ایی که حوادث بدو انقلاب تا دهه قبل و جنایتهای انجام شده توسط امثال قاسملوها را از یاد برده اند و نیز چه بی اراده اند مسئولان منطقه ایی که در مقابل هر سیاستی که از فوق برایشان ارسال می گردد تسلیم محض هستند و قدرت اعتراض ندارند و نیز درود باد بر آن دسته از مسئولان مردمی و نیز مردم باشعور و فهیم و فعالان ملی منطقه و خصوصا دژ استوار تیکان تپه (تکاب) که در راه دفاع از اراضی آب و اجدادی و شرف ملی خود کوتاهی نکرده اند و چون راه حق می پیمایند در نتیجه نیز پیروز خواهند بود.

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان با اعلام انزجار از تصمیمات شورای شهر و شهرداری و نیز دیگر مسئولان و نهادهای دخیل در موضوع نصب مجسمه یک شاعر گمنام عراقی کرد زبان، دریکی از میادین اصلی شهر که به بی هویتی شهری خواهد انجامید، اعلام میدارد، چنین اقدامی موجبات دلسردی مردم تورک شیعه منطقه را فراهم خواهد نمود و آندسته از عوامل دخیل در موضوع که آگاهانه چنین طرحی را مطرح و پیگیری میکنند این اقدامشان بعنوان سند خیانت عوامل دخیل در موضوع میباشد که ریشه بر تیشه مردمان خود زده اند و روسیاهی تاریخ را برگزیده اند و البته که در موقع مقتضی مورد خشم مردم غیرتمند تیکان تپه (تکاب) و منطقه غربی آذربایجان قرار خواهند گرفت و البته که لازم و ضروری است که ناآگاهان نیز آگاه به موضوع باشند و با دیدی بازتر و نگرشی منطقه ایی سیاستهای پلید، فزون خواهانه و افراطی افراد مهاجر منطقه را بررسی کرده و به مقابله با آن بپردازند و در دستان تروریسم کرد بازیچه قرار نگیرند.

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان، بعنوان تشکلی مردمی، مذهبی و ملی با اعتقاد به تمامیت سرزمینی آذربایجان هرگونه اقدامی که موجبات لطمه دیدن عناصر هویتی منطقه را فراهم نماید را محکوم نموده و از آندسته از مسئولان دلسوز منطقه و خصوصا شخص فرماندار، شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر تکاب و نمایندگان این منطقه در مجلس شورای اسلامی و روحانیت شیعی منطقه و شخص امام جمعه تکاب میخواهد که به این بازی که ریشه در تفکرات تروریسم کرد دارد را پایان دهند و اقداماتی را انجام ندهند که موجب بروز خشم نهفته مردم گردد، بی شک چنین رفتارهایی موجبات واگرایی مردم تورک شیعه

سرزمینشان را در اشغال دشمنان تاریخی خود دیده اند و آنگاه از خواب غفلت برخاسته اند که کار از کار گذشته است.

در روزهای اخیر یکی از دژهای جنوبی منطقه غربی آذربایجان، تپه ایی که همانند خاری در چشم دشمنان تاریخی آذربایجان است، تیکان تپه (تکاب) آبتن حوادثی تامل انگیز، دردناک و خطرناک بوده است. آنچه که برای هر فرد با شعور و نه باسواد مبرهن و روشن است اینکه در طول صده معاصر همواره اکراد، این مهمانان مهاجر و زیاده خواه، جغرافیای تاریخی آذربایجان را هدف قرار داده اند تا بی هویتی جغرافیایی خود را از طریق اشغال اراضی ملی و تاریخی آذربایجان جبران نمایند، این مساله در سالیان اخیر و خصوصا پس از بقدرت رسیدن طیف موسوم به دوم خردادها در ایران که در طول هشت سال حاکمیت ایشان هرچه توانستند با اراده و تکیه بر سیاست "مهار قومی" سعی در تضعیف موقعیت جغرافیایی آذربایجان و تغییر ترکیب جمعیتی منطقه غربی آذربایجان انجام دادند و متاسفانه تروریسم کرد و اقلیت مهاجر کرد منطقه همچنان با چراغ سبزهایی که دریافت میکنند سیاست "اشغال نرم" اراضی غربی آذربایجان را با شدت فراوان اجرا میکنند.

امروز در شرایطی قرار گرفته ایم که در مقابل سیاستهای افراطی، جنگ افروزانه و زیاده خواهانه اکراد مجبور به دفاع از شرف ملی میباشیم. شرف ملی در قالب ارکان هویتی که یکی از مهمترین آنها "عناصر هویتی شهری"، که همان "اسامی راستین و واقعی منطقه و سملبهای شهری" که باید علاوه بر اینکه از فرهنگ مردمان بومی آن نشأت گرفته باشد موجبات تحریف تاریخ نگشته و خدشه دار کردن امنیت منطقه را فراهم نماید، که متاسفانه موضوع نصب مجسمه یک شاعر گمنام کرد سنی مذهب در شهری تورک نشین و دارای هویتی تورکی - شیعی که خدمات بس بزرگ را در راه اعتلای اسلام و دفاع از تمامیت ارضی منطقه در طول سالیان پس از انقلاب 57 انجام داده اند، موجبات تامل، ناراحتی و دلسردی نیروهای ملی، مذهبی و اهالی شهر را فراهم کرده است. چرا باید در شهری که 450 نفر شهید به خون خفته از بین دلاورمردان و شیرزنان آذربایجانی در راه مبارزه با دشمنان ارضی و از جمله در راه مبارزه با گروههای ضدنظام کردی، حزب دموکرات کردها، کومله، و نیز پ.ک.ک و پژاک، خون خود را تقدیم حراست و دفاع از این سرزمین کرده اند اقداماتی انجام شود که تبعات سنگین امنیتی و بحران هویتی را بدنبال خواهد داشت و چرا در شهری که اکنون نیز شاید به نسبت جمعیتش بیشترین نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی را دارد که همگی در خدمت به شیعیان جهان هستند مجسمه فردی مجهول الهویه و بیگانه نصب گردد و اعتراضی از سوی این نیروهای متعهد و ارزشی صورت نگیرد. برآستی آیا در کدام یک از شهرهای استان کردستان و مثلا در شهرهای تورک نشین بیجار، قروه و سنقر کدامین

آراسی سویه ده لابی ائتمکله آذربایجان - تورک شهرلرین کورد توپولوق لار کیمی دونیا تانتیدیرماق ، مئدییا واسیطه سی ایله کورد کوتله لری ایچره اویدورما دوشونجه لری یایماق ، نهایت سیلاح گوتوروب بشری مدنیتته ضیدد اولان تئورچولوق واسیطه سی ایله مالیخولایی آماجلا رین سونوجا چاتدیرماغا ایره لی له بیرلر .  
بولارلا یاناشی گونئی آذربایجانین سیاسیال گوجه مالیک اولماماسی هابئله فارس استعماری آلتدا یاشاماسی بو دورمو داهدا دا شیددتلندیریر .  
کوردلرله سويداش اولان فارس راسیسمی تورکلویه قارشى اولان سیاسی اساسیندا چئشیدلی یوللارلا کورد تئورچولاری دستکله ییر .  
اؤرنک اولاراق : باتی آذربایجان شهرلری نین جمعیتی ترکیبن دیشدیلمه سینده کوردلره الیندن گلن یاردیمی بله اسیرگه مه ییر ، پ.ک.ک - پزاک کیمی تئورچو قروپلارین محوینه جیددی پراتیک بیر آددیم گوتورمه ییر ، بورادا اوز ورته ن اولایلاری خبری بایکوت انده رک تورک اولان عسگرلرین شهادتینه اعتناسیزجا داوانیر ، عراقین قوزئینده یاشایان بارزانی کیمی کورد تئورچو قروپلار ایله توغرالی ایلشگی لره گیریر و ...

بو آرادا خوی شهری باتی آذربایجان اؤنملی شهرلریندن سایلاراق کورد تئورچولارین چیرکین سیاستندن مصون قالمایب گونو گونده ن فارس شوونسیمی حیمایتی ایله تئورچو قروپلارین خطرینی داهادا آرتیق حیس اندیر . بو اوزده ن بیز بیر سیرا خوی شهری نین میلی فعالی اولاراق اؤز تورک میللتیمیزین تئورچو قروپلار قارشى اویانیشین هر نه دن اوستون توتوب باتی آذربایجان میلی مودافعه کمیته سی نین خوی قولونون بارانیشین اعلان اندیریک .

خوی شهری

1388- ینجی ایل فروردین آیی

## ایجاد درگیری توسط هواداران تروریسم کورد

### در دانشگاه آزاد خوی

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان واحد خیر- خوی : بر اساس گزارش دریافتی کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان، تعدادی از دانشجویان هوادار گروه های تروریستی کورد دانشگاه آزاد خوی با ایجاد تنش در بین دانشجویان موجبات درگیری فیزیکی در این دانشگاه را فراهم آوردند. دانشجویان اقلیت مهاجر کورد به رهبری دانشجوی هوادار گروه های تروریستی کورد به نام "ایوب قربانی" اهل شهرستان سوبق بولاغ (مهباد) با آغاز بحث و جدل با دانشجویان تورک این دانشگاه موجب آغاز درگیری فیزیکی شدند که در مرحله نخست با برخورد مدنی و تحمل دانشجویان تورک پایان یافت ولی چند ساعت

منطقه از مرکز را فراهم خواهد نمود. امید است اقدامات عاجل صورت گیرد تا شاهد بروز بحران در منطقه که زمینه ها و فتنه های آن با اقداماتی اینچنینی در حال شعله ور شدن است، نباشیم.

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان  
19 فروردین 1388 مطابق با 8 آوریل 2009

گیرندگان:

آقای دکتر رحیم قربانی، استاندار آذربایجان غربی  
حجت الاسلام غلامرضا حسنی، امام جمعه اورمیه  
حجت الاسلام علی مرادی، امام جمعه تکاب  
آقای دولتی، فرماندار تکاب  
آقای جهانبخش محبی نیا، نماینده مجلس شورای اسلامی  
آقای رسول رنجبر، شهردار تکاب  
آقای حسین میکائیلی، رئیس شورای اسلامی شهر تکاب

## خوی قولو

### باتی آذربایجان میلی مودافعه کمیته سی نین خوی قولونون یارانیش بیلدیرسی

گونئی آذربایجانین باتی بؤلگه سی اسکی لردن بری تورک اولوسونون اؤزگون دوغما یوردو اولویدوربو توپراق تاریخ بویو تکجه تورک مدنیتینده دیبل بل اینسانلیق توپلومونون گلشمه سینده اویقارلیق یارادان اوجاق لارین ایلك بشیگی سایلاراق تورک کولتورونون زنگینلینگینده تمل اؤنمه مالیک اولوب اؤزه ل ژئو ایستراتژیک دورومونا خاطر تاریخین چئشیدلی انوره لرینده یابانجی ائللرین سالدیریجی باخیش لارینا معروض قالیب دیر بو سالدیریجی باخیش لار آذربایجان تاریخینده ایلك توپولوق لار یارانان دان بری زامانیمیزا قدر توپراق داعواسی کیمی داوام ائتمکده دیر اسکی دؤورانلاردا باتی آذربایجاندا یاشایان تورک بودونلاری نین دوشمان طینت لی قونشولاری ، آسوری لری ، آریایی لری ایله اثرمنی لری اولسایدی بو گون ایسه کورد تئورچو هؤرگوتلرین بو توپراغین تورکلویونه قارشى طاماحکار دوشونجه لری دیر .

بو تئورچو هؤرگوتلرین یارانیشلاریندن بری ائتدیکلری چالیشمالار چئشیدلی یؤنلردن ایره لی سوروله رک باتی آذربایجان توپراغینا اولان سالدیریجی باخیشلارین آیدینجا سینا گؤستمک ده دیر بو تئورچو هؤرگوتلرین یانلیش تاریخ یازماقلا اویدورما تاریخ یارتماق ، باتی آذربایجان شهرلری نین جمعیتی ترکیبینی ده بیشدیره رک اولوس لار

## شکست قطعی دانشجویان هوادار تروریسم کرد در انتخابات شورای صنفی دانشگاه اورمی

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان واحد خبر - اورمی: بر اساس گزارشات ارسال شده به کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان علی رغم تدارکات گسترده ی دانشجویان اقلیت مهاجر کرد برای بدست گرفتن شورای صنفی دانشگاه اورمی این توطئه به دست دانشجویان هویت طلب آذربایجانی خنثی شد. این گزارش می افزاید دانشجویان اقلیت مهاجر کرد که رهبری آن ها را تعدادی از دانشجویان هوادار گروه های تروریستی کرد بر عهده دارند برای بدست گرفتن بخشی از قدرت اجرایی دانشگاه تلاش گسترده ای را آغاز کرده بودند. این دانشجویان با تشکیل دو ائتلاف "نامانج" و "باران" تلاش کردند با سو استفاده از سیاست بومی سازی دانشگاه ها که موجب افزایش تعداد دانشجویان اقلیت مهاجر کرد در دانشگاه اورمی شده است، قدرت شورای صنفی را قبضه نمایند. این عمل علی رغم کارکرد ضعیف شوراهای صنفی می توانست در پی فعالیت های به ظاهر فرهنگی دانشجویان هوادار تروریسم کرد بار روانی فراوانی داشته باشد

در پی این گزارش آمده است، دانشجویان هویت طلب دانشگاه اورمی با هوشیاری کامل از فعالیت های دانشجویان هوادار گروه های تروریستی کرد در این عرصه نیز بصورت تحسین برانگیزی وارد عمل شده و با تبلیغات هویت طلبانه اکثریت رای دانشجویان دانشگاه اورمی را کسب نمایند.

دانشجویان هویت طلب آذربایجانی با تشکیل دو ائتلاف "آراز" (در داخل دانشکده ها) و "یاشیل" (در داخل خوابگاهها) به افشای ماهیت دانشجویان هوادار گروه های تروریستی کرد پرداخته و بار دیگر ثابت نمودند که علی رغم تبلیغات گسترده گروه های تروریستی کرد، ملت ترک آذربایجان در اکثریت کامل قرار دارد. متأسفانه دانشجویان هوادار گروه های تروریستی کرد در اقدامی غیر مدنی و بدور از شان دانشگاه و دانشجو موجبات تنش و اغتشاش را در روز انتخابات در برخی از دانشکده ها فراهم آوردند که با مقاومت و روحیه مدنی دانشجویان هویت طلب آذربایجانی این تنش پایان یافت.

لازم به ذکر است بنا به آخرین اخبار رسیده، دانشجویان هویت طلب آذربایجانی این پیروزی را در خوابگاهها جشن گرفته و اقدام به پخش شیرینی نمودند.

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان این پیروزی را به دانشجویان هویت طلب آذربایجانی و جنبش دانشجویی آذربایجان تبریک می گوید.

بعد دانشجوی یاد شده برای دومین بار و با تحریک چند دانشجوی کرد دیگر درگیری شدیدی را آغاز نمودند که در نهایت با زخمی شدن همین دانشجوی افراطی هوادار گروه های تروریستی کرد و دخالت انتظامات و حراست دانشگاه پایان یافته و فرد مورد نظر به بیمارستان منتقل گردید. این درگیری که روز یکشنبه پنجم آبان ماه بین در داخل دانشگاه آزاد خوی به وقوع پیوسته با شکایت "ایوب قربانی" که دارای پرونده های متعددی در حراست دانشگاه نیز می باشد ابعاد گسترده تری به خود گرفته و با توجه به اینکه درگیری در داخل دانشگاه صورت گرفته بر خلاف عرف معمول پرونده قضایی دانشجویی به نام "عطا مرتضی زاده" اهل اورمی در پاسگاه سیزده نیروی انتظامی شهرستان خوی مراحل قانونی خود را جهت ارجاع به مقامات قضایی طی می نماید حراست و کمیته انضباطی دانشگاه آزاد خوی نیز با احضار پنج تن از دانشجویان تورک این دانشگاه چگونگی آغاز این درگیری را مورد بررسی قرار داده است. فعالیت های علنی عناصر دانشجویی گروه های تروریستی کرد در سطح دانشگاه ها و خوابگاه ها و چشم پوشی حراست دانشگاه و متعاقب آن احضار دانشجویان هویت طلب آذربایجانی جهت مواخذه اعتراض دانشجویان دانشگاه خوی را در پی داشته است. لازم به یاد آوری است که تنها چند روز پیش منطقه "جهنم دره سی" شاهد کشتار تعداد قابل توجهی از نیروهای دولتی توسط گروه تروریستی پژاک بود و شاخه های دانشجویی این گروه های تروریستی به راحتی و در مقابل مقامات دانشگاه ها به فعالیت های به ظاهر فرهنگی می پردازند که این فعالیت ها عملاً تبدیل به کانل جذب نیرو برای گروه های تروریستی شده است. کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان چندین بار با افشا ماهیت این محافل دانشجویی مرتبط با گروه های تروریستی موجب از هم پاشیدن آنها گردیده ولی چرا مقامات دانشجویی و دانشگاه های منطقه غرب آذربایجان در مقابل فعالیت های دانشجویان هوادار گروه های تروریستی سکوت کرده و به جای آن با دانشجویان هویت طلب آذربایجانی که به این فعالیت ها اعتراض می کنند بر خورد می نمایند، قابل تامل است!!!

## خبر لر و گزارش لر

## حماسه پرشور دانشجویان دانشگاه اورمیہ در مقابله با تحركات تروریسم کرد

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان - واحد خبر 23 اردیبهشت 88: بر حسب گزارشات ارسال شده به کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان در پی اهانت نژاد پرستانه دکتر ثباتیان (استاد کرد رشته فیزیک دانشگاه اورمیہ که سابقه چندین ساله در هواداری از گروه تروریستی پ.ک.ک. دارد) و معرفی منطقه غرب آذربایجان به عنوان بخشی از کردستان، دانشجویان دانشگاه اورمیہ در حرکتی پرشور و حماسی اعتراض خود را به استاد هوادار گروه های تروریستی کرد و تحركات نظامی اخیر گروه های تروریستی اعلام داشته و این استاد را مجبور به عذر خواهی در مقابل دانشجویان کردند.

گزارش ارسال شده می افزاید، عصر روز سه شنبه بیست و دوم اردیبهشت تعدادی از دانشجویان ترک دانشگاه نازلی اورمیہ برای اخذ نمرات خود در اتاق دکتر ثباتیان حاضر می شوند که استاد مذکور با کلماتی توهین آلود و نژاد پرستانه ملت ترک را خطاب قرار می دهد که منجر بحث بین دانشجویان و استاد می گردد، با انتشار خبر در سطح دانشگاه، صبح روز چهارشنبه بیست و سوم اردیبهشت قریب به 200 نفر از دانشجویان آذربایجانی در سالن دانشکده علوم تحصن کرده و با شعار های یاشاسین آذربایجان و "استاد خاطی اخراج باید گردد" خواستار اخراج دکتر ثباتیان از عضویت هیئت علمی دانشگاه شدند. با گذشت یک ساعت از آغاز تحصن تعداد دانشجویان به بیش از 600 نفر رسیده و تحصن دانشجویان در محاصره نیروهای لباس شخصی که از خارج دانشگاه آمده بودند در آمده و دانشجویان معترض توسط این نیروهای لباس شخصی مورد تهدید قرار گرفتند. بعد از اینکه دانشجویان متحصن اعتراضات خود را متوجه مامورین لباس شخصی کردند. اعتراضات با آمدن رئیس حراست دانشگاه (مهندس جهانبخش) شدت بیشتری به خود گرفته و دانشجویان متحصن با خواندن بیانیه ای خواستار برخورد مسئولین با استاد خاطی شدند، چند ساعت بعد دکتر ثباتیان در حالی که کنترل روانی خود را از دست داده بود با همراهی چند تن از مسئولین دانشگاه در بین دانشجویان متحصن حاضر شده و از گفته خود عذر خواهی کرد که با هو کردن دانشجویان مجبور به ترک محل گردید و متعاقب آن مسئولین دانشگاه نازلی اورمیہ از طرف استاد هوادار گروه های تروریستی کرد از دانشجویان متحصن عذر خواهی کردند ولی مهندس جهانبخش (مسئول حراست دانشگاه اورمیہ که سابقه تاریکی در بازداشت و تحویل دانشجویان جنبش دانشجویی آذربایجان به اداره اطلاعات دارد) با حضور در محل تحصن، دانشجویان معترض را تهدید

کرد که در صورت انتشار خبر تحصن بازداشت خواهند شد و با جسارتی ضد ملی اعلام کرد که خود شخصا اقدام به این کار خواهد نمود. در ادامه گزارش ارسال شده آمده است حرکت اعتراضی و پرشور دانشجویان دانشگاه اورمیہ بواسطه پیام های کوتاه تلفن همراه به سرعت توسط فعالین حرکت ملی آذربایجان در سطح شهر اورمیہ پخش گردید. کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان حرکت پرشور و حماسی دانشجویان دانشگاه اورمیہ در مقابله با عناصر هوادار گروه های تروریستی کرد را به جنبش دانشجویی آذربایجان تبریک گفته و حمایت کامل خود را از اعتراضات دانشجویی اعلام می دارد.

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان بارها مراتب نگرانی خود را از نفوذ عناصر دانشجویی و افراد به ظاهر استاد دانشگاه هوادار گروه های تروریستی کرد در دانشگاه های غرب آذربایجان را اعلام داشته است، ولی سیاست های تفرقه افکنانه و شبهه آلود شوونیسم فارس در این مسئله فعالین ملی و ملت آذربایجان را مجبور به حرکت های اعتراضی نموده است. کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان به افرادی همچو مهندس جهانبخش (مسئول حراست دانشگاه اورمیہ) هشدار جدی می دهد در حالی که در روزهای اخیر گروه تروریستی پژاک سربازان و افسران ترک را در منطقه غرب آذربایجان به شهادت رسانده و منطقه را به جهنمی واقعی تبدیل کرده رفتار غیر ملی و عملکرد این عناصر ضد ملی را به دقت تحت نظر داشته و یاد آور می شود که آنها در مقابل ملت آذربایجان پاسخگو خواهند بود.

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان

1388/2/23

### اعتراف روزنامه محافظه کار کیهان

#### اعتراف روزنامه محافظه کار کیهان به وجود توطئه علیه

#### اراضی تاریخی آذربایجان

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان - واحد خبر: روزنامه محافظه کار کیهان در شماره پنجم بهمن ماه خود با درج مطلبی به عنوان "نقشه مجهول" به وجود توطئه خزنده گروه های تروریستی کرد بر علیه اراضی تاریخی آذربایجان اعتراف کرد، این مطلب در هفته نامه سینا چاپ همدمان نیز تجدید چاپ گردید. جریان محافظه کار حاکمیت ایران، فعالین حرکت ملی آذربایجان را بارها به اختلاف افکنی در بین اقوام ایرانی متهم کرده است، اما تاکنون در مورد نقشه های شوم تروریسم کرد بر علیه سرزمین آذربایجان و فعالیت گروه های تروریستی کرد در خاک ایران بر علیه منافع ملی ملت آذربایجان هیچ سخنی به میان نیاورده بودند. اعتراف روزنامه محافظه کار کیهان اتهامات کذایی وارده بر

فعالین حرکت ملی را زیر سوال می برد. باشد که روزی جریان های سیاسی ایران از جمله جناح اصلاح طلب حاکمیت ایران به اشتباهات تاریخی خود در مورد استفاده از گروه های تروریستی کرد بر علیه ملت آذربایجان اعتراف صریح کنند

متن مطلب روزنامه کیهان بدون سانسور تقدیم خوانندگان گرامی می شود:

### نقشه مجعول!

آذربایجان غربی که از استانهای استراتژیک میهن اسلامیمان محسوب می شود، از سالهای بعد از انقلاب تاکنون همواره سنگر مقدم دفاع از ارزشهای ایران اسلامی و البته کانون اصلی طمع ورزیهای مزدوران بوده است. هرچند در دهه اول انقلاب با مجاهدتهای سرداران رشید اسلام و تلاشهای پیگیرانه سربازان گمنام امام زمان این غائله تا سالهای 80 فروکش کرد، اما متعاقب حمله آمریکا به عراق مجدداً تحرکاتی همه جانبه در سطح این استان و در دو بعد نرم و سخت افزاری به وقوع پیوسته است که متأسفانه چنین به ذهن متبادر می گردد که مسئولان امنیتی کشور و استان نیز ظاهراً توجه چندان دقیقی به ابعاد خطرناک آن نکرده اند.

تغییر جغرافیای سیاسی استان و سندسازی برای این مهم، توطئه خرنده ای است که سابقه آن حداقل به 9 سال قبل بازمی گردد و جالب توجه آنکه، این توطئه خرنده معمولاً با عناوین دانشگاهی و آکادمیک تمامیت ارضی کشور را نشانه گرفته است. اولین عنوان تحقیقاتی از این دست جغرافیای طبیعی حوضه آبریز موکریان بود که هر چند اعتراضاتی را نیز در سطح آذربایجان شرقی و غربی برانگیخت اما عملاً با اغماض مسئولان به فراموشی سپرده شد.

دومین تلاش در سال 1385 به وقوع پیوست. نقشه ای رنگی که شخصی که گویا دانش آموخته دانشگاههای تبریز و تهران! است مبادرت به تهیه آن کرده بود و در آن تحت لوای نقشه گردشگری شهرستان مهاباد که در آن اقدام به تغییر نامهای ثبت شده روستاها و اماکن مختلف کرده است، عملاً اهداف سیاسی و تجزیه طلبانه را تایید می کرد. نقشه ای با مضامین سیاسی و ضدانقلابی و قومیت طلبانه که در مقیاس وسیعی نیز منتشر شده بود که دوباره با اغماض مسئولان مواجه شد.

این چشم پوشی ها اکنون با گستاخی آشکارتری جامه عمل به خود پوشیده است و آن هم انتشار نقشه دیگری است با ابعاد بزرگ و تمام رنگی! و با سه زبان فارسی و انگلیسی و کردی عراقی که همان اهداف را با قدرت بیشتری پیگیری می کند. عنوان این نقشه، نقشه سیاسی و دموگرافیکی مکرران کوردستان است که در بالای آن نقشه مجعول کردستان بزرگ نقش بسته است و در گوشه پایینی آن لوگوی انستیتوی کرد در سوئد در جایگاه تایید علمی آنرا تایید کرده است. جالب توجه

آنکه این مرکز در سوئد با حزب تروریست پژاک و پ ک ک ارتباط مستقیم دارد. این نقشه حاوی آمار مجعول و مزورانه ای در جنوب این استان بوده و سعی کرده است در راستای برجسته کردن میزان جمعیت برادران و خواهران کرد تا آذریهای ساکن این استان زمینه را برای زیاده خواهیهای مزدوران داخلی مهیا کند و تا جایی پیش رفته است که با مرزبندی ساختگی و مجعول تمامی روستاهای جنوب این استان را نیز جزو قلمرو سرزمینی غیر آذریها قلمداد کرده است. در این راستا تهیه کننده این نقشه که همان تهیه کننده نقشه قبل است به رغم خود به تصحیح اسامی روستاهایی نیز مبادرت ورزیده است که اسامی آنها یکدست و تصحیح شده اند. نگاهی کلی به این نقشه هر بیننده ای را به این عقیده مجاب می کند که این کار کاملاً سیاسی و به صورت گروهی بوده که از تکنیکهای پیشرفته ای بهره گرفته است که فرض اصلی و حتمی نویسنده را تقویت می کند و آن هجمه وسیعی است که گروههای تجزیه طلب و در رأس آن پژاک با استفاده از مزدوران و وابستگان داخلی خود زمینه آن را هرچه بیشتر تقویت می کنند.

اورمیة - احمدعلی کریمی

<http://www.kayhannews.ir/Detail.aspx?cid=5473>

## ویژه نامه نشریه توپراق، شاخه قوشاچای

### منتشر شد

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان - واحد خبر: ویژه نامه نشریه توپراق ارگان رسمی کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان، شاخه قوشاچای، منتشر و در شهرهای مختلف غرب آذربایجان توزیع گردید. ویژه نامه شاخه قوشاچایی با مطالب متنوعی همچون: ریشه شناسی و وجه تسمیه قوشاچای، اکراد در گذر زمان، اخبار قوشاچای، مصاحبه، بیانیه اعلام موجودیت شاخه قوشاچای، قوشاچای از دوران باستان تا دوره صفویان، باتی آذربایجانین دورومو و تاکتیکلر، به کندی کاش در رابطه با مسئله تروریسم در غرب آذربایجان پرداخته است. ویژه نامه نشریه توپراق - شاخه قوشاچایی بعد از ویژه نامه شاخه سولدوز دومین ویژه نامه منطقه ای کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان است که منتشر می شود. با توجه به مطالب مندرج در نشریات توپراق و ویژه نامه های آن استقبال مردم از این نشریه قابل توجه است. علاقمندان به مطالعه و تکثیر و توزیع دوباره نشریه توپراق - ویژه نامه شاخه قوشاچای که به اصل نشریه دسترسی نیافته اند می توانند فایل آن را از سایت دانلود نمایند.



## فرست طلبی نماینده سویوق بولاق

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان - واحد خیر - سولدوز تیرماه 1388: بنا بر اخبار واصله به کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان شاخه سولدوز، محمودزاده نماینده مردم سویوق بولاق (مهآباد) در مجلس شورای اسلامی ایران در این روزهای بحرانی و حساس ایران و مسائل پیش آمده پس از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و با سواستفاده از وضعیت موجود و غفلت نمایندگان تورک شدیداً بدنبال جلب آرای برخی نمایندگان مجلس جهت حمایت آن نمایندگان از تشکیل استانی با عنوان موکریان به مرکزیت سویوق بولاق (مهآباد) در نیمه جنوبی استان آذربایجان غربی است. در همین راستا محمودزاده در نطق پیش از دستور در مجلس با مطلبی تحت عنوان "ایران سهمی خاص نیست" موضوع تجزیه اراضی ملی آذربایجان و تشکیل استانی به مرکزیت سویوق بولاق (مهآباد) را مطرح کرده است. شایان ذکر است اقلیت مهاجر کرد استان آذربایجان غربی در سالیان اخیر بر تلاشهای خود در زمینه تشکیل استان موکریان افزوده اند و در ماههای اخیر نیز با چراغ سبز استانداری آذربایجان غربی و مساعدتهای لابی شویونیزم فارس در بین لایه های حاکمیت اکراد مهاجر نامهای تاریخی بسیاری از مناطق و اماکن و اسامی جغرافیایی را از ریشه های اصیل ترکی به نام معمول موکریان تبدیل کرده اند.

## درگیری شدید و خونین اهالی تورک روستای خانقاه سرخ اورمیه با اکراد مهاجر و نیروی انتظامی

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان - واحد خیر - اورمیه: براساس گزارشات رسیده به کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان در پی درگیری مردم روستای خانقاه سرخ اورمیه (قیزیل خانیه) واقع در 30 کیلومتری اورمیه با تعدادی از عناصر مهاجر کورد و دخالت یگان ویژه نیروی انتظامی تعداد زیادی از اهالی این روستا زخمی و بازداشت شدند. این گزارش حاکی است فردی بنام حاج عبدالله نوحی از عناصر مرتبط با مافیای قاچاق مواد مخدر گروههای تروریستی کورد که در حومه روستای خانقاه سرخ اورمیه اقدام به ساختن کارخانه شن و ماسه کرده است تلاش نموده با بسیج اکراد مهاجر ساکن در این روستا جهت انتقال آب مصرفی کارخانه خود به حفر کانال در اراضی روستاییان اقدام کند که این عمل غیر قانونی وی با اعتراضات مردمی روبرو گردید که با دخالت اکراد مهاجر ساکن در منطقه درگیری گسترش یافته و با کمال تاسف نیروی انتظامی به جای حمایت از اهالی روستا به صورت کاملاً

غیرقانونی به خاطر نفوذ اداری و مالی صاحب کارخانه (حاج عبدالله نوحی که خود نیز از اکراد مهاجر می باشد) طرفداری کرده و اهالی معترض را با ضربات باتوم متفرق می کنند.

در پی عکس العمل ناشیانه نیروی انتظامی و با دخالت بیشتر اهالی نیروی یگان ویژه وارد درگیری شده و با بستن جاده اورمیه - سلماس معترضین را هدف گلوله قرار می دهد که در نتیجه آن 20 نفر از اهالی زخمی می شوند که 13 نفر از زخمی ها در بهداری نوشین شهر (کارخانه قند) تحت مداوا قرار گرفته و 7 نفر به دلیل شدت جراحات به بیمارستان امام خمینی انتقال یافته اند که تحت کنترل شدید نیروهای امنیتی قرار دارند آخرین گزارش از این حادثه حاکی است 30 نفر جوانان تورک روستای خانقاه سرخ (قیزیل خانیه) که از تورک های سنی غرب آذربایجان هستند بازداشت و به دایره اطلاعات نیروی انتظامی اورمیه منتقل شده اند و جاده استراتژیک اورمیه - سلماس بعد از 3 ساعت بار دیگر بازگشایی شده و منطقه تحت کنترل شدید یگان ویژه نیروی انتظامی قرار داشته و از ورود و خروج اهالی این روستا ممانعت به عمل می آید.

لازم به ذکر است بنابه تحقیقات کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان حاج عبدالله نوحی خود از عناصر موثر مافیای قاچاق مواد مخدر گروههای تروریستی کورد می باشد که در روستای کوردنشین "کوسه احمد" و "امام کندی" که محل تجمع گروههای تروریستی پ ک ک می باشد نفوذ چشمگیری دارد.

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان برخورد خشونت آمیز نیروی انتظامی را با اهالی تورک سنی خانقاه سرخ (قیزیل خانیه) به شدت محکوم کرده و خواهان آزادی تمامی بازداشت شدگان این حادثه می باشد.

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان بارها در مورد مافیای قاچاق مواد مخدر گروههای تروریستی کورد هشدار داده و درمورد حاج عبدالله نوحی نیز اطلاعات لازم را افشا خواهد نمود.

## گزارش تکمیلی کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان از حادثه خونین روستای خانقاه سرخ (قیزیل خانیه) اورمیه و افشای ماهیت عامل اصلی حادثه

موقعیت جغرافیایی:

روستای خانقاه سرخ (قیزیل خانیه) در 30 کیلومتری اورمیه در حاشیه جاده اورمیه - سلماس واقع گردیده و اهالی آن اکثراً از تورک های سنی غرب آذربایجان می باشند که با باغداری، گاوداری و کار در کارخانجات صنایع تولیدی منطقه گذران زندگی می کنند. در دهه

گشته و انتقال آب به کارگاه شن و ماسه حاج عبدالله نوحی متوقف شده است ولی منطقه همچنان تحت کنترل نیروها لباس شخصی قرار دارد.

حاج عبدالله نوحی عامل اصلی حادثه خونین کیست؟

حاج عبدالله نوحی فردی 70 ساله از اهالی روستای "تام تاما" واقع در 20 کیلومتری جاده اورمیه - سرو و صاحب کارخانه بزرگ شن و ماسه نازلی چایی (جنب دانشگاه نازلی اورمیه) می باشد. وی دارای 5 همسر و 7 فرزند ذکور می باشد و با برادران خود ظاهراً سرپرستی این کارخانه و خرید اراضی منطقه را بر عهده دارد. او در سال های اخیراً صد ها هکتار از اراضی حوالی اورمیه را خریداری کرده است. بر اساس تحقیقات کمیته مردمی دفاع از غربی آذربایجان حاج عبدالله نوحی که 15 سال قبل فردی کشاورز بوده به همراه فرزندان خود به کار قاچاق مواد مخدر به کشور ترکیه مشغول شده و توانسته پول کلانی را از این راه به دست آورد و بعد از آن نیز کارخانه شن و ماسه را خریداری و با اخراج تمامی کارگران ترک این کارخانه مهاجرین اقلیت کرد منطقه را وارد کار کرده است.

فرزندان حاج عبدالله نوحی از حامیان مالی و اصلی دانشجویان کرد هوادار گروه های تروریستی کرد در دانشگاه نازلی اورمیه محسوب و به گفته منابع موثق کمک های مالی حاج عبدالله به حامیان سیاسی گروه های تروریستی در شهر اورمیه بر کسی پوشیده نیست. وی رابطه بسیار نزدیکی که با عابد فتاحی و خدیجه منصوری و شهره شیرزاد (نوه اسماعیل سیمکو) در شورای شهر اورمیه دارد.

حاج عبدالله نوحی در زمانی که به کار قاچاق مواد مخدر مشغول بود در خدمت فردی بسیار خطرناک و از سران مافیای قاچاق مواد مخدر در غرب آذربایجان به نام گاگارین (نوه اسماعیل سیمکو) بوده و گفته می شود خرید اراضی زمین در منطقه و کمک به جریان های سیاسی کرد را به دستور وی انجام می دهد. حاج عبدالله نوحی و برادرانش چندین بار در روستای "تام تاما" پذیرای عناصر تروریست پ ک ک بوده و در مراسم عروسی یکی از فرزندان وی پرچم کردستان بزرگ افراشته شده بود.

جمع بندی:

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان بارها در مورد فعالیت های شبکه وار و پنهانی مافیای خرید زمین و قاچاق مواد مخدر عناصر تروریست کرد در غرب آذربایجان هشدار داده و وجود این مافیا را خطرناک تر از تحركات تروریستی ارزیابی کرده است. عناصر اقلیت مهاجر کرد منطقه غرب آذربایجان با هدایت سازماندهی شده گروه های تروریستی کرد به کار قاچاق مواد مخدر و... مشغول و به سرمایه داران کلان منطقه تبدیل شده و رل اساسی را در سیاست خطرناک تغییر ترکیب جمعیتی با انتقال آرام مهاجرین کرد و خرید زمین بازی می کنند.

گذشته تعدادی از مهاجرین کرد نیز در این روستا ساکن گردیده اند که منجر به درگیری های مختلف با اهالی شده است.

چگونگی آغاز حادثه:

فردی به نام حاج عبدالله نوحی که از اکراد مهاجر به غرب آذربایجان می باشد در نزدیکی روستای خانقاه سرخ (قیزیل خانیه) با خرید زمین اقدام به راه اندازی کارگاه شن و ماسه نموده که از بدو تاسیس آن با اهالی روستا بر سر آب مصرفی کارگاه که از آب کشاورزی و شرب منطقه استفاده می کند اختلاف داشته است. اما فرد ذکر شده با سو استفاده از ارتباطات اداری و پرداخت رشوه های کلان توانسته بر خلاف نظر کارشناسان مجوز برداشت آب را کسب نماید و اعتراضات قانونی روستائیان نیز ره به جایی نبرده است.

صبح روز سه شنبه مورخه 24 دی ماه کارگران کرد حاج عبدالله نوحی برای ایجاد کانال انتقال آب که از اراضی و باغات روستائیان عبور می کند مشغول به کار می شوند که با اعتراض و مقاومت صاحبان باغات روبرو شده و کارگران حاج عبدالله نوحی معترضین را مورد ضرب و شتم قرار می دهند. با تجمع اهالی روستا و حضور ماموران پاسگاه انتظامی نوشین شهر (کارخانه قند که در 5 کیلومتری خانقاه سرخ قرار گرفته) درگیری گسترده تر شده و به دلیل عدم کنترل اوضاع از پاسگاه امام کندی نیرو جدیدی اعزام می گردد.

به دلیل نفوذ حاج عبدالله نوحی در بین اکراد مهاجر منطقه تعداد زیادی از اکراد مهاجر روستا های "کوسه احمد" و "امام کندی" که کرد نشین می باشند به اهالی روستای خانقاه سرخ حمله شده و درگیری بسیار شدید و گسترده تر می گردد. حوالی ساعت یازده صبح نیروی گارد ویژه ضد شورش از شهر اورمیه به محل حادثه اعزام و با بستن جاده اورمیه - سلماس و محاصره منطقه مردم روستای خانقاه سرخ را بشدت مورد ضرب و شتم قرار می دهند. مردم معترض نیز اتومبیل های ماموران را با سنگ مورد هدف قرار داده و در نهایت نیروی های ضد شورش با تیراندازی به سوی مردم و زخمی کردن بسیاری از آنها به تجمع و درگیری پایان داده و با جستجوی خانه به خانه شروع به بازداشت مردان این روستا می نمایند. در عملیات بازداشت زنان و مادرانی که در مقابل ماموران مقاومت می کردند به شدت از سوی پلیس ضد شورش مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند. در اثر تیراندازی پلیس ضد شورش بیست نفر از اهالی زخمی شدند که هفت نفر آنها در بیمارستان امام خمینی اورمیه بستری می باشند. حوالی ساعت 4 بعد ظهر جاده اورمیه - سلماس بازگشایی ولی اما روستای خانقاه سرخ (قیزیل خانیه) در محاصر نیروهای امنیتی بوده و از ورود و خروج اهالی آن جلو گیری به عمل می آمد.

بر اساس آخرین خبر های رسیده به کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان از صبح روز چهارشنبه 25 دی حالت عادی به منطقه باز

حرفه ای و خشونت آمیز نیروی انتظامی در برخورد اصولی با معضلات مردم می باشد.

این حادثه غم بار و خبر های نگران کننده از تحرکات عناصر مافیای تروریسم کرد در روستای خانقاه سرخ (قیزیل خانیه) اورمیة احساسات مردم غرب آذربایجان را به شدت جریحه دار کرده و ملت آذربایجان خواهان برخورد جدی با عاملین این حادثه می باشند.

طی تحقیقات به عمل آمده از سوی کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان عوامل و عناصر مختلفی در به وجود آمدن این حادثه نقش داشته است ولی برخی ادارات و منصوبان دولتی و امنیتی نقش مستقیمی در به وجود آمدن حادثه خون بار روستای خانقاه سرخ (قیزیل خانیه) و تیر اندازی به سوی مردم معترض دارند که امید می رود مسئولان و مقامات استانی و قضایی در راستای دفاع از حقوق شهروندی مردم به وظیفه خود عمل نمایند. با آنکه به دلیل وضعیت اسفبار نهاد قضایی ایران امید به این امر بسیار ضعیف است اما ملت آذربایجان نقش و نام عاملین این حادثه را در حافظه خواهند داشت. کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان اسامی افراد مسبب این حادثه را به شرح زیر اعلام می نماید:

1- مدیر کل اداره منابع طبیعی استان آذربایجان غربی به دلیل صدور مجوز غیر کارشناسی و غیر قانونی جهت برداشت از منابع آبی منطقه به خاطر ارتباط مالی با حاج عبدالله نوحی از سران مافیای قاچاق مواد مخدر.

2- حاج عبدالله نوحی از سران مافیای قاچاق مواد مخدر در غرب آذربایجان.

3- سردار کرمی فرمانده نیروی انتظامی استان آذربایجان غربی به دلیل سستی در امر نظارت به عملکرد نیروی ضد شورش.

4- قاضی محمدی رئیس دادگاه شعبه نوشتن شهر (کارخانه قند) به دلیل عدم توجه به اعتراضات مردم منطقه و صدور مجوز حفر کانل به دلایل نامعلوم و ارتباط دوستی با یکی از سران مافیای قاچاق مواد مخدر.

5- سروان یوسف محمدی فام فرمانده پاسگاه انتظامی نوشتن شهر (کارخانه قند) به دلیل دستور شلیک مستقیم به معترضین.

آخرین گزارشات از محل حادثه حاکی است که ماموران لباس شخصی همچنان به بازداشت اهالی که پلاک اتومبیلشان در روز حادثه توسط نیروی انتظامی کنده شده ادامه داده و آنها را به پاسگاه نوشتن شهر منتقل می نمایند. همچنین اهالی روستای خانقاه سرخ (قیزیل خانیه) با تنظیم شکوائیه ای به رهبری ایران، رئیس جمهور و استاندار آذربایجان غربی خواستار برخورد با عوامل سرکوب این حادثه و عناصر تروریسم کرد فعال در منطقه غرب آذربایجان شده اند.

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان 1387 / 10 / 26

در این راستا سیاست های پنهان و آشکار شوونیسم فارس نیز پشتوانه بزرگی برای این عناصر پدید می آورد. متأسفانه مقامات بومی و ترک منطقه که مسئول اول دفاع از هویت و دارایی های ملی آذربایجان می باشند با وقاحت تمام و به خاطر منافع مالی و قدرتی خود سیاست شوونیسم فارس در حمایت از عناصر تروریست کرد در منطقه غرب آذربایجان را به دیده اغماض نگرسته و بر روند خطرناک تغییر ترکیب جمعیتی و خرید اراضی ملی آذربایجان چشم می بندند.

در حادثه خونین روستای خانقاه سرخ (قیزیل خانیه) برخورد خشونت آمیز نیروهای انتظامی و ضد شورش به خصوص فرمانده پاسگاه انتظامی نوشین شهر به نام سروان فام با مردم عادی آنها به خاطر منافع یکی از سران مافیای قاچاق مواد مخدر گروه های تروریستی کرد غرب آذربایجان جای سوال و تعجب داشته و مقامات استانی می بایست پاسخگوی عملکرد غیر حرفه ای ماموران انتظامی در ضرب و شتم و تیراندازی به سوی زنان و کودکان باشند.

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان بار دیگر حمایت کامل خود را از برادران ترک سنی در روستای خانقاه سرخ (قیزیل خانیه) اعلام و برخورد خشونت آمیز و توهین آمیز نیروهای دولتی را بر علیه مردم شخصی را بشدت محکوم و خواهان آزادی زخمی شدگان و بازداشتیان این حادثه خونین می باشد.

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان باور دارد توییح و محاکمه عاملین و مسبب تیراندازی به سوی مردم روستای خانقاه سرخ (قیزیل خانیه) و برخورد جدی با عناصر هوادار گروه های تروریستی کرد در منطقه غرب آذربایجان از تکرار این گونه حوادث خونین و رشد تروریسم در منطقه جلوگیری خواهد کرد.

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان

1387 / 10 / 25

## اسامی برخی از عوامل موثر در حادثه خونین روستای خانقاه سرخ اورمیة

حوادث خونین چند روز گذشته روستای خانقاه سرخ (قیزیل خانیه) اورمیة که بسیاری از معترضین و زنان و کودکان بی دفاع این روستا توسط گارد ویژه نیروی انتظامی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و بیش از 20 زخمی و 40 بازداشتی بر جای گذشته نتیجه سیاست های هدفدار و ضد آذربایجان شوونیسم فارس می باشد که با حمایت های پنهانی و آشکار از عناصر هوا دار گروه های تروریستی کرد و مافیای قاچاق مواد مخدر و خرید زمین حامی این گروه ها و حاصل عملکرد غلط و غیر

## حضور نماینده امام جمعه اورمیه و نمایندگان مجلس در روستای خانقاه سرخ (قیزیل خانیه) اورمیه

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان واحد خبر - اورمیه: متعاقب افشاگری، پوشش خبری و ارسال نامه های اعتراض آمیز کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان به امام جمعه و نمایندگان مردم اورمیه در مجلس شورای اسلامی در مورد حوادث خونین روستای خانقاه سرخ (قیزیل خانیه) اورمیه نماینده امام جمعه اورمیه و دو تن از نمایندگان مردم اورمیه در مجلس شورای اسلامی (نادر قاضی پور و سید سلیمان ذاکر) با حضور در این روستا با مردم آسیب دیده و خانواده زخمی ها و بازدید شدگان دیدار و گفتگو کردند. در این دیدار اهالی روستا با اعتراض به فعالیت های افرادی مانند حاج عبدالله نوحی که از سران مافیای قاچاق مواد مخدر تروریسم کرد در منطقه به شمار می رود، حمایت ارگان های دولتی از این افراد را تعجب آور دانسته و خواستار احقاق حقوق خود و آزادی بازدید شدگان گردیدند.

در تحولی دیگر سروان یوسف محمدی فام فرمانده پاسگاه انتظامی نوشین شهر (کارخانه قند) که نقش عمده ای در حوادث خونین 24 دی ماه روستای خانقاه سرخ (قیزیل خانیه) داشت از سمت خود عزل و به گفته برخی منابع موثق خبری به همراه یکی از فرماندهان یگان ضد شورش با تشکیل پرونده قضایی توییح شده است. روز گذشته جلسه ای طویل المدت نیز مرکب از مسئولین قضایی و امنیتی و انتظامی منطقه در محل دادگاه نشین شهر (کارخانه قند) تشکیل و به بررسی حوادث پرداخت که از نتایج آن خبری حاصل نگردیده ولی گفته می شود عزل و توییح فرماندهان نیروی انتظامی منطقه به دستور این مقامات بوده است.

لازم به یادآوری می باشد کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان در بیانیه های خود به معرفی عاملین این حادثه پرداخته و خواستار برخورد جدی با این افراد و اطلاع رسانی کافی شده و از امام جمعه و نمایندگان مجلس اورمیه درخواست کرده بود که برای جلوگیری از تکرار این گونه حوادث و ریشه کنی فعالیت های تروریسم کرد در منطقه که نتیجه سیاست های پیدا و پنهان شوونیسم فارس علیه ملت آذربایجان است تلاش بیشتری از خود نشان دهند.

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان

1387/11/1

## احکام سنگین زندان، تبعید و شلاق برای ۲۱ نفر از تورکهای سنی قیزیل خانیه

برای ۲۵ نفر از کشاورزان سنی مذهب روستای قیزیل خنیه (خانقاه سرخ) در اورمیه که به خاطر اعتراض به تغییر مسیر آبهای زیرزمینی در این روستا بازداشت شده بودند حکم صادر شد. اتهام این افراد "اخلال در نظم عمومی" و "تمرد در مقابل مامورین دولتی" عنوان گردیده است. شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری نازلو به ریاست قاضی هیکللی طی حکمی سلیمان ابراهیمی، محمد صمدزاده، مرتضی جعفری، اللهوردی اصلانی، محمد مناف زاده، ایوب عزیز پور، اکبر رستمی، معراج علی پور، سعید جعفرپور، مجید قلی زاده و زیاد جعفرپور را به تحمل دو سال حبس تعزیری و یکسال تبعید به شهرستان میناب و تحمل ۷۴ ضربه شلاق تعزیری و بهروز مجیدی را به تحمل یک سال حبس تعزیری و یکسال تبعید به شهرستان میناب و تحمل ۷۴ ضربه شلاق و بازاد نظامی افشار، مقداد نظامی افشار و محمد اشرفی را به تحمل شش ماه و دو روز حبس تعزیری محکوم کرد

دادگاه همچنین حیدر علی علیپور، حسین وهاب زاده، سلیمان احمدی، حبیب الله احمدی و محمد جعفری را به پرداخت سیصد هزار تومان جزای نقدی و حجت مکرم را به پرداخت دویست هزار تومان جزای نقدی محکوم نمود. در جریان دادگاه فوق مهدی اسمعیلی، اصغر قرا حاجیلو، بهزاد یعقوب زاده و جعفری نیز از اتهامات وارده تبرئه شدند.

روز ۲۴ دیماه ۱۳۸۷ صدها تن از کشاورزان روستای قیزیل خنیه به با هدف جلوگیری از تغییر مسیر منابع آب زیرزمینی روستایشان - برای مصارف صنعتی - تجمع صلح آمیزی در جاده اورمیه - سلماس به پا کردند که با حمله دهها مأمور نیروی انتظامی و شلیک سلاح گرم و گاز اشک آور روبرو شدند. در این حادثه بیش از ۳۰ تن بازداشت شده بودند که طی ۱۰ روز پس از بازجویی تحت شکنجه شدید به تدریج و با قرار وثیقه آزاد گشتند. برخی از بازدید شدگان زخمی بودند ولی امکانات درمانی برای آنان در ساعات اولیه فراهم نشده بود. آنان ۵ و یا ۶ ساعت دیرتر و به علت خونریزی به بیمارستان منتقل شده بودند. روستای قیزیل خنیه از توابع بخش نازلو ارومیه بوده و نزدیک به ۲۰۰۰ نفر جمعیت دارد. اهالی این روستا عمدتاً از ترکهای سنی مذهب می باشند که مردم منطقه آنها را «کوره سوننی» یا «سوننی تورک» می خوانند.

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی آذربایجان در ایران، ((آداب)) در بیانیه ای که اول فوریه ۲۰۰۹ منتشر کرد، چنین آورده است: «تبعیضهای مذهبی بر علیه ترکهای سنی مذهب به شکل جلوگیری از ایجاد مدارس دینی، محدودیت در ادامه تحصیلات عالی، عدم اجازه برای تشکیل سازمانها و انجمنهای غیر دولتی و همچنین ممانعت از رسیدن به سطوح بالا در جامعه، اعمال می شود. دولت ایران با تغییر مسیر منابع آبی

دولت خیالی و پرچم نامشروع شمالشرق عراق را در منازل خود آویخته اند، واگذار نمایند.

روستاهای آنها موجب کم آبی در روستاها شده و در نتیجه مشکلات اقتصادی برای آنها فراهم می کند.»

## تکاب آبتن ناآرامی

یک تصمیم مغرضانه و ناشیانه این منطقه تاریخی را در آستانه یک بحران فرهنگی قرار داده است. تصمیم شورای شهر تکاب برای نصب تندیس یک شاعر کرد زبان عراقی الاصل در یکی از میدانی این شهر رفته رفته در حال تبدیل شدن به یک بحران فرهنگی - امنیتی است. به گزارش آینانویز از تکاب، با گذشت چند روز از ساخت پایه های مجسمه مولوی کرد عراقی، شاعر کردزبان اهل کشور عراق که چند سال زندگی اش در شهرهای کردنشین کشور باعث تصمیم اعضای شورای شهر تکاب برای نامگذاری یک میدان و نصب مجسمه عظیم الجثه وی شده ناراضیاتی هایی را بین گروههای مختلف مردمی این شهر باعث شده است. این مجسمه در حال حاضر بعد از ساخت در خارج از تکاب، وارد شهر شده و قرار است بعد از چند روز در میدانی موسوم به وی نصب و رونمایی شود. علی رغم تلاش واهی مقامات و برخی مسئولین تفرقه افکن برای دست و پا کردن شناسنامه ای ایرانی و شیعی برای این احتمالاً شاعر گمنام، هیچ سندیتی از این ادعاها و تأثیری که وی در ادبیات و فرهنگ ایران بر جای گذاشته موجود نیست.

شنیده ها حاکی است برخی گروههای مغرض از هم اکنون در صدد اقدامات ضد فرهنگی برای حداکثر سوء استفاده از نصب و نامگذاری میدان مولوی کرد میباشند.

طی چند روز گذشته بسیاری از مردم و دلسوزان محلی نسبت به احتمال بروز فاجعه ای فرهنگی در این شهر تاریخی به مقامات مسئول هشدار داده اند.

اهالی تکاب دولتی، فرماندار و رنجبر شهردار شهر را مسئول مستقیم بروز هرگونه رویداد غیرمتعارف و رویارویی قومی در منطقه می دانند.

بر پایه گزارشهای رسیده به آینانویز تعداد زیادی از مردم تکاب در صدد امضاء طوماری اعتراض آمیز برای جلوگیری از شرایط بحرانی احتمالی بعد از نصب این تندیس میباشند.

برخی فعالین فرهنگی آذربایجان ضمن تقبیح این حرکت موهوم، توجه به شعرای دیگر عراقی از جمله فضولی ترکی سرا و نصب تندیس وی را در یکی دیگر از میدانی شهر خواستار شده اند.

ذوق، دستپاچه گی و بیگانه پرستی برخی «نامسولین» فرهنگی در چنین اقداماتی در حالی است که بسیاری از شعرا و مفاخر ایرانی هنوز از داشتن یک خیابان به نامشان در مملکت خودشان محرومند و هنرمندان کشور

## توطئه مافیای اقتصادی سیاسی تروریسم کرد در سولدوز

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان - واحد خبر - سه شنبه، 14 آبان 1387 - بنا به اخبار دریافتی شاخه سولدوز کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان، در ادامه اجرای اصل 44 قانون اساسی کارخانه قند نقره در حال فروش و واگذاری به بخش خصوصی است. مهمترین مشتری و خریدار این کارخانه فردی از اقلیت مهاجر کرد منطقه بنام "قریشی" می باشد که با توجه به روابط بسیار نزدیک و مشکوکی که در بین مسئولان منطقه ایی و رئیس "لر" کارخانه آذر قند نقره دارد و بواسطه برخی کارمندان این کارخانه از جمله افراد نفوذی وی در بخش مدیریت و حسابداری که از اقلیت مهاجر کرد منطقه هستند، قول مساعد برای واگذاری کارخانه قند نقره به نامبرده داده شده است. "قریشی" که از اهالی شهر "خان" (پیرانشهر) می باشد، در جریان حوادث اوایل انقلاب 57 و حمله اکراد تروریست به سولدوز در بهار 1358 که به شکست مفتضحانه اکراد زیاده خواه و طمع کار انجامید در ادامه کشتار و قتل عام مردم تورک غرب آذربایجان توسط اکراد، شهر تورک نشین خان با تغییر محسوسی در ترکیب جمعیتی مواجه شد و هزاران خانواده بومی تورک مجبور به کوچ از این شهر آذربایجان شدند، خانواده قریشی از جمله غارتگران و قتل عام کنندگان مردم تورک "خان" بودند و اکنون نیز ارتباطات نزدیک ایشان با احزاب تروریستی پ.ک.ک، پژاک برای استفاده از این تروریستها در امر قاچاق زبانزد مردم منطقه است و ثروتهای این خانواده از راههای نامشروع همچون انواع قاچاق بدست آمده است که اجمله نفرات مهم مافیای اقتصادی - سیاسی تروریسم کرد در غرب آذربایجان هستند که قصد اشغال آرام و نرم اراضی غربی آذربایجان را در سر می پروراند

شایان ذکر است "قریشی" با چراغ سبز برخی مسئولان ناآگاه و یا مغرض استان آذربایجانغربی توانست در سال جاری کارخانه "خوراک و دام" "سویوق بولاق" (مهاباد) را با قیمتی بسیار نازل خریداری نماید.

در اینجا لازم به ذکر است که کارخانه قند نقره تنها واحد صنعتی دشت بزرگ سولدوز است که بعد از 20 سال از کلنگ زنی آن پس از کش و قوسهای فراوان بالاخره در دوره ریاست جمهوری خاتمی به بهره برداری رسید، حال مسئولان قصد دارند تنها دستاورد صنعتی دولت در سولدوز را به چپاولگران و تجاوزکاران دیروز که رودرروی جمهوری اسلامی ایستاده بودند و اکنون نیز با پشتگرمی به آمریکا هر روز جوانان و سربازان و افسران را در نقاط مرزی به شهادت می رسانند و نقشه های

در ساخت و نصب تندیس شعرایی چون مولوی و نظامی و شهریار غالباً با مشکل مواجه می شوند.

جالب توجه است که بزرگترین تندیس از بزرگترین شاعر کلاسیک معاصر (شهریار) توسط جمهوری خودمختار نخجوان در میدان اصلی پلدشت نصب شده و هیچ نشان و مجسمه ای از مولوی، بزرگترین عارف و شاعر تمام تاریخ (به اذعان شعرا و عرفای غرب و شرق) در کشور موجود نیست. همچنین بنیانگذار و شهید اول نظام مردمسالاری و استقرار حکومت مشروطه در دل استبداد، ستار قراچه داغی، در ایران و حتی شهرهای آذربایجان بعنوان زادگاهش، فاقد تندیس است و با وجود چنین جفاهایی به فرهنگ و تاریخ کشور هويت سازی و مجسمه سازی برای کسی که هیچ خاطره ای از وی در متون ادبی و تاریخی این مملکت نیست جالب توجه است.

بیوگرافی مولوی کرد عراقی:

(اسم او (سید عبد الرحیم) فرزند (ملا سعید) و از نوادگان (ملا یوسف جان) فرزند (ملا ابوبکر مصنفی چوری) است که برمی گردد به زاهد نامدار (سید محمد زاهد) که به (پیر خدر شاهو) معروف است. تخلص شعری وی (معدومی) که در میان مردم و ادیبان به (مولوی) معروف است. مولوی در سال ۱۲۲۱ هجری در روستای (سرشاته) از توابع (تاوجوز) - بخش عراق - در خانواده ای متدین و با تقوا به دنیا آمد و در همان اوان کودکی خانه پدریش به روستای (بیزاوه) در نزدیکی (حلبچه) منتقل می شود و در همان جا قرآن کریم را ختم کرد و کتاب های فارسی و صرف و نحو عربی را در سطح پایین به اتمام رساند. سپس بر اساس عادت مرسوم میان جویندگان دانش دینی به (پاوه) از توابع (هورامان لهون) سفر کرده و بعد از مدتی به روستای (چور) واقع در (مریوان) و از آنجا نیز برای (سنندج) و در مسجد (وزیر) مستقر شد. بعد از مدتی به شهر (بانه) رفت و از آنجا نیز به (سلیمانیه) و در مسجدی معروف به (مزرگه و ته گه وره) اقامت گزید که در آنزمان هنوز جناب (شیخ معروفی نودی) در آنجا مشغول به تدریس بوده است دوباره به (حلبچه) برگشته و در (مسجد جامع) آن شهر نزد (ملا صادق تویله ای) که یکی از شاگردان (ملا عبد الله خه ربانی) بوده به کسب علمش ادامه می دهد، بعد از مدتی دیگر به (جوانرود) رفته و از محضر (ملا محمد قاضی) مستفیض گردیده، از آنجا دوباره در دوران (رضا قلی خانوالی) به (سنندج) برگشته و در مسجد (دارالاحسان) برای مدتی بیشتر از دوره پیش در آنجا می ماند. در نهایت به زادگاه خود (سه رشاته) بر میگردد و تا آخر عمر در آنجا میماند))

### امام جمعه تکاب (تیکان تپه) یا وکیل مدافع اکراد

آیدین تیکان تپه لی - امروزه در مملکت ما امام جمعه شهر یکی از قطبهای قدرتمند تصمیم گیری آن شهر محسوب میشود. امام جمعه هم

به لحاظ جایگاه و اختیاراتش و هم بواسطه نفوذی که در میان اقشار مذهبی جامعه ما دارد می تواند این قدرت را اعمال نماید، بنابراین در اجرای تصمیمات مهم شهری جلب رضایت امام جمعه آن شهر لازم و ضروری است، البته اعمال قدرت امام جمعه یک شهر شیعه نشین حداقل در ظاهر امر در جهت تامین منافع شیعیان و دفاع از ارزشهای جهان تشیع صورت میگیرد اما امام جمعه تیکان تپه گویی رسالت خود را فراموش کرده و به وکیل مدافع اکراد مهاجر تبدیل شده است، طوریکه حمایتهای بی مورد ایشان از اکراد و میدان دادن بیش از حد به آنها موجبات گستاخی اکراد را فراهم نموده و شهر را در معرض چالشهای جدی قرار داده است. در ذیل به چند نمونه از عملکردهای اشتباه امام جمعه تیکان تپه (حاج آقا مرادی) در قبال اکراد اشاره میشود.

1- هفته وحدت به یکی از میادین امتیاز دهی مسولان تیکان تپه به اکراد و سوء استفاده آنها از مسولان بی خیال تیکان تپه بدل شده و در سالهای اخیر جنجال های زیادی برانگیخته است. طوریکه در سال 86 کرد ها به بهانه هفته وحدت پیشنهاد مینمایند که به تمامی مساجد تیکان تپه چند جلد قرآن کریم با ترجمه کردی اهدا شود که این پیشنهاد با مخالفت شدید برخی مسولان آگاه این شهر روبرو میشود، اما امام جمعه مخالفان را مجبور مینماید تا از مواضع خود عقب نشینی کرده و خواسته اکراد را عملی نمایند که این عقب نشینی به گستاخ تر شدن بیشتر اکراد منجر میشود.

2- در سال 87 مقرر میشود که همزمان با عید غدیر خم هر روز یکی از مساجد تیکان تپه برنامه هایی در ارتباط با آشنایی با سجایای اخلاقی حضرت علی (ع) و جانشینی وی به جای پیامبر اکرم (ص) برگزار گردد. این طرح طبق برنامه هر روز در یکی از مساجد تیکان تپه برگزار میگردد اما روزیکه قرار بود این برنامه در مساجد اکراد برگزار گردد، کردها خود سرانه و به صورت یکطرفه برنامه را لغو میکنند و هنگامیکه مسولان جهت اجرای برنامه در محل حاضر می شوند با درهای بسته مسجد روبرو می شوند که این امر خشم مقامات و مردم شهر را بر میانگیزد که باز هم با میانجیگری امام جمعه قضیه ختم میشود بدون اینکه برنامه در مسجد اکراد برگزار گردد.

3- در ماه محرم سال 87 در مدرسه راهنمایی روستای قینرجه معلم کرد این روستا به نام عباس نقدی، عزاداری شیعیان در ماه محرم و اعتقادات آنها را سر کلاس درس به تمسخر می گیرد که با واکنش شدید دانش آموزان و اهالی روستا مواجه میشود. اهالی روستا به صورت دسته جمعی راهی اداره دادگستری شهر شده و مجازات فرد مذکور را خواستار میشوند. در نهایت این معلم کرد در آستانه اخراج از اداره آموزش و پرورش قرار میگیرد، اما باز هم وساطت حاج آقا مرادی مانع از تنبیه و اخراج فرد مذکور میشود، در حالیکه حداقل در این مورد امام

تمامیت ارضی خاک مقدس آذربایجان را در معرض تهدید قرار داده است؟ آیا امام جمعه شیعیان چه چیزی را در میان اکراد می جوید که اینگونه سعی میکند دل این مهاجران زیاده خواه را به دست آورد؟ در واقع شاه کلید ماجرا در همین نکته نهفته است. اخیراً زمزمه هایی مبنی بر کاندیدا شدن حاج آقا مرادی در انتخابات مجلس شورای اسلامی به گوش میرسد و امام جمعه که مورد حمایت جهانبخش محبی نیا (نماینده مادام العمر تیکان تپه، ساین قالا و قوشا چای) قرار دارد با این خوش خدمتیا خواهان جذب آرا اکراد می باشد و همانگونه که کارنامه ی وی نشان میدهد در این راه حاضر به هرگونه امتیاز دهی به اکراد زیاده خواه میباشد حتی اگر این امتیازها به ضرر منافع شیعیان و خیانت به هویت و تمامیت ارضی خاک مقدس آذربایجان باشد.

### حکومت کرد عراق مانعی برای نابودی پ.ک.ک است

ترندنیز: حکومت کرد شمال عراق و مقامات کرد عضو حکومت عراق چندان علاقه مند به همکاری با ترکیه برای مبارزه با سازمان تروریستی "پ-ک-ک" نیستند. فکرت ارتان کارشناس معروف ترک در گفتگوی تلفنی با خبرگزاری ترندنیز بیان کرد: "مسعود بارزانی رهبر کردهای عراق و جلال طالبانی رئیس جمهور کردتبار این کشور خود را پیروان آرمان کردستان می بینند". از آنجا که سازمان تروریستی "پ-ک-ک" نیز به این آرمان خدمت می کند، مبارزه آنها با "پ-ک-ک" "اطمینان بخش نیست. به گزارش روز 7 اکتبر خبرگزاری "بولتن جهانی" ترکیه، جلال طالبانی رئیس جمهور عراق و مسعود بارزانی رهبر کردهای شمال این کشور با مذاکره حملات چند روز پیش سازمان تروریستی "پ-ک-ک" که منجر به شهادت 17 سرباز ترکیه شد، این حملات را محکوم کردند. مقام رسمی حکومت منطقه ای شمال عراق اعلام کرد، هیچگونه کمکی به سازمان "پ-ک-ک" "ارایه نمی شود. از سالهای 1980 گرایشات تجزیه طلبی بین کردهای مقیم شمال عراق و منطقه جنوب شرقی ترکیه افزایش پیدا کرد. از طرف رژیم صدام فشارهای شدیدی بر گرایشات تجزیه طلبی کردهای عراق اعمال می شد. بر اثر شلیک بمبهای شیمیایی به حلبچه منطقه کردنشین عراق توسط هواپیماهای نظامی این کشور در تاریخ 16 مارس 1988 بیش از 5 هزار نفر از غیر نظامیان کشته شدند. پیدایش گرایشات جدایی خواهانه کردها در ترکیه نیز، در چهره سازمان تروریستی "پ-ک-ک" که با پشتیبانی اتحاد شوروی سابق تحت نام "حزب کارگران کرد" تأسیس گردیده بود، نمایان شد. حزب "پ-ک-ک" با استقرار در کوهستانهای شمال عراق هم مرز با ترکیه، از سال 1980 بکرات علیه

جمعه می بایستی جهت ممانعت از تکرار چنین اعمال قبیحی قاطع تر از دیگران عمل مینمود.

4- در اسفند ماه سال 87 هفته وحدت دیگری از راه میرسد و این بار امام جمعه تیکان تپه، ماموستا ادبی (امام جمعه اکراد) را به مسجد جامع تیکان تپه فرا خوانده و برای اولین بار در تاریخ این شهر تریبون مسجد جامع شیعیان را در اختیار وی قرار میدهند. ماموستا ادبی نیز با گستاخی هر چه تمامتر شیعیان را اقلیتی کوچک در جهان اسلام میشمارند و اضافه مینماید که اکثر مصائب جهان اسلام از تفکرات آنها ناشی میشود. عمل هر دو امام جمعه، حاضرین در مسجد را به شدت عصبانی میکند و تعدادی از حاضرین به نشانه اعتراض مسجد را ترک می نمایند.

5- در حالی که هنوز مردم تیکان تپه از غم این جسارت ها خلاصی نیافته اند خبر "تصمیم مسولین برای نصب مجسمه مولوی کرد عراقی در تیکان تپه" داغ آنها را تازه تر کرده و این خبر همچون بمبی شهر را به لرزه در می آورد.

مردم خشمگین از هر قشری به نشانه اعتراض راهی دفتر امام جمعه می شوند اما حاج آقا مرادی ابتدا این شاعر کرد عراقی را شیعه و اهل سنجع معرفی میکند ولی وقتیکه معلوم میشود این شاعر از کرد های سنی عراقی می باشد اینبار امام جمعه مردم را چنین توجیه میکند که اکنون دیگر مجسمه ساخته شده و پول آن نیز پرداخت شده و آماده نصب شدن است اگر قبل از ساخته شدن مجسمه ما متوجه این امر می شدیم از این کار جلوگیری میکردیم ولی اکنون از من کاری ساخته نیست. در واقع امام جمعه از بدو امر از این ماجرای شوم آگاه بوده ولی اعتراض هم نکرده اند و اکنون هم هیچ میلی ندارند که از این کار جلوگیری نمایند. مردم که از امام جمعه خود نا امید شده بودند اعتراضات خود را به گونه های دیگر بیان داشتند.

پوشش خبری سایت های آذربایجان، ارسال دهها هزار اس ام اس و پخش هزاران نسخه مقاله در این زمینه، قضیه ی نصب مجسمه مولوی کرد را به گفتمان عمومی مردم شهر بدل کرده و موج اعتراضات شدید و شدید تر شد. تا اینکه امام جمعه و دیگر مسولان شهر را مجبور کرد که فعلاً اجرای این پروژه را با تاخیر بیاندازند تا خشم مردم فرو کش نماید (البته ایوب افشاری نژاد و جلال علوی دو تن از اعضای وطن فروش و بی غیرت شورای شهر نیز در این مورد به خصوص از مقصرین اصلی محسوب می شوند که با سکوت خود نصب این مجسمه را در خاک مقدس آذربایجان را تایید کرده اند).

در هر حال سوال این است که چرا امام جمعه تیکان تپه در مقام وکیل مدافع اکراد بر آمده و در هر غائله و ماجرای طرف کرد ها را میگیرد؟ چرا امام جمعه شیعیان تیکان تپه به منافع و اعتقادات شیعیان زده و با سکوت خود در قبال نصب این مجسمه در شهر تیکان تپه، هویت و

## آخرین خبرها از وضعیت گروه تروریستی پ.ک.ک در پی فشارهای ترکیه

یوروپل (پلیس اروپا) با انتشار گزارشی اعلام کرد که حزب کارگران کردستان ترکیه (پ.ک.ک) به دنبال جلب حمایت حامیان مالی در کشورهای اروپایی است به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از روزنامه زمان، یوروپل در گزارش خود اعلام کرده که گروه تروریستی پ.ک.ک با پرداختن به فعالیتهای تبلیغاتی، برپائی گردهمایی های فرهنگی و سایر اقدامات در شهرهای اروپایی به دنبال آن است تا حمایت مالی برای خود بدست بیاورد در همین رابطه پلیس ترکیه جستجوی گسترده ای را در داخل کشور برای شناسایی و بازداشت اعضای پ.ک.ک آغاز کرده که فقط در یک هفته اخیر بیش از یکصد نفر در این ارتباط بازداشت شده اند براساس این گزارش 53 نفر در دیاربکر، 27 نفر در ازمیر، 14 نفر در باتمان، هشت نفر در آنکارا و چهار نفر در استانبول بازداشت شده اند. در میان بازداشت شدگان "خلیل آکسوی" رهبر حزب جامعه دموکراتیک کردها نیز دیده می شود.

حزب تروریستی کارگران کردستان موسوم به پ.ک.ک از سال 1984 میلادی اقدامات خود را علیه آنکارا آغاز کرده و در جریان فعالیتهای تروریستی این گروه شورش تاکنون بیش از 38 هزار نفر کشته شده اند. حزب کارگران کردستان از سوی آمریکا، اتحادیه اروپا و دولت ترکیه به عنوان یک گروه تروریستی شناخته شده است. ارتش ترکیه اعلام کرد ارتش ترکیه کشته شدن 696 عضو پی.ک.ک.ا در سال 2008 با تداوم تشنها بین ترکیه و پ.ک.ک، آنکارا از کشته شدن 696 عضو این گروه تروریستی و دستگیری 177 نفر دیگر در درگیریهای سال 2008 خبر داد.

به نقل از شینهوا، "متین گوارک" سخنگوی ارتش ترکیه در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت: 696 عضو پ.ک.ک در درگیریهای سال 2008 کشته و 177 عضو دیگر نیز دستگیر شده اند. وی همچنین از کشته شدن 171 نیروی امنیتی ترکیه در درگیریها با پ.ک.ک خبر داد. حزب تروریستی کارگران کردستان موسوم به پ.ک.ک از سال 1984 میلادی اقدامات خود را علیه آنکارا آغاز کرده و در جریان فعالیتهای تروریستی این گروه شورش تاکنون بیش از 37 هزار نفر کشته شده اند. حزب کارگران کردستان از سوی آمریکا، اتحادیه اروپا و دولت ترکیه به عنوان یک گروه تروریستی شناخته شده است

### اردوغان در اشاره به پ.ک.ک

#### هیچ برنامه ای برای عفو عمومی در ترکیه مطرح نیست

نخست وزیر ترکیه اعلام عفو عمومی به منظور پایان دادن به تشنها بین دولت و پ.ک.ک را در دستور کار دولت آنکارا ندانست.

غیرنظامیان و نیروهای نظامی در خاک ترکیه اقدامات تروریستی انجام دادند. عملیات نظامی نیروهای مسلح ترکیه در سال 1986 علیه سازمان پ.ک.ک در شمال عراق تا به امروز ادامه دارد. آخرین دخالت نظامی مستقیم زمینی نیروهای مسلح ترکیه علیه "پ-ک-ک" در شمال عراق آخرین بار در ماه فوریه سال 2008 انجام گرفت. پس از فروپاشی رژیم صدام، بارزانی رهبر حکومت منطقه ای کردها که در شمال عراق تأسیس شد، و نیز طالبانی رئیس جمهور عراق با برگزاری عملیاتهای نظامی ترکیه علیه "پ-ک-ک" مخالفت ورزیدند. ولی رهبران کرد با مشاهده عزم راسخ ترکیه در مبارزه با "پ-ک-ک"، بیاناتی مبنی بر محکومیت اقدامات تروریستی "پ-ک-ک" صادر کردند. ارتان تحلیگر ترک معتقد به جدی نبودن بیانات رهبر کردها در مورد PKK است. وی گفت: "اگر این گروه در شمال عراق پناهگاهی نداشته و از حمایتهای تسلیحاتی برخوردار نباشد، نمی تواند حملاتی را به ترکیه سازماندهی کند". لویه باحری تحلیگر مستقل آمریکایی بر این اعتقاد است که حکومت کرد شمال عراق و دولت عراق در مبارزه با PKK ناتوان هستند. باحری روز پنجشنبه در تماس تلفنی با خبرگزاری «ترندنوز» گفت:

"حکومت کرد شمال عراق و دولت عراق در مبارزه با گروه PKK برای کمک به ترکیه ناتوان است". به اعتقاد وی یکی از دلایل عدم واکنش مقامات عراقی در مقابل گروه PKK موضع مقامات کرد عضو دولت این کشور است. احمد تقی رئیس مرکز تحقیقات راهبردی شهر کرکوک بر این اعتقاد است که عدم مبارزه لازم دولت عراق در مقابل PKK مانع تراشی مقامات کرد دولت این کشور است. روز پنجشنبه تقی در مصاحبه با خبرگزاری «ترندنوز» گفت: "برای حل مشکل فوق تنها راه حل بغداد دادن اجازه به ترکیه برای کنترل شمال عراق است". تاکنون دولت ترکیه در مبارزه با PKK همزمان با اقدامات نظامی به راهکاری غیر نظامی نیز دست یازیده است. نیروهای امنیتی ترکیه بدنیا سالها تعقیب، سرانجام توانستند عبدالله اوجالان رهبر PKK را در سال 1999 دستگیر کنند. هرچند با دستگیری اوجالان از دامنه فعالیت این گروه کاسته شد اما حملات تروریستی PKK بر علیه مواضع ترکیه همچنان ادامه دارد. در اثر حملات تروریستی این گروه تاکنون حدود 30 هزار نفر شهروند غیر نظامی در این کشور کشته شدند.

بدون همکاری گروههای کرد در شمال عراق نابودی کامل گروه PKK و جلوگیری از ادامه حملات نظامی بر علیه ترکیه بعید به نظر می رسد. ارتال در پایان گفت: "باید کردهای شمال عراق امنیت در این منطقه را تامین و جلو حملات گروه PKK به ترکیه را بگیرد".



جمهوری اسلامی برای راندن ملت تورک از سرزمین مادریشان دست به هر کاری می زند.

در این رابطه لابی شوینیسیم فارس ایران به اشغالگری اکراد در مناطق غرب آذربایجان یاری رسانده و حامی اصلی اکراد در کشورگشایی آنان می باشد. عقد قراردادهای متفاوت با گروهکهای تروریستی کرد با عنوان کمک رسانی به مردم مسلمان شمال عراق در حالیکه تورکهای کرکوک از این قاعده مستثنی می باشد و این کمکها فقط گروهکهای تروریستی کرد را شامل می شود.

نکته قبل توجه اینکه از زمان ریاست جمهوری احمدی نژاد جریان مذکور روند صعودی به خود گرفته است.

سخنان قربانی استاندار آذربایجان غربی با برنامه گنجه لر در شبکه استانی آذربایجان غربی، روز سه شنبه اول اردیبهشت 1388 در ساعت 21:30 مهر تأییدی بود بر گفته هایمان.

قربانی در بخشی از مصاحبه خود در ارتباط با کردستان عراق چنین اظهار داشت: کردها اصیل ترین ایرانی ها هستند و در هر کجای دنیا هم که باشند باید مورد حمایت قرار گیرند و من علاقه خاصی به ارتباط با آنها دارم و سالانه چندین بار برای کمک رسانی به کردستان عراق سفر می کنم. وی افزود: در اردیبهشت سفر دیگری به کردستان عراق خواهم نمود و هیچگونه کمکی از آنان دریغ نمی شود. همچنین ما برای ارتباط با اروپا و جهان پل ارتباطی با کشور دوست و برادر ارمنستان زده ایم تا از آنجا با اروپا ارتباط برقرار کنیم و جاده ابریشم دومی از مرز تمرچین کردستان عراق به پیرانشهر (خان) و نقه و از آنجا به ارمنستان زده ایم.

حال این پرسش پیش می آید که آیا ملت تورک در تورکیه، کرکوک عراق و تورکان شیعه ی آذربایجان و نخجوان که برخلاف اکراد عراق روزی از ممالک محصوره بوده است چرا مورد حمایت حاکمیت ایران قرار نمی گیرد و برخلاف آن، دشمنان ملت تورک در هر کجای جهان، دوستان ایران بوده و آنان ایرانی اصیل می باشند و باید مورد حمایت خاص جمهوری اسلامی ایران قرار گیرند؟

## ترور تشکیلاتی پ.ک.ک نین مالییه

### قایناغی آشکارلاندی

تبریز سسی: تورکیه نین میلی تهلوکه سیزلیک نازیرلیگی (میت) اوزونمودتلی آختاریشیلاردان سونرا پ.ک.ک ترور تشکیلاتی نین اروپاداکلی مالییه قایناغینی آشکارا چیخاریب. قارداش اولکه نین "صباح" قزتی نین یازدیغی معلوماتا گوره، ترور تشکیلاتی سیلاح- سوراتلا آلمان-دا فعالیت گؤسترن بین الخالق کورد ایش آداملاری و

رجب طیب اردوغان در گفتگو با تلویزیون ان تی وی گفت: هیچ طرحی برای انجام عفو عمومی جدایی طلبان کرد در دستور کار دولت ترکیه قرار ندارد.

اوایل این ماه جلال طالبانی رئیس جمهور کرد عراق از تروریستهای کرد ترکیه خواست سلاح ها را کنار بگذارند و در عوض از عفو عمومی آنکارا برخوردار شوند. در سال گذشته میلادی 696 عضو پ.ک.ک در نبرد با نیروهای امنیتی ترکیه کشته شدند. حزب تروریستی پ.ک.ک از سال 1984 میلادی اقدامات خود را علیه آنکارا آغاز کرده و در جریان فعالیتهای تروریستی این گروه شورش تانگون بیش از 38 هزار نفر کشته شده اند.

## دستگیری متهمان به همکاری با پ.ک.ک

گفته می شود که مظنونین به اتهام سرکردگی سازمان تروریستی پ.ک.ک و عضویت در سازمانی غیر قانونی، بازداشت شده اند. عملیات علیه عناصر سازمان تروریستی پی.کا.کا. در شهرهای ترکیه در حال گسترش است. این بار، علاوه بر شهرهای بزرگی چون آنکارا، استانبول و ازمیر، در شهرهایی چون آدی یامان، باتمان، وان و بیتلیس نیز عملیات ضد تروریستی انجام می گیرد. در این راستا، بیش از 100 مظنون، که رئیس شعبه مرکزی حزب جامعه دموکرات در استانبول نیز در بین آنها می باشد، بازداشت شدند. 51 نفر از 53 نفری که در آغاز هفته دستگیر شده بودند، متعاقب تصمیم دادگاه بازداشت شدند. در بین بازداشت شدگان 3 معاون رهبر حزب جامعه دموکرات (DTP) نیز وجود دارد. گفته می شود که مظنونین به اتهام سرکردگی سازمان تروریستی پی.کا.کا و عضویت در سازمانی غیر قانونی، بازداشت شده اند. در این میان، 5 تن از 9 نفری که در شهرستان گوراویماق در استان بیتلیس، به اتهام سردادن شعارهای غیر قانونی و تبلیغ سازمان تروریستی پ.ک.ک دستگیر شده بودند، به حکم دادگاه بازداشت شدند. قایناق: خبرگزاری مهر سایت خبری رادیو تلویزیون دولتی ترکیه (تی آر تی)

## غرب آذربایجان پل ارتباطی گروهکهای تروریستی کرد

### با دانشکاهای ارمنی می شود

سولدوز خبر ۱۳۸۸: www.sulduz.tk سیاست آشکار تورک ستیزی حاکمیت منجر به اتحاد آنان با دشمنان ایران و ایجاد همبستگی شان شده است حتی اگر سالها مابین آنان محاربه صورت گرفته و هزاران نفر از جوانان این سرزمین را شهید نموده باشند. این جریان در مناطق تورک نشین غرب آذربایجان شدت بیشتری به خود گرفته است و

تکلیف راپورونو آراشدیردیقلارینی بو مرحله ده راپور مؤوضوعسوندا چوخ آچیقلاما انده بیلیمه جگینی ایفاده ائتدی. ایکی لیدئر اؤنوموزده کی آی سونوندا کنچیریلمه سی اولاسی سئچکی لر اوچون اورتاق ایتیفاق قوردوقلارینی، اؤزلرینه قارشی چیخان لیسته لرینده پارتیالارینی تاثیر ائتمه جگینی ایفاده ائتدی. سئچکی تبلیغاتی دؤورونده چوخ سایدا سیاسی چکشمه لرین اولایله جگینی سؤیله ین طالبانی، سئچکیله علاقه دار ایش لرین مدنی بیر شکیلده ایجرا اندیلمه سی چاغیریشیندا دا اولدو. کنچیریله جک سئچکی لرده قورولان اورتاق اولوشمانین آغیرلیغی نین اورتایا چیخاجاغینی ایفاده ائدن بارزانی، بو آغیرلیغی داشیماق اوچون لریندن گله نی انده جک لرینی سؤیله دی.

عیراق آنا یاساسیندا 2005ده قبول اندیلن 140. ماده سی، کرکوکون ایداره سی مؤوضوعسوندا کی آنلاشیلمازلیغین، رفراندوم داخیل بیر سئریال مرحله دن کنچیله رک حلال اندیلمه سینی اؤن گورونور. بیرلشمیش میلت لر، آنلاشیلمازلیغین حلی مؤوضوعسوندا عیراق رهبرلیگینه کئچن آی تقدیم ائتدیگی بیر راپوردادا، حله کؤمکچی اولاجاغینی اومید ائتدیگینی ایفاده ائتدیگی 4 سئجه نک تقدیم ائتمیش، آنجاق سئجه نک لرین نه اولدوغو ایجتیماعیته آچیقلامامیشدی.

## آروسیاک بازمانده خوی کیتابی

باتی آذربایجان میلی مودافیه کمیته سی - خبر بؤلومو-خوی: سون گونلرده "" آدلی بیر کیتاب ایران اسلامی رنسپوبلیکاسی نین مجوزی ایله یاینلانیب دیر بو تاریخی روماندا خویون کنچیمیش یوز ایل تاریخی حاقدا بالان و اویشدوروجو ادعالار مطرح اولوناراق خوی بیر اثرمنی شهری کیمی تانیلیب دیر بو کیتابین یازیچی سی "رزمری هاروطیان" هئچ بیر تاریخی فاکتا آرخالانما یاراق یانلیز اؤز بؤیوک آناسی نین خاطریره لرین بیر گرچک تاریخ کیمی بیلیب بؤیله بیر ادعالار مطرح ائدیب دیر کی یوز ایل اؤنجه خوی شهری بیر اثرمنی شهری اولاراق عوئمانلی دؤولتی نین اثرمنی لری سوی قیریم ائتمه سیاستی آردیندا خویون اثرمنی لری ده بو شهرده وحشی جه سینه سوی قیریم اولوبلار بو اوزده ن ایندیه اونلاردان بورالاردا هئچ بیر ایز یوخدور بو آنتی تورک کیتاب تورک لری بیرتیجی بیر میلت کیمی گؤسته ره رک چئشیدلی یؤنلردن اویدورما تاریخی سندلرین یارادیلما سینا ال آتیب آچیقجاسینا باتی آذربایجان توپراقلارین بؤیوک اثرمنستان توپراقلاری داخیلینده گؤسته ریر باتی آذربایجان میلی مودافیه کمیته سی نین خوی قولو راپورونا گوره بو کیتاب گئنیش بیر سویبه ده خوی شهرینده یاییلیب دیر.

ایشونلر بیرلیگی نین (کارساز) عضوو اولان شیرکتلرین الهه ائتدیگی گلیرله تامین اولونوب. قرئت یازیر کی، شیرکتلر اساسن آلمانین فرانکفورت و ایسننورق، هلند-ین روتنردام، بلژیکین پایتاختی بروکسل و فرانسه نین پایتختی پاریس شهرینده فعالیت گؤستریر. آنجاق پ.ک.ک-نین اروپاداکی فالیتی نین اساس حیصه سی نین آلماندا اولدوغو معلوم اولوب. بئله کی، مرکزی فرانکفورت شهرینده یئرلشن کارساز-آ عضوو اولان مین شیرکت وار. م.ی.ت-این معروضه سینده پ.ک.ک-نین مالییه قایناغینی تمین ائدن ۲۷۹ شیرکت گؤستریلیب کی، اونون دا ۱۴۷-سی آلماندا یئرلشیر. اونلاردان ۴۹-او فرانسادا، ۱۴-او ایسوئچره ده، ۱۳-او هلنددا، ۱۲-سی اینگیستان دا، ۱۰-او اطریشده، ۸-ای سوئدده، ۲-سی یوناندا، ۱-ای ایسه دانمارک، بلژیک و رومانیدیر. تورکیه ده ده بیری ایزمیر، دیگر ایسه دیاربکیرده اولماقلا ایکی کارساز عضوو اولان شیرکت وار. اؤزو ده کارساز-این عضوو اولان شیرکتلرین اکثریتی قیدا، اینشاعات و تئکستیل ساها سی اوزره فعالیت گؤستریر. کارساز ایل عرضینده پ.ک.ک-ک ترور تشکیلاتینا ۱ میلیون یورو گؤندیریر.

## جالال طالبانی: کرکوکو بازارلیق

### مؤوضوعو ائتمریک

اؤیرنجی: عیراق جمهور باشقانی جلال طالبانی، کرکوکون ایداره سی مؤوضوعسوندا بازارلیق ائتمه جک لرینی و اصلا کرکوکو باشقا بیر شئی اوچون وئرمه یه حاضر اولما یاجام سؤیله دی. عیراقین شیمالیندا کی کورد پارتیالاری نین اوست سویبه ایداره چی لری، بؤلگه ده یاشانان سون گلشمه لری اله آلماق اوزره سولئیمانیه یه باغلی دوکان قصبه سینده بیر آرایا گلدی. گرچکله شن گوروشمه لره عیراق کوردوستان وطن سئورلر بیرلیگی باشچیسی و عیراق جمهور باشقانی جلال طالبانی، عیراق کوردوستان دئموکرات پارتیاسی ایله بؤلگه باشچیسی معسود بارزانی و ایکی پارتیانین اوست سویبه یتکیلی لری قاتیلدی.

جیهان خبر آژانسی نین یاینلادیغی خبره گوره، ییغینجاقدان سونرا دوزه نله ن اورتاق مطبوعات کونفرانسیندا دانیشان عیراق جمهور باشقانی جلال طالبانی، بیرلشمیش میلت لر، کرکوکده رفراندومون بشش ایل مودتله تاخیره سالینماسینی ایستمه سینه قارشی اولدوقلارینی سؤیله دی. طالبانی بونلار سؤیله دی: "کرکوک رفراندومو ایله علاقه دار اولان 140. ماده آنا یاسا و قانونی بیر ماده دیر. هئچ کیم قانونو یا دا آنا یاسانی پوزوا بیلیمز.

اصلا کرکوکو باشقا بیر شئی اوچون وئرمه یه حاضر اولما یاجام. کرکوک ایله علاقه دار بیر بازارلیق اولما یاجاق" داها سونرا سؤز آلان معسود بارزانی ایسه بؤلگه سل رهبرلیک اولاراق تقدیم ائدیلم ب.م.ت

## آذربایجان توپراغی یام

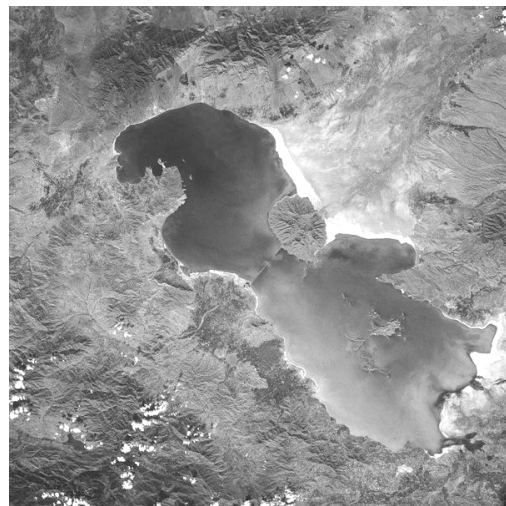
زلیم خان یعقوب

بو داغ منیم اؤز داغیم دیر  
من بو داغین بوداغی یام  
چمنینده کۆزه دؤنموش  
شؤعله لنمیش چیراغی یام.

بو داش منیم اؤز داشیمدیر  
اؤز تاریخیم اؤز یاشیمدیر  
قایا مغرور قارداشیمدیر  
اونون سسی سوراغی یام.

سئچمه لی یم توکدن، توکو  
آغیردیر چینیمین یوکو  
کؤکوم دده قورقود کؤکو  
قاراج اوغلان بولاغی یام.

دئمه سینلر گلدی - گئدر  
کنچیرمه رم عؤمور هدر  
اؤلنده ده قلییم قدر  
آذربایجان توپراغی یام.



## آذربایجان

استاد شهریار

کۆنولوم قوشو قاناد چالماز سنسبز بیر آن، آذربایجان،  
خوش گونلرین گنتمیر مودام خیالیمدان، آذربایجان.

سندن اوزاق دوشسم ده من عشقین ایله یاشاییرام،  
بارالانمیش قلبیم کیمی، قلبی ویران آذربایجان.

بوتون دونیا بیلیر سنین قودرتینله، دؤولتینله  
آباد اولوب، آزاد اولوب مولکی ایران، آذربایجان.

بیسوتونی اینقیلابدا، شیرین - وطن اوچون فرهاد  
کولونگک وورموش اؤز باشینا، زامان - زامان، آذربایجان.

وطن عشقی مکتبینه جان وئرمگی اؤیرنمیشیک،  
اوستادیمیز دئییب هئچدیر وطنسبز جان، آذربایجان.

قورتارماق چون ظالیملرین الیندن رئی شومشادینی،  
اؤز شومشادین باشدان - باشا اولوب آل قان، آذربایجان

یارب، ندیر بیر بو قدر اورکلری قان ائتمگین،  
قولوباغلی قالاجاقدیر نه واختاجان آذربایجان؟

ایگیدلرین ایران اوچون شهید اولوب، عوضینه  
درد آلمیسان، غم آلمیسان سن ایراندان، آذربایجان.

اؤولادلارین نه واختا دک ترکی - وطن اولاجاقدیر؟  
ال - اله وئر، عیصیان ائله، اوین، اوین، آذربایجان.

بسدی فراق اولداریندان کول الندی باشیمیزا،  
دور آباغا، یا آزاد اول، یا تامام یان، آذربایجان.

شهریارین اوربیده سنین کی تک یارالیدیر،  
آزادلیق دیر منه ملحم، سنه درمان، آذربایجان.